



# پاره‌تن

وقایع کردستان در سال‌های ۵۷ تا ۵۹

سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

سرشناسه	: هاشمی، سیدحسام، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور	: پاره تن: وقایع کردستان در سالهای ۵۷ تا ۵۹ / سیدحسام هاشمی؛ بررسی اولیه و نهایی ناصر آراسته؛ بررسی، آماده‌سازی، نشر نجاتعلی صادقی‌گویا؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص.: نقشه.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۹۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: هاشمی، سیدحسام، ۱۳۲۷-- خاطرات
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹-- کردستان -- خاطرات Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Kurdistan -- Personal narratives
	: سرداران -- ایران -- خاطرات Generals -- Iran -- Diaries
شناسه افزوده	: ایران. ارتش، هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۲۹
رده بندی دیویی	: ۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۰۰۴۸۴
اطلاعات رکورد	: فیپا
کتابشناسی	

## پارهٔ تن

### وقایع کردستان در سال‌های ۵۷ تا ۵۹

نویسنده: سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

بررسی، آماده‌سازی، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا

بازبینی: سرهنگ محمدصادق آهنگران

صفحه‌آرایی، طرح جلد: حامد خدمتی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۲

ناشر: انتشارات ایران سبز

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۹۲-۱

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۰۳۸۹۰۰۳۲۲ نامبر: ۰۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در جهان پهناور منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

"یک رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز چیزهایی به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام (ره) در اسفندماه ۱۳۶۷  
خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)  
صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حُسن برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یک‌یک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

## معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> و سایر عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ بیش از ۲۱۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۴۰۱ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی<sup>(ع)</sup> نزاجا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فارابی و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء<sup>(ص)</sup> به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۴۰۱، تعداد ۳۵۵۹۱ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۴۰۱، بیش از ۶۶۴ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور اجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نزاجا برگزار می‌گردید و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش اجا (جوادالائمه<sup>(ع)</sup> نزاجا، تفنگداران دریایی نداجا، باقرالعلوم<sup>(ع)</sup> نداجا، شهید خضرابی نهاجا و علی‌اکبر<sup>(ع)</sup> نپاجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان سال ۱۴۰۱، تعداد ۱۴۸۸۰ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۴۰۱، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۱۲۶۹۱ نفر دانشجو برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۴۰۱، بیش از ۶۸۶ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد عقیدتی سیاسی ارتش از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ برای تعداد ۱۵۷ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای استخدامیان ماده ۳۳ و ۵۲ قانون ارتش در سال ۱۴۰۱ برای تعداد ۳۴۰ نفر برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

دشمنان می‌خواهند ما تهنیه دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود و شخصیت‌هایی که  
در این فداکاری‌ها نقش آفریدند، آنها را نشناسیم یا از یاد ببریم، این جور می‌خواهند.  
مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)

برای مقابله با دشمنان با ایستی ما چه ارثی، چه سپاهی و چه بسیجی یه واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپهبد علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

## سخنی درباره این کتاب

کتابی که ملاحظه می‌گردد، سخن کوتاهی از وقایع کردستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۵۹ می‌باشد.

در این کتاب، ضمن بیان تاریخچه کوتاهی از جریانات احزاب و تشکیلات ضد انقلاب مسلح در کردستان، خاطرات امیر سرتیپ هاشمی از اردیبهشت ۵۹ تا روز ۱۶ مرداد ۵۹ که در عملیات پاکسازی جاده مریوان مجروح شد، به طور مشروح بیان می‌گردد. ضمناً اشاره‌ای به وقایع روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۵۹ نیز شده است.

خواننده نکته‌سنج متوجه می‌شود، سروان هاشمی و سرگرد صیاد شیرازی در آن روزگار، در یگان و موقعیت شغل سازمانی که بودند، ربطی به حضور در درگیری‌های کردستان نداشتند. هر کدام به عنوان یک افسر خوشنام خدمتی و انقلابی در یگان خود مشغول خدمت بودند و در صورت عدم حضور داوطلبانه در کردستان، لطمه‌ای هم به خوشنامی و موقعیت خدمتی آنان وارد نمی‌شد. سروان توپخانه سید حسام هاشمی در لشکر ۷۷ و سرگرد توپخانه صیاد شیرازی در مرکز توپخانه اصفهان، هر کدام عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین خدمتی و انقلابی با توجه به شرایط آن روز بودند.

ما درباره حواث کردستان از این نمونه‌های داوطلب که تمام موقعیت‌های خدمتی و زندگی خود را پشت سر گذارده و برای نجات کردستان و آذربایجان غربی در مناطق درگیری، توسط گروه‌های مسلح ضدانقلاب و نیز امنیت هم‌زمان در پادگان‌ها و مناطق دیگر که وارد درگیری‌ها شده‌اند، زیاد می‌توانیم نام ببریم، بخشی از این نمونه‌ها کم و بیش در این کتاب و کتاب‌های دیگر گفته شده است.

لازم است بانک اطلاعاتی شهدای آن زمان را در آن مناطق درگیر بازنگری کنیم تا اهمیت موضوع بهتر و بیشتر معلوم گردد. برای ما مشخص شود که هر کدام از آنان در چه درجه‌ای، چه یگانی، چه زمانی، چه مکانی و چه شرایطی در خون خود غلتیدند تا تمامیت ارضی کشور بزرگ و تاریخی ایران حفظ گردد. علاوه بر آنان، تعدادی هم به اسارت نیروهای دشمن تجزیه طلب در آمدند و بعد از مدتی بالأخره در همان زمان اسارت، آنان را به شهادت رساندند و یا با شرایط جانبازی روحی و جسمی و به شکل‌های متفاوت خلاص گردیدند.

ما اگر کشورمان را مانند یک بدن تعریف کنیم، هر نقطه از آن را پاره تن محسوب می‌کنیم و اگر نقطه‌ای از این بدن به خطر افتد، اجزاء تمام بدن، برای حفظ آن نقطه به تلاش می‌افتند. همچنان که می‌بینیم، در سرزمین کردستان، خوزستان و دیگر مناطق و بالأخره در هشت سال جنگ تحمیلی، خون فرزندان تمام جغرافیای این سرزمین در مناطق آلوده به دشمن ریخته شده است که نقطه و یا منطقه مورد نظر از وجود دشمن پاک گردد و مناطق تعریف شده آزاد گردد.

تاریخدانان این کشور به خوبی می‌دانند و مقالات و کتاب‌های مستند زیادی در این باره وجود دارد که از آذر سال ۱۳۲۴ تا آذر سال ۱۳۲۵ به واسطه آن که نیروهای شوروی بعد از جنگ جهانی دوم، بر خلاف بیانیه متفقین در کنفرانس تهران، شمال ایران را از خراسان تا مازندران و گیلان و آذربایجان تخلیه نکرده بودند، عده‌ای با تشکیلات حزبی و جداطلبی، آذربایجان و کردستان را با حمایت شوروی، از ایران جدا نموده بودند (استان آذربایجان آن زمان، شامل ۳ استان فعلی بود). بالأخره با اقدامات بین‌المللی و دیپلماسی، وقتی نیروهای شوروی نیروهای خود را خارج

کردند، سران جدایی طلب نیز به شوروی فرار کردند و یا دستگیر شدند و به این ترتیب آذربایجان و کردستان به مام میهن برگشت.

با چنین حافظه تاریخی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، با رهبری امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب، داوطلبانه و یا بنا به وظیفه سازمانی و یگانی و شغلی وارد صحنه‌های نبرد شدند و امکان پیروزی را برای جدایی طلبان از بین بردند.

از طرفی با چنین حافظه تاریخی، جدایی طلبان کردستان هم با احساس ضعف حکومت مرکزی در ابتدای پیروزی انقلاب، همان نقشه سال ۱۳۲۴ را در سر می‌پروراندند.

نیاز است فرزندان این سرزمین، وقایع تاریخی گذشته این کشور را حداقل در عصر حاضر بدانند و از هر کلام آن، برای ساخت آینده بهتر برای خود و کشور ایران بهره گیرند. دانستن، قدم اول است. دانایی است که توانایی را به وجود می‌آورد.

در بخش پایانی این کتاب، گزیده عناوین مطبوعات و نیز تصاویر بریده آنها را از فروردین ۱۳۵۸ تا پایان شهریور ۱۳۵۹، در پایان کتاب آورده ایم، تا خواننده اهل تحقیق، بیش از پیش متوجه حال و هوا و شرایط آن روز گردد و سر تعظیم در قدرشناسی از رزمندگان آن زمان فرود آورد.

امید است که در پیشگاه الهی و ارواح شهدا در روز قیامت رو سفید گردیم و توانسته باشیم تا حدودی تکلیف خود را در این زمان نسبت به فداکاری و ارزش‌های آن زمان انجام داده باشیم. شادی روح شهدای آن زمان و آن دیار را نیز همراه طلب شادی برای روح تمام شهدای عزیز الهی آرزومندیم. ان شاء الله

**هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی**

## معرفی نویسنده



سرتیب ستاد سیدحسام هاشمی در سال ۱۳۲۷ در شهر آمل به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آمل، در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری گردید و در سال ۱۳۴۹ با رسته توپخانه فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۴۹-۵۰، دوره مقدماتی توپخانه را در اصفهان طی نمود. پس از دوره مقدماتی، به لشکر ۷۷ پیاده مشهد منتقل شد و در شهرهای قوچان و مشهد در مشاغل معاون و فرمانده آتشبار خدمت نمود.

در سال ۱۳۵۷، به دوره عالی توپخانه در اصفهان اعزام شد و پس از طی دوره، به لشکر ۷۷ بازگشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در حفظ و نگهداری موجودیت و راه اندازی یگان های لشکر ۷۷، نقش تعیین کننده ای داشته است. فعالیت ها و مشاغل ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عبارتند از:

مأموریت داوطلبانه در کردستان و مجروحیت شدید در مقابله با ضدانقلاب، خدمت در اداره دوم ارتش، راه اندازی حفاظت اطلاعات نزاچا، طی دوره دافوس، رئیس بازرسی نزاچا، فرمانده قرارگاه عملیاتی شمالغرب نزاچا، فرمانده گروه ۳۳ توپخانه، وابسته نظامی ایران در کشور چین، جانشین اداره دوم ارتش، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، رئیس دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا، مشاور نظامی فرماندهی کل قوا که تا کنون (سال ۱۴۰۱) در این سمت مشغول ادامه خدمت می باشد.

نامبرده از سال ۱۳۷۳ در راه اندازی و ادامه کار هیئت معارف جنگ، به صورت داوطلبانه و خارج از مشاغل سازمانی همراه با شهید سپهبد علی صیاد شیرازی همکاری داشته و اکنون نیز (سال ۱۴۰۲) در سمت جانشین مجموعه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی با ریاست هیئت، امیر سرتیب ستاد ناصر آراسته همکاری دارد.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	تاریخچه احزاب در کردستان
۳	حزب دموکرات
۵	اقدامات حزب دموکرات
۶	حزب کومله
۸	سازمان مجاهدین خلق (منافقین)
۲۲	سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
۲۲	نحوه شکل‌گیری
۲۳	چگونگی وقوع انشعابات مختلف در سازمان چریک‌های فدایی خلق
۲۵	تشکیلات ضدانقلاب فعال در منطقه کردستان
۲۶	چگونگی ناامنی و امنیت بخشی در منطقه کردستان
۲۸	حمله به پادگان ۲۸ پیاده سنندج در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۷
۳۵	حادثه ۲۳ تیر ۱۳۵۸
۳۵	شهادت سرهنگ دوم محمد فراشاهی در سقز
۳۷	حادثه پاره
۳۸	فرمان حضرت امام خمینی (ره) و تأثیر آن
۴۰	آزادسازی پادگان مهاباد از دست حزب دموکرات
۴۱	شهادت سرهنگ شریف اشراف و همراهان در محور سردشت - بانه
۴۳	دکتر مصطفی چمران درباره این حادثه دردناک چنین می‌گوید
۴۴	اتفاقات محور خوی - قطور و راه‌آهن ایران - اروپا در سال ۱۳۵۸

۵۰ وضعیت کردستان در پایان سال ۱۳۵۸

۵۲ عملیات آزادسازی شهر سنندج

حضور سرگرد توپخانه علی صیاد شیرازی در صحنه کردستان و ارائه طرح

۵۲ انسداد مرزها

۵۴ ملاقات با شهید سرلشکر فلاحی و ارائه طرح انسداد مرزها

۵۴ ملاقات با بنی‌صدر (رئیس جمهور و جانشین فرماندهی کل قوا)

حضور در پادگان مرکز پشتیبانی هوانیروز در اصفهان و انتقال نیرو به

۵۶ سنندج (روز ۳ اردیبهشت سال ۵۹)

۷۰ عملیات بازگشائی محور قروه به سنندج و آزادسازی گردنه صلوات آباد

۷۱ حوادث و اتفاقات سه روزه در دیدگاه گردنه صلوات آباد

۷۵ حوادث روز ۵۹/۲/۱۸ سنندج

۷۶ حوادث روز ۵۹/۰۲/۱۹ سنندج

۷۶ عملیات روز ۲/۲۱ بر روی تپه‌های بالای میدان اقبال سنندج

۷۸ حوادث روز ۲/۲۲ سنندج

۷۸ اقدامات ارتش و سپاه پاسداران پس از آزادسازی شهر سنندج

۷۹ اقدامات سپاه پاسداران

۷۹ اقدامات لشکر ۲۸

۸۰ اقدام سرگرد صیاد شیرازی به عنوان فرمانده عملیات

۸۰ نتیجه

۸۲ ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه پاسداران

۸۷ وظیفه ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک

۸۸ عملکرد قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه در سنندج

- ۸۹ عملیات پاکسازی اطراف شهر سنندج
- ۹۲ عملیات سقز به بانه و آزادسازی شهر بانه
- ۹۵ آزادسازی دکل مخابراتی ارتفاع قلیچیان
- ۹۸ سفر به مریوان و بررسی وضع مریوان
- ۱۰۱ عملیات بازگشایی محور سنندج به دیوان دره و سقز
- ۱۰۱ نیروهای عملیاتی
- ۱۰۲ تغییر در عملیات
- ۱۰۳ نحوه اجرای عملیات
- ۱۰۷ عملیات پاکسازی محور سنندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان
- ۱۰۸ سازمان برای رزم در نظر گرفته شده برای عملیات
- ۱۰۹ نحوه سازماندهی
- ۱۱۰ نحوه اجرای عملیات
- ۱۱۵ ادامه عملیات (پاکسازی محور مریوان به سروآباد)
- ۱۱۹ ماجرای تیر خوردن دختر بچه ۵ ساله روستای سروآباد
- ۱۲۱ تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه
- ۱۲۵ قرارگاه عملیاتی غرب
- ۱۲۸ عملیات منطقه هزارکانیان
- ۱۳۳ اردوگاه تابستانی دانشجویان دانشگاه افسری در موش کردستان
- ۱۴۰ عملیات بازگشایی محور سنندج به مریوان (مرحله دوم)
- ۱۴۲ سازمان برای رزم ستون دوم

۱۴۳	اجرای عملیات
۱۴۳	سازماندهی نیروهای پایگاهی به صورت ادغامی
۱۴۶	روز ۱۶ مرداد ۵۹، روز پرماجرا
۱۵۰	چند نکته آموزشی برای این عملیات
۱۵۱	اشتباه ضدانقلاب
۱۵۲	برکناری شهید صیاد شیرازی از فرماندهی قرارگاه غرب
۱۵۷	نتیجه
۱۵۹	تشکیل قرارگاه عملیاتی شمال غرب
۱۶۱	دعوت شهید رجائی از شهید صیاد جهت همکاری
۱۶۲	اولین جلسه مشورتی تشکیل قرارگاه شمال غرب
۱۶۲	رسمیت یافتن قرارگاه عملیاتی شمال غرب در ارومیه
۱۶۵	پیوست ۱: وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات
۱۶۵	فروردین ۱۳۵۸
۱۶۶	اردیبهشت ۱۳۵۸
۱۶۷	خرداد ۱۳۵۸
۱۶۷	تیر ۱۳۵۸
۱۶۸	مرداد ۱۳۵۸
۱۷۳	شهریور ۱۳۵۸
۱۸۰	مهرماه ۱۳۵۸
۱۸۷	آبان ماه ۱۳۵۸
۱۹۲	آذرماه ۱۳۵۸
۱۹۵	دی ماه ۱۳۵۸

۱۹۷	بهمن ماه ۱۳۵۸
۱۹۹	اسفندماه ۱۳۵۸
۲۰۰	فروردین ۱۳۵۹
۲۰۱	اردیبهشت ماه ۱۳۵۹
۲۰۳	خرداد ماه ۱۳۵۹
۲۰۶	تیرماه ۱۳۵۹
۲۰۷	مردادماه ۱۳۵۹
۲۰۹	شهریورماه ۱۳۵۹
۲۱۲	پیوست ۲: گزیده‌ای از روزنامه‌ها و جراید از اسفند ۵۷ الی خرداد ۵۹
۲۴۱	نمایه



## مقدمه

با درود و سلام به ارواح طیبه شهدای انقلاب اسلامی و شهدای هم‌زم در وقایع آزادسازی شهرهای کردستان در سال ۱۳۵۹ و امام شهدا، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی که به ملت ایران، شهدا، جانبازان و رزمندگان عزت و آبرو بخشید. انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام (ره) در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با اعلان بی‌طرفی سران ارتش و پیوستن بدنه ارتش به انقلاب، به پیروزی رسید.

ارتش با سازمان و تشکیلات منسجم و قدرتمند، با اندک تغییرات در رأس آن، در خدمت نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و شعار نه غربی و نه شرقی حضرت امام (ره) تکلیف نظام‌های سلطه‌گر غرب و شرق را با نظام نوپای انقلاب روشن کرد؛ از این رو، براندازی حکومت جمهوری اسلامی از همان ابتدا در دستور کار استکبار غرب و شرق قرار گرفت. ساده‌ترین، سهل‌ترین و کم‌هزینه‌ترین براندازی و سرنگونی هر نظام و حکومتی، براندازی داخلی است.

ما شاهد بودیم که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب، احزاب و گروه‌های مختلف وابسته به غرب و شرق با پشتیبانی مالی و سیاسی اربابان خود، مخالفت‌شان را آغاز کردند؛ از جمله این احزاب دو حزب کومله و دموکرات، با سابقه تاریخی که در کردستان داشتند وارد میدان مبارزه علنی با جمهوری اسلامی شدند. این احزاب پنج روز پس از پیروزی انقلاب با خلع سلاح پاسگاه‌های ژاندارمری و هنگ ژاندارمری مهاباد و با حيله و نیرنگ در یکم اسفند پنجاه و هفت، تیپ ۳ لشکر ۶۴ در مهاباد را خلع سلاح و پادگان این تیپ را با همه امکانات به تصرف خود درآوردند. از آن تاریخ تا پایان دفاع مقدس و حتی مدت‌ها بعد هم با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شرق و غرب از طریق حکومت بعثی عراق چه مشکلاتی را برای نیروهای مسلح و نظام جمهوری اسلامی به بار آوردند!

ده سال مبارزه با ضدانقلاب در کردستان، به خصوص در سالیانی که ما با حکومت بعثی عراق در جنگ بودیم، داستان مفصلی است که در این کتاب بنا به توصیه برادر ارجمند امیرسرتیپ ناصر آراسته، ریاست محترم هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، اینجانب که یار و همراه شهید صیاد شیرازی قبل انقلاب و همراه و هم‌رزم ایشان در ورود به کردستان در سال ۱۳۵۹ بودم، به شرح ماجرا، وقایع و اتفاقاتی که در منطقه کردستان رقم خورد و بنده در آن حضور داشتم و یا شاهد آن بودم، با احترام خاص به شهدای کردستان؛ اعم از برادران ارتشی، سپاهی، بسیجی، جهادی، ژاندارمری، پیشمرگان کردستان، به خصوص شهدای مردمی کردستان و همه رزمندگان در آن خطه پرداخته‌ام.

گرامی می‌دارم یاد شهید سپهبد قرنی و یاد شهید سرلشکر ولی‌الله فلاحی را در روزها و ماه‌های نخست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که مدیریت و فرماندهی تعیین کننده‌ای برای جلوگیری از سقوط پادگان‌های کردستان داشتند، عامل بسیار مهم و بازدارنده از تجزیه کردستان عزیز، این پاره تن وطن بودند. همچنین یاد شهید چمران را نیز در آن روزگار سرنوشت ساز و تاثیرگذاری ایشان را در آن زمان و مکان گرامی می‌دارم.

مستنداتم با استفاده از یادداشت‌های دوران خدمت در کردستان و به خصوص یادداشت‌های سال ۵۹ بوده است و اگر چنانچه در این بازخوانی وقایع، غفلی در بیان نام شهید و رزمنده‌ای شده است، پوزش می‌طلبم و صرفاً خواستم گوشه‌ای از تاریخ مبارزه با ضدانقلاب در ۵ ماه اول سال ۵۹ در کردستان و همچنین اشاره‌ای به وقایع روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۵۹، برای ثبت در تاریخ بازگو کرده باشم.

**سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی**

## تاریخچه احزاب در کردستان<sup>۱</sup>

### حزب دموکرات

پس از حمله آلمان به شوروی در تابستان سال ۱۹۴۱، جبهه متحدی از دولت‌های شوروی، امریکا، انگلیس و فرانسه در مقابل کشورهای محور «آلمان، ایتالیا، ژاپن» که آغازگر جنگ بودند تشکیل گردید. با وجود بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم، به منظور ریشه کن نمودن نفوذ آلمان و همچنین رساندن مهمات و اسلحه به شوروی در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۳ کشور ایران از دو طرف شمال و جنوب مورد تهاجم شوروی و انگلیس و امریکا قرار گرفت که در نتیجه قسمت‌های شمالی ایران توسط ارتش شوروی و جنوب و مرکز توسط امریکا و انگلیس به تصرف درآمد. ارتش شوروی در شمال غرب تا شهر بانه نفوذ کرد، ولی پس از یک هفته مجدداً به ارومیه برگشت، در نتیجه شهر مهاباد و چند شهر کردنشین شمالی دست نخورده ماند، در همین اثنا محمد رشیدخان یکی از سرکردگان عشایری کردستان عراق، شهر بانه را به تصرف خود درآورد و در تاریخ ۱۳۲۰/۷/۳ مهاباد را نیز تصرف نمود.

در دی‌ماه ۱۳۲۰ رفت و آمد افسران روسی به منطقه مهاباد آغاز شد و آنها روی افراد سرشناس منطقه مهاباد از جمله فردی به نام قاضی محمد کار کردند تا اینکه در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۵ قاضی محمد اولین کنگره حزب کومله را در مهاباد تأسیس نمود که تا سال ۱۳۲۴ فعالیت داشت. این حزب به علت نداشتن نفوذ در بین مردم، چندان موفق نبود.

---

۱. این بخش از مدارک و اسناد موجود در اداره دوم ارتش (معاونت اطلاعات) و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برگرفته شده است.

در ۱۳۲۴/۵/۲۵ قاضی محمد حزب منحلہ کوملہ را بہ حزب دموکرات تبدیل نمود و مستقیماً زیر نظر اتحاد جماہیر شوروی فعالیت خود را آغاز نمود و ارتباط خود را با حزب منحلہ دموکرات آذربایجان بہ رہبری پیشہوری برقرار ساخت. بر اساس توافق نامہ کنفرانس تہران در ۷ الی ۹ آذرماہ ۱۳۲۲ کہ با شرکت استالین، روزولت و چرچیل در تہران برگزار شد، قرار شد بعد از ۶ ماہ پس از پایان جنگ جهانی دوم، کشورہای ہمپیمان، نیروہای خود را از ایران خارج کنند. جنگ جهانی دوم در تاریخ ۱۳۲۴/۴/۱۸ در اروپا و ۱۳۲۴/۶/۱۱ در آسیا پایان پذیرفت و نیروہای امریکایی در آذرماہ یعنی سہ ماہ زودتر از موعد خاک ایران را ترک کردند و انگلیسی‌ہا در تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۲، ولی روس‌ہا در تاریخ ۱۳۲۵/۱/۱۵ با فشار انگلیس و امریکا از ایران خارج شدند.

با حمایت روس‌ہا قبل از خروج آنان در تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۲ در یک گردہمایی بزرگ با شرکت نمایندگان اکثر مناطق کردنشین، قاضی محمد رہبر حزب دموکرات، حکومت خودمختاری را بہ نام جمہوری کردستان در مہاباد اعلام کرد و بہ عنوان رئیس جمہور، کابینہ خود را با ۱۲ وزیر بہ نخست وزیری حاج شیخ بابا تشکیل داد.

پس از خروج ارتش شوروی و قدرت گرفتن حکومت مرکزی، ستاد ارتش دستور داد، سرلشکر رزم‌آرا بہ عنوان فرماندہ منطقہ روانہ سقر شود، وی ابتدا با مذاکرہ با نمایندگان حزب دموکرات، بہ تقویت پادگان‌ہای ارتش در بانہ و سردشت پرداخت و نیروہای ارتش پس از طی مراحل مختلف از جنگ و مذاکرات، با ہمکاری بارزانی‌ہا سرانجام در تاریخ ۱۳۲۵/۹/۲۶ شہر مہاباد را بہ تصرف خود درآورد و بہ حکومت ۱۱ ماہہ قاضی محمد خاتمہ

دادند. سرانجام در تاریخ ۱۳۲۵/۱۲/۱۰ قاضی محمد و تعدادی از همدستانش در میدان مهاباد اعدام گردیدند و بدین ترتیب طومار حزب منحلّه دموکرات برچیده گردید. ولی بعداً در سال ۱۳۳۲ در زمان مصدق عناصری از حزب دموکرات به ایران بازگشتند و در مهاباد شروع به فعالیت کردند که با کودتای ۲۸ مرداد مجدداً متواری شدند.

در سال‌های ۴۶ و ۴۷ این حزب به رهبری اسماعیل شریف‌زاده، در اطراف بوکان و مهاباد به فعالیت پرداخت که توسط دولت مرکزی همه اعضای آن دستگیر و کشته شدند.

حزب دموکرات از سال ۵۲ الی ۵۷ عملاً هیچ‌گونه فعالیتی در ایران نداشت. در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، عناصر حزب دموکرات، به همراه قاسملو که محل سکونتش در پاریس بود، به ایران برگشته، مستقیماً به مهاباد رفته و با راه‌اندازی حزب دموکرات، فعالیت خود را با حمایت کشورهای استکباری و تأمین سلاح از عراق آغاز کرد. این حزب دارای دو شاخه نظامی و سیاسی بود که شاخه نظامی آن به رهبری قاسملو و با حمایت دولت بعث عراق، امریکا و شوروی به دنبال تضعیف دولت مرکزی و شکست انقلاب و در نتیجه تجزیه کردستان و جناح سیاسی آن به رهبری غنی بلوریان به دنبال گرفتن امتیاز و ایجاد پایگاه کمونیسم روسی در ایران بوده است.

## اقدامات حزب دموکرات

(۱) عضوگیری و توسعه شاخه نظامی.

۲) حمله به پاسگاه‌های ژاندارمری و خلع سلاح آنها و به یغما بردن سلاح و مهمات.

۳) حمله به هنگ ژاندارمری و سپس تیپ ۱ مهاباد و به یغما بردن سلاح و مهمات این پادگان‌ها به منظور تجهیز نیروهای پیشمرگ.

۴) در کنترل گرفتن شهر مهاباد.

### حزب کومله

حزب کومله ابتدا توسط افرادی، چون مصطفی سلطانی اهل مریوان، مقری اهل بوکان، محمدحسین کریمی اهل سقز و صدیق کمانگر از کامیاران، از دانشجویان دانشگاه تهران که در مسائل سیاسی دانشجویی شرکت داشتند، در بین سال‌های ۴۸ - ۴۷ تشکیل گردید. این افراد با وجودی که دنباله‌رو تشکیلات حزب کمونیست بودند، اما بیشتر تمایل به جریان‌ات کردستان به علت روحیه ناسیونالیستی و اهمیت موضوع داشتند. این گروه در تحلیل‌های خود، علت شکست قاضی محمد رهبر حزب دموکرات را توجه حزب به خوانین و رؤسای عشایر و فئودال‌ها می‌دانستند. لذا از همان ابتدا بر اساس بینش ملی مارکسیستی، مانند مائو و با تکیه بر نیروهای عمده دهقانان و زحمتکشان، خط مشی خود پایه‌ریزی کردند. آنها معتقد بودند با ایجاد پایگاه‌های سرخ در روستاها عمدتاً از دهقانان برای جنگ پارتیزانی و ادامه جنگ توده‌ای و ایجاد ارتش خلقی و گسترش مناطق سرخ، شهرها را به تصرف درآورند و به دنبال ایجاد جامعه‌ای به رهبری طبقه کارگری بودند که پس از ۳ سال تلاش سرانجام در سال ۱۳۵۱ خط مشی خود را تدوین و اعلام موجودیت نمودند و در بین سال‌های ۵۱

الی ۵۳ توانستند در بین کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی تعدادی عضو جمع‌آوری نمایند که تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضای این حزب در سال‌های ۵۲ و ۵۳ دستگیر و زندانی شدند.

در سال ۱۳۵۶ تعداد زیادی از افراد این حزب از زندان آزاد گردیدند، لذا به محض ورود به منطقه کردستان، بعد از مدت کوتاهی فعال شده و تشکیلات خود را به صورت حرفه‌ای آغاز نمودند و تعدادی از اعضا را جهت فراگرفتن آموزش نظامی به اتحادیه میهنی کردستان عراق اعزام کردند.

این حزب با اوج‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی فعالیت خود را در کردستان بیشتر نمود و در پاییز سال ۵۷ که تقریباً مبارزه با طاغوت علنی گردید، آنها هم شروع به پخش اعلامیه در روستاها و شهرهای کردستان نمودند و در زمستان سال ۵۷ در اکثر شهرهای استان کردستان، شوراها و شهری تشکیل دادند.

این حزب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در جریان خلع سلاح پاسگاه‌های ژاندارمری و شهربانی شهرهای کردستان فعالانه شرکت داشت و از این راه مقدار قابل توجهی سلاح و مهمات ذخیره نمود. در همین زمان، حزب جلسه‌ای را با اکثریت اعضای تشکیل داده و تصمیم گرفتند ضمن اعلام موجودیت گروه به نام سازمان انقلابی زحمتکشان، نشریه‌ای را به نام دو معدوم محمد حسین کریمی و خالد امینی با نام و آرم کومله انتشار دهد و هم‌پای حزب دموکرات و در بعضی مواقع در رقابت با حزب دموکرات، در مبارزه با نظام جمهوری اسلامی و به دست آوردن قدرت در کردستان از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

## سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق ایران در شهریورماه ۱۳۴۴ به وسیله محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان، در ظاهر به عنوان یک سازمان اسلامی - انقلابی به منظور مقابله با رژیم سلطنتی و تلاش در جهت سرنگونی آن تأسیس شد. بعدها با پیوستن برادران رضایی و تعداد دیگری از دوستان و بستگان افراد ذکر شده شروع به فعالیت سیاسی علیه حکومت پهلوی نمود (محمد حنیف‌نژاد بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۱۷ در تبریز متولد شده، وی مهندس کشاورزی بوده و در زندان با مرحوم طالقانی آشنا گردیده است).

فعالیت سازمان تازه تشکیل یافته مجاهدین در ابتدا به صورت مخفیانه آغاز گردید، طوری که هیچ‌کس از وجود چنین سازمانی اطلاع نداشت و فعالیت‌های آن صرفاً در زمینه امور سیاسی، مطالعه سایر مکاتب، بررسی تاریخ ایران و اسلام بود، تا به زعم خود قادر باشند با برداشتی نو و دموکراتیک از اسلام، ایدئولوژی خود را که ظاهراً مبتنی بر اسلام قرار داده بودند به عنوان مکتبی که بتواند پاسخگوی معضلات آن روز ایران در زمینه‌های گوناگون، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... باشد عرضه نمایند.

بنیانگذاران سازمان مجاهدین با توجه به اختناق شدیدی که در آن ایام بر جامعه ایران حاکم بود و هرگونه نغمه مخالفی شدیداً سرکوب می‌شد، در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که برقراری دموکراسی در ایران و سرنگونی رژیم ستم‌شاهی تنها از طریق یک مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نمی‌باشد و چاره را در مبارزه مسلحانه می‌دیدند و خود را به تدریج آماده مبارزه رودرروی نظامی با رژیم شاه می‌نمودند.

در سال ۱۳۵۰ قبل از اینکه مجاهدین وارد هرگونه عملیات نظامی گردند، کلیه رهبران و بسیاری از اعضای آن سازمان توسط ساواک شاه دستگیر و زندانی گردیدند. در مورخه ۵۴/۲/۴ و در آستانه ورود نیکسون به ایران سه نفر، از بنیانگذاران سازمان و دو تن دیگر از اعضای دفتر مرکزی و تعدادی از اعضای سازمان مذکور (به جز رجوی و موسی خیابانی که با ساواک همکاری نمودند) اعدام گردیدند.

در پی دستگیری و اعدام بنیانگذاران و اعضای دفتر مرکزی مجاهدین، یک سری اختلافات عمده بین اعضای باقیمانده در زمینه به دست گرفتن قدرت که عمدتاً ریشه در طرز تفکر و ایدئولوژی آنان داشت بروز کرد. در همین رابطه گروهی که بعداً در سال ۱۳۵۶ سازمان پیکار را تشکیل دادند، به رهبری تقی شهرام و بهرام آرام عده‌ای دیگر از مسئولین و اعضای باقیمانده سازمان مجاهدین خلق را که بر مواضع ایدئولوژیکی خود مبتنی بر اسلام اصرار می‌ورزیدند، از جمله مجید شریف واقفی و محمود یقینی را در خارج از زندان به قتل رسانده و عده دیگری همانند مرتضی صمدیه لباف و مرتضی لباف نژاد را به حال خود رها و به آنان خیانت نموده که در نهایت توسط رژیم شاه دستگیر و اعدام گردیدند (جناح چپ و تندروی سازمان پس از ترور شریف واقفی، جسد وی را در بیابان‌های مسگرآباد تهران سوزاندند). بدین ترتیب از سال ۱۳۵۴ به بعد سازمان گرایش بیشتری به سوی مارکسیسم پیدا کرد، به طوری که اکثریت این گروه اعلام نمودند، ایدئولوژی این سازمان به مارکسیست ارتقا یافته است. در همین ایام یک کتاب جیبی شامل ۷۰۰ صفحه تحت عنوان بیانیه تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق، بخش مارکسیست - لنینیست چاپ شد و در اختیار اعضای

باقیمانده رده بالای تشکیلات جهت مطالعه قرار گرفت. در کتاب مذکور بحث مفصلی در مورد علت تغییر مواضع ایدئولوژیک و ساختار زیربنای تفکر جدید و علت تصفیه‌های درون گروهی درج گردیده بود. طاهره باقرزاده یکی از اعضای سابق مجاهدین در کتاب «قدرت و دیگر هیچ» تجربه خود در آن دوران را در بخشی از کتاب مذکور چنین عنوان می‌نماید:

«بعد از تغییر ایدئولوژی سازمان و به قدرت رسیدن سران فعلی، عشق و علاقه‌وافر من به کار سیاسی که هدف آن ظاهراً جهاد در راه خدا برای ساختن جامعه سالم، ترویج فرهنگ اصیل نشأت گرفته از فرهنگ غنی اسلام، حفظ ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی، پیاده کردن احکام اسلام، آن هم اسلامی انسان‌ساز که قادر است حکومت را در همه ابعاد زندگی اداره کند، همه و همه در چهار چوب سازمان که کعبه آمالم محسوب می‌شد، به یک سراب تبدیل گردید.»

تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان و عدول اعضای رده بالای تشکیلات از اصول اولیه و به تمسخر گرفتن اعتقادات اسلامی و بینش مذهبی از جانب آنان، هرگز به طور صادقانه برای نیروهای رده پایین‌تر و هواداران، از بیم بریده شدن و فاصله گرفتن آنان از سازمان شکافته نشد و در همین رابطه، پرده پوشی و توجیهات عوام فریبانه بسیاری، از ناحیه نیروهای کادر صورت گرفت.

رژیم شاه با اطلاع از تغییر مواضع ایدئولوژی سران سازمان و به منظور منزوی نمودن اعضاء باقیمانده در اذهان عمومی کراراً، در تبلیغات خود از آنان به نام مارکسیست‌های اسلامی نام می‌برد.

در همین دوران، توسط مسئولین سازمان به خاطر سرپوش گذاشتن بر روی تضادهای درونی سازمان و حفظ روحیه انقلابی و ستیزه جویی با رژیم شاه، ترور سرتیپ رضا زندی پور رئیس زندان کمیته مشترک شهربانی و ساواک در ۲۶ اسفند ۵۳ و سرهنگ‌های امریکایی (سرهنگ ترنر، سرهنگ شیفر) در ۳۱ اردیبهشت صورت گرفت.

مسئولین فعلی گروهک منافقین در اوایل پیروزی انقلاب، از عملیات فوق به نیکی نام برده و آنان خصوصاً ترور مستشاران امریکایی را از افتخارات خود می‌دانستند، لیکن با گذشت زمان و به خصوص پس از انتشار بیانیه مورخه ۷۳/۷/۱۲ وزارت امور خارجه امریکا علیه منافقین، دیگر به اقدامات فوق مباحثات نمی‌ورزیدند، بلکه اعلام داشتند عملیات مذکور توسط شاخه‌ای از سازمان صورت گرفته که بعدها (در سال ۵۶) سازمان پیکار را تشکیل داده‌اند و رهبران فعلی منافقین با آن موافق نبوده‌اند. در اواخر دهه ۵۰ شاه تحت فشارهای بین‌المللی مجبور به آزادی سیاسی شماری از زندانیان سیاسی گردید و به دنبال اوج گرفتن مبارزات علنی مردم با رژیم شاه به رهبری امام خمینی (ره) و یک هفته پس از فرار شاه در مورخه ۵۷/۱۱/۲ تعداد ۱۶۲ تن از زندانیان سیاسی از جمله مسعود رجوی و موسی خیابانی از زندان آزاد گردیدند.

مسعود رجوی در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۴ مجدداً موجودیت گروهک منافقین را با تأکید بر این موضوع که بر همان مبانی و اصول اولیه سازمان که حنیف‌نژاد بنیان آن را پی‌ریزی نموده (هرگونه ضدیت با مبانی و اصول اسلام در اوایل انقلاب مساوی با طرد آن جریان از سوی مردم مسلمان ایران بود) باقی خواهیم ماند، اعلام و در ظاهر در مسیر نیروهای مردمی و انقلاب به

رهبری امام خمینی (ره) فعالیت‌های خود را آغاز نمود ولیکن عملاً هرگز منطبق با اصول مندرج در اساسنامه آن سازمان که ناشی از ضعف اعتقادی و تفکرات التقاطی رهبران منافقین نفاق بود حرکت نکرد و این تفکر التقاطی از همان ابتدا یکی از دلایل انحراف سران نفاق و جبهه‌گیری‌های آنان در مقابل مسئولین نظام بود.

در آغاز انقلاب، گروهک نفاق توانست با توجه به یدک کشیدن عنوان اسلامی و فعالیت‌های هدفدار و تشکیلاتی نسبت به سایر گروه‌ها، ضمن کار تبلیغاتی وسیع در دانشگاه‌ها و مدارس، جوانان زیادی را که در اوج احساسات و تحولات روانی بوده و هر حرکت به ظاهر مثبت را صادقانه جواب می‌دادند، به سوی خود جذب کند. در طول دوران انقلاب نیز شاهد بوده‌ایم که عنکبوت‌وار با تنیدن تارهای اسارت و خراب کردن پل‌های بازگشت تعدادی از جوانان ناآگاه را مورد استثمار خود قرار داده، بازگشت به دامن اسلام و مردم شهیدپرور را برای آنان غیرممکن نمودند. شعار مبارزه با امپریالیسم و در رأس آن امریکا با توجه به اینکه تقریباً همه نیروهای جامعه از مبارزات ضد امپریالیستی حمایت می‌کردند، اصلی‌ترین حرکت در سیاست‌گذاری سازمان مطرح گردید، اما خیلی زود تضاد سازمان با رهبری انقلاب آشکار گردید.

از آنجا که سازمان مدعی بود، اعتقاداتش را بر مبنای احکام اسلام قرارداده، قاعدتاً می‌بایست از رهبری فقهی و مذهبی قوی نیز برخوردار باشد، ولیکن در این زمینه شدیداً دچار ضعف و تناقض بود. نپذیرفتن فردی اصلح در این زمینه و تبعیت نکردن از رهبری انقلاب از همان آغاز باعث بروز شکاف در بین سازمان فوق و مردم گردید. در این میان، آنان که عمیقاً

رهبری را قبول داشتند، از سازمان کناره‌گیری نمودند. رهبران منافقین بعد از اینکه عملاً در تضاد رهبری انقلاب قرار گرفتند، برای اینکه ظاهر اعتقادی، میهنی تشکیلات خود را حفظ کنند، به سمت مرحوم آیت‌الله طالقانی روی آورده و سعی نمودند در این زمینه از این شخصیت مذهبی و سیاسی به نفع خود بهره‌برداری کنند.

رهبران نفاق، ساده‌لوحانه مدعی بودند که حرکت‌های ایذائی آن سازمان و نیروهای وابسته به آن، در قبل از انقلاب بوده که منجر به پیدایش حرکت عظیم مردم انقلابی و نهایتاً سرنگونی رژیم شاه شده است. به همین انگیزه خواستار دریافت سهم خود از قدرت گردیدند، آنان غافل بودند که اصولاً تقسیم قدرتی در بین نیست و مسئولین نظام قبل از اینکه بر مردم ریاست داشته باشند بنا به فرمایش رهبر فقید انقلاب، خدمتگزار مردم مسلمان ایران هستند، آنان هرگز نتوانستند و یا نخواستند درک کنند که ظهور یک انقلاب با این گستردگی علیه نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله که پشتیبانی سیاسی، تبلیغاتی، نظامی و... قدرت‌های استکباری آن زمان را یکدک می‌کشید، نمی‌تواند نشأت گرفته از چند حرکت محدود و وابسته به یک گروه کوچک زیرزمینی و آن هم گروهی که در سال ۱۳۵۴ عملاً متلاشی گردیده بود باشد.

آنان این حقیقت را نپذیرفتند که امام خمینی (ره) با شخصیت والای خود، قدرت رهبری، شجاعت، دید عمیق، ایمان به خداوند، اخلاص در عمل، سوابق درخشان مبارزاتی، انقلاب را رهبری نمود و با احیاء ارزش‌های اصیل اسلامی، اعتقادی، ملی و ترسیم افق و آینده‌ای که در شأن شخصیت

مردم و جوانان ایران بود، این سیل عظیم و توفنده را به حرکت واداشت و در اندک زمانی طومار رژیم شاهنشاهی را درهم کوبید.

مسعود رجوی در سخنرانی که در ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران ایراد نمود، مخالفت خود را با رهبران انقلاب اسلامی تلویحاً اظهار و در واقع از همان زمان سعی نمود که با خواسته مردم مبنی بر برقراری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اصول اسلامی به مخالفت برخیزد و مبارزات مردم ایران را یک انقلاب دموکراتیک نامید. از همین زمان و در پی روشننگری‌های که در رابطه با مواضع ایدئولوژی التقاطی منافقین صورت گرفت، به تدریج سران منافقین از انقلاب و مردم فاصله گرفته و توطئه‌های گوناگون را به منظور تضعیف نظام نوپای ج.ا.ا و دلسرد نمودن مردم از اهداف انقلاب و ایجاد فاصله بین مردم و مسئولین علیه نظام مقدس ج.ا.ا طرح‌ریزی و اجرا نمودند.

در پاسخ به این توطئه‌ها بود که سه ماه قبل از اشغال لانه جاسوسی، نیروهای حزب‌الله به منظور مقابله با توطئه‌های منافقین دفتر مرکزی آن سازمان واقع در خیابان ولی‌عصر تهران را به اشغال خود درآورده و انتشار نشریه مجاهد به دستور دادستان کل ممنوع گردید.

در سال ۱۳۵۹ مسعود رجوی خود را کاندید مقام ریاست جمهوری نمود، لیکن نظر به اینکه نامبرده در انتخابات قانون اساسی مورخه ۵۸/۱/۱۲ شرکت نکرده بود و به قانون اساسی مورد تأیید اکثریت قاطع مردم (حدود ۹۸ درصد) رأی نداده بود، فاقد صلاحیت جهت احراز پست مذکور شناخته شد و تقاضای نامبرده از طرف وزارت کشور باطل اعلام

گردید. این اقدام رجوی یک حرکت مفتضح دیگر بود. وی عملاً نظر خود را در مورد قانون اساسی که در رأس آن ولایت قرار داشت تغییر داد.

منافقین زمانی که دریافتند قادر به رویارویی با رهبر انقلاب و خیل رهروان بنیانگذار ج.ا.ا نیستند، در ابتدا به منظور تضعیف موقعیت رهبری، منافقانه سعی نمودند که خود را به بازرگان و دولت لیبرال او نزدیک کنند و از اختلاف نظرات آن زمان بین سران ج.ا.ا و دولت موقت به نفع خود بهره‌گیری نمایند. با آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران (۵۹/۶/۳۱) در ابتدا منافقین، عراق را به خاطر تهاجمش به ایران محکوم و تعدادی از نیروهای خود را به منظور مقابله با ارتش عراق به مناطق عملیاتی اعزام نمودند، ولی چند روز بعد، افراد فوق موظف شدند تا تحت عنوان ارائه گزارش تشکیلاتی، به جمع‌آوری اطلاعات در مورد نیروهای موجود در جبهه و نقاط ضعف و قوت و توانایی‌ها و امکانات لجستیکی نیروهای ایرانی بپردازند. نیروهای فوق از اینکه در مقام مقابله با تهاجم عراق برآیند، سعی در انجام تبلیغات سیاسی به نفع سازمان خود در جبهه‌ها داشتند. در آغاز جنگ تحمیلی و هجوم مشکلات ناشی از آن و مشکلاتی که در زمینه اسکان مهاجران جنگ تحمیلی وجود داشت، منافقین با تحلیل‌های متعدد و بی‌پایه خود وانمود می‌نمودند که سران نظام با بی‌توجهی به قوانین حاکم بر مناسبات خارجی، آتش جنگ را برافروختند و مسبب کلیه نابسامانی‌ها و آوارگی‌های مردم هستند و سعی نمودند، موضع‌گیری‌های قاطع رهبری را در خصوص تنبیه متجاوز ضعیف و محکوم کنند و این همه در شرایطی بود که جهان شاهد اقدام صدام حسین در خصوص لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود.

منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز خود را پیرو امام خمینی (ره) قلمداد نموده و رجوی در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ رسماً اعلام نمود ما فکر می‌کنیم که تا وقتی امام خمینی (ره) در بین ما هستند، امپریالیست‌ها جرأت کودتا یا هرگونه توطئه دیگر علیه ج.ا.ا را ندارند.

منافقین در شرایط سخت آن ایام درصدد بودند با بهره‌گیری از مشکلات ناشی از جنگ موقعیت خود را تثبیت و نسبت به سست نمودن پایه‌های نظام ج.ا.ا اقدام نمایند و در فضای سیاسی آن زمان، در صدد توسعه ارتش نیمه وقت خود (میلیشیا) با بهانه مقابله با توطئه‌های بیگانگان در داخل کشور و دفاع از مرزها برآمدند. اما واقعیت این بود که منافقین با ایجاد ارتش و بهره‌مندی از تسلیحات در سطح وسیع سعی داشتند، زمینه به دست‌گیری قدرت را با پشتوانه یک ارتش مسلح به مرور فراهم سازند.

تلاش‌های عوام‌فریبانه منافقین تا سال ۱۳۶۰ به منظور جلب پشتیبانی مردم و به ویژه جذب جوانان به گروهک مزبور ادامه داشت که متأسفانه با توجه به ضعف آگاهی‌های آن روز مردم تعدادی از جوانان ناآشنا به اصول و مبانی اسلام با حربه‌های گوناگون (از جمله توسط زنان و دختران جوان عضو آن گروهک) در دام منافقین گرفتار شده و در اقصی نقاط کشور، از جمله در کردستان، مشغول فراگیری آموزش‌های سیاسی و نظامی شدند. توطئه منافقین مبنی بر طرح‌ریزی یک کودتای خرنده علیه انقلاب، پس از مدتی کشف و با هوشیاری رهبری انقلاب و ملت مسلمان ایران نقش بر آب شد و از آن پس در شرایطی که کمتر از ۳ سال از پیروزی انقلاب می‌گذشت و کشور درگیر یک جنگ تمام‌عیار بود، خیابان‌ها و کوچه‌ها صحنه درگیری‌های داخلی، خونریزی، کشتار و ترورهای کور منافقین شد و

در این کشتارها، سران نفاق کار را به آنجا رسانیدند که بعد از اینکه از ترور تعدادی از مسئولین نظام در هفتم تیرماه و هشتم شهریور ۶۰ سود چندانی نبردند، تحت عنوان راهبرد نابودی سرانگشتان اختناق و خط انتحار، به عوامل ناآگاه خود دستور ترور مردم کوچه و بازار را ابلاغ نمودند تا به زعم خود مردم را از پشتیبانی نظام نوپای اسلامی بازدارند.

مورخه ۶۰/۳/۳۰ مسعود رجوی، مقاومت مسلحانه علیه نظام را با این استدلال که رژیم ج.ا.ا. پوسیده و در حال سقوط است و زمان سرنگونی آن فرا رسیده، تحت عنوان (انقلاب نوین دموکراتیک) اعلام نمود که بلافاصله با پیام امام خمینی(ره) مردم حزب الله و دوستان انقلاب اسلامی، به مقابله با شرارت‌های منافقین برخاستند و در مدت زمان کوتاهی کلیه نیروهای فریب خورده آنان در اغلب شهرهای ایران سرکوب شد. در همین رابطه تعداد زیادی از نیروها و هواداران منافقین دستگیر شدند و مابقی که مشخصاً نیروهای اصلی سازمان بودند و قبلاً پیش‌بینی‌های لازم را برای خود به عمل آورده بودند، به مخفیگاه‌های زیر زمینی خزیده و فعالیت پنهانی خود را از همان زمان آغاز نمودند.

در جریان تعقیب این عناصر فراری در مورخه ۶۰/۳/۳۱ موسی خیابانی نفر دوم منافقین و اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی در حال فرار از یک خانه تیمی در شمال تهران، طی یک درگیری به هلاکت رسیدند (منافقین از این روز به نام عاشورای مجاهدین یاد می‌کنند. اشرف ربیعی قبل از انقلاب مدتی زندانی بود و در سال ۱۳۵۸ با مسعود رجوی ازدواج نمود و در هنگام مرگ دارای کودکی ۱/۵ ساله بود).

در حقیقت گروهک منافقین با شروع فاز نظامی و با راهبرد سرنگونی ضربتی نظام ج.ا.ا. دچار توهم دیگری گردید و با از دست دادن عده زیادی از هوادارانش که دستگیر شدند و یا به هلاکت رسیدند و با قرار دادن سایر نیروهایش در شرایطی مخفی عملاً سنگین‌ترین ضربه را متحمل گردید.

پس از عزل بنی‌صدر در خردادماه سال ۱۳۶۰ ماهیت ضدانقلابی منافقین برای مردم ایران کاملاً مشخص گردید و لذا نیروهای مؤمن به انقلاب در همه شهرستان‌ها، عناصر منافقین را قلع و قمع نموده و تعداد ۸۰۰ نفر از آنان در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۶۰ توسط امت حزب‌الله و نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی ایران دستگیر شدند و مابقی افراد گروهک فوق، یا فعالیت‌های سیاسی را رها نموده یا به کردستان متواری و با کمک و یاری حزب منحلہ دموکرات علیه نیروهای دولتی وارد جنگ شدند.

بعد از تحولات فوق، تعدادی از سران نفاق به تدریج تحت عنوان خط خروج از کشور از طریق مرز زمینی به خارج گریختند، به طوری که در هفتم مرداد ۱۳۶۰ مسعود رجوی و ابوالحسن بنی‌صدر و جمعی از افراد وابسته به آنان با تغییر قیافه با هوایمایی که هدایت آن را خلبان شاه معدوم (سرهنگ معزی) بر عهده داشت، از پایگاه یکم شکاری تهران به فرانسه گریخته و از آن کشور درخواست پناهندگی سیاسی نمودند.

در فرانسه مسعود رجوی برای پیوند بیشتر با بنی‌صدر در شورای ملی مقاومت، با فیروزه دختر بنی‌صدر که تربیت یافته و بزرگ شده فرانسه بود (در سال ۶۱) ازدواج نمود که بعد از مدت کوتاهی به دنبال بروز اختلافاتی میان بنی‌صدر و رجوی - سرکرده منافقین - او را طلاق داد.

در مورخه ۶۰/۴/۳۰ در تهران، مسعود رجوی که مخفی شده بود، تشکیل شورای ملی مقاومت را اعلام نمود و ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور معزول که به صورت آلت دست منافقین و ضدانقلابیون درآمد، طی توافقی با مسعود رجوی وی را نخست‌وزیر و مسئول تشکیل شورای ملی مقاومت معرفی نمود.

در مهرماه سال ۱۳۶۰ بنی‌صدر و رجوی تأسیس دولت موقت به اصطلاح جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران در تبعید را در فرانسه به ریاست جمهوری بنی‌صدر و نخست‌وزیری رجوی اعلام نمودند. نخستین اجلاس این جمهوری خودخوانده در اسفندماه سال ۱۳۶۰ و با شرکت بنی‌صدر و رجوی و نماینده جنبش انقلاب زحمتکشان گیلان و مازندران و دبیر کل حزب منحل دموکرات کردستان ایران در پاریس برگزار گردید.

در پاریس شورای ملی مقاومت برنامه خود را اعلام کرد، ولیکن مورد استقبال چندانی از طرف مخالفان ج.ا.ا. قرار نگرفت، به طوری که در حال حاضر، هرگاه نامی از شورای ملی مقاومت برده می‌شود، هرچند که سران نفاق در گفتگوها و مصاحبه‌های خود شورای ملی مقاومت را ائتلافی از سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های مخالف ج.ا.ا. معرفی می‌نماید، لیکن بلافاصله، نام منافقین در ذهن‌ها تداعی می‌گردد.

سران گروهک منافقین در سال ۶۲ با توجه به اینکه وعده‌هایشان در زمینه سرنگونی نظام تحقق نیافته و تقریباً تمام برداشت‌های آنان از اوضاع ایران غلط از آب درآمده و این موضوع به تدریج باعث مسئله‌دار شدن نیروهای زیرمجموعه و نارضایتی آنان شده بود و با توجه به اینکه پاسخ واضح روشنی در این رابطه برای اعضای خود نداشتند، به منظور جلوگیری از

ریزش نیروها و وابسته نمودن هر چه بیشتر آنان به این گروهک به طوری که قادر نباشند از نفاق فاصله بگیرند، تا شرایط بهتر و مساعدتری فراهم شود، طی اقدامی بی‌سابقه و مفتضح، آغاز انقلاب نوین ایدئولوژیک را اعلام نمودند و در پی آن به زنان مسئولیت‌های جدیدتری در رده‌های بالا محول گردید و شخصیت زن در رأس هرم به عنوان وسیله‌ای برای حفظ نیروها با مستمسک قرار دادن شعار برابری حقوق زن و مرد مطرح گردید.

مسعود رجوی در واقع با این عمل خود که به کودتای خزنده معروف گردید، ابتدا افرادی از سطوح بالای گروهک را که ممکن بود در آینده برای وی مشکل به وجود آورده و با خط مشی‌های وی در سطح فرماندهی مخالفت نمایند، کنار گذاشته و تعداد قابل توجهی از زنان را به خصوص در سطوح فرماندهی جایگزین نمود.

بسیاری از این زنان، فاقد تجربیات و صلاحیت لازم برای احراز مشاغل و مسئولیت‌های جدید بوده و پروسه‌های سیاسی را کاملاً طی ننموده بودند که یک دفعه به مقامات فرماندهی و شورای رهبری رسیدند. در جریان این انقلاب به اصطلاح نوین ایدئولوژیک، مریم قجر (عضدانلو) از همسر خود مهدی ابریشمچی جدا شده و به همسری مسعود رجوی درآمد و مهدی ابریشمچی با مینا خیابانی ازدواج نمود. از آنجا که رهبری گروهک، وابستگی عاطفه‌ای را مانعی برای مبارزه و مقاومت می‌خواند، با شروع این عمل ننگین، بچه‌دار شدن و قبول مسئولیت فرزند را برای نیروهای خود منع کرده و در امتداد این امر، طرح طلاق و جدایی رسمی زوجها در مقاطع مختلف مطرح گردید.

در پی فعالیت‌های تروریستی منافقین که با منافع مشترک ایران و فرانسه در تضاد بود و اعلام مقامات ایرانی مبنی بر اینکه شرط اولیه برقراری روابط ج.ا.ا. با فرانسه، اخراج مخالفین ایران از فرانسه و پرداخت نیمی از یک میلیارد دلار بدهی فرانسه به ایران می‌باشد، دولت فرانسه در مورخه ۶۵/۳/۱۷ مسعود رجوی را از فرانسه اخراج کرد و سرکرده نفاق به دامان صدام حسین پناه برد. رجوی از این اقدام مزدورانه، به نام پرواز تاریخ‌ساز به جوار خاک میهن نام برد و با حمایت صدام حسین در سال ۶۶ نیروهای مسلح منافقین را تحت عنوان ارتش آزادی‌بخش سازماندهی نمود.

این نیروها در طول جنگ تحمیلی، به عنوان ستون پنجم دشمن عمل نموده و دوشادوش سربازان عراقی با نیروهای اسلام به امید سرنگونی نظام ج.ا.ا. و در دست گرفتن قدرت به جنگ پرداختند و به تدریج با تقویت سازمان نظامی خود، جذب هرچه بیشتر هواداران، دریافت کمک‌های تسلیحاتی و مادی از مخالفین ج.ا.ا. و تجهیز نیروهایشان، بر قدرت خود افزودند و در نهایت در اواخر سال ۶۶ خود رأساً با حمایت آتش توپخانه ارتش عراق اقدام به اجرای عملیات نظامی علیه نیروهای خودی نمودند. به خصوص در سال ۶۷ در عملیات‌های پایانی جنگ دوشادوش نیروی متجاوز بعثی علیه نظام جمهوری اسلامی در همه صحنه‌ها وارد جنگ شدند که به لطف و عنایت خداوند متعال مزد خیانت‌هایشان را در پنجم مرداد سال ۶۷ در عملیات مرصاد دریافت نمودند.

## سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

پس از حزب توده، دومین گروهک فعالی که دارای سابقه طولانی‌تر و فعالیت‌های چشمگیرتری نسبت به بقیه گروهک‌ها در ایام قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد، گروهک چریک‌های فدایی خلق ایران می‌باشد. یکی از نقاط برجسته‌ای که در رابطه با این گروهک قابل ذکر است، دشمنی آشکار آن با نظام ج.ا.ا. بوده و در بین گروهک‌های غیر کردی، اولین گروهکی بود که دست به جنگ مسلحانه با نظام زد. نکته دوم انشعابات پی در پی در این گروهک از بدو تأسیس آن تاکنون بوده است که همین اختلافات داخلی و انشعابات روند اضمحلال این گروهک را شتاب بخشیده است.

### نحوه شکل‌گیری

تعدادی از عناصر سازمان جوانان حزب توده که بین سال‌های ۳۸ تا ۴۲ در دانشگاه علیه رژیم شاه فعالیت می‌کردند، پس از تبادل نظر پیرامون عملکرد حزب توده، خط مشی این حزب را مشی خیانت‌بار دانسته و تحت تأثیر پیروزی انقلاب کوبا و جنگ مردم ویتنام علیه امریکا تصمیم به مبارزه مسلحانه جهت سرنگونی رژیم می‌گیرند. از رهبران این گروه بیژن جزنی، شکرالله پاک‌نژاد و حسن ضیاءشیرینی بودند.

این افراد در سال ۱۳۴۵ به رهبری جزنی تحت عنوان گروه پیشتاز با اعتقاد به مبارزه مسلحانه از روستاها و کشاندن آن به شهرها رسماً اعلام موجودیت می‌نمایند. در اوایل سال ۱۳۴۸ گروه دیگری به نام گروه پیشاهنگ به رهبری مسعود احمدزاده به آنها می‌پیوندد و به عنوان اولین اقدام مشترک به پاسگاه سیاهکل نزدیک لاهیجان حمله و آنجا را خلع سلاح می‌نمایند که متعاقب این اقدام اکثر افراد گروه توسط رژیم کشته یا دستگیر شدند.

باقی ماندگان گروه پیشاهنگ و پیشتاز در سال ۱۳۵۰ سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران را تشکیل دادند. عمده فعالیت این گروه تا سال ۱۳۵۵ سرقت و ترور بوده که طی این فعالیت‌ها مجدداً عده‌ای از سران آنها دستگیر یا اعدام شدند.

به دنبال حوادث سال‌های ۵۶ و ۵۷ و آزاد شدن زندانیان سیاسی از زندان، فرخ نگهدار یکی از سران سازمان مزبور نیز از زندان آزاد شد و رهبری سازمان را به عهده گرفت.

### چگونگی وقوع انشعابات مختلف در سازمان چریک‌های فدایی خلق

چریک‌های فدایی خلق طرفدار حزب توده (سازمان انقلابی حزب توده) در اوایل سال ۵۶ تعداد ۱۲ نفر از کادرهای درجه ۲ سازمان در اعتراض به خط مشی مسلحانه، خواهان مبارزه پارلمانتاریستی به سبک حزب توده می‌گردند. این عده با اعتقاد به کار آرام سیاسی در جهت مبارزه با رژیم، از سازمان جدا شده و به رهبری فردی به نام تورج بیگوند چریک‌های فدایی خلق طرفدار حزب توده را تأسیس می‌نمایند؛ لیکن با کشته شدن بیگوند در سال ۵۶ این گروه رسماً به حزب توده پیوست.

### چریک‌های فدایی خلق (دهقان)

پس از ضربات سال‌های ۵۰ تا ۵۵ و فرار زنی به نام اشرف دهقان (دهقانی) و محمد حرمتی‌پور به خارج از کشور، نقطه نظرات جدید بیژن جزنی که در زندان بود، مطرح شد. به این معنا که جزنی معتقد به مبارزه مسلحانه بود که این نظریه مورد توافق اشرف دهقان (دهقانی) و حرمتی‌پور که در خارج به سر می‌بردند، قرار نگرفت و نهایتاً پس از پیروزی انقلاب

اسلامی و بازگشت این دو نفر در سال ۵۸ گروهی به نام چریک‌های فدایی خلق (موسوم به اشرف دهقان) اعلام موجودیت کرد.

### سازمان فداییان خلق (اکثریت)

به دنبال بروز اختلافات در مرکزیت سازمان، پلنومی در مهرماه سال ۵۸ برگزار می‌گردد که در آن دو نظریه مطرح می‌شود: عده کمی معتقد به ادامه مبارزه و مشی مسلحانه بودند که بعدها به اقلیت معروف شدند و در مقابل اینها عده بیشتری بودند که به مشی مسلحانه اعتقادی نداشتند و معتقد به بررسی عملکرد سازمان بودند و بعدها به این طیف اکثریت اطلاق شد (۸۵ درصد اکثریت و ۱۵ درصد اقلیت). من حیث‌المجموع در خرداد سال ۱۳۵۹ گروه اقلیت با انتشار نشریه‌ای تحت عنوان چریک‌های فدایی خلق از سازمان منشعب گردید و گروه اکثریت با حذف عنوان چریک‌ها از پیشوند خود با عنوان سازمان فدایی خلق ایران ادامه فعالیت می‌دهند.

### ارتش رهایی بخش ایران (آرا)

در اواخر سال ۵۹ در گروه اشرف دهقان، نظریه‌هایی از جانب حرمتی‌پور مطرح شد به این منوال که باید مبارزه مسلحانه به تمام نقاط کشور کشیده شود و در مقابل آن اشرف معتقد بود که مبارزه مسلحانه فقط باید در کردستان دنبال شود که متعاقب این نظریه‌ها حرمتی‌پور در سال ۶۰ از گروه اشرف جدا شد و گروه جدیدی به نام ارتش رهایی‌بخش تشکیل داد و نهایتاً حرمتی‌پور و تعداد دیگری از آنها در جنگل‌های شمال طی یک

درگیری به هلاکت رسیدند و مجدداً عناصر باقیمانده این گروه که مقر آنها در کردستان عراق است، به گروه اشرف پیوستند.

### سازمان فداییان خلق اکثریت (جناح فرخ نگهدار)

در طی سال‌های ۵۸ و ۵۹ در انتخاب مبارزه با نظام ج.ا.ا در سازمان فدایی خلق (اکثریت)، عده‌ای معتقد به ائتلاف با حزب توده بودند که در رأس آنها فرخ نگهدار که دبیر کل حزب بود، قرار داشت. از گروه مقابل که مخالف چنین نظری بودند، گروهی به سرکردگی علی محمد فرخنده (کشتگر) جدا شدند که به همین عنوان نیز موسوم گشتند. تقریباً قدرت اصلی سازمان از نظر نیرو و امکانات در گروه اول (جناح نگهدار) متمرکز می‌باشد. نقطه نظرات این گروه به مدت ۶ سال توسط رادیو، موسوم به رادیوی زحمتکشان و همچنین نشریه «کار» انتشار می‌یافت.

### سازمان فداییان خلق (جناح کشتگر)

گروه مقابل نظریه ائتلاف با حزب توده گروه جناح کشتگر با عقاید مارکسیستی می‌باشد. خط مشی این گروه حفظ ارتباط با شوروی با شرط استقلال بود نه وابستگی به شوروی به سبک حزب توده.

## تشکیلات ضدانقلاب فعال در منطقه کردستان

(۱) گروه انشعابی صلاح شمس‌الدین به نام پیشمرگان زحمتکشان انشعاب از کومله.

(۲) سازمان چریک‌های فدایی خلق.

(۳) سازمان پیکار

انشعاب از سازمان مجاهدین خلق (منافقین).

۴) سپاه رزگاری.

۵) گروهک خیاط.

۶) گروهک علی مریوانی.

### چگونگی ناامنی و امنیت بخشی در منطقه کردستان

با توجه به سابقه‌ای که از تشکیل فعال شدن گروهک‌های ضدانقلاب، بیان شد، در همان روزهای اول پیروزی انقلاب، مسابقه عجیبی بین گروهک‌ها و احزاب در گسترش تشکیلات نفوذ در ادارات و جمع‌آوری سلاح و مهمات به هر طریق ممکن آغاز گردید. با توجه به عدم کنترل مرز و تضعیف پاسگاه‌های ژاندارمری، به علت کمبود سرباز، ورود اسلحه از مرزهای عراق به داخل کشور به خصوص غرب کشور شدت پیدا کرد. به طوری که در بازارهای بعضی از این شهرها مثل بساط دستفروش‌های چهارشنبه بازار، بساط فروش سلاح و مهمات رواج پیدا کرده بود. حزب دموکرات و کومله در آخرین روزهای بهمن سال ۵۷ پس از خلع سلاح پاسگاه‌ها و همچنین هنگ ژاندارمری مهاباد در تاریخ یکم اسفند ۵۷ به تیپ ۳ لشکر ۶۴ در مهاباد حمله برده و سلاح و مهمات این پادگان، اعم از سلاح‌های سبک و سنگین و حتی توپخانه‌ها را به یغما بردند و هر دوی این احزاب در اواخر اسفند به پادگان مریوان و سنندج حمله بردند و این پادگان‌ها را در محاصره قرار دادند که در آنجا با قاطعیت شهید قرنی رئیس ستاد ارتش و تقویت پادگان‌ها با نیروهای اعزامی از مرکز به همّت شهید فلاحی که فرمانده نیروی زمینی ارتش بودند، با مقاومت برادران ارتشی مواجه شدند.

از دیگر اتفاقات آن روزها، حوادث مربوط به شهرستان گنبد بود که در آنجا کلیه عناصر ضدانقلاب متحد شده، ابتدا به پاسگاه‌های ژاندارمری حمله برده و پس از خلع سلاح پاسگاه‌های ژاندارمری و تصرف شهر گنبد، اقدام به غارت و به یغما بردن اموال مردم نمودند، که در اینجا نقش ارتش، به خصوص یگانی از لشکر ۷۷ خراسان و یگانی از لشکر ۱ مرکز و یگانی از داوطلبان نیروی هوایی در سرکوبی این حادثه و اقدامات مقامات تهران و محلی بسیار مؤثر بوده است. ضدانقلاب که ارتش را مانع اجرای مقاصد خود می‌دانست، در داخل بدنه ارتش رسوخ کرده و هر روز در گوشه و کنار توطئه جدیدی را خلق می‌نمودند. گاهی اوقات شعار انحلال یا شعار ارتش بی‌طبقه توحیدی سرمی دادند. در بعضی از یگان‌ها، شورا‌هایی تشکیل شده بود و فرماندهان گروهان و گردان‌های ارتش را بی‌رویه و بدون حساب و کتاب تعویض و یا انتصاب می‌کردند، تا اینکه حضرت امام (ره) برای تقویت و انسجام ارتش و مقابله با توطئه‌ها، روز ۲۹ فروردین (سال ۵۸) را به نام روز ارتش اعلام فرمودند و دستور دادند که ارتش در سراسر کشور در این روز در خیابان‌ها رژه برود و مردم حمایت خودشان را از ارتش اعلام نمایند و فرمودند، تضعیف ارتش تضعیف اسلام و حرام است.

با فرمان تاریخی حضرت امام (ره)، ارتش جمهوری اسلامی ایران جان تازه‌ای به خود گرفت، سازماندهی یگان‌های ارتش شروع گردید. از آن طرف هم با تقویت کمیته‌ها و انجمن‌های اسلامی در پادگان‌ها و تصفیه ارتش از افراد ناباب و وابسته به رژیم (گرچه این تصفیه و پاکسازی بعضاً نارسا و دچار مشکلاتی بود) روی هم رفته وضعیت مناسبی را به وجود آورد. ضدانقلاب (کومله و دموکرات) وقتی از حملات مستقیم به پادگان‌های مریوان،

سنندج، سقز نتیجه نگرفتند، در فاصله فروردین‌ماه سال ۵۸ تا مردادماه همان سال، به عضوگیری و تجهیز و آموزش و سازماندهی تشکیلاتی خود در کلیه شهرهای کردستان پرداختند؛ گرچه درگیری جزئی و کوچک با ارتش و سپاه تازه تشکیل یافته در دستورکار آنها قرار داشت؛ ولی عمدتاً به کارهای سیاسی و تقویت بنیه نظامی خود مشغول بودند.



نقشه استان کردستان و راه‌های ارتباطی بین شهرها

### حمله به پادگان ۲۸ پیاده سنندج در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۷

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و سازمان چریک‌های فدایی خلق، دفتر سنندج، برای به دست گرفتن امور شهر سنندج و از صحنه خارج کردن جریان مذهبی کمیته اهل تشیع شهر، تحت ریاست حجت الاسلام صفدری و کمیته اهل سنت شهر تحت ریاست احمد

مفتی زاده، تا عصر روز ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ به نتیجه نرسید، و اختلاف بین آنها بالا گرفت و لذا هواداران مفتی زاده که خود را عامل ایجاد امنیت در شهر می‌دانستند با مراجعه نزد رئیس کمیته اسلامی شهر (حجت‌الاسلام صفدری) درخواست اسلحه و مهمات کردند ولیکن آقای صفدری که ایجاد امنیت را وظیفه کمیته انقلاب اسلامی شهر می‌دانست (توضیح اینکه: حجت‌الاسلام صفدری قبلاً از سوی رژیم پهلوی به سنندج تبعید شده بود و بعد از انقلاب هم از سوی حضرت امام (ره) به عنوان نماینده آن حضرت در شهر سنندج منصوب شده بود)، از واگذاری مهمات به طرفداران مفتی زاده خودداری نمود، این اقدام موجب تحریک عده ای از مردم سنندج گردید، بنابر این جمعی از بازاریان و طرفداران مسلح گروه‌های سیاسی فوق‌الذکر جهت اعتراض به این موضوع، در مقابل استانداری تجمع کردند (کیانی، بر بلندای سرزمینم، ۱۳۸۶، ص ۷۹).

حجت‌الاسلام صفدری به منظور متفرق ساختن مردم از مقابل ساختمان استانداری، در محل تجمع آنان حضور یافت و با ایراد سخنرانی، علت عدم واگذاری مهمات به طرفداران مفتی زاده را به اطلاع مردم رسانید، سخنانی که با اعتراض شدید تجمع‌کنندگان مواجه شده بود منجر به بروز درگیری مسلحانه و کشته و زخمی شدن چند تن از هواداران طرفین گردید که از طرفداران مفتی زاده «حمید دلاوری» کشته و «محمد ابراهیمی و جلیل حسینی» زخمی شدند و طرفداران آقای صفدری هم «شاطر محمد رحمانپور» که مجروح شده بود پس از انتقال به بیمارستان به طرز فجیعی به قتل رسید (همان، ص ۷۹).

آن درگیری، باعث حرکت معترضان که اکثراً از هواداران احزاب سیاسی و به ویژه طرفداران مفتی زاده بودند، به سمت پادگان سنندج حرکت و تقاضای واگذاری اسلحه ومهمات از پادگان نمودند که با مخالفت شدید لشکر ۲۸ پیاده سنندج مواجه شدند، اما سران احزاب سیاسی جو ایجاد شده را مغتنم شمرده و به منظور عملی ساختن طرح از پیش تنظیم شده خود که در روزهای ۲۵ و ۲۶ در شهر دیواندره برنامه ریزی کرده بودند، به دنبال فرصتی جهت عملی ساختن آن بودند تا مردم را تحریک به حمله به پادگان نمایند.

در اولین اقدام، گروهک‌ها در ساعت ۸ شب مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ عناصر مسلح کومله به رهبری عبدالله مهتدی، صدیق کمانگر و محمد فؤاد مصطفی سلطانی سران کومله وارد ستاد لشکر که در داخل شهر، خیابان امام جنب باشگاه افسران قرار داشت شدند و صدیق کمانگر (سخنگوی دفاع از آزادی) به اتفاق خسروی (معاون فنی مفتی زاده) به زور فرمانده لشکر «سرهنگ ماشالله صفری را به اتفاق سرگرد مسعودی و سرگرد سامی مقام» دستگیر و به گروگان بردند.

پس از اشغال ستاد لشکر، عناصر مهاجم به رهبری عبدالله مهتدی در ساعت ۹ شب، پادگان ژاندارمری واقع در ضلع جنوب شرقی پادگان لشکر ۲۸ را مورد حمله قرار دادند، این پادگان بدون کوچکترین مقاومتی به تصرف مهاجمین در آمد و سلاح‌های موجود پادگان به دست مهاجمین افتاد، و در ادامه، در ساعت ۱۰ شب پادگان لشکر ۲۸ سنندج واقع در ضلع غربی شهر که ارتفاعات آبی‌در از سمت جنوب و تپه شهدا از سمت شمال برآن اشراف داشت، مورد یورش قرار گرفت و به محاصره درآمد، ولی پرسنل

موجود که به تعداد کافی نبودند، در پادگان، دست به مقاومت جانانه زدند.  
(جوادیان، مصاحبه، ۱۳۹۳/۴/۲۴)

در همین زمان، صدیق کمانگر و خسروی، فرمانده لشکر را به صداوسیما شهر بردند و از او خواستند که دستور بدهد پادگان تسلیم شود. و او هم پیام زیر را از صداوسیما صادر نمود:

«من سرهنگ ماشالله، سرپرست لشکر ۲۸ پیاده کردستان، در نتیجه مذاکره با شورای شهر سنندج و بنا به مصالح ملی و منطقه‌ای، به کلیه یگان‌های لشکر، دستور می‌دهم در برابر نیروهایی که در شورای شهر شرکت و نمایندگان مردم هستند، هیچ گونه مقاومتی نکنند و لشکر بدون قید و شرط برای جلوگیری از خونریزی به شورای موقت انقلاب تسلیم گردد.» (کیانی، ۱۳۸۶، ص ۸۱).

اگرچه فرمانده لشکر پیام مذکور را از طریق صدا و سیما صادر نمود ولیکن افسران و درجه داران و سربازان مسلمان، انقلابی، معتقد به انقلاب حاضر در پادگان از پیام فرمانده لشکر، متوجه ترس شدید وی که در گروگان مهاجمین می‌باشد شدند و لذا به فرماندهی معاون لشکر (مرحوم سرهنگ محمد سلطان اسحاق) و فرمانده تیپ یک لشکر (سرهنگ دوم محمد جوادی) به شدت در برابر مهاجمین مقاومت نمودند و تعداد ۶۰ نفر از آنان را به اسارت گرفته و در پادگان زندانی نمودند و لیکن در جریان دفاع از پادگان تعداد ۱۶ نفر از کارکنان وظیفه و ۲ نفر از کارکنان پایور توسط عده‌ای از نظامیان بومی (هواداران احزاب و گروهک‌های سیاسی فعال در سنندج) مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و در نتیجه ۷ نفر از آن عزیزان به درجه رفیع

شهادت نائل آمدند و این امر چنان بحرانی در شهر ایجاد کرده بود که تشخیص دوست و دشمن را مشکل می‌ساخت.

وقتی کارکنان پایور و وظیفه‌پادگان به شدت مقاومت می‌کردند و مانع از سقوط پادگان شده بودند، سخنگوی شورای شهر سنندج از طریق رادیو و تلویزیون محلی به مردم چنین گفت:

«مردم مبارز سنندج، نیروهای ارتجاعی با وجود تصمیم فرمانده پادگان، هنوز به ماجراجویی و تیراندازی ادامه می‌دهند، لذا از همه اهالی مسلح شهر تقاضا داریم برای تثبیت انقلاب و به ثمر رسیدن خون شهیدان، به کمک برادران رزمنده خود که پادگان را در محاصره دارند بشتابید، هر کس تفنگی دارد می‌تواند جان یک همشهری را نجات دهد، هر کس تفنگی دارد می‌تواند به انقلاب کمک کند، تفنگ‌ها را بردارید و به کمک برادران رزمنده خود بشتابید و شهر را سنگربندی کنید.»

سرانجام، تماس تلفنی رئیس ستاد وقت ارتش (سرلشکر محمد ولی قرنی) با سرهنگ سلطان اسحاق و ابلاغ فرمان حضرت امام (ره) مبنی بر مقاومت و حفاظت پادگان سنندج تا آخرین قطره خون، تکلیف برای نظامیان مشخص گردید که باید الزاماً به هر نحو ممکن پادگان را از سقوط نجات دهند.

خطراتی که از سمت پادگان ژاندارمری، متوجه پادگان سنندج بود، مسئولین لشکر را بر آن داشت تا با اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به تخلیه پادگان ژاندارمری از لوٹ و وجود مهاجمین اقدامات لازم را انجام دهند، بنابر این سرهنگ سلطان اسحق در ساعت ۲۳ مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ (همان شب) یکی از افسران شجاع و مدبر لشکر (سرگرد عباسعلی علیجانی) را احضار و به

نامبرده مأموریت داد که به هر نحو ممکن خود را به فرمانده عناصر مسلح مهاجم مستقر در پادگان ژاندارمری که عبدالله مهتدی بود برساند و ضمن ابلاغ بمباران هوایی آن پادگان در ساعت ۰۴:۰۰ صبح روز ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ هشدار لازم را به تخلیه پادگان به وی بدهد. انجام این تدبیر کارساز بود و موجب عقب نشینی عناصر مسلح از آن پادگان گردید. بدین ترتیب ناحیه جنوب شرقی پادگان از اشغال عناصر مسلح خارج و از امنیت نسبی برخوردار شد.

نکته بسیار حائز اهمیتی که موجب ارتقاء سطح روحیه و اعتماد به نفس فرماندهان، افسران و کارکنان لشکر ۲۸ پیاده سنندج و تمامی دلاور مردان نیروی زمینی ارتش در مصاف با عناصر مسلح ضدانقلاب در منطقه شمالغرب گردید پیام تاریخی حضرت امام خمینی(ره) بود که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ به شرح زیر صادر گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم

به اهالی محترم مسلمان کردستان

«شنیده شده که عده‌ای وضع کردستان را مغشوش کرده اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و بر خلاف اسلام عمل می‌کنند، این عده به ارتش که اکنون به سوی ملت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کند، حمله می‌برند و آنها را مورد توهین قرار می‌دهند، این قبیل کارها بر خلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هر گونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم، همه اهل، ملت واحد و قران واحد هستیم، ارتش و

ژاندارمری و پلیس باید بدانند که از این به بعد آنها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمانند و اگر کسی به آنها حمله کند، از مردم مسلمان نیست و عمال اجانب است و باید نیروهای مسلح، با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌ای را بر خود و نوامیس مردم، دفاع نمایند.»

(کیا، ابوالقاسم و همکاران، پروژه تحقیقاتی موزه دفاع مقدس، حمله به پادگان سنندج، ۱۳۹۶، ص ۸۰)

جهت ایجاد آرامش در شهر سنندج و رسیدگی به وضعیت سیاسی شهر، هیئتی از سوی حضرت امام خمینی (ره) و دولت موقت به شرح زیر و در ساعت ۲۰:۰۰ اول فرودین ۱۳۵۸ وارد سنندج شدند و در محل دانشگاه تربیت دبیر این شهر مستقر گردیدند.

آیت الله طالقانی - آیت الله بهشتی - آقای صدر حاج سید جوادی (وزیر کشور) - آقای بنی صدر - آقای هاشمی رفسنجانی

در مقابل، هیئتی مرکب از رهبران دینی و شخصیت‌های ملی مذهبی کرد، از شهرهای مهاباد، بوکان و سقز به سنندج وارد شدند که با آیت الله طالقانی و هیئت همراه درباره مسائل مربوط به حوادث سنندج و خواسته‌های ملت گرد مذاکره نمایند. این هیئت عبارت بودند از:

شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد (رئیس هیئت نمایندگی)

حاج ملا ابوبکر شفیعی امام جمعه بوکان

ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز

شیخ جلال‌الدین حسینی امام جمعه بانه (برادر شیخ عزالدین حسینی)

لازم به ذکر است که مذاکرات انجام شده بین هیئت اعزامی و نمایندگان گُرد، مفصل و طولانی می‌باشد که لحاظ کردن آن از ظرفیت این کتاب خارج است (کیا، ابوالقاسم، ۱۳۹۶، حمله به پادگان سنندج، موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس).

### حادثه ۲۳ تیر ۱۳۵۸

از اقدامات ناجوانمردانه گروهک کومله، می‌توان به حادثه ۲۳ تیر ۱۳۵۸ مریوان اشاره نمود که در آن حادثه، عناصر مسلح کومله محل استقرار نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در ساختمان ساواک سابق را مورد تجاوز قرار دادند و فرمانده آنان عبدالله طرطوسی و یازده نفر از یارانش را به فجیح‌ترین وجهی شهید نمودند. این امر موجب شد تا دکتر مصطفی چمران بعد از خنثی سازی حادثه درد ناک پاوه، عازم مریوان شوند و با فؤاد مصطفی سلطانی یکی از اصلی ترین سردمداران کومله در ساختمان فرمانداری مریوان و با حضور فرمانده پادگان مریوان (سرگرد حسین شیبانی - مرحوم سرتیپ ۲ حسین شیبانی) و فرماندار مریوان (آقای فراهانی) در خصوص برقراری امنیت و کنترل وضعیت عمومی شهر تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند (کیا، ابوالقاسم، ۱۳۹۶، آزادسازی مریوان، موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس).

### شهادت سرهنگ دوم محمد فراشاهی در سقز

یکی دیگر از رویدادهای دردناک رخ داده شده در شمال غرب، می‌توان به حادثه شهادت سرهنگ دوم محمد فراشاهی فرمانده پادگان سقز، در

تاریخ ۱۳۵۸/۵/۳۰ اشاره نمود. آن حادثه در زمانی که گردان ۱۳۹ پیاده تیپ ۸۴ خرم آباد، در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۹ به فرماندهی سرهنگ دوم مرتضی پاک سرشت، عازم پادگان سقز شده بود به وقوع انجامید. تعدادی از کارکنان بومی شاغل در پادگان به فرمانده پادگان اطلاع دادند که امام جمعه و سایر مسئولین شهر در مدخل ورودی شهر آماده استقبال از ستون نظامی هستند که از مسیر دیواندره عازم سقز می‌باشد. از وی دعوت کردند که جهت حسن نیت و همگام با مستقبلین در مراسم استقبال شرکت نماید و ایشان هم آن دعوت را پذیرفت و عازم درون شهر نزدیک پل سقز گردید اما عناصر مسلح ضدانقلاب ناگهان به وی حمله ور شدند و او را که مسلح نبود به شهادت رساندند و از سوی دیگر با درگیری شدید با ستون نظامی، موجب توقف ستون و نهایتاً بازگشت ستون به طرف دیواندره و اسقرار در پاسگاه ژاندارمری «ایران خواه» واقع در محور دیواندره- سقز و محدوده پاسگاه شدند، تا اینکه روز بعد، ستون با یک دسته تانک چیفتن به فرماندهی ستوان دوم چهار دانگه عازم سقز گردید، در حالی که ضدانقلاب، پل روی رودخانه سقز را با تیر آهن مسدود کرده بود و لیکن یک دستگاه تانک به فرماندهی ستوان چهاردانگه از پل گذشت و در زمین مسطح حاشیه پل با شلیک موشک آر، پی، جی، هفت از سوی ضدانقلاب، تانک منفجر و ستوان چهار دانگه به درجه رفیع شهادت نائل آمد و در نهایت با حضور ستوان ادیبان از تیپ ۲ سقز در ستون و راهنمایی وی و قاطعیت فرمانده گردان، ستون نظامی با صلابت و مقتدرانه از پل گذشت و از داخل شهر عبور کرد و وارد پادگان سقز گردید. در همین زمان، بلافاصله مجدداً سرگرد اسماعیل

سهرابی به عنوان فرمانده تیپ منصوب و مسئولیت تیپ را عهده دار گردید.  
(کیا، ابوالقاسم، شکسته شدن محاصره پادگان سفز، ۱۳۹۶)

### حادثه پاه

از دیگر حوادث رخ داده شده در منطقه شمالغربی استان کرمانشاه، موضوع پاه می باشد که آن حادثه توسط هواداران سالار جاف و پالیزبان شکل گرفت و تعدادی از رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۳۵۸/۵/۲۶ در آن شهر به طرز فجیحی توسط ضدانقلابیون به شهادت رسیده بودند، آنقدر حادثه موصوف اسفناک بود که دکتر مصطفی چمران به اتفاق سرتیپ فلاحی (رئیس ستاد وقت نیروی زمینی ارتش که مسئولیت فرماندهی آن نیرو را عهده دار بود) عازم آن شهر شدند و با مدیریت دکتر چمران و حضور یگان های زرهی از لشکر ۸۱ زرهی و دلیر مردان تیپ ۲۳ نیروهای ویژه و برادران جان برکف سپاه پاسداران از شهر کرمانشاه و فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر خاتمه دادن به حادثه ایجاد شده در آن منطقه، غائله پاه خاتمه یافت. اگرچه با حادثه دردناک سقوط یک فروند بالگرد هوانیروز که حامل تعدادی از مجروحین بود مصادف شد. به هر حال ضدانقلاب به شدت سرکوب و آرامش در شهر برقرار شد و شهید ناصر کاظمی مسئولیت اداره شهر را عهده دار گردید و دکتر چمران به اتفاق نیروهای تیپ ۲۳ نیروهای مخصوص که به همراه داشت عازم نوسود و از آنجا عازم دزلی، درکی و مریوان و در ادامه از مریوان سه راهی چناره محور بسطام - بوئین سفلی وارد پادگان بانه و شهر بانه شد و پس از توقف کوتاه در بانه، عازم سردشت گردید و آن شهر و پادگان سردشت را که متعلق به

ژاندارمری بود، از دست ضدانقلاب آزاد نمود و یگان‌هایی از نیروی زمینی در آن مستقر گردید.

در اینجا باید به مدیریت و شجاعت شهید دکتر چمران، به عنوان یک اقدام بسیار با ارزش به نیکی یاد کرد و از شاه کارهای نظامی دانست در آن شرایط بحرانی، با صلابت و اقتدار وصف ناپذیری همراه با شجاعت دلآور مردان نیروهای مخصوص تیپ ۲۳ نوه‌د پادگان سردشت و شهر سردشت از کنترل ضدانقلاب خارج گردید (کیا، ابوالقاسم، حادثه پاوه، ۱۳۹۶).

### فرمان حضرت امام خمینی (ره) و تأثیر آن

فرمان امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا درباره حوادث پاوه مورخه ۲۷ مردادماه ۵۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف ایران گروه‌های مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته غائله را ختم کنند.

من از آنان تشکر می‌کنم و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم، اگر با توپ‌ها و تانک‌ها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم.

من به عنوان ریاست کل قوا، به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیزات کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور

دیگر و بدون فوت وقت، با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می‌دهم، وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند. تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را نیروی انتظامی می‌دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، من سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. والسلام

با صدور این فرمان تاریخی و سرنوشت‌ساز امام و حرکت یکپارچه حضور قوای نظامی - انتظامی و برادران پاسدار و نیروهای کمیته و نیروهای مردمی به سوی شهرهای کردستان، گروهک‌های ضدانقلاب دست از مبارزه کشیده و به مقرها و سازمان‌های خود برگشتند و به ظاهر خود را مطیع حکومت مرکزی نشان دادند و سران آنها خواستار مذاکره با دولت، جهت گرفتن یک سری امتیازات شدند که متأسفانه پای مذاکره دولت موقت در کردستان باز شد و با هر عقب‌نشینی و امتیازی که دولت موقت به این گروهک‌ها داد، آنها یک قدم جلوتر گذاشتند، تا جایی که در بهمن‌ماه و اوایل اسفند سال ۵۸ سپاه پاسداران را از شهرهای کردستان بیرون کردند و به ارتش هم دستور داده شد که در امور سیاسی شهرها دخالت نکند. تقریباً کنترل همه امور شهری شهرهای کردستان بین گروهک دموکرات و کومله تقسیم شده بود و در بعضی مواقع، این گروهک‌ها برای به دست گرفتن قدرت بیشتر، با یکدیگر تعارض و درگیری‌هایی هم داشتند.

### آزادسازی پادگان مه‌باد از دست حزب دموکرات

از دیگر اقدامات بسیار با ارزش و بررسی شده که با علم و تخصص خاص نظامی و بسیار مقتدرانه، توسط یگان‌های رزمی لشکر ۶۴ پیاده صورت گرفت، آزادسازی پادگان مه‌باد در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۱۲ از دست حزب دموکرات می‌باشد. در این عملیات بسیار مهم، پادگان مه‌باد برای همیشه توسط رزمندگان دلیر و شجاع لشکر ۶۴ پیاده با پشتیبانی خلبانان قهرمان هوانیروز که واقعاً در کردستان ایثار کرده‌اند آزاد گردید، بدون آنکه تلفاتی از نظر نیروی انسانی به یگان‌های عمل‌کننده وارد شود. بعد از این عملیات است که شهر مه‌باد، از کنترل حزب دموکرات خارج و سازمان‌های دولتی، شامل آموزش و پرورش، بانک‌ها، بهداشت و درمان، صدا و سیمای مه‌باد و... در محل‌های مربوطه مستقر و فعالیت خود را آغاز می‌نمایند. جالب آنکه هنگام ورود قدرتمندانه نیروهای دلاور نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به مه‌باد، عبدالرحمن قاسملو از ترس به اتفاق تمامی اعضای حزب، شهر را ترک و به سردشت می‌روند و شهر آرامش نسبی خود را به دست می‌آورد (کیا، ابوالقاسم، آزادسازی پادگان مه‌باد، ۱۳۹۴).

### شهادت سرهنگ شریف اشراف و همراهان در محور سردشت - بانه

حادثه بسیار دردناک گردان دوم از تیپ ۲ لشکر یک مرکز، یکی از غم‌انگیزترین حوادث در منطقه شمالغرب می‌باشد که به طور مختصر به شرح ذیل به آن اشاره می‌گردد:

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به رغم تمام ملاحظاتی که در برخورد با مردم و حتی خویشانداری در برابر اقدامات نا جوانمردانه عناصر مسلح ضدانقلاب در سرتاسر منطقه شمالغرب کشور داشته بود و همچنین حسن نیتی که نظام مقدس جمهوری اسلامی معمول می‌داشت، پس از آنکه بر اساس توافق گروه حسن نیت با سران احزاب معاند، برگشت یگان‌های نظامی از شهرهای کردنشین شمالغرب به داخل پادگان‌های نظامی، ضدانقلاب (احزاب غیر قانونی دموکرات، کومله، چریک‌های فدایی خلق و خبات) از اول مهر ماه سال ۱۳۵۸ بیش از پیش جسور شده و اقدام به تجهیز و سازماندهی واحدهای مسلح خود نمودند. از فرصت ایجاد شده سوء استفاده نموده، علاوه بر شهرها، جاده‌ها و محورهای مواصلاتی بین شهری، جاده‌های بین روستائی استان‌های آذربایجان غربی و کردستان را هم در کنترل خود گرفتند و تبعیت از دولت مرکزی را به پایین‌ترین سطح ممکن تقلیل دادند، تا جائی که ممانعت کامل از تردد یگان‌های نظامی و رزمندگان اسلام (ارتش، سپاه، ژاندارمری، پیشمرگان مسلمان گرد و جهادگران) از مسیرهای زمینی به عمل می‌آوردند.

از آن جمله، اینکه گردان دوم از تیپ ۲ لشکر یک مرکز به فرماندهی سرهنگ ۲ رسول سداد در اواخر شهریور ماه ۱۳۵۸ از پادگان بانه و طی محور بانه - سردشت وارد پادگان سردشت شد و در آن پادگان مستقر گردید

و قرار بر این بود که بعد از ۴۵ روز گردان با گردان دیگری از همان لشکر تعویض گردد و این تصمیم در اوایل آبان ماه همان سال عملی شد و گردان یکم از تیپ سوم به سرپرستی سرهنگ شریف اشرف معاون لشکر، پس از ورود به بانه عملی گردید. گردان موصوف با رعایت کامل نکات ایمنی بدون هیچ گونه درگیری در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۶ وارد پادگان سردشت شد و مایه خوشحالی کارکنان حاضر در پادگان گردید. گردان ۲ آماده شد تا در ساعت ۰۸۳۰ مورخه ۱۳۵۸/۸/۱۰ (روز عید قربان) در حالی که مردم سردشت به دلیل اخلاق اسلامی و رفتار خوب و انسان دوستانه گردان از آن گردان رضایت داشتند، گردان را به خوبی مشایعت کردند و اظهار می‌داشتند که در بانه از شما به گرمی استقبال خواهند نمود. در حالی که گردان با تجهیزات سازمانی به سرپرستی سرهنگ شریف اشرف که سوار بر جیپ اوآز در سرستون حرکت و مسؤلیت ستون را عهده دار بود و دستور داده بود که بدون هماهنگی با من کسی حق تیراندازی ندارد ستون نظامی شروع به حرکت نمود و فرمانده گردان (سرهنگ دوم سداد) در انتهای ستون مراقب حرکت ستون بود، ستون نظامی تا روستای کانی سور در ۲۰ کیلومتری بانه بدون درگیری به مسیر خود ادامه داد و بالگردی هم که در بالای سر ستون حرکت می‌کرد اطلاع داد که مورد مشکوکی را مشاهده نمی‌کند. اما پس از عبور از کانی سور در ۱۵ کیلومتری بانه، ضدانقلاب زن‌ها و بچه‌ها را در طول جاده روی زمین نشانده بود و آنها را سپر در مسیر حرکت ستون قرار داد، در نتیجه ستون از حرکت ایستاد و ستون در کمین ضدانقلاب گرفتار شد و با ضدانقلاب به شدت درگیر گردید.

در همان لحظات اول سرهنگ شریف اشراف که تلاش می کرد ستون را از کمین نجات دهد شهید گردید و شیرازه ستون از هم پاشید و پس از ۱۲ ساعت درگیری با ضدانقلاب و دادن ۳۰ نفر شهید ۳۲ نفر مجروح و ۵۰ نفر مفقود، ستون وارد پادگان بانه شد (کیا، ابوالقاسم، حادثه گردان ۲ تیپ ۲ لشکر یک مرکز، ۱۳۹۶)

### دکتر مصطفی چمران درباره این حادثه دردناک چنین می گوید:

«این گروهک‌ها از منطقه مهاباد به سمت جنوب آمدند تا به بانه رسیدند و هنگامی که یک ستون نظامی از سردشت برای تعویض و رفتن به مرخصی به بانه می‌رفت و انتظار جنگ نداشت و اصلاً نمی‌خواست بجنگد و ارتش به آنها دستور داده بود در داخل شهرها تیراندازی نکنند و گفته بودند هنگامی که این ستون وارد بانه می‌شود، زن‌ها و بچه‌ها با گل و شیرینی از آنها استقبال خواهند کرد، وقتی این ستون وارد بانه می‌شود رگبار گلوله را از چپ و راست بر این ستون سرازیر می‌کنند، بیش از ۳۵ سرباز بی‌گناه را درجا می‌کشند، ۷۰ نفر را مجروح می‌کنند، در حالی که این سرباز نمی‌خواهد بجنگد، دستور جنگیدن ندارد، می‌داند که اگر رگبار گلوله را بگشاید زن‌ها و بچه‌ها کشته خواهند شد، اما این چریک‌های فدایی خلق و عناصر مسلح گروهک‌ها، زن‌ها و بچه‌ها را سپر کردند و از پشت سر، آنها را به رگبار گلوله بستند و در روز عید قربان ۱۳۵۸/۸/۱۰ آنها را کشتند. بنابراین می‌بینید که دولت چقدر از خود مسالمت نشان داد، چقدر انسانیت نشان داد، ولی چقدر جرم و جنایت از طرف مقابل به ظهور می‌رسد و بازهم ارتش سکوت کرد که مبادا مذاکرات به شکست بیانجامد. فرمانده این ستون

نظامی به عهده سرهنگ شریف اشراف بود که در سر ستون حرکت می‌کرد و وقتی ستون به محدوده ۱۵ کیلومتری محور ورودی بانه در کمین ضدانقلاب گرفتار شد، نهایت تلاش را به عمل آورد تا ستون را از کمین خارج نماید و در نتیجه خودش همراه سایر همزمان شهادت طلبش به درجه رفیع شهادت نائل آمد.» (چمران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱)

### اتفاقات محور خوی - قطور و راه آهن ایران - اروپا در سال ۱۳۵۸

خط آهن ایران - اروپا، پس از عبور از تبریز، صوفیان، بندر شرفخانه وارد ایستگاه قره‌تپه می‌گردد (ایستگاه سلماس)، ایستگاه موصوف در غرب جاده ترانزیت ارومیه - X - خوی - بازرگان در فاصله ۲۷ کیلومتری از شهر خوی و ۱۲ کیلومتری از شهر سلماس واقع است و به همین دلیل به آن ایستگاه سلماس هم گفته می‌شود.

قطارها معمولاً پس از توقف کوتاهی در این ایستگاه برای رسیدن به ایستگاه رازی که در مجاورت مرز ایران - ترکیه دایر شده است به حرکت خود ادامه داده و وارد منطقه کوهستانی با دره‌های عمیق و ارتفاعات بلندی به نام دره قطور می‌گردند و از پل معروف قطور که روی رودخانه قطور چای و به صورت یک دهنه بزرگ با قوس فلزی احداث گردیده است عبور می‌کنند. طول تاج آن ۴۷۵ متر و ارتفاع آن از کف رودخانه ۱۰۰ متر است و دو تونل بزرگ مقابل هم را مانند پل ورسک متصل می‌کند.

عناصر مسلح ضدانقلاب به سرپرستی شخصی به نام ستار مامدی از بهمن ماه سال ۱۳۵۸ مسیر راه آهن را نا امن و تردد قطارها را غیر ممکن ساختند و در ادامه اشرار به سرپرستی همان شخص شبانه به گروهان

ژاندارمری قطور واقع در روستای نسبتاً بزرگ قطور حمله و پاسگاه تابعه آن گروهان را خلع سلاح و پادگان مذکور را در محاصره ی خود قرار می دهند و محور قطور را از گردنه «سینور» بسته و مانع عبور و مرور می گردند و با استفاده از وضعیت به وجود آمده، آبادی های چاوش گلی و قره تپه، ایستگاه راه آهن را مورد تهاجم قرار می دهند که به محض اطلاع لشکر از وضعیت و فعالیت ضدانقلابیون (اشارر) یک گروهان سوار زرهی از گردان ۲۳۰ سوار زرهی خود را با هماهنگی کمیته انقلاب اسلامی خوی وارد عمل نموده و نسبت به سرکوب مواضع اشارر به وسیله بالگردهای کبرا در محورهای خوی، قطور از قره تپه تا ایستگاه رازی اقدام می نماید. بدین ترتیب منطقه مذکور به طور موقت از لوٹ وجود عناصر ضدانقلاب پاکسازی می گردد، و لیکن مجدداً اشارر اقدام به بستن محور خوی - قطور می نمایند که منجر به محاصره شدن یک گروهان سوار زرهی از گردان ۲۳۰ سوارزرهی خوی در قطور و گروهان ژاندارمری و پل قطور می گردد.

خلاصه اینکه تا فروردین ماه سال ۵۹ کلیه شهرهای کردستان در کنترل گروهک های ضدانقلاب قرار گرفت و پادگان های نظامی محترمانه به محاصره درآمد بود. یکی از افسران پادگان سنندج می گفت: ما روزهای بسیار سختی داشتیم؛ گروهک کومله و دموکرات طوری بر شهر تسلط داشتند که شورای شهر، استانداری، فرمانداری همه و همه از آنها بود. شهربانی تعطیل شده بود. گروهک ها در مقابل پادگان های ارتش، کیوسک دژبانی و کنترل گذاشتند و کار را به جایی رسانده بودند که ما وقتی می خواستیم از پادگان خارج شویم و به شهر برویم از ما برگه مرخصی طلب می کردند. از طرفی هم از مرکز دستور رسیده بود که ارتش هیچ حرکتی

انجام ندهد. چون این دستور از جانب ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا که به عهده بنی‌صدر بود صادر گشته بود، گروهک‌های ضدانقلاب جسارت را به جایی رسانده بودند که گاهی بر روی پاسگاه‌های ژاندارمری و یا ستون‌های نظامی ارتش عملیات کمین یا دستبرد انجام می‌دادند. برای نمونه شهید سرهنگ منوچهر شریفی فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان که در تاریخ ۵۸/۸/۱۹ برای تعویض فرمانده پاسگاه دزلی به منطقه رفته بود، پس از تعویض فرمانده هنگام مراجعت در داخل هلی‌کوپتر توسط عوامل گروه‌ها ترور شده و به شهادت می‌رسد و یا شهید سرتیپ شریف اشرف فرمانده ستون اعزامی بانه در حوالی شهر بانه در کمین ضدانقلاب در تاریخ ۵۸/۸/۱۰ به شهادت می‌رسد و یا خودروی شهید فلاحی فرماندهی نیروی زمینی در مهر ماه ۱۳۵۸ که برای نظارت در اعزام ستون نظامی از بانه به سردشت رفته بود مورد اصابت آر.پی.جی ضدانقلاب قرار گرفته و شهید فلاحی در اثر پرت شدن از خودرو به شدت از ناحیه کمر آسیب می‌بیند. نظیر این‌گونه اتفاقات هر روز در شهرهای مختلف برای ارتش بوده که در پرونده‌ها و گزارش‌های روزانه آن زمان موجود است.

### حادثه نقده

حزب دموکرات پس از خلع سلاح پادگان مهاباد، به دنبال سیاست‌های پوشالی خود در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۳۱ حدود ۵۰۰۰ نفر از افراد مسلح خود را جمع‌آوری و جهت دستیابی به اهداف شوم، خود به شهرستان نقده گسیل داشت و مردم آن شهر را با زور دعوت به شرکت در سخنرانی و تبلیغات رهبران آن حزب در میدان ورزشی نمود. در این گردهمایی، فردی ناشناس

اقدام به تیراندازی در میان تجمع شوندها نمود که این امر موجب درگیری بین اهالی ترک‌زبان و کردزبان شهر گردید. مراتب بلافاصله از طریق ناحیه ۱۳ ژاندارمری به مقامات مسئول گزارش و به منظور برقراری آرامش در منطقه، تعدادی از کارکنان ژاندارمری و بسیجیان ارومیه به نقده اعزام می‌گردند، ولی نیروهای یاد شده قادر به ایجاد آرامش کامل در منطقه نقده نشد، مجدداً تعداد دو دستگاه نفربر با خدمه مربوطه از لشکر ۶۴ پیاده، بنا به تقاضای ناحیه ۱۳ ژاندارمری در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱ زیر امر آن ناحیه قرار گرفت (در یکی از این نفربرها حجت‌الاسلام حسینی سوار بود).

در ادامه درگیری‌ها، بین طرفین (ترک و کرد) تعدادی از آنها کشته و زخمی شدند و امنیت منطقه، لحظه به لحظه دچار بحران می‌گردید. تعدادی از افراد ترک‌زبان، شهر را ترک و عازم ارومیه و روستاهای اطراف شدند و برخی از مردم کرد زبان هم از ترس شدت درگیری به شهرهای مهاباد، سقز، سردشت و اشنویه کوچ نمودند.

افراد ترک‌زبان که شهر را ترک و عازم ارومیه شده بودند، در مقابل ستاد لشکر ۶۴ پیاده ارومیه تجمع نمودند و خواستار دخالت ارتش جهت جلوگیری از کشتار مردم شدند، در برابر این خواستار مردم، فرمانده لشکر ۶۴ پیاده مراتب را سریعاً به نذاجا منعکس و نذاجا هم طی امریه‌ای به لشکر ۶۴ مأموریت می‌دهد، در اسرع وقت نسبت به جداسازی طرفهای درگیر اقدام نماید. لشکر بلافاصله طی اطلاعیه‌ای به طرفهای درگیر اعلام می‌کند که چنانچه در مدت ضرب‌الاجل تعیین شده به منازعه پایان ندهند، وارد عمل شده و نسبت به جداسازی آنان اقدام خواهد کرد.



استان آذربایجان غربی و راه‌های ارتباطی بین شهرها

لشکر ۶۴ پیاده، ستونی نظامی مرکب از یگان‌های زیر را به فرماندهی سرهنگ ستاد کاظم نیکنام معاون وقت لشکر به منطقه نقده اعزام و منطقه تجمعی را در حوالی آن شهر اشغال تا با هماهنگی استاندار وقت، معتمدین محلی و روحانیون شهر، نسبت به رفع درگیری و منازعه اقدام نماید:

- یک گروهان از گردان ۱۰۳ پیاده

- یک گروهان از گردان ۱۳۲ پیاده

- یک گروهان تانک ام ۴۷ از گردان ۲۷۵ زرهی

- یک گروهان سوارزرهی از گردان ۲۳۰ سوارزرهی
- یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳ میلی متری از پادگان قوشچی
- یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ میلیمتری کشتی از گردان ۳۸۵ توپخانه

#### قوشچی

- یک تیم ب عملیاتی از نیروی مخصوص به سرپرستی سرگرد مهرپویا با حضور افسرانی چون شهید حسین شهرامفر، ستوان اسلامی، ستوان دادبین و ... به استعداد حدود ۵۰الی ۶۰ نفر، این تیم عملیاتی بیش از یک ماه در منطقه ماند و بیشتر کار اطلاعاتی و عملیاتی انجام می داد.

## وضعیت کردستان در پایان سال ۱۳۵۸

**الف)** کلیه شهرهای استان کردستان و شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی از حاکمیت جمهوری اسلامی خارج شده و در کنترل ضدانقلاب (گروهک کومله-دموکرات) قرار گرفتند. کلیه پادگان‌های این دو استان «پادگان سنندج- مریوان- سقز- بانه- سردشت و پیرانشهر» در محاصره کامل ضدانقلاب قرار گرفتند و با تدبیر دولت و دستور ستاد مشترک، یگان‌های ارتش حق خروج از پادگان‌ها را نداشتند. حتی جابجائی یگان‌ها به سختی انجام می‌شد و گاه منجر به درگیری با ضدانقلاب بود.

اداره شهرها و انتصابات مسئولین شهرها، عملاً با دخالت احزاب کومله و دموکرات بود. احزاب کومله و دموکرات تعدادی از افسران و درجه‌داران و سربازان بومی طرفدار خود را در پادگان‌های ارتش سازماندهی کردند و این افراد در بحث جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، کمک قابل ملاحظه‌ای برای آنان انجام می‌دادند. احزاب کومله و دموکرات در محورهای ورودی و خروجی شهرهای موردنظر پست کنترلی داشتند و کلیه رفت و آمدها به شدت کنترل می‌شد؛ بخصوص افراد نظامی و پاسداران از اتوبوس‌ها و خودروهای سواری پیاده و پس از بازجوئی بازداشت و اگر مورد خاصی نداشتند، آزاد می‌شدند.<sup>۱</sup>

**ب)** شهر سنندج به‌طور کلی در کنترل ضدانقلاب قرار داشت. ضدانقلاب نقاط حساس، ارتفاعات اطراف شهر و ساختمان‌های بلند را در کنترل و اختیار داشت و با ایجاد پایگاه و مقر ثابت در ساختمان‌های مرتفع همه چیز شهر را تحت نظر داشتند.

---

۱. شاهد این قضیه سرهنگ حسین خرسندی، سرتیپ ۲ علی نیاکان، سرتیپ ۲ رحیم ابراهیمی و همه کسانی که در این پادگان‌ها خدمت کرده‌اند و زنده هستند، می‌باشند.

**وضعیت پادگان:** پادگان سنندج شامل ستاد لشکر، تیپ یکم لشکر، توپخانه لشکری و یگان‌های پشتیبانی لشکر، همگی مستقر در پادگان، در غرب شهر سنندج از سه طرف جنوب، شرق و شمال (ارتفاعات آبیدر، تپه حاج آباد و ارتفاعات شمال) بجز غرب پادگان کاملاً در محاصره و در تیررس سلاح‌های اجتماعی ضدانقلاب قرار گرفته بودند.<sup>۱</sup> به جز پادگان اصلی لشکر، چهار نقطه از شهر در کنترل لشکر بود.

باشگاه افسران در مرکز شهر، در جنوب استانداری که قبلاً ستاد اصلی لشکر در آن مستقر بود، توسط یک دسته ارتش بین ۲۰ تا ۳۰ نفر حفاظت می‌شد. داستان مقاومت ۴۰ روزه داستان مفصلی است که تاکنون کتابی درباره آن منتشر نشده است.

فرودگاه سنندج در محور کرمانشاه به سنندج در آن زمان حدود ۵ الی ۶ کیلومتری خارج از شهر، توسط یک گروهان از گردان ۱۵۵ پیاده تیپ یکم به فرماندهی سروان شهید علی متولی حفاظت می‌شد.

ساختمان و محوطه صدا و سیما و یک ساختمان مهمانسرا در جنوب صدا و سیما به نام دیدگاه که این دو قسمت هم توسط یک دسته تقویت شده از گردان ۱۵۵ حفاظت می‌شد.

منطقه فرودگاه و صدا و سیما و دیدگاه از روز دوم اردیبهشت ماه توسط برادران سپاهی تقویت شد. ارتباط بین فرودگاه-صدا و سیما-دیدگاه و باشگاه افسران با لشکر، فقط ارتباط بی‌سیم بود و تدارکات این نیروها از نظر آب و غذا و مهمات فقط و فقط از راه هوا، توسط بالگرد انجام می‌گرفت.

---

۱. گواه امر شهدای داخل پادگان و آثار گلوله بر روی ساختمان‌های داخل پادگان.

## عملیات آزادسازی شهر سنندج

حضور سرگرد توپخانه علی صیاد شیرازی در صحنه کردستان و ارائه طرح انسداد مرزها

سرگرد علی صیاد شیرازی با توجه به حضور داوطلبانه‌اش در مهرماه سال ۵۸ در سردشت، جهت بررسی شهادت ۵۲ نفر از برادران سپاهی اصفهان و آشنا شدن با شهید دکتر چمران در سردشت و انجام چندین عملیات در مدت ده روزه در سردشت، به طور مرتب قضایای کردستان را از طریق دوستانش که در لشکر ۲۸ سنندج خدمت می‌کردند، پیگیری می‌کرد.

در فروردین ماه ۵۹، با سفر به کرمانشاه و بررسی مرزها و اطلاعاتی که از منطقه کرمانشاه و کردستان به دست آورده بود، تعدادی از دوستان را به جلسه‌ای در تهران دعوت و موضوع حل مسئله کردستان را در بستن مرزها و قطع پشتیبانی‌های عراق از ضدانقلاب مطرح کرد و اظهار داشتند، راه حل در این است که تیپ‌های لشکر ۸۱ و ۲۸ و ۶۴ در مرزها مستقر شوند، لذا طرح بستن مرزها مطرح گردید.



### ملاقات با شهید سرلشکر فلاحی و ارائه طرح انسداد مرزها

ملاقات با شهید فلاحی در ۱۷ الی ۱۸ فروردین ماه ۵۹ در بیمارستان خانواده ارتش اتفاق افتاد. اینجانب (سروان سید حسام هاشمی) به همراه سرگرد صیاد، به ملاقات سرتیپ فلاحی که در اثر اصابت آر.پی.جی به خودرو ایشان در مهرماه سال گذشته در سردشت، درد کمر داشت و در بیمارستان خانواده بستری بود، رفتیم. در همان جلسه، شهید صیاد مسئله طرح بستن مرزها و حضور تیپ‌های ارتش در مرزها را مطرح نمود. شهید فلاحی طرح را پسندید و فرمودند اعزام تیپ‌ها به مرز از اختیارات فرمانده کل قواست و من این اختیارات را ندارم. این مطلب برای من که یک سروان ارتش بودم، قابل قبول نبود و فکر می‌کردم شهید فلاحی نمی‌خواهد همکاری کند. شهید صیاد گفتند ما دسترسی به رئیس جمهور نداریم. شهید فلاحی فرمودند، من ارتباط شما را با رئیس جمهور برقرار می‌کنم و خوب است شما این موضوع را با رئیس جمهور مطرح کنید.

### ملاقات با بنی‌صدر (رئیس جمهور و جانشین فرماندهی کل قوا)

با سفارش شهید فلاحی و تلاش برادر رحیم صفوی مسئول عملیات سپاه پاسداران اصفهان، از طریق مشاورین رئیس جمهور، سرانجام در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۵۹ وقت ملاقات تعیین گردید. این ملاقات در ساعت ۱۱ صبح دوم اردیبهشت در حضور رئیس جمهور با حضور سرگرد علی صیاد شیرازی، حجت الاسلام احمد سالک قائم مقام سپاه اصفهان، برادر رحیم صفوی مسئول عملیات سپاه اصفهان، سروان محمد کوششی از افسران

لشکر ۲۸ و من سروان سید حسام هاشمی مسئول کمیته و انجمن اسلامی لشکر ۷۷ برگزار شد.

شهید صیاد شیرازی پس از معرفی اعضای جلسه، به تشریح مسائل کردستان و سنندج پرداخت و سپس موضوع طرح بستن مرزها و جلسه با شهید فلاحی را مطرح نمودند. آقای بنی صدر گفت آقای صیاد شیرازی من همه مسائل را می دانم، کردستان از دست ما رفته و ما حاکمیتی در آنجا نداریم و سپس اشاره به شهادت شهید نصرت زاد فرمانده تیپ ۱ لشکر ۲۸ در ۵۹/۱/۳۱ داشت و گفت، همین دیروز سرتیپ علیمردان خزاعی جانشین نیروی زمینی که به سنندج جهت بررسی اوضاع رفته بود و به تهران برگشت، به من گزارشی داد که پادگان در محاصره کامل ضدانقلاب است و افراد ما در داخل پادگان توسط ضدانقلاب به شهادت می رسند. آقای صیاد شیرازی شما اگر خیلی ادعا دارید، اول به سنندج بروید و مشکل آنجا را حل کنید. شهید صیاد گفتند آیا من می توانم به نمایندگی شما جهت بررسی اوضاع به سنندج بروم؟ گفتند بلی، شما نماینده من باشید. شهید صیاد گفتند، پس به سرتیپ فلاحی فرمانده نیروی زمینی ابلاغ فرمائید تا با من همکاری داشته باشند. در همان لحظه بنی صدر، تلفنی در حضور جمع با سرتیپ فلاحی تماس گرفت و گفت جناب سرگرد صیاد شیرازی به عنوان نماینده رئیس جمهور برای بررسی اوضاع کردستان به سنندج می روند، همکاری لازم با ایشان انجام شود. جلسه حدود یک ساعت و نیم به طول انجامید و ما حدود ساعت ۱۲:۳۰ از اتاق رئیس جمهور خارج شدیم و در طبقه همکف ساختمان ریاست جمهوری در اتاق جناب سرهنگ حاتمی مشاور نظامی رئیس جمهور یک جلسه پنج نفره برگزار کردیم.

در این جلسه، تصمیم بر این شد که برادر رحیم صفوی و حاج آقا سالک، با هواپیما، فوری به اصفهان برگردند و تعدادی نیروی پاسدار را آماده کنند تا همراه شهید صیاد به سنندج اعزام شوند و صیاد هم با ماشین خودش به اصفهان برگردد. به سروان کوششی هم فرمودند شما در تهران بمانید و رابط لشکر ۲۸ در تهران باشید. اینجانب عرض کردم تکلیف من چیست؟ فرمودند شما هم به کارهایتان برسید. عرض کردم من همراه شما خواهم آمد، اجازه بدهید در این سفر با شما باشم. پیشنهادم را پذیرفت. همان روز عصر به اتفاق، به طرف اصفهان حرکت کردیم (جزئیات سفر حذف شد).

### حضور در پادگان مرکز پشتیبانی هوانیروز در اصفهان و انتقال نیرو به سنندج (روز ۳ اردیبهشت سال ۵۹)

پادگان مرکز پشتیبانی هوانیروز در جنوب شهر اصفهان، در کنار مرکز توپخانه قرار دارد. ضمناً تا آن زمان فرودگاه شهر اصفهان هم در داخل این پادگان بود. ساعت ۹ صبح به اتفاق شهید صیاد به پادگان مزبور رفتیم. برادر رحیم صفوی هم لحظاتی بعد با حدود یکصد نفر از برادران سپاهی، با تجهیزات کامل و سلاح‌های انفرادی و اجتماعی نظیر آرپی جی ۷، تیربار ژ ۳، تیربار ۱۲/۷ مم، خمپاره‌انداز ۶۰ و ۸۱ میلی‌متری، در میدان فرودگاه حاضر شدند. هیچکدام از ما سه نفر (شهید صیاد، برادر رحیم صفوی و من) هیچ اطلاعی از وضعیت شهر سنندج نداشتیم. حتی نمی‌دانستیم فرودگاه سنندج در دست ماست یا خیر. لذا شهید صیاد به من فرمودند، شما تعدادی از این برادران سپاهی را آموزش بدهید که پس از فرود هواپیما در منطقه آلوده چه وظایفی دارند. سپس خودش به دفتر فرمانده مرکز

پشتیبانی هوانیروز (سرگرد خلبان) که از دوستانش بود، رفت و ظرف دو الی سه ساعت با ارتباط تلفنی با شهید فلاحی آماده شدن حدود یکصد نفر پاسدار و آمادگی برای رفتن به سنندج را به اطلاع ایشان رساند و درخواست یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ را کرد. شهید فلاحی هم با آن که روز جمعه بود، تلفنی با شهید فکوری، فرمانده نیروی هوایی تماس گرفت و شهید فکوری هم بی‌درنگ به افسر عملیات نیروی هوایی دستور اعزام یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ را به سنندج صادر نمود.

سرتیپ ۲ خلبان بازنشسته عرب‌سرهنگی، که در آن زمان با درجه ستوان یکمی، خلبان دوم هواپیمای سی ۱۳۰ بود، نقل می‌کند که از شیراز به طرف تهران در حرکت بودند، در همان حال پرواز، امریه معاونت عملیات نیروی هوایی به آنها ابلاغ شد که به جای فرود در تهران، در فرودگاه اصفهان بنشینند و تعدادی از برادران سپاهی را به سرپرستی سرگرد علی صیاد شیرازی از فرودگاه اصفهان به فرودگاه سنندج ترابری نمایند. در تمام طول جنگ و حتی بعد از آن، هماهنگی و همدلی با این سرعت شاهد نبودم. برادران ارتشی من می‌دانند درخواست پرواز پشتیبانی و ترابری هوایی چه مراحل را دارد. تمام این مراحل با تلفن و همه دستورات شفاهی و تلفنی صورت پذیرفت (خدا رحمت کند شهید صیاد و شهید فلاحی و شهید فکوری را).

در این فاصله که شهید صیاد در حال آماده کردن پرواز هواپیما بود، برادر رحیم صفوی با تعدادی از برادران به دنبال آماده کردن تجهیزات مهمات و سلاح و حتی تدارکات غذایی بود. من هم، یک صحبت کوتاهی برای برادران سپاهی داشتم، که ما اطلاع چندانی از وضعیت سنندج نداریم. بنابراین،

فرض ما بر این است که فرود ما در سرزمینی ناشناس و در منطقه دشمن است. تعداد بیست نفر داوطلب را انتخاب کردم و گفتم شما گروه تأمین هستید، که بلافاصله پس از توقف هواپیما، در قسمت عقب هواپیمای سی ۱۳۰ بنشینید و با باز شدن درب عقب هواپیما، سریعاً پیاده شوید. کوله‌پشتی و تجهیزات خود را به دوستان بدهید، فقط با اسلحه و مهماتی که دارید، در دفاع دور تا دور منطقه پرواز، تأمین را برای هواپیما و سرنشینان برقرار می‌کنید. آنها را به تیم سه نفری تقسیم و بر مبنای منطقه ساعتی در جهت عقربه ساعت تقسیم‌بندی و در همان باند فرودگاه اصفهان چندین بار این آموزش را تکرار کردم تا هر تیم به محض فرود، سمت و جهت خودش را خوب تشخیص دهد و هم نحوه سنگر گرفتن و جهت تیراندازی خودش را خوب بداند. خدا را شکر این اولین آموزش هم مورد توجه برادران قرار گرفت و هم به موقع در هنگام فرود کمک مؤثری بود.

هواپیمای سی ۱۳۰ حوالی ساعت ۱۳۰۰ مورخه ۵۹/۲/۳ در فرودگاه اصفهان به زمین نشست و بچه‌ها هم پس از نماز در همان محوطه فرودگاه و صرف ناهار که کنسرو بود، آماده شدند تا سوار هواپیما شوند. خیلی سریع، همه وسایل، تجهیزات، سلاح و مهمات و حتی مواد غذایی بار هواپیما شد و همه پرسنل هم سوار هواپیما شدند. سلاح و مهمات در وسط چیده شد و پرسنل به صورت ایستاده و کتابی به هم چسبیده سوار شدند. خلبان هواپیما برای بازدید آمد، وقتی وضعیت را این چنین دید گفت، من پرواز نمی‌کنم. شما سلاح، مهمات، مواد منفجره، مین و ... هر چه داشتید وسط هواپیما تل انبار کردید و این خلاف مقررات پرواز است. سرپرست شما کیست؟ شهید صیاد شیرازی و برادر رحیم صفوی حدود نیم ساعتی طول

کشید که خلبان را راضی کردند و البته در این امر، کمک خلبان ستوان عرب‌سرهنگی که از بچه‌های حزب‌اللهی بود، نقش مؤثری داشت. به هر حال، هواپیما آماده شد و به طرف سنندج به پرواز درآمد.

شهید صیاد شیرازی به کابین خلبان رفت. هواپیما پس از حدود ۴۵ دقیقه بالای شهر سنندج فرار گرفت. هر چه تلاش کرد با برج تماس بگیرد، ارتباط برقرار نگردید. البته فرودگاه سنندج به کلی تعطیل بود و اصلاً برج هدایتی در کار نبود. از قضا فضای شهر سنندج و فرودگاه پوشیده از ابر بود. خلبان گفت فرود میسر نیست باید برگردیم به اصفهان و یا تهران. هر کجا که شما مایل باشید، در آنجا فرود می‌آییم. شهید صیاد اصرار کرد به طرف کرمانشاه بروید من در این منطقه خدمت کردم، شاید فرجی پیش آید. هواپیما سمت کرمانشاه اوج گرفت. حوالی دهکلان فضا باز شد و جاده کاملاً دیده می‌شد. شهید صیاد از خلبان خواست که از مسیر جاده دهکلان به سنندج، زیر ابر با ارتفاع پایین حرکت کند و خودش هم هدایت مسیر را به عهده گرفت. سرانجام حوالی ساعت ۴ بعدازظهر هواپیما در فرودگاه سنندج از سمت جنوب به شمال باند فرودگاه به زمین نشست. با باز شدن درب عقب، من و بیست نفر گروه تأمین، خیلی سریع پیاده شدیم و افراد گروه تأمین، طبق آموزشی که دیده بودند، در طرفین باند با فاصله مناسب موضع گرفته و آماده تیراندازی شدند.

هنوز چیدن گروه تأمین به پایان نرسیده بود، که صدای اولین، دومین تا هشتمین خمپاره ۸۱ میلیمتری دشمن فضای فرودگاه را در بر گرفت و دو نفر از برادران سپاهی گروه تأمین در اثر ترکش خمپاره مجروح شدند. بچه‌هایی که در حال پیاده شدن و حمل وسایل بودند، همگی وسایل را رها

کرده و فرار کردند و بعضی‌ها نیز درازکش شدند. خلبانان و خدمه هواپیما هم هواپیمای روشن را رها و از کابین خارج شدند و به سمت ساختمان‌های فرودگاه می‌دویدند.

صحنه عجیبی بود، در همین اثناء، بلافاصله صحنه عوض شد. ما اطلاع نداشتیم که یک گروهان از گردان ۱۵۵ پیاده، به فرماندهی سروان علی متولی تأمین فرودگاه را به‌عهده دارد. سروان متولی به‌محض تیراندازی ضدانقلاب از سمت غرب فرودگاه حوالی ارتفاعات حسن‌آباد، فرودگاه را زیر آتش گرفتند. سروان متولی قبلاً مواضع دشمن را شناسایی و ثبت تیر داشت و بلافاصله با خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری و ۸۱ میلی‌متری، حجم آتش شدیدی را روی مواضع ضدانقلاب باز کرد و آتش دشمن خاموش شد.

شهید صیاد و برادر رحیم صفوی بچه‌ها را جمع و جور کردند. شهید صیاد به خلبانان گفت، فوری پرواز کنید و آنها هم بلافاصله به پرواز در آمدند و هر چه بار و وسایل داخل هواپیما بود، در حال بلند شدن هواپیما به بیرون ریخته شد و همه بچه‌ها در سالن پرواز و ساختمان‌های فرودگاه مستقر شدند. به محض اینکه آرامش برقرار شد، شهید صیاد، برادر رحیم و من به اتاق سروان متولی فرمانده مستقر در فرودگاه رفتیم و ایشان به تشریح مواضع خودی و دشمن و نیروهای موجود پرداخت. سپس برادر سپاهی احمد اسلیمی فرمانده گردان دوم سپاه ولیعصر و معاونش غلام بختیاری و برادر علی موحد دانش یکی از فرماندهان گروهان سپاهی را معرفی کرد و گفت این برادران عصر روز دوم اردیبهشت از محور دهکلان (یک گردان با دو گروهان حدود ۱۲۰ نفر) به ما پیوستند. هم‌اکنون با بچه‌های ما ادغامی در همین فرودگاه و صدا و سیما و دیدگاه و همچنین در مسیر فرودگاه تا صدا و سیما در نقاط حساس گسترش

پیدا کرده اند؛ با اضافه شدن بچه‌های سپاه اصفهان و سپاه تهران در فرودگاه، روحیه بچه‌های ارتش نیز افزایش یافت و برادر احمد اسلیمی هم گزارش مختصری از وضعیت نیروهایش ارائه کرد.

پس از توجیه وضعیت جبهه‌ها توسط سروان متولی و برادر اسلیمی، صیاد پیشنهاد داد اگر امکان دارد، ما را به دیدگاه ببرید، تا از نزدیک وضعیت استقرار نیروها را ببینیم. هنگام غروب یک دستگاه جیبی کام آماده شد. برادر غلام بختیار پشت فرمان نشست. صیاد در صندلی جلو بغل بختیار و رحیم هم در صندلی عقب پشت صیاد و من هم در کنار برادر رحیم درست پشت سر غلام بختیار که راننده بود، قرار داشتیم. بختیار با سرعت زیادی رانندگی می‌کرد، صیاد گفت کمی آرام‌تر، تا بتوانیم اطراف را شناسایی کنیم. غلام گفت ضدانقلاب همه چیز را در کنترل و زیر نظر دارد. خودروی ما درست مقابل پیچ دیدگاه که رسید، از طرف مقابل یک گلوله آرپی جی به طرف ما شلیک شد. بختیار فرمان خودرو را به سمت راست گرفت و پیچید به طرف شانه خاکی جاده. گلوله آرپی جی درست از نزدیک و گوئی مماس با چادر خودروی ارتش از کنار من گذشت، به طوری که برخورد گلوله با چادر را حس کردم، گرچه قبلاً در گنبد تجربه درگیری با ضدانقلاب را داشتیم، ولی اینجا فرق می‌کرد. راستش یک لحظه به شدت ترسیدم. در آموزش‌ها و مانورها در گذشته تجربه تیراندازی با انواع سلاح‌ها و بخصوص توپخانه را داشتیم، اما هیچ‌گاه اینطور در صحنه عملیات قرار نگرفته بودم. با مهارت بختیار، چند لحظه بعد، خودرو در وسط محوطه دیدگاه ترمز کرد و ما چهار نفر پیاده شدیم. ضدانقلاب با مشاهده ورود خودرو به محوطه دیدگاه، از سه طرف با انواع سلاح‌های تفنگ و تیربار، شروع به تیراندازی

نمودند، سقف مهمانسرای دیدگاه شیروانی و از جنس حلبی بود؛ گلوله‌ها مثل باران و یا مثل تگرگ روی سقف ساختمان می‌بارید و بچه‌های سپاهی هم که در اطراف محوطه دیدگاه سنگر گرفته بودند همگی به سمت پایین و بی‌هدف تیراندازی می‌کردند. صحنه عجیبی بود، تا آن لحظه چنین صحنه‌ای را ندیده بودم، گرچه این صحنه بعدها در طول جنگ تکرار شد.

یکی از دلایل این تیراندازی‌های بی‌هدف، نداشتن تجربه جنگی طرفین بود. یکی از بچه‌های سپاه که فرماندهی دیدگاه را بر عهده داشت، فوری ما چهار نفر را به زیرزمین ساختمان که محل استراحت بچه‌ها بود، برد. شهید صیاد گفت چه خبر است؟ شما چرا تیراندازی می‌کنید؟ به فکر مهماتتان باشید. شما اولاً در ارتفاع و بلندی قرار دارید، ثانیاً سنگر بچه‌های شما مناسب است، دشمن به شما دید ندارد و شما هم میدان دید و تیر مناسب دارید. دستور بدهید تیراندازی از جانب شما قطع شود، مراقب باشید هر موقع به شما نزدیک شدند و در تیررس قرار گرفتند، تیراندازی کنید.

با دستور صیاد و بختیار، تیراندازی بچه‌های سپاه قطع شد و در نتیجه، تیراندازی طرف مقابل هم پس از چند لحظه قطع شد. حدود نیم ساعت و یا سه ربعی در دیدگاه ماندیم و صیاد با بچه‌ها صحبت کرد و به آنها دلداری داد. من و صیاد هر دو لباس نظامی داشتیم و گفت: «ما نیروی کمکی آوردیم، ان شاء الله از فردا، شما در اینجا تقویت خواهید شد، نگران نباشید و در مصرف مهماتتان صرفه‌جوئی کنید.» سرانجام، وقتی صحنه آرامش گرفت، با احتیاط و چراغ خاموش از دیدگاه خارج شدیم و به طرف فرودگاه حرکت کردیم. در فرودگاه، در سنگر جناب سروان متولی ارتباط سرگرد صیاد شیرازی با سرهنگ صدری فرمانده لشکر ۲۸ کردستان با بی‌سیم

فرمانده گروهان برقرار گردید. گفتنی است به علت اینکه مخابرات شهر در اختیار ضدانقلاب قرار گرفته بود، آنها همه ارتباطات شهری مربوط به ارتش و اماکنی که در اختیار ارتش بود را قطع کرده بودند. سرهنگ صدری به صیاد خوشامد گفت. معلوم بود که از طریق سلسله مراتب فرماندهی، آمدن صیاد و برادران سپاهی تحت کنترل ایشان ابلاغ شده بود. صیاد هم وضعیت خودمان و ابلاغی که از طرف رئیس جمهور دارند را گزارش داد و گفت اول صبح یک فروند هلیکوپتر ۲۱۴ به فرودگاه بفرست، تا من و همراهانم به لشکر بیائیم و در آنجا با هم صحبت کنیم. محوطه فرودگاه، ساختمان‌های زیاد و نسبتاً مناسبی داشت. با ورود برادران سپاهی تهران و اصفهان و برقراری تأمین مناسب، شب نسبتاً آرامی را داشتیم و با اتفاقات روز قبل و پرواز طولانی، کاملاً خسته شده بودیم. با هوای بهاری مناسب آن شب، خواب راحت و آرامی داشتیم.

صبح روز چهارم اردیبهشت، هوای آفتابی و نسبتاً خنکی را آغاز کردیم. پس از صرف صبحانه، حدود ساعت ۹ صبح یک فروند بالگرد ۲۱۴ در فرودگاه نشست و ما چهار نفر (صیاد شیرازی، رحیم صفوی، احمد اسلیمی و من) سوار بالگرد شدیم. دیدم بالگرد پس از اوج گرفتن زیاد، عوض اینکه مستقیم از فرودگاه به سمت پادگان حرکت کند، ارتفاعش را زیاد کرد و از بالای سر ارتفاعات آبدر در جنوب شهر به سمت غرب پرواز کرد و وقتی کاملاً در غرب پادگان قرار گرفت، ارتفاعش را کاهش داد و در سمت غرب پادگان در سمت غربی میدان صبحگاه لشکر نشست. با صحنه عجیبی رو به رو شدیم. دیدیم که از باند فرود بالگرد تا ستاد لشکر کانالی شاید به طول ۲۰۰ متر و به عمق حدود یک متر کنده شده و یک طرف این کانال را با

کیسه‌گونی پر از خاک بالا آوردند و رفت و آمد همه افراد در این کانال صورت می‌گرفت. البته چنین کانالی در بین بقیه ساختمان‌ها هم برقرار بود. تمام پنجره‌های ساختمان‌های سمت شرقی و شمالی پادگان را با بلوک پوشانده بودند. رفت و آمد در داخل لشکر، بخصوص ضلع شرقی و شمالی، از داخل کانال صورت می‌گرفت و در چند روز گذشته و چند روز بعد، این محاصره شدت گرفته بود و چندین نفر از سربازان و درجه‌داران و بویژه سرگرد عباس سرپرست جانشین سیاسی ایدئولوژی (عقیدتی سیاسی) لشکر ۲۸ در تاریخ ۵۹/۲/۱۷ در داخل پادگان به شهادت رسیدند. به روایتی با تیراندازی فردی ناشناس، از پشت ترور شد، وی همدوره شهید صیاد شیرازی بود.

بالآخره حدود ساعت ۱۰ صبح وارد ستاد لشکر شدیم. با خوشامدگویی فرمانده لشکر مواجه شدیم و بلافاصله به اتاق توجیه لشکر رفتیم. اعضای شرکت کننده در این جلسه توجیهی، فرمانده لشکر و جانشین و رئیس ستاد لشکر و رؤسای ارکان دوم، سوم، چهارم، فرمانده توپخانه لشکری و چند نفر دیگر بودند، که در این میان، چهره برادر فرمانده سپاه غرب با آن محاسن بلند و خرمائی‌رنگ، بخصوص آن چهره بشاش و خندانیش توجه مرا به خود جلب کرد. در همان لحظه اول، برخورد و احوال‌پرسی گرمش، یک آرامشی را به طرف مقابل انتقال می‌داد و آن چهره بشاش و آرامش در کلام و رفتارش توجهم را جلب کرد. گویا سال‌هاست که من این آدم را می‌شناسم. فرمانده لشکر به معرفی تک تک افراد پرداخت و در معرفی بروجردی، ضمن تشکر و قدردانی از تلاش و همکاری ایشان، فرمودند ایشان تعدادی از برادران پاسدار را چند روزی است با بالگرد به کمک ما آورده‌اند. سپس رکن دوم از روی نقشه به تشریح وضع شهر، راه‌های

ورودی و خروجی، وضعیت استقرار ضدانقلاب در شهر و ارتفاعات حساس، بخصوص ارتفاعات شرقی مشرف به پادگان پرداخت و همچنین اشاره نمود ضدانقلاب با نفوذی که در بین کارکنان بخصوص پرسنل وظیفه دارد، تمام حرکات ما را حتی در داخل پادگان زیر نظر دارد. رکن سوم هم به تشریح نیروهای خودی و عملیات مشترکی که با برادران سپاهی (نیروهای بروجردی) در بازگشایی مسیر پادگان به باشگاه افسران داشتند، پرداخت و شهید بروجردی هم ضمن تشکر از فرماندهی لشکر و کارکنان پادگان، اشاره‌ای به وضعیت باشگاه افسران کرد و گفت این بچه‌ها در محاصره هستند، باید هر طوری شده آذوقه و مهمات به آنها برسانیم و اشاره‌ای هم داشت که تعدادی از پیشمرگان کرد مسلمان با ما همکاری دارند و اطلاعات خوبی را توسط دوستانشان در شهر برای ما می‌آورند.

نوبت که به جناب سرگرد صیاد شیرازی رسید، گفت: شما اینجا نشستید، چرا دست روی دست گذاشته‌اید؟ چرا از توپخانه و خمپاره‌انداز برای سرکوبی ضدانقلاب استفاده نمی‌کنید؟ با توپخانه نقاط حساس و راه‌های ورودی و خروجی آنها را بکوبید و همه جا را برایشان ناامن کنید. سرهنگ نوروزی جانشین لشکر گفت، اولاً آنها در پناه مردم شهر قرار دارند و هرگونه تیراندازی به شهر باعث می‌شود مردم آسیب ببینند، ثانیاً پادگان چسبیده به شهر است و امکان تیراندازی با توپخانه در این فاصله کم میسر نیست. تعدادی از خانواده‌های پرسنل پادگان هم داخل شهر زندگی می‌کنند (درست می‌گفت، زن و بچه خودش در شهر زندگی می‌کردند و خودش هم بچه سنندج بود، ولی افسری متعهد بود)، ثالثاً با عوامل اطلاعاتی ضدانقلاب هم در اینجا مواجه هستیم. صیاد گفت به هر حال،

ما باید در این مرحله برخورد قاطع داشته باشیم و برای این کار هم باید از تمام امکانات خود استفاده کنیم. شما یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ م م را در اختیار من بگذارید، من آن را در فرودگاه مستقر می‌کنم و در آنجا با برد مناسب و با اطلاعاتی که عوامل برادر بروجردی می‌دهند، این مسئولیت را می‌پذیرم. این پیشنهاد مورد قبول و تصویب قرار گرفت و قرار شد فردا (روز ۵/۲/۵۹) دو فروند شنوک درخواست بشود، تا یک آتشبار توپخانه به فرودگاه انتقال یابد.

پس از ختم جلسه و صرف ناهار و صحبت با تعدادی از دوستان قدیمی، از جمله سرهنگ دوم حسین خرسندی رئیس ستاد لشکر، سرهنگ دوم احمد ترکان فرمانده گردان توپخانه و دیگر دوستان، بعد از ظهر همان روز با همان وضع عبور از کانال، با همان بالگرد به فرودگاه برگشتیم و قرار شد فردا مجدداً به پادگان برگردیم.

ساعت ۹ صبح روز ۵/۲/۵۹، بالگرد ۲۱۴ در باند فرودگاه به زمین نشست. این بار من و جناب سرگرد صیاد شیرازی برای آوردن آتشبار توپخانه به پادگان رفتیم. یک ساعتی در پادگان منتظر ماندیم، تا یک فروند بالگرد شنوک در باند بالگرد به زمین نشست. معمولاً حمل توپخانه با بالگرد شنوک توسط تور اسلینگ انجام می‌گیرد (بدین ترتیب که تور حمل توپ و مهمات را به قلابی در زیر بالگرد می‌بندند و سپس توپ و مهمات را داخل تور می‌گذارند و بالگرد آن را بلند و جابجا می‌کند). متأسفانه و یا خوشبختانه، چون خلبان نوع مأموریت را نمی‌دانست، تور حمل توپ را با خودش نیاورده بود. مانده بودیم که چکار کنیم، آیا مأموریت را یک روز عقب بیاندازیم تا فردا دو فروند بالگرد شنوک بیابند مأموریت را اجرا کنند؟ در این هنگام، یکی از

افسران پیشنهاد داد توپ را به داخل بالگرد ببرید. صیاد نیز از خلبان پرسید این کار امکان پذیر است؟ خلبان گفت اگر بتوانید توپ را بلند کنید و داخل بالگرد بگذارید، مشکلی نیست. صیاد دستور داد، چند عدد الوار چوب بیاورند. الوارها به کف بالگرد متصل شد و یک سطح شیبدار به وجود آمد و با کمک بچه‌ها و خدمه توپ، دو قبضه توپ را به هر زحمتی که بود به داخل بالگرد بردیم. وسایل هدایت آتش و خدمه دو قبضه توپ را سوار کردیم و با مهمات کافی به سوی فرودگاه به پرواز درآمدیم.

در فرودگاه، در محل مناسبی مواضع توپ‌ها را مشخص کردیم. صیاد به دیدگاه رفت، البته نقشه ۱:۵۰۰۰۰ شهر را هم از لشکر دریافت کرده بودیم. من چون سال‌ها فرمانده آتشبار توپخانه ۱۰۵ مم بودم، لذا تسلط خوبی در روانه کردن آتشبار و استفاده از هدایت آتش داشتم و به دقت آتشبار را در گرای مورد نظر صیاد روانه می‌کردم و ایشان گفتند ما باید همین امروز ضرب شصت‌مان را به ضدانقلاب نشان دهیم.

در جاده سنندج به دیواندره در انتهای شهر، پمپ بنزینی قرار داشت که این پمپ بنزین در اختیار ضدانقلاب قرار گرفته بود. بنابراین، اولین هدف انهدام این پمپ بنزین بود. صیاد ثبت تیر را دقیقاً روی ارتفاع مقابل پمپ بنزین قسمت شمالی شهر در نظر گرفت. وقتی ثبت تیر انجام شد، با یک انتقال از نقطه ثبت تیر، اولین گلوله روی پمپ بنزین قرار گرفت و با دو شلیک پی‌پی، پمپ بنزین ورودی شهر در بعدازظهر روز پنجم اردیبهشت به آتش کشیده شد. این اولین ضربه محکم و برخورد قاطعی بود که برای اولین بار، پس از گذشت دو سال در سنندج اتفاق افتاد. ضدانقلاب تا به حال چنین قاطعیتی را از نظام ندیده بودند. قابل ذکر اینکه خدمه توپ از رئیس

توپ و دیگر افراد، ابتدا از تیراندازی به شهر می‌ترسیدند. برای آنکه قوت قلبی برای آنها باشد، همه کارهای اولیه، از روانه کردن دقیق توپ تا تیراندازی حدود ۷ الی ۸ گلوله اولیه را شخصاً انجام دادم و این عمل باعث شد که آنها هم قوت قلب بگیرند و تیراندازی‌های بعدی را انجام بدهند.

روز پنجم اردیبهشت ۵۹، از نظر من یک روز تاریخی و سرنوشت‌ساز بود. در همین روز، دومین هواپیمای سی ۱۳۰ با تلاش برادر رحیم صفوی، تعدادی از برادران سپاهی اصفهان را همراه با آذوقه و مهمات در فرودگاه پیاده نمود. البته این تقویت نیرو در روزهای بعد، از طرف سپاه ادامه پیدا کرد و نیروهای داوطلب از شهرهای ارومیه، تبریز و شیراز به تدریج اضافه شدند.

روز ششم اردیبهشت با اضافه شدن نیرو، برادران تصمیم گرفتند، حملات خود را به شهر آغاز کنند. تقریباً بعضی از روزها، پیشرفت‌های جزئی و بعضی از روزها ناکامی داشتیم. اولین عملیات موفق در روز ۱۲ اردیبهشت‌ماه بود که هدف، تصرف چهارراه (میدان) اقبال و مرکز فرماندهی ژاندارمری در گوشه شرقی این میدان بود. بچه‌ها حمله را آغاز کردند و تا چهارراه یا میدان اقبال پیش رفتند، ولی در اثر فشار زیاد دشمن، کمی عقب کشیدند و در فاصله ۷۰ الی ۸۰ متری میدان در قسمت شرقی میدان، ساختمان‌های بلند و مشرف به خیابان از جمله مرکز مخابرات را به تصرف درآوردند. از طرف پادگان هم برادر محمد بروجردی با بچه‌های اندک سپاهی و بچه‌های داوطلب ارتش، اعم از افسر، درجه‌دار و سرباز، عملیات‌هایی را یک روز در میان برای بازگشایی و آذوقه‌رسانی به باشگاه افسران هدایت می‌کرد، که متأسفانه موفقیت چندانی نداشت و ستوان دوم دستمزد که بعدها در کردستان خیلی خوب جنگید و حتی بعد از جنگ به فرماندهی لشکر ۲۸ هم رسید، در این عملیات به شدت مجروح شد.

در روز ۱۳ اردیبهشت ماه، با اضافه شدن نیروهای سپاه، به خصوص برادران سپاهی اعزامی از ارومیه و تبریز، ارتفاع بلند منبع آب در شمال تپه دیدگاه به تصرف ما درآمد. البته راهنمایی پیشمرگان مسلمان و طرح‌ریزی آتشی که بر روی این ارتفاع انجام گرفت خیلی مؤثر بود، ولی ارتباط زمینی برقرار نشد و ما فقط نوک قله را در تصرف داشتیم.

عصر روز ۵۹/۲/۱۴، با توجه به عملیات‌های ناموفق و نیمه موفق روزهای گذشته و همچنین، اضافه شدن نیروهای سپاهی از شهرهای مختلف و ناهماهنگی‌هایی که در بعضی موارد رخ داده بود، همچنین به خاطر اختلاف سلیقه‌ای که بین برادران تهران و اصفهان بود، فرماندهان سپاهی اعزامی از شهرهای مختلف در ساختمان کاخ جوانان سنندج بین صدا و سیما و فرودگاه جمع شدند و بحث مفصلی پیرامون چگونگی عملیات‌ها، نحوه هدایت و فرماندهی عملیات، هماهنگی نیروها، هماهنگی با ارتش و امکانات ارتش (هوانیروز، توپخانه) و... انجام گرفت و سرانجام همگی به این نتیجه رسیدند که این عملیات باید فرماندهی واحدی داشته باشد و آن فرمانده حرف اول و آخر را بزند. در اینجا بود که در صحنه عملیات، **سرگرد علی صیاد شیرازی به عنوان فرمانده عملیات** انتخاب شد. سرگرد صیاد شیرازی که تا آن روز فقط به عنوان نماینده رئیس جمهور بود، در میدان عمل توسط برادران سپاهی و ارتشی به عنوان فرمانده تأیید و تصویب شد. البته بدون هیچ حکم و دستور و نوشته‌ای فقط در میدان عمل همگی فرماندهی ایشان را پذیرا شدند.

روز ۱۵ اردیبهشت، سرگرد صیاد شیرازی به محض اینکه فرماندهی صحنه عملیات را به دست گرفت، طرح محاصره شهر سنندج را در دستور

کار قرار داد و مرا به دیدگاه احضار کرد و فرمودند، از این لحظه، هماهنگی کارها و حتی دیدبانی توپخانه و رسیدگی به درخواست برادران را به جای ایشان در دیدگاه انجام بدهم. خود ایشان با یک فروند بالگردی که دائم در اختیارش بود، به ستاد لشکر مراجعه کرد و در آنجا طرح محاصره شهر را با ستاد لشکر مطرح و از طریق تماس با فرمانده نیروی زمینی درخواست نمود که تیپ ۳ لشکر ۱۶ مستقر در همدان، به فرماندهی سرهنگ بدری از محور قروه به سنندج بیاید و شهر سنندج از محور قروه به سنندج به محاصره تیپ درآید. این طرح تصویب شد و شهید صیاد همان روز به همدان رفت. دستور فرمانده نیروی زمینی هم به تیپ ابلاغ شد. این تیپ چند روز قبل در محور قروه به دهگلان رفته بود. در همان روز، صیاد شیرازی به دیدار فرمانده سپاه همدان، برادر شاه حسینی<sup>۱</sup> (همافر نیروی هوایی) رفت و از ایشان درخواست نمود که سپاه همدان در این عملیات تیپ ۳ همدان را همراهی نماید.

### عملیات بازگشائی محور قُروه به سنندج و آزادسازی گردنه صلوات آباد

صبح روز ۵۹/۰۲/۱۷، عملیات آغاز گردید. طرح به این ترتیب بود که ابتدا سرگرد صیاد شیرازی با استفاده از بالگردهای هوانیروز، با بچه‌های سپاه همدان در دو طرف گردنه صلوات آباد را با هلی‌برن نیروها، تأمین نماید و سپس تیپ زرهی با امکاناتش از گردنه عبور نماید. طبق دستور قبلی، نیروهای تیپ که در شب قبل به پای ارتفاعات گردنه صلوات آباد از طرف قروه رسیده بودند، متوقف شدند. هلی‌برن بچه‌ها در دو طرف قله انجام

---

۱. همافر شاه حسینی در این عملیات در ارتفاعات گردنه صلوات آباد همراه با یک برادر سپاهی به شهادت رسید.

پذیرفت. ضدانقلاب که فقط در گردنه در کنار جاده پایگاه و نیرو داشت، در این عملیات تقریباً غافلگیر شد و درگیری بین بچه‌های سپاه و نیروهای ضدانقلاب کمتر از یکی دو ساعت به طول انجامید. در این درگیری، برادر شاه‌حسینی و یکی از بچه‌های سپاه به شهادت رسیدند و تعدادی هم زخمی‌داشتیم، که توسط بالگردهای هوانیروز تخلیه شدند. در این عملیات، از بچه‌های سپاهی که همراه شهید شاه‌حسینی بودند، یکی برادر طایفه نوروز و دیگری برادر حسین همدانی (سرلشکر حسین همدانی که در سوریه به شهادت رسید) بودند. نام دیگر برادران را به خاطر ندارم. تیپ قبل از ظهر روز ۵۹/۲/۱۷ از گردنه صلوات آباد به سلامتی عبور کرد و در قسمت شرقی شهر سنندج در کنار سیلوی گندم شهر که آن زمان در انتهای شهر قرار داشت، موضع گرفت. بعد از ظهر همان روز من، به اتفاق برادر غلام بختیاری از سمت جاده فرعی و خاکی بغل رودخانه به دیدار صیاد شیرازی و تیپ رفتیم و در آنجا از کم و کیف چگونگی عملیات آگاه شدیم.

## حوادث و اتفاقات سه روزه (از ۱۵ الی پایان روز ۱۷) در دیدگاه گردنه صلوات‌آباد

عصر روز پانزدهم یک تیم ۱۰ الی ۱۲ نفره به سرپرستی برادر پاسدار سیدعلی اکبر مصطفوی<sup>۱</sup> مجهز به خمپاره‌انداز ۱۲۰ م و ۸۱ م و دو قبضه

---

۱. سید علی اکبر مصطفوی درجه‌دار گارد جاویدان و از تیراندازان ماهر و ممتاز لشکر گارد جاویدان بود، که دارای نام و نشان در تیراندازی سلاح انفرادی و خمپاره‌انداز و مسابقات کشورهای عضو پیمان سنتو بود. وی از خانواده مذهبی، پدرش روحانی بود و در روزهای آخر قبل از پیروزی انقلاب از پادگان فراری شد و به مردم پیوست. در همان روزها با شهید محمد منتظری آشنا شد. وی از بنیان‌گذاران سپاه با محمد منتظری بود و در آموزش برادران سپاهی نقش اساسی داشت.

تیربار کالیبر ۵۰ از تهران با هواپیمای سی ۱۳۰ به سنندج آمدند و خودشان را به دیدگاه رساندند. وی پس از معرفی خودش و بچه‌هایش گفت، من در اختیار شما هستم. با اطلاعاتی که از برادران پیشمرگ مسلمان (کاک داریوش چاپاری و کاک رحیم) داشتیم، با کمک یکدیگر تیربارها را در محل‌های مناسب مستقر کردیم و خمپاره‌ها هم در حوض آبی که خالی بود، در وسط محوطه قرار داشت، مستقر نمودیم و این برادران که همگی از عناصر انقلابی و درجه‌داران گارد منحله جاویدان بودند و همیشه در عملیات‌ها همراه برادر مصطفوی بودند، هرکدامشان مهارت خاصی در تیراندازی داشتند. همان روز اول با غافلگیری و با سلاح‌های موجود، جاده حسن‌آباد به سنندج را در دامنه آبی‌در زیر آتش گرفتند و با زدن چندین خودروی ضدانقلاب، عملاً این جاده را نامن کردند و تردد آزادانه ضدانقلاب به حداقل رسید و در روز تقریباً مسدود گردید.

کاک داریوش و کاک رحیم هم که بیشتر ارتباطشان با برادر بروجردی بود، حداقل روزی یکی دوبار به دیدگاه سر می‌زدند و مختصات استقرار پایگاه و مقر ضدانقلاب را به ما می‌دادند. کاک داریوش، عاشق تیراندازی با آرپی‌جی ۷ بود و هر روز عصر به دیدگاه می‌آمد و سهمیه داشت و چند تا گلوله آرپی‌جی به نقاط مورد نظر خودش از دور تیراندازی می‌کرد.

---

ضمناً در سال ۵۸، مسئولیت برادران سپاهی که حفاظت بیت امام را داشتند با ایشان بود. نامبرده در پایان سال ۵۸ و اوایل سال ۵۹ افتخار همکاری با شهید چمران را در مریوان و سردشت در مبارزه با ضدانقلاب در کارنامه داشت و در جنگ به اسارت صدام درآمد و پس از آزادی آزادگان با درجه سرتیپ دومی در سپاه پاسداران مشغول خدمت بود و فروردین سال ۱۳۹۸ بعد از سال‌ها آزادی و جانبازی به دیدار پروردگار شتافت.

روز ۵۹/۲/۱۶ برادر رحیم صفوی، همه تلاشش بر این بود که راهی را برای رساندن آذوقه به برادران سپاهی مستقر در ارتفاع منبع آب باز کند؛ لذا در این روز طرح عملیاتی را ریخت و خودش هدایت عملیات را بر عهده گرفت و به من هم سپرد که با ایشان در ارتباط باشم. ایشان با بچه‌های سپاهی از همین ارتفاع دیدگاه به طرف رودخانه بین دیدگاه و ارتفاع منبع آب حرکت کرد و در حوالی بیمارستان از دو طرف در کمین و تیراندازی ضدانقلاب قرار گرفت و از من کمک خواست. با برادر مصطفوی مشورت کردم. ایشان گفت ما با سلاح‌های تیربارمان دامنه ارتفاع مقابل و دو طرف رودخانه را هدف قرار می‌دهیم. برادران عملیات از همین مسیری که رفتند زیر آتش ما (تیر تراش) برگردند، که الحمدلله همه بچه‌ها با کمترین تلفات به مواضع اولیه خود برگشتند.

از خاطراتی که از برادر مصطفوی دارم، یکی دوتا را برای نمونه بیان می‌کنم. برادر مصطفوی فردی تنومند، قوی، خوش چهره و خوش بیان بود. از جمله آدم‌هایی بود که خیلی زود، طرف مقابل را مجذوب خودش می‌کرد. وقتی از مهارت تیراندازی خود صحبت کرد، گفتم سید، باید آزمایش پس بدهی. برای آزمایش یک نخ سیگار را در فاصله ۲۵ متری کاشتم و ایشان با اولین گلوله آن را نشانه گرفت و درست و دقیق به وسط نخ سیگار تیراندازی کرد. مطلب دیگر اینکه بین دیدگاه محل استقرار ما و ارتفاع منبع آب یک رودخانه در جریان بود و اطراف آن پوشیده از درخت بود. ضدانقلاب هر شب در کنار این رودخانه موضع می‌گرفت و از سر شب تا صبح به فاصله هر چند دقیقه به طرف موضع ما تیراندازی می‌کردند، اعصاب بچه‌ها از این نوع تیراندازی اذیت و خُرد شده بود. سیدعلی اکبر که در همان شب اول

متوجه این موضوع شده بود، گفت فردا شب به حساب اینها خواهیم رسید. فردا شب که تیراندازی ضدانقلاب شروع شد، گفت من با خمپاره انداز ۱۲۰ میلی متری می‌خواهم روی آنها تیراندازی کنم. گفتم سید خمپاره ۱۲۰ م اینها فاصلشان با ما کمتر از ۲۰۰ متر است، چگونه با چه زاویه تیری می‌خواهی تیراندازی کنی؟ شعاع ترکش خمپاره ۱۲۰ میلیمتری می‌دانی چقدر است؟ گفت شما نگران آن نباش، من حساب همه را کرده‌ام. تیر قائم اجرا می‌کنم. ثانیاً چون محل فرود گلوله در ته دره است، ترکش‌ها توسط دیواره‌های دره مهار می‌شود. من قبول نکردم و آن شب اجازه تیراندازی به ایشان را ندادم. فردا شب که دوباره تیراندازی ایذائی شروع شد، سید این بار تمام بچه‌های تأمین را به زیرزمین برد و خمپاره ۱۲۰ میلی متری را دقیق روانه کرد و محاسبات هدایت آتش را با دقت تمام انجام داد (من چون افسر توپخانه بودم و ناظر کارش بودم، دیدم خیلی دقیق و علمی همه چیز را محاسبه کرد). تیر قائم را شاید با زاویه تیر بالای ۸۰ درجه بین ۸۰ تا ۸۳ درجه بست و سپس به من هم گفت شما هم به زیرزمین برو، که اگر قرار شد در این تیراندازی کسی آسیب ببیند، فقط یک نفر باشد، آن هم سید علی اکبر. من به زیرزمین رفتم. دو گلوله پیاپی تیراندازی کرد که صدای شلیک ساختمان را لرزاند. خوشبختانه هر دو گلوله پس از طی مسیر درست در وسط رودخانه اصابت کرد و این هم یک نمایش قدرت و دقت در کار بود. نمی‌دانم آیا تلفاتی به ضدانقلاب وارد شد یا خیر، ولی هرچه بود دیگر از تیراندازی ایذائی در آن دره خبری نشد.

### حوادث روز ۵۹/۲/۱۸ سنندج

سرگرد صیاد شیرازی از فرمانده تیپ همدان خواست که تیپ را به سمت شمال یعنی جاده دیواندره - سنندج گسترش بدهد و جاده و ارتفاعات مشرف به سد قشلاق را تأمین نماید. فرمانده تیپ گفت: «مأموریت ابلاغی من تا اینجا بود و برای مأموریت بعدی باید از فرمانده لشکر کسب تکلیف نمایم.» صیاد هم گفتند خب کسب تکلیف کنید. فرمانده تیپ با فرمانده لشکر (سرهنگ پورموسی) تماس گرفت؛ جواب منفی بود و گفتند مأموریت ما تا اینجا بود. ولی فرمانده لشکر ۲۸ در اجرای دستور به یگان‌های مستقر در پادگان گسترش خود را از اطراف پادگان به طرف شمال و جنوب یعنی روستای نوره به طرف جاده دیواندره و در جنوب ارتفاعات آبی‌در آماده کرده بود.

دیگر اتفاق این روز، موضوع آتش بس موقت یک روزه بود - که این آتش بس از بالا یعنی از تهران - گویا توسط رئیس جمهور به ارتش و سپاه پاسداران ابلاغ شد، البته در این فاصله، فکر می‌کنم روز ۱۵ یا ۱۶ اردیبهشت، برادر ابوشریف فرمانده سپاه پاسداران به سنندج آمده بود و من برای اولین بار ایشان را در همان دیدگاه دیدم و برادر رحیم صفوی ایشان را همراهی می‌کرد. در چند روز گذشته و در عملیاتی‌هایی که ما در شهر، بخصوص ارتفاع بالای میدان اقبال و اطراف منبع آب داشتیم، تعدادی از جنازه‌های برادران سپاهی به جا مانده بود و همه نگران این جنازه‌ها بودند. این آتش بس که در ظاهر برای جمع‌آوری جنازه‌های شهدا بود، مورد استقبال برادران قرار گرفت. آتش بس از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر ادامه پیدا کرد و بچه‌های ما مشغول جمع‌آوری شهدا بودند. حوالی ساعت ۴ بعدازظهر، ضدانقلاب به روی آمبولانس حامل جمع‌آوری شهدا تیراندازی و

آتش‌بس را نقض کرد، اما بعداً معلوم شد سران و فرماندهان ضدانقلاب در همان شب قبل ۱۸ اردیبهشت جلسه داشتند و دیدند که با ورود تیپ همدان و افزایش نیرو دیگر قادر به مقاومت در سنندج نیستند و با تماس با عوامل خود در تهران درخواست آتش‌بس کردند و از فرصت به وجود آمده، سران ضدانقلاب و عمده قوایشان را از جاده سنندج به دیواندره و جاده سنندج به مریوان از شهر خارج کردند و نیروی اندکی را برای مقاومت در شهر به جا گذاشتند.

### حوادث روز ۵۹/۰۲/۱۹ سنندج

در این روز، اتفاق عمده‌ای را به خاطر ندارم. در این روزها و مخصوصاً شب‌ها، صیاد شیرازی و برادر رحیم بیشتر در پادگان جلسه داشتند و شب‌ها را در پادگان به سر می‌بردند. سرانجام، با تماس صیاد با فلاحی فرمانده نیرو، دستور گسترش تیپ همدان صادر شد و تیپ در روز ۲۱ اردیبهشت، ارتفاعات شمال شرقی جاده سنندج به سقز را تصرف و جاده را تأمین کرد و از آن طرف، یگان‌های لشکر، همراه با برادران سپاهی تا جاده دیواندره پیش رفتند و یگان‌های دیگر نیز دامنه ارتفاعات آبیدر را تأمین کردند و بدین ترتیب، شهر عملاً در محاصره کامل قرار گرفت.

### عملیات روز ۲/۲۱ بر روی تپه‌های بالای میدان اقبال سنندج

میدان اقبال و تپه‌های مشرف به این میدان یکی از نقاط حساس بود، که ضدانقلاب مواضع مستحکمی را در آن به وجود آورده بود و به شدت در آنجا مقاومت می‌کرد و ما را آزار می‌داد. بچه‌های سپاه به فرماندهی برادر

رحیم و برادر احمد تصمیم گرفتند به هر قیمتی شده آنجا را به تصرف درآورند. طرح ریزی انجام شد و قرار شد با تیراندازی دقیق توپخانه و خمپاره، ما این تپه را بکوبیم و مثل یک عملیات منظم و کلاسیک پس از اجرای آتش توپخانه و خمپاره، بچه‌ها به آن حمله نمایند و علاوه بر دو قبضه توپ مستقر در فرودگاه، از توپخانه مستقر در پادگان هم استفاده بکنیم. از طرف پادگان، ستوان دوم توپخانه رضا رحیمی اهل قروه برای دیدبانی و کمک به من چند روزی بود که در دیدگاه مستقر شده بود. همه پیش‌بینی‌ها انجام پذیرفت. عصر روز بیست و یکم این عملیات آغاز شد و سرانجام با کمترین تلفات این تپه به تصرف بچه‌ها درآمد و بچه‌ها در آن مستقر شدند و میدان اقبال هم تأمین گردید. قرار شد بچه‌های گردان دوم سپاه تهران، به فرماندهی برادر علی موحد دانش، شب در اینجا مستقر شوند و بچه‌های سپاه به مقرهای خود برگشتند. به علت اختلافی که بین بچه‌های تهران و اصفهان بود، بچه‌های سپاه تهران گفتند، چرا ما باید بمانیم؟ تعدادی از آنها محل را ترک کردند. برادر علی موحد دانش خود را به دیدگاه رساند و گفت جناب هاشمی تعداد زیادی از بچه‌ها مواضع را ترک کردند، چه کار باید کنیم؟ گفتم، برادر موحد می‌دانی شما برای گرفتن این تپه چند بار عملیات کردید و چقدر شهید تقدیم شد؟ من اگر جای شما باشم به تنهایی هم که شده در آنجا می‌مانم. بروید بچه‌ها را راضی کنید. این منطقه کلید تصرف شهر است. ایشان هم پذیرفت و با تعداد انگشت‌شماری از بچه‌ها، کمتر از ده نفر، شب تا صبح مواضع را با نمایش تیراندازی حفظ کرد و واقعاً با تصرف این منطقه حساس، عملیات فردا تسهیل گردید.

### حوادث روز ۲/۲۲ سنندج

با تصرف تپه‌های و گسترش نیروها در این روز، عملاً شهر تا غروب به محاصره کامل درآمد و نیروها آماده ورود به شهر و پاکسازی خیابان‌ها شدند. فرمانده عملیات، صیاد شیرازی، عصر این روز یک دستور به یاد ماندنی و تاریخی صادر کرد و آن اینکه نیروها در هر کجا هستند، همان جا متوقف شوند و هیچ کس شب اجازه ورود به شهر را ندارد. تعدادی با این دستور مخالفت کردند، که ممکن است ضدانقلاب از فرصت استفاده کند و شبانه از راه‌های فرعی از شهر خارج شود. ایشان فرمودند، اشکالی ندارد، فرار کنند بروند، بهتر از این است که مردم شهر آسیب ببینند. این شد که صبح روز ۲۳ اردیبهشت ماه نیروهای ما با کمترین درگیری و شاید بدون درگیری وارد شهر شدند و با کمک پیشمرگان کرد مسلمان تمام مواضع و مقرهای ضدانقلاب به تصرف سپاه پاسداران درآمد. مردم کم کم از خانه‌هایشان بیرون آمدند. در مدت چند ماهی که شهر سنندج در کنترل ضدانقلاب بود، بخصوص در یک ماه گذشته که بیشتر مردم شهر در خانه‌هایشان زندانی شده بودند، شرح مفصلی است که باید از زبان مردم آن روزها، آن را شنید.

### اقدامات ارتش و سپاه پاسداران پس از آزادسازی شهر سنندج

#### پاکسازی شهر از وجود ضدانقلاب

این مسؤلیت به بچه‌های سپاه قم به فرماندهی برادری به نام اویسی و با نظارت و سرپرستی اینجانب قرار گرفت. ما ستادمان را در استانداری شهر قرار دادیم و با مشورت هم، شهر را به چند منطقه تقسیم کردیم. در هر منطقه قرار شد با کنترل خیابان‌ها، خانه به خانه را جستجو کنیم. ابتدا از

محلۀ آقا زمان در قسمت شرقی خیابان اصلی شهر، این کار را آغاز کردیم. در روز اول این کار طبق طرح انجام گرفت. نتیجه مطلوبی از آن به دست نیامد و با فعال شدن اطلاعات سپاه و اطلاعات پیشمرگان کرد مسلمان، قرار شد با اطلاعاتی که داریم و یا مردم می‌دهند، کوچه و یا خانه مشکوک محاصره و پاکسازی شود، که الحمدلله در روزهای بعد، از این عمل نتیجه خوبی به دست آمد و سلاح، مهمات و مواد منفجره زیادی کشف شد.

### اقدامات سپاه پاسداران

سپاه پاسداران با ادغام با پیشمرگان کرد مسلمان، کلیه مقرها و ساختمان‌های مربوط به ضدانقلاب و اماکن دولتی را تصرف و در اکثر آنها بنا به موقعیت، پایگاه ایجاد کردند و با ایجاد تیم ضربت، به دنبال عملیات و مبارزه و درگیری با ضدانقلاب بودند و اطلاعات سپاه هم مشغول جمع‌آوری اطلاعات و تشکیل زندان برای ضدانقلاب‌های دستگیر شده گردید و گشت زنی و تأمین شهر در روز و شب اقدام شد. البته در این کار، گاه برخوردها و حوادثی هم داشتیم.

### اقدامات لشکر ۲۸

رکن چهارم لشکر به ریاست سرگرد شیبانی، افسری شجاع و باهوش و از افسران نیروی مخصوص با راه‌اندازی آشپزخانه صحرایی کلیه گردان‌های لشکر به مدت ۲ روز با طبخ غذای گرم، مسئله کم‌کمرسانی و پخش غذا و آذوقه مردم شهر را در دستور کار خود قرار داد. ضمناً سرگرد علیجانی مسئول روابط عمومی لشکر که دارای صوت و بیانی خوب بود، از طرف

لشکر به صدا و سیما فرستاده شد. سرگرد علیجانی به مدت یک هفته تا آمدن نیروهای اصلی صدا و سیما، کنترل صدا و سیما را به عهده گرفت و در روزهای اول حتی خودش اخبار سیما را بر عهده داشت.

### اقدام سرگرد صیاد شیرازی به عنوان فرمانده عملیات

اولین اقدام صیاد، تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه بود. ایشان در همان روز ۲۴ اردیبهشت ۵۹ از فرمانده لشکر درخواست داشت که یک مکان مناسبی را برای ستاد عملیاتی مشترک ارتش و سپاه در لشکر در اختیار بگذارد. فرمانده لشکر هم گفت به پاس خدمات ارزنده شما، همین ساختمان جدیدی که برای ستاد لشکر ساخته شده و هنوز اشغال نشده، در اختیار شما باشد. ساختمان جدید با امکاناتی که لشکر در اختیار گذاشت و در دو طبقه بود، محل مناسبی برای تشکیل قرارگاه مشترک بود. لذا اولین قرارگاه مشترک غیرسازمانی، برای اولین بار به ابتکار صیاد شیرازی در سنندج تشکیل شد. این ستاد بعدها با اضافه شدن برادران ارتشی و سپاهی خدمات بسیار ارزنده‌ای در مبارزه با ضدانقلاب و پاکسازی‌های شهرهای دیگر کردستان ایفا نمود.

### نتیجه

۱) اقدام شهید صیاد در آزادسازی شهر سنندج از ابتدای امر با پیشنهاد طرح بستن مرزها و بکارگیری سپاه اصفهان، ملاقات با مسئولین امر، فرمانده نیروی زمینی، رئیس جمهور، یک اقدام انقلابی، جسورانه، همراه با فکر و اندیشه و تدبیر بود.

۲) اجرائی کردن فرامین و تدابیر محکم و قاطع حضرت امام خمینی(ره) برای مقابله با ضدانقلاب در کردستان

۳) شناخت صحیح از محدودیت‌ها و مشکلات فرماندهی نیروی زمینی و سلسله مراتب فرماندهی و ارتباط مستقیم با فرماندهی نیروی زمینی در آن شرایط بحرانی

۴) حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه شهید فلاحی (فرمانده نیروی زمینی) از این افسر مدیر و مدبر و شجاع و داوطلب در تمام مدت مراحل عملیاتی

۵) پذیرش فرماندهی صحنه عملیات در آن شرایط خاص، جهت رفع اختلافات سلیقه عملیاتی بین یگان‌های اعزامی سپاه‌های مناطق مختلف و هماهنگی با یگان‌های ارتش، با وجود نداشتن امکانات، ستاد عملیاتی و جایگاه سازمانی و دستور و یا حکمی از رده بالاتر، حاکی از دانش، تجربه، شجاعت، تدبیر و توکل به خداوند متعال بود، که در وجود و ذات شهید صیاد شیرازی نهفته بود.

۶) طرح محاصره کامل شهر سنندج، قطع پشتیبانی‌های تدارکاتی، تجهیزاتی، تسلیحاتی و کمک‌های فکری و نیروی انسانی از شهرهای دیگر، حاکی از دانش نظامی و روحیه جنگندگی شهید صیاد شیرازی در صحنه عملیات بود.

۷) شهید صیاد برای محاصره کامل شهر از همه امکانات ارتش (یگان‌های لشکر ۲۸ و تیپ همدان، هوانیروز، نیرو هوایی) و یگان‌های موجود سپاه پاسداران و پیشمرگان کردستان استفاده کرد.

۸) عنایت و توجه خاص شهید صیاد به حفظ جان مردم، با توجه به تدابیر حضرت امام ره (صف ضدانقلاب جدای از صف مردم است) همواره مد نظر و سرلوحه کار و دستورات شهید بوده، روی همین اصل از انجام عملیات شبانه در شهر، نه تنها در این عملیات، بلکه در تمام عملیات‌های شهری کردستان پرهیز داشت و جمله معروفی داشت: فرار ضدانقلاب بهتر از این است تا خدای ناکرده مردم آسیب ببینند.

۹) عنایت و توجه به نظرات برادران سپاهی و میدان عمل دادن به آنان، بخصوص توجه به آموزش آنها در میدان رزم، که این امر موجب رشد این برادران مخلص در صحنه‌های رزم گردید.

۱۰) تشکیل قرارگاه مشترک عملیاتی ارتش و سپاه، بلافاصله بعد از آزادسازی شهر سنندج در ساختمان ستاد لشکر ۲۸ سنندج، که این قرارگاه عملیاتی برای اولین بار با ابتکار شهید صیاد شروع به کار کرد و خدمات ارزنده‌ای را در طرح‌ریزی و هدایت عملیات در کردستان داشت.

۱۱) اندیشه دینی، مذهبی و انقلابی حاکم بر تفکر و تدبیر نظامی شهید صیاد شیرازی، موجب وحدت صادقانه و مخلصانه بین برادران ارتشی، سپاهی و بسیجی و پیشمرگان کردستان، رمز پیروزی این عملیات و دیگر عملیات‌ها در کردستان شد.

### ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه پاسداران

پس از آزادسازی شهر سنندج از لوث وجود احزاب کومله و دموکرات در مورخه ۵۹/۲/۲۳ و پاکسازی شهر، شهید صیاد شیرازی که از حضور مؤثر برادران سپاهی و همکاری پیشمرگان کرد مسلمان و هماهنگی و همکاری

آنان با نیروهای ارتشی بی‌اندازه مسرور بود، به این نتیجه رسید که برای ادامه مبارزه با ضدانقلاب و آزادسازی سایر شهرهای کردستان، نیاز به تکمیل یک ستاد عملیاتی و یا قرارگاه عملیاتی مشترک بین ارتش و سپاه به مرکزیت سنندج را دارد. موضوع را با برادران سپاهی (برادر رحیم صفوی و برادر محمد بروجرودی) مطرح کرد. آن عزیزان نیز به این پیشنهاد صحت گذاشتند. سپس در جلسه‌ای با حضور فرمانده لشکر و عوامل ستادی لشکر موضوع عملیات مشترک ارتش و سپاه را برای رهایی سایر شهرها مطرح کرده و فرمودند برای تشکیل چنین ستادی نیاز به یک ساختمان مناسب برای عوامل ستادی و پشتیبانی همه‌جانبه لشکر داریم. سرهنگ صدری فرمانده لشکر که از آزادسازی شهر سنندج و خارج شدن از آن وضعیت خفت بار در محاصره بودن پادگان بیش از هرکس دیگری خوشحال بود و به جناب سرگرد صیاد شیرازی لقب ابو صیاد را داده بود (یعنی به جای اینکه نام و درجه صیاد را صدا بزند همیشه می‌گفت ابوصیاد)، گفت ابوصیاد، از نظر واگذاری ساختمان مشکلی نداریم. به پاس خدمات ارزنده شما و دوستانتان این ساختمان نوساز لشکر را که برای ستاد فرماندهی لشکر ساخته شده و هنوز در آن مستقر نشدیم، به شما واگذار می‌کنم. اما از نظر پرسنل ستادی، می‌دانی که در مضیقه هستیم. شهید صیاد شیرازی ضمن تشکر گفتند لطفاً دستور بدهید آن را تجهیز نمایند.

ساختمان جدید در دو طبقه ساخته شده بود. اتاق‌های مناسبی برای فرماندهی، جانشینی، رئیس ستاد و ارکان لشکر داشت. در طبقه دوم یک سالن توجیه فرماندهی و در طبقه اول یک سالن توجیه برای ستاد پیش‌بینی شده بود. اتاق فرماندهی برای شهید صیاد و اتاق جانشینی برای

برادران رحیم صفوی و محمد بروجردی و یک اتاق هم برای رئیس ستاد، بقیه اتاق‌ها به طور مشترک برای افسران ارکان و افسران رابط در نظر گرفته شد. سالن طبقه دوم برای سالن توجیه و سالن طبقه پایین برای نمازخانه در نظر گرفته شد.

به دستور فرمانده لشکر، تعدادی میز و صندلی از یگان‌های لشکر جمع‌آوری و برای نمازخانه و سالن توجیه هم موکت خریداری گردید. برای فعال کردن ستاد، لازم بود تعدادی از افسران داوطلب از قسمت‌های دیگر نیروی زمینی درخواست می‌شد. البته برادران سپاهی ما در این زمینه مشکل چندانی نداشتند و از وجود همان برادرانی که در عملیات شرکت کرده بودند، استفاده کردند. شهید صیاد و برادر رحیم صفوی ۲ الی ۳ روز بعد از آزادسازی سنندج، برای گزارش کار و درخواست افسران جدید به تهران سفر کردند و مسئولیت تکمیل ساختمان ستاد و دیگر هماهنگی‌ها را به اینجانب سپردند. حتی برادر رحیم صفوی طی یادداشتی هماهنگی بین برادران سپاهی شهرهای تهران، قم، ارومیه، اصفهان و... را به من سپرد.

شهید صیاد شیرازی در ملاقات با شهید فلاحی، فرمانده نیروی زمینی، لیست مورد نظر خود را تقدیم نمود و شهید فلاحی هم آن را تصویب و به یگان‌های مربوطه ابلاغ نمود، که این افسران در اسرع وقت خود را به سرگرد صیاد شیرازی در سنندج معرفی نمایند. متأسفانه این لیست را در دست نداریم و تا آنجایی که حافظه اینجانب یاری می‌کند، اسامی آنها به شرح زیر است:

۱- سرهنگ دوم اصغر جمالی از مرکز توپخانه

۲- سروان مخابرات حسن خیری دوست از مرکز آموزش مخابرات تهران

۳- سروان اکبر غفراللهی از مرکز آموزش مخابرات تهران

۴- سروان حسین افشارزاده از اصفهان

۵- یک تیم عملیاتی الف از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص به سرپرستی

سروان حسین شهرام‌فر

ضمناً خواستار تأکید فرمانده نیرو به فرمانده لشکر جهت هماهنگی و

همکاری هر چه بیشتر با خود شدند، که البته مورد اجابت قرار گرفت.

ستاد عملیاتی قرارگاه مشترک بیشتر ابتکاری و بر مبنای نیاز آن روز بوده

است. توجه شهید صیاد شیرازی بیشتر تکیه بر قسمت عملیات بود و در

ابتدای امر هیچ‌گونه گزارشی و درخواستی برای تشکیل ستاد به رده بالا

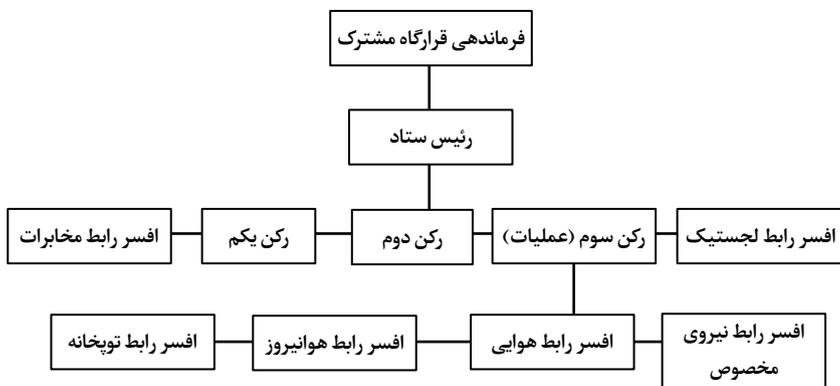
نشد. در تشکیل این ستاد، سعی و تلاش شهید صیاد شیرازی بر این بود که

از امکانات و مقدرات لشکر ۲۸ بیشتر استفاده شود و شاید در این زمینه

اگر اقدام به گزارش و کسب مجوز می‌کرد، در مرکز با آن مخالفت می‌شد.

### نمودار تشکیلاتی ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک

#### بین ارتش و سپاه پاسداران



- ۱- فرمانده قرارگاه مشترک: سرگرد علی صیاد شیرازی، برادر رحیم صفوی + برادر محمد بروجردی
  - ۲- رئیس ستاد قرارگاه: سرهنگ ۲ ستاد علی اصغر جمالی
  - ۳- رکن یکم: سرگرد شاهمرادی.
  - ۴- رکن دوم: مسئولیت این رکن تماماً با لشکر ۲۸ بود و در جلسات، رئیس رکن ۲ لشکر و یا سرگرد علی نیاکان شرکت می‌کرد.
  - ۵- رکن سوم یا عملیات: افسر ثابت در این رکن سروان سید حسام هاشمی و سروان حسین شهرام‌فر و سروان حسین افشارزاده بودند. لازم به ذکر است که طرح‌ریزی‌ها در قسمت عملیات توسط فرماندهان عملیات ارتش و سپاه و رئیس ستاد انجام می‌پذیرفت.
  - ۶- رابط لجستیک یا رابط رکن ۴: سروان مخابرات اکبر غفراللهی
  - ۷- رابط مخابرات: سروان حسن خیری دوست به اتفاق دو ستوان داوطلب به نام‌های خدایی و دیگری که متأسفانه نامش را به خاطر ندارم.
  - ۸- افسر رابط توپخانه: از لشکر ۲۸ بوده و سرگرد احمد ترکان اغلب در جلسات شرکت می‌کرد.
  - ۹- افسر رابط هوایی و هوانیروز: فعلاً به خاطر ندارم.
  - ۱۰- برادران سپاه پاسداران که در این ستاد انجام وظیفه می‌کردند، به نام‌های: برادران رحیم صفوی، محمد بروجردی، رسول یاحی، محمود امینی، تمیزی، فروغی، رستگار پناه، سید علی بنی لوحی، مسیح اله توانگر، علیرضا بهمنش، شمشیری، نصیری.
- توجه: برادران سپاهی بنا بر توانایی‌هایی که داشتند، در ارکان مختلف، ولی بیشتر در عملیات کار می‌کردند.

تیم عملیاتی الف از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص به سرپرستی سروان حسین شهرام‌فر.

افسران تیم: سرگرد مهرپویا، ستوان یکم اصغر نوری، احمد اسدی، علی انصاری، محسن فردیس، علی حشمتی، ستوان دوم احمد دادبیین.

درجه‌داران تیم: استوار آریاپور\*، استوار شادزی\*، استوار حسن زرشکی\*، استوار ملکی، استوار احمد حیدری، استوار کارگرخواه، استوار داود رضایی، استوار ابراهیم صالحیان و گروهبان محمدیان\*.

نکته مهم: افسران و درجه‌داران این تیم که با علامت ستاره نشان داده شده‌اند، همگی در دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

یک تیم عملیاتی داوطلب از سپاه پاسداران به سرپرستی برادر سید علی اکبر مصطفوی بین ۱۰ الی ۱۲ نفر در اختیار این قرارگاه نیز قرار داشتند.

### وظیفه ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک

**الف)** تهیه برآوردهای مربوط به عملیات (برآورد اطلاعاتی، پرسنلی، عملیاتی)

**ب)** تهیه طرح‌های عملیاتی و صدور دستور عملیاتی و ابلاغ آن به قسمت‌های مربوطه

**ج)** تهیه برآورد نیروی عمل کننده در عملیات (سهم ارتش و سپاه) و دیگر سازمان‌های نظامی و غیرنظامی

**د)** هماهنگی با لشکر ۲۸ و یگان‌های منطقه و سازمان‌ها و نهادهای منطقه، مثل استانداری و جهاد سازندگی

ه) برآورد نیروهای استقراری یا یگان‌های ثابت، به عبارتی نیروهای پدافندکننده

### عملکرد قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه در سنندج

با تشکیل قرارگاه عملیاتی مشترک غیرسازمانی و سازماندهی آن توسط شهید صیاد شیرازی، با پشتیبانی همه‌جانبه شخص فرمانده نیروی زمینی (شهید سرتیپ فلاحی)، فصل نوینی در بحث عملیاتی و مبارزه با ضدانقلاب در کردستان آغاز گردید و این قرارگاه توانست، در مدت کوتاهی با سلسله عملیات‌های منظم و حساب شده‌ای، هم به موجودیت و موقعیت خودش استحکام ببخشد و هم عرصه میدان مبارزه بر ضدانقلاب را تنگ نموده و موجب آزادسازی شهرها و تأمین جاده‌ها گردد. در این قسمت، تا آنجایی که به خاطر دارم، اشاره مختصری به تعدادی از این عملیات‌ها خواهیم داشت:

۱- عملیات و پاکسازی‌های اطراف شهر سنندج به منظور توسعه و تأمین

هرچه بیشتر شهر سنندج

۲- عملیات آزادسازی گردنه خان و شهر بانه

۳- عملیات آزادسازی دکل قلیچیان در قسمت شمال شرقی شهر

سنندج

۴- عملیات بازگشایی محور سنندج به دیواندره، آزادسازی شهر دیواندره

و بازگشایی محور دیواندره به سقز

۵- عملیات بازگشایی محور سنندج به مریوان (مرحله یکم) و آزادسازی

شهر مریوان

- ۶- عملیات پاکسازی مرکز آموزش مارنج و موجش (ژاندارمری) در محور دهگلان
- ۷- استقرار دانشجویان سال سوم دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش در اردوگاه تابستانی موجش
- ۸- تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب به طور رسمی توسط فرماندهی نیروی زمینی و انتصاب رسمی شهید صیاد شیرازی به فرماندهی این قرارگاه
- ۹- عملیات پاکسازی محور دیواندره به هزارکانیان
- ۱۰- عملیات آزادسازی محور سنندج به مریوان (مرحله دوم)
- ۱۱- عملیات بازگشایی محور بانه به سردشت
- ۱۲- اختلافات بین شهید صیاد شیرازی و بنی صدر و برکناری از فرماندهی قرارگاه غرب و خلع درجه ایشان.

### عملیات پاکسازی اطراف شهر سنندج

با آزادسازی شهر سنندج، سران ضدانقلاب و نیروهای عمده آنان، به شهرهای دیگر استان گریختند، ولی نیروهای ضدانقلاب محلی و طرفداران آنها در روستاهای اطراف با عملیات‌های ایذائی و مین‌گذاری در جاده‌ها، بمب‌گذاری و ترور شخصیت‌ها و اجرای کمین و دستبرد، مشکلاتی را برای رزمندگان اسلام و مردم شهر، بخصوص طرفداران جمهوری اسلامی ایجاد می‌کردند و حتی گاهی اوقات با اجرای تیراندازی خمپاره در شب‌ها، موجب سلب آسایش مردم و رزمندگان در شهر سنندج می‌شدند. قرارگاه عملیاتی مشترک با استفاده از افسران عملیات ارتش و سپاه و خصوصاً تیم عملیاتی الف تیپ نوه‌د و یگان‌های لشکر ۲۸ و برادران سپاهی و سازماندهی مناسب در حد

گروهان و گردان ادغامی، مبادرت به طرح‌ریزی عملیاتی اطراف شهر و روستاها نمود. البته در این امر، نقش اطلاعاتی و راهنمای جاده‌ای پیشمرگان کرد مسلمان را نباید نادیده گرفت.

ما هر روز یک الی دو عملیات کوچک در روستاهای اطراف شهر داشتیم، که در مواردی در این عملیات‌ها، از حمایت توپخانه و هوانیروز هم برخوردار بودیم. در این پاکسازی‌ها، دستور شهید صیاد بر این بود که اولاً مقداری آذوقه، خواربار (آرد، روغن، حبوبات،...) با خودمان همراه داشته باشیم و بعد از پاکسازی روستا، با ماموستا (روحانی) و بزرگ روستا دیدار داشته باشیم و این خواربار را در اختیار ایشان قرار بدهیم و در صورت مساعد بودن جو، برای اهالی روستا سخنرانی داشته باشیم و برادران سپاهی و پیشمرگان کرد مسلمان هم به عضوگیری جوانان علاقمند و مستعد می‌پرداختند، تا اخبار و اطلاعات ضدانقلاب را به موقع گزارش نمایند.

دیگر اقدام قرارگاه عملیاتی مشترک، راه‌اندازی ادارات دولتی و ارگان‌های انتظامی و نهادها بود. اولین استاندار بعد از پیروزی، یک دکتر داروساز اهل سنندج بود که شهید صیاد و فکر می‌کنم برادر رحیم صفوی با ایشان که در تجریش داروخانه داشت، صحبت کردند و پس از رضایت ایشان، حکم ایشان را از وزارت کشور گرفتند. رئیس شهربانی هم سرهنگ ۲ نیک‌نژاد از افسران حزب اللهی شهربانی داوطلب شد و از تهران مأمور گردید. به خاطر دارم نامبرده خودش را به ستاد قرارگاه معرفی نمود و با حمایت قرارگاه و ارتش، شهربانی را دایر و سازماندهی کرد. مسئولین که برای تصدی امور ادارات دولتی از تهران و شهرستان‌ها آمدند، از حمایت قرارگاه و بخصوص لشکر ۲۸ برخوردار بودند و به آنها در داخل لشکر،

عملیات پاکسازی اطراف شهر سنندج / ۹۱

خانه‌های سازمانی تحویل می‌شد، تا خانواده‌هایشان در امنیت باشند. همین‌طور تعدادی از خانه‌های سازمانی در اختیار برادران سپاهی، سازمان قضایی و دیگر نهادها قرار گرفت.

## عملیات سقز به بانه و آزادسازی شهر بانه

شهرستان بانه در تصرف ضدانقلاب و پادگان آن در محاصره کامل قرار داشت و با استقرار نیروهای ضدانقلاب در شرق پادگان روی ارتفاع آربابا و تیراندازی مستقیم و منحنی با انواع سلاح‌ها، هر روز به تعداد شهدا و مجروحین نیروی مستقر در آن افزوده می‌شد. بخصوص پس از آزادسازی شهر سنندج فشار ضدانقلاب بر تصرف پادگان بانه افزایش پیدا کرده بود. نیروی زمینی مأموریت بازگشائی محور سقز به بانه و شکستن حلقه محاصره پادگان و تأمین شهر بانه را به لشکر ۱۶ قزوین ابلاغ و ضمناً به طور شفاهی به فرماندهی لشکر توصیه نمودند، که از همکاری و نیروهای تحت امر و تجربه‌های سرگرد صیاد شیرازی در تصرف شهر سنندج استفاده نمایند. روی همین اصل، در اواخر اردیبهشت ماه فرمانده لشکر ۱۶ قزوین با تشکیل یک گروه رزمی به فرماندهی سرهنگ فرمانده تیپ ۱ لشکر ۱۶ و یک گردان توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری خودکشی و یک گروهان سوارزهی در پادگان سقز مستقر گردیدند و از سرگرد صیاد شیرازی دعوت به عمل آوردند که در طرح‌ریزی عملیات شرکت نمایند. شهید صیاد با یک فروند هلیکوپتر به همراه سروان حسین افشارزاده در این جلسه شرکت می‌نماید و با اطلاعاتی که از منطقه به دست آورده بود، در جلسه اظهار داشت عبور از گردنه خان به سادگی میسر نیست؛ لذا باید ابتدا دو طرف قلّه گردنه خان را تأمین نمود و با تأمین گردنه خان، تیپ از آن عبور نماید و مسئولیت تأمین گردنه را با نیروهایی که در اختیار دارد، به عهده بگیرد. قرار شد شهید صیاد با یک گروهان از هواپرد به فرماندهی سروان پیاده یوسف دزفولیان در سمت راست و سمت چپ قلّه را با نیروهای سپاه پاسداران به فرماندهی سید علی‌اکبر

مصطفوی تأمین نماید. هماهنگی‌ها به عمل آمد و شهید صیاد به سنج برگشت و با کمک هوانیروز، نیروهای هواپرد و نیروهای برادر مصطفوی، روز سوم خرداد ۵۹ در سقز فرود آمدند و داشتند آماده می‌شدند که توسط بالگردهای هوانیروز به مأموریت اعزام شوند. متأسفانه لشکر در همان روز ۵۹/۳/۳، صبح عملیات را آغاز کرد و نیروهای لشکر تا عصر به حوالی گردنه خان رسیدند. افسر عملیات تیپ و فرمانده تیپ از فرماندهی لشکر کسب تکلیف کردند که گردنه تأمین نشد، در همین جا متوقف شویم، تا فردا برابر طرح عملیاتی تأمین گردنه عملیات را آغاز کنیم. فرماندهی لشکر بدون مشورت و یا هماهنگی با شهید صیاد، دستور حرکت را به تیپ صادر می‌کند و ضدانقلاب که اطلاعات کاملی از حرکت ستون داشت، در دو طرف جاده بعد از گردنه خان به طرف بانه که پر از درختان بلوط بود، کمین گذاشت و قسمت جلوی ستون گردان سوارزهی و تعدادی از یگان‌های عمل‌کننده که از آن گذشتند، کمین را اجرا کرده و وقتی تعداد زیادی از افسران، درجه‌داران و سربازان را به شهادت رساند و تعدادی را هم مجروح و تعدادی را به اسارت درآورد، خودروها و تانک‌ها را نیز منهدم کرد. خوشبختانه فرمانده گروهان سوارزهی سروان زهی ناصر محمدی<sup>۱</sup> به طور معجزه‌آسایی از این مهلکه نجات می‌یابد.

---

۱. سروان ناصر محمدی فر بعدها در هشت سال دفاع مقدس در جنگ عراق با ایران در مشاغل مختلف فرماندهی گردان، تیپ و لشکر خدمات ارزنده‌ای داشت و پس از جنگ، فرماندهی قرارگاه جنوب، مسئول عملیات نیرو، جانشین معاون هماهنگ‌کننده ستاد مشترک و آخرین سمت ایشان فرمانده نیروی زمینی ارتش به مدت ۵ سال بوده و هم اکنون مشاور فرماندهی معظم کل قوا در گروه مشاورین است.

عملیات شکست می خورد، فرمانده لشکر وقتی متوجه این وضعیت شد و می دانست که از طرف نیروی زمینی بازخواست خواهد شد، متوسل به صیاد شیرازی شد. شهید صیاد می گوید وقتی به دنبال من فرستاد و من به حضور ایشان رسیدم، دیدم که بیچاره و مستأصل مانده، من هم در وهله اول به ایشان پریدم و پرخاش کردم که چرا با ما هماهنگی نکرده و ستون را حرکت دادید؟ مگر در طرح اولیه شرط تأمین دو طرف قلّه با بچه های همراه من نبود؟ دیدم خیلی ذلیلانه تقاضای کمک می کند. گفتم خُب باشد، بقیه یگان را سازمان بدهید، من تأمین گردنه را برقرار می کنم و عملیات را ادامه می دهیم. سپس شهید صیاد طرح ریزی و هدایت کار را در روز دوم عملیات به دست می گیرد، که ابتدا با درخواست از نیروی هوایی و بمباران سنگین، دو طرف گردنه و آتش توپخانه، ارتفاعات مورد نظر و سپس با هلی برن، یگان ارتش و سپاه لشکر را عبور داد، در همان روز ضمن پاکسازی جاده، شهر بانه تأمین و نیروها وارد پادگان شدند.

شرح مفصل این عملیات در کتاب گردنه خان تا قلّه آرابابا، به قلم امیر سرتیپ ۲ صادقی گویا با مصاحبه ای که از فرماندهان و شهید صیاد به عمل آورده، آمده است. من (سروان هاشمی) در این زمان بعد از مدت طولانی که در منطقه حضور داشتم، در مرخصی بودم و روز عملیات، به سنج آمد بودم.

## آزادسازی دکل مخابراتی ارتفاع قلیچیان

دکل مخابراتی شهر سنندج بر فراز ارتفاع قلیچیان در فاصله ۱۰ الی ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهر سنندج قرار داشت. این ارتفاع مهم در دست ضدانقلاب قرار داشت و ضدانقلاب با ایجاد یک پایگاه استقراری در این دکل مهم، ایجاد اخلال در مخابرات شهر می‌کرد و همچنین به جمع‌آوری اطلاعات می‌پرداخت. در مسافرتی که شهید صیاد به تهران داشت، از جمله نیروهایی را که از شهید فلاحی درخواست داشت، یک گروهان پیاده از لشکر گارد به فرماندهی سروان سید علی‌اکبر هاشمی<sup>۱</sup> بود، افسر انقلابی که با تشکیل یک گروهان، بارها داوطلب در مبارزه با ضدانقلاب در گنبد و کردستان شده بود. این گروهان حوالی روز دوم خرداد، خودش را به سنندج رسانده بود. سرگرد هاشمی اصرار داشت که همان شب، ایشان را برای عملیات به سقز اعزام نمایند. سرگرد صیاد شیرازی که در سقز حضور داشت، به سرهنگ جمالی، رئیس ستاد گفت، در سقز فعلاً نیازی به گروهان سروان هاشمی نیست. ایشان در همان سنندج بمانند تا من برگردم. سرگرد هاشمی در همان روز سوم و چهارم خرداد، یکی دو مأموریت کوچک در اطراف شهر داشت و با اطلاعاتی که از

---

۱. شهید سرلشکر سید علی‌اکبر هاشمی، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۴۸ دانشگاه افسری با رسته پیاده پس از طی دوره مقدماتی وارد گارد منحله جاویدان شد. او از یک خانواده مذهبی و قاری قرآن و شاگرد استاد سیف و در حکومت نظامی سال ۱۳۵۷ با روحانیت تهران بخصوص آیت‌الله هاشمی، امام جماعت مسجد چیدر ارتباط داشت. نامبرده مورد وثوق روحانیت مبارز بود. در نبرد با ضدانقلاب در کردستان - سنندج و هر جایی که نیاز بود داوطلب بود. در سال ۱۳۶۰ فرمانده تیپ دانشجویان دانشگاه افسری و حفاظت مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت. مدتی جانشین فرماندهی لشکر خرم‌آباد و بعد از طی دوره دافوس، فرماندهی تیپ پیرانشهر را بر عهده داشت. در خرداد سال ۱۳۶۸ دو روز قبل رحلت امام در مأموریتی در منطقه عملیاتی پیرانشهر به شهادت رسید.

افسران ستاد و لشکر به دست آورده بود، داوطلب اجرای مأموریت تصرف دکل قلیچیان شد و با سرهنگ جمالی، رئیس ستاد و افسران عملیات، موضوع را مطرح نمود، که مورد استقبال افسران ستاد قرارگاه، بخصوص برادران سپاهی قرار گرفت و آنها هم گفتند ما تعدادی نیرو و چند نفر راهنمای پیشمرگ مسلمان در اختیار ایشان قرار می‌دهیم. طرح‌ریزی به عمل آمد. توپخانه پشتیبان و هماهنگی پشتیبانی هوانیروز به عمل آمد و از نیروهای عملیاتی قرارگاه، ستوان دوم احمد دادبین و دو یا سه نفر درجه‌دار نیروی مخصوص هم در این عملیات همراه سروان سید علی اکبر هاشمی بودند.

عملیات صبح روز ۸ خرداد ۵۹ آغاز گردید. بچه‌ها در تیم‌های مختلف، با پشتیبانی آتش توپخانه و خمپاره، حرکت را به طرف قلّه آغاز کردند. در ابتدا پیشروی خوبی انجام گرفت، ولی حوالی عصر درگیری شدیدی در حوالی دکل رخ داد. درخواست پشتیبانی هلی‌کوپتری شد. چند نفر از بچه‌ها به شهادت رسیدند و چند نفر از جمله سروان سید علی اکبر هاشمی، فرمانده عملیات به شدت مجروح شد و شهید صیاد که از اجرای این عملیات بی‌خبر بود، عصر روز پنجم که از سقز با هلی‌کوپتر به سمت سنندج در پرواز بود، در همان پرواز مطلع شد که چنین عملیاتی امروز آغاز شده و سروان سید علی اکبر هاشمی هم مجروح شده است، در همان هوا تصمیم می‌گیرد که در منطقه عملیات فرود بیاید. ارتباط بی‌سیم با منطقه عملیات برقرار می‌گردد و صیاد شیرازی در دامنه ارتفاع فرود می‌آید و سروان هاشمی با همان هلی‌کوپتر به پادگان سنندج تخلیه می‌شود. جناب سرگرد صیاد شیرازی فرماندهی یگان عمل‌کننده را به ستوان دادبین می‌دهد و خود در کنار ستوان دادبین با هدایت یگان‌ها، با گرفتن

آزادسازی دکل مخابراتی ارتفاع قلیچیان / ۹۷

چند کشته و یکی یا دوتا اسیر، ارتفاع را تصرف کرده و شب را در همان محل می ماند و گروهان اعزامی با ترکیب برادران سپاهی تا مدتی تأمین ارتفاع و دکل مخابراتی را به عهده داشتند.

## سفر به مریوان و بررسی وضع مریوان

پادگان مریوان همانند پادگان سنندج از ابتدای سال ۵۹ در محاصره کامل ضدانقلاب قرار گرفته بود و پرسنل فداکار آن با همه توان از این پادگان محافظت و با ایجاد سنگربندی مناسب دور تا دور پادگان از خودشان دفاع می‌کردند. راه‌های زمینی به شهر مریوان در کنترل ضدانقلاب بود. کلیه پشتیبانی‌ها و تدارکات و حتی مرخصی کارکنان توسط پروازهای هوانیروز انجام می‌گرفت. در پادگان مریوان، یک گردان پیاده و یک گردان سوارزره‌ی و یک گردان توپخانه ۱۰۵ میلیمتری به علاوه گروهان‌های پشتیبانی خدمات و گروهان مهندسی و گروهان بهداری مستقر بودند. فرماندهی پادگان را سرهنگ دوم پیاده غضنفر آذرفر به عهده داشت. درگیری پادگان با ضدانقلاب که شهر مریوان را اشغال کرده بود، هر روز افزایش می‌یافت. ارتفاعات غربی پادگان (ارتفاع موسک) به تصرف ضدانقلاب درآمده بود. این ارتفاع در فاصله ۷۰۰ الی ۸۰۰ متری پادگان واقع بود، کاملاً به پادگان مشرف بودند و با انجام تیراندازی، مخصوصاً با خمپاره ۶۰ میلیمتری دائم به داخل پادگان تیراندازی می‌کردند. پادگان مریوان همانند پادگان سنندج در اطراف ساختمان‌ها کانال و سنگر ایجاد کرده بودند. در همین درگیری‌ها، یک روز (۱۶ اردیبهشت ماه) فرمانده پادگان سرهنگ دوم آذرفر با اصابت ترکش خمپاره مجروح شد و با هلیکوپتر جهت مداوا به کرمانشاه اعزام گردید. فرمانده جدید پادگان سرهنگ دوم علی حیدری از تیپ هواپرد به این پادگان اعزام گردید. نامبرده مرتب از لشکر درخواست اعزام نیروی کمکی داشت. به همین جهت، بازگشایی محور سنندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان در دستور کار قرارگاه عملیاتی مشترک قرار گرفت.

شهید صیاد شیرازی به من (سروان سید حسام هاشمی) و سروان حسین شهرام‌فر دستور دادند جهت بررسی وضعیت پادگان مریوان با یک فروند هلیکوپتر ۲۱۴ به آنجا برویم. در یکی از روزها، فکر می‌کنم بین ۸ الی ۱۰ خرداد، ما دو نفر با هلیکوپتر به مریوان رفتیم. وضعیت پادگان را کاملاً از هر نظر بررسی کردیم. دور تا دور پادگان سنگربندی شده بود. تیربارها و خمپاره اندازها و حتی توپخانه در مواضع خود مستقر شده بودند. روحیه پرسنل خیلی ضعیف شده بود. غذای پرسنل فقط برنج با لوبیا و یا نان و لوبیا پخته بود، از گوشت و مواد غذایی دیگر خبری نبود.

با تعدادی از افسران پادگان آشنا شدیم، از جمله سرگرد رحیم ابراهیمی فرمانده گردان سوارزرهی، سروان هادی گلستانه، سروان زرهی نوروز سعدی و سرهنگ دوم علی حیدری، که با تک تک آنها صحبت کردیم، دوستان پیشنهاداتی داشتند. در مرحله اول، برای تقویت روحیه سربازان که تعداد آنها هم خیلی کم بود، لازم است تعدادی از برادران پاسدار داوطلب به این پادگان بیایند. عصر همان روز پس از بررسی اوضاع به سنندج برگشتیم. اوضاع پادگان را برای شهید صیاد و برادران ستاد تشریح کردیم.

شهید صیاد موضوع را با برادر محمد بروجردی در میان گذاشت و روز بعد شهید صیاد و برادر بروجردی به دیدار احمد متوسلیان که آن زمان مسئول عملیات سپاه پایه بود، رفتند و برادر احمد اعلام کرد آماده است با تعدادی پاسدار به مریوان برود، شهید صیاد همان جا به من گفت، از ستاد درخواست دو فروند هلیکوپتر شنوک را برای فردای آن روز بنمائیم. ما هم درخواست کردیم. یک فروند شنوک صبح روز بعد در فرودگاه سنندج نشست و ۴۵ نفر از نیروهای پاسدار را با تمام تجهیزات به پادگان مریوان بردم

و تحویل فرمانده پادگان دادم و ۴۵ نفر بعدی که خود احمد متوسلیان با گروه دوم بود، با همراهی سروان حسین شهرام‌فر همان روز به پادگان مریوان اعزام شدند. ورود ۹۰ نفر پاسدار داوطلب آموزش دیده و از همه مهم‌تر حضور شخص برادر احمد متوسلیان در پادگان مریوان، روح تازه‌ای به پادگان دمید. فرمانده پادگان و افسران و کارکنان ضمن استقبال از این برادران، بهترین امکانات پادگان را در اختیار این برادران قرار دادند. همانطور که فرمانده پادگان پیشنهاد داشت، در وهله اول این برادران با سربازان ادغام شدند و با تقویت سنگرهای اطراف پادگان، روحیه کارکنان افزایش پیدا کرد.

با ورود برادر احمد و نیروهایش برای تأمین بیشتر پادگان، نیروهای مشترک با دو الی سه عملیات، سرانجام ارتفاعات موسک را به تصرف درآوردند و جاده مریوان به طرف سنندج را تا سه‌راهی مریوان به محور سوته تأمین کردند. این اقدام و همکاری مشترک برادران سپاه در پادگان مریوان علاوه بر تأمین و امنیت پادگان، در عملیات آزادسازی محور سنندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان که بعداً به آن اشاره خواهد شد، خیلی مؤثر بود.

## عملیات بازگشایی محور سنندج به دیوان دره و سقز

با توجه به وضعیت شهر مریوان و مشکلاتی که برای پادگان مریوان، بخصوص نحوه تدارکات و پشتیبانی‌های آن، که فقط توسط هوانیروز انجام می‌شد، وجود داشت، لذا بازگشایی این محور و آزادسازی شهر مریوان، در دستور کار قرارگاه عملیاتی مشترک قرار گرفت و برآورد عملیاتی و پشتیبانی عملیاتی به شرح ذیل انجام گرفت:

### نیروهای عملیاتی

- ۱- یک گردان تقویت شده از تیپ یک لشکر ۲۸
- ۲- حدود یک گردان به علاوه تعدادی از پیشمرگان کرد مسلمان از سپاه پاسداران
- ۳- یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ میلیمتری از توپخانه لشکری لشکر ۲۸
- ۴- یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳ میلیمتری از گردان پدافند توپخانه (۴ قبضه توپ ۲۳م)
- ۵- یک دسته تانک اسکورپین ( شامل چهار قبضه تانک اسکورپین ) + دو دستگاه نفربر از گردان تانک
- ۶- یک گروه مین یاب از گردان مهندسی
- ۷- یک گردان پیاده از لشکر ۷۷ خراسان به منظور نیروی پدافندی و استقرار در پایگاه‌ها به فرماندهی سرگرد پیاده میرفخرائی
- ۸- یک تیم عملیاتی الف از نیروی مخصوص (تیپ ۲۳ نوهده) به سرپرستی سروان حسین شهرام‌فر
- ۹- یک تیم عملیاتی و پشتیبانی عملیاتی از هوانیروز

۱۰- یک تیم بهداری شامل ۴ دستگاه آمبولانس و دکتر پزشکیار فرماندهی و ستاد پس از مشورت با دوستان، بخصوص افسرانی که تجربه رزم چریکی را در عملیات ظفار داشتند، نیروهای عمل کننده را به صورت دو ستون مجزا از هم تفکیک نمودند، به طوری که این دو ستون به فاصله سه کیلومتر از هم حرکت نمایند، تا در موقع درگیری هر ستون، ستون بعدی بتواند ستون درگیر را از نظر آتش توپخانه و خمپاره حمایت نماید. البته ستون اول که در جلو حرکت می کرد، از نظر تعداد نیرو، بخصوص گروهان ضربت یا پیشرو که در جلوی ستون حرکت می کرد، قوی تر بود. همه اقدامات و مقدمات کار فراهم شد و سازمان رزم هر دو ستون مشخص شد. فرماندهی ستون دوم به عهده من (سروان سید حسام هاشمی) بود. مقدمات کار انجام گرفت و نیروها در دو ستون در داخل پادگان آماده شدند و قرار بر این بود ساعت ۴ صبح حرکت به طرف جاده مریوان آغاز شود.

### تغییر در عملیات

حوالی ساعت ۱۲ شب رکن دوم لشکر ۲۸ سراسیمه به اتاق شهید صیاد رفت و مطالبی را به ایشان رساند. بلافاصله شهید صیاد مرا احضار کرد و گفت همه فرماندهان تارده گردان و گروهان را سریعاً در اتاق توجیه احضار کنید، وقتی همه جمع شدند، به من اطلاع دهید. من هم با کمک برادران سپاهی، همه فرماندهان را که در گوشه و کنار دفتر اتاق های ستاد و یا در نمازخانه استراحت می کردند، جمع کردم. صیاد به اتفاق برادر رحیم وارد سالن شدند. با مقدمه کوتاهی گفت، برابر اطلاع موثق، ضدانقلاب از جزئیات عملیات ما با خبر است و در تمام طول مسیر برایمان کمین

گذاشته‌اند. بنابراین، عملیات ما به همان نحوی که قبلاً سازماندهی شده و شما هم توجیه شدید، انجام می‌شود. منتها مسیر عملیات و هدف آن تغییر می‌کند. ما به جای حرکت به سوی مریوان به طرف دیواندره حرکت خواهیم کرد. این موضوع را فقط شما فرماندهان بدانید. لازم نیست امشب، حتی به نیروهایتان هم اطلاع بدهید. فردا صبح به جای حرکت به طرف جاده مریوان، به سوی جاده دیواندره خواهیم رفت.

### نحوه اجرای عملیات

راس ساعت ۴، اواخر اردیبهشت یا اوایل خرداد بود، دقیق یادم نیست، صبح ستون به سوی دیواندره حرکت خودش را آغاز کرد. جلودار ستون و یا همان گروهان ادغامی ضربت به فرماندهی سروان حسین شهرام‌فر، با رعایت تأمینی در جلوی ستون حرکت کرد و ستون دوم هم به فاصله زمانی ۱۵ دقیقه و با رعایت فاصله سه کیلومتر حرکت خود را آغاز کرد. ارتباط بی‌سیم بین من و صیاد برقرار بود، ستون ما، قبل از یک توقف کوتاهی داشت، تا بچه‌ها نماز صبح را بخوانند و بعد به حرکت ادامه دادیم. حوالی سد قشلاق که رسیدیم، ستون اول درگیر شد، یعنی درگیری با ضدانقلاب در ورودی تونل اول بعد از سد بود. ضدانقلاب همه توان و نیروهایش را در محور مریوان مستقر کرده بود و در حوالی تونل اول، تعدادی نیروی تأمینی گذاشته بود و به کلی غافلگیر شد. یگان ضربت ما توانست ضربه کاری به آنها وارد نماید. تازه هوا روشن شده بود، نیروی ضدانقلاب که در ارتفاعات بالای تونل مستقر بودند، وقتی عظمت ستون را دیدند، با شلیک چند گلوله توپخانه، فرار را به فرار ترجیح دادند و از مهلکه گریختند؛ به این ترتیب قبل

از طلوع آفتاب تونل به تصرف ما درآمد. از این لحظه به بعد، به دستور شهید صیاد، راهپیمایی ستون به صورت تاکتیکی و با احتیاط کامل پیش می‌رفت، به طوری که روز اول تا حوالی روستای حسن‌آباد پیش رفتیم. یک یا دو ساعت مانده به غروب آفتاب، در محل مناسبی کنار رودخانه هر دو ستون متوقف گردیدند و شهید صیاد دستور داد نیروهای تأمینی ارتفاعات اطراف را تصرف نمایند و با دفاع دورتادور، تأمین ستون برقرار گردد. یگان‌ها و نگهبانان و پاس‌بخش‌ها مشخص و علاوه بر آن، دو دسته آماده با تجهیزات کامل بیدار باشند. ضمناً مسئولیت کلی ستون در نیمه اول شب با خودش و برادر رحیم و در نیمه دوم شب با من و سروان شهرام‌فر باشد.

خاطره‌ای که در آن شب به یاد ماندنی از شهید شهرام‌فر دارم که بعد از یکی دو دور گشت زدن و سرکشی به همه نگهبانان، شهرام‌فر به من گفت شما مواظب اوضاع باش، تا من کنار رودخانه به سر و صورتم آبی بزنم. کنار تخته سنگی نشسته بودم. حسین به کنار رودخانه رفت و وضو گرفت و در جای مناسبی شروع کرد به نماز خواندن. نماز خواندنش حدود نیم ساعتی به طول انجامید. شب مهتابی بود و سکوت همه جا را فرا گرفته بود. صدای امواج یکنواخت رودخانه، آهنگ زیبایی را به وجود آورده بود. محو تماشای حسین و نماز خواندنش شده بودم. قنوت‌هایش طولانی بود، ولی به علت غرش امواج رودخانه صدایش را نمی‌شنیدم. بعد از اذان صبح من هم نماز صبح را خواندم، سپس ایشان اذان گفت و اکثر بچه‌ها که از خستگی عملیات روز قبل در داخل خودرو یا کنار خودرو دراز کشیده و به خواب عمیقی فرو رفته بودند را برای نماز صبح بیدار کردیم.

صبح آن روز پس از صرف صبحانه که نان و پنیر بود و دو خودرو یخچال دار همراه ستون حمل می‌شد، حوالی ساعت ۰۷۳۰، ستون به حرکتش به طرف دیواندره ادامه داد. بجز یک درگیری کوچک در روستای حسین آباد تا دیواندره، ستون با مشکلی مواجه نبود و حوالی ساعت ۱۱ صبح به ابتدای ورودی شهر دیواندره، که یک دشت وسیعی بود رسیدیم. دستور توقف ستون داده شد و مثل روز قبل دفاع دور تا دور ستون برقرار شد. گروهان ضربت و یگان برادران سپاهی وارد شهر شدند. ضدانقلاب از شهر گریخته بود و شهر دیواندره به تصرف برادران سپاهی درآمد.

حوالی ساعت ۱۱ صبح بود که از دور صدای هلیکوپتر در آسمان به گوشمان رسید. افسر رابط هوانیروز همراهمان، ارتباط خلبان را با صیاد برقرار کرد. صیاد با حالت عصبانی و تغییر از خلبان توضیح خواست برای چه بدون درخواست ما پرواز کردید؟ مگر من نگفتم که به حالت استندبای (آماده) باشید؟ خلبان گفت به همراه فرمانده لشکر جناب سرهنگ صدری آمدیم. آنگاه گوشی را به سرهنگ صدری داد. سرهنگ صدری گفت ابوصیاد خسته نباشی، ما از شما بی خبر بودیم، برای خسته نباشید و خدا قوت شما آمدیم. چند لحظه بعد هلیکوپتر به زمین نشست و پس از احوال‌پرسی و صحبت کوتاهی، هلیکوپتر به سنندج برگشت.

برادران سپاهی و پیشمرگان کرد مسلمان در شهر میوان مستقر شدند و بعد از ظهر آن روز گروهان ضربت و یک گروهان ادغامی و دو قبضه توپ ۲۳ میلیمتری به فرماندهی صیاد و برادر رحیم تا سقز پیش رفتند و در بین راه، هیچ‌گونه درگیری نداشتند و از عصر همان روز مجدداً به دیواندره برگشتند. ما آن شب را در همان محل تجمع بیرون شهر با رعایت اصول تأمینی سپری

کردیم و صبح روز بعد با راهپیمایی اداری تاکتیکی به سمت سنندج حرکت کردیم و حوالی ظهر به پادگان سنندج برگشتیم. بدین ترتیب، عملیات ما سه روز به طول انجامید: دو روز رفت و یک روز برگشت.

گردان ۱۷۸ اعزامی از مشهد به فرماندهی سرگرد میرشکرایی که پس از ورود به سنندج در فرودگاه سنندج مستقر گردیده بود، در همان روز عملیات، پشت سر ستون ما حرکت کرد. مأموریت گردان، تأمین مسیر سنندج به دیواندره بود. این گردان با سلاح و تجهیزات کامل، بخصوص از نظر پرسنلی، صد در صد کامل بود. فرمانده گردان یک سرگرد قدیمی پا به سرهنگ دومی و معاونش نیز سرگرد ایرائی و دارای افسران و درجه‌داران کار آزموده بود. فرمانده گردان با بررسی مسیر و ایجاد پایگاه‌های مناسب در حد دسته و گروهان و استقرار مناسب مواضع خمپاره و یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ میلیمتری کل مسیر را از سنندج تا دیواندره پوشش داده بود و تا زمانی که این گردان مسئولیت تأمین جاده را داشت، با قدرت و اقتدار از عهده مأموریتش برآمد.

## عملیات پاکسازی محور سنندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان از

تاریخ ۵۹/۳/۳۱ الی ۵۹/۴/۵

به علت شرایط خاص پادگان و حضور تعدادی از برادران سپاهی، به فرماندهی برادر احمد متوسلیان، این عملیات در تقدم نخست، پاکسازی‌های قرارگاه مشترک قرار گرفته بود، ولی به دلیل لورفتن عملیات در آخرین لحظات، بنا به تصمیم درست و به موقع فرماندهی عملیات (سرگرد صیاد شیرازی) جای خودش را با همان شرایط و امکانات به عملیات محور سنندج به دیواندره داد و گردان استقراری که برای این عملیات در نظر گرفته شده بود، در محور دیواندره به کار گرفته شد.

قرارگاه عملیاتی پس از بازگشایی محور دیواندره، طرح‌ریزی خودش را برای محور سنندج به مریوان آغاز کرد. در اینجا لازم است به ذکر چند نکته بپردازم. اول اینکه نیروهای برادران سپاهی ثابت نبودند و هر چند مدتی تعویض می‌شدند و این تعویض یا انفرادی بود و یا یگانی و دیگر اینکه در هر پاکسازی برای امنیت شهر و ایجاد سپاه شهری به نیروهای زیادی احتیاج داشتند و از لشکر ۲۸ سنندج هم فقط تیپ یکم در پادگان بود. این تیپ دارای سه گردان بود. یک گردانش درگیر تأمین امنیت پادگان و گردان دیگر، دو گروهانش مسئولیت تأمین فرودگاه، صدا و سیما و بعضی از نقاط حساس شهر را به عهده داشتند و تنها یک گردان را آماده برای عملیات در اختیار ستاد قرارگاه عملیاتی داشت. از طرفی، درخواست واگذاری نیرو از یگان‌های دیگر مراحل خاص خودش را داشت. چون قرارگاه عملیاتی مشترک رسمیت قانونی نداشت، ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک می‌بایست از لشکر ۲۸ درخواست نیرو می‌کرد و لشکر ۲۸ هم از نیروی زمینی، نیروی

زمینی هم حق داشت طرح عملیاتی لشکر را مطالعه و بررسی و تصویب نماید، سپس نیروی لازم را تأمین نماید. خُب، این کار چند اشکال داشت: اولاً زمانی طولانی را می‌طلبید و ثانیاً ممکن بود طرح‌ها لو بروند. لذا قرارگاه عملیاتی با همان امکانات و مقدرات موجود عمل می‌کرد. یگان‌های عملیاتی موجود، همیشه آماده عملیات بودند، آنها نیاز به شناسائی و طرح‌ریزی نداشتند؛ ۴۸ ساعت و حتی ۲۴ ساعت قبل در جریان کلی عملیات قرار می‌گرفتند و هدایت عملیات با افسران و برادران سپاهی در ستاد عملیات قرارگاه، بخصوص افسران تیم نیروی مخصوص بود. لذا برای این عملیات جهت استقرار نیروی پایگاهی، فقط یک گروهان تقویت‌شده از تیپ را در اختیار داشتیم و از طرف دیگر، با وجود برادران سپاهی در پادگان مریوان و عملیات‌هایی که آنها انجام دادند، مرتباً از طرف فرماندهی پادگان مریوان و برادران سپاهی پیگیری می‌شد که این عملیات هرچه زودتر آغاز شود و شهر مریوان آزاد شود.

سازمان برای رزم این عملیات، همانند سازمان برای رزم عملیات قبلی بود، منتهی توپخانه پشتیبانی یک آتشبار ۱۵۵م خودکشی (به علت برد بلندش) و یک تیم عملیاتی ویژه ۱۲ نفره به فرماندهی ستوان آذربون از سرپل ذهاب به طور داوطلب در این عملیات حضور داشتند.

### سازمان برای رزم در نظر گرفته شده برای عملیات

- یک گردان از تیپ ۱ لشکر ۲۸ به فرماندهی سرگرد خسروی
- یک گردان از سپاه پاسداران به علاوه تعدادی از برادران پیشمرگ مسلمان به فرماندهی برادر داریوش چاپاری

عملیات پاکسازی محور سندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان / ۱۰۹

- یک آتشبار ۱۵۵م از توپخانه لشکری
- یک آتشبار پدافند هوایی (چهار قبضه توپ ۲۳م) از توپخانه لشکری
- یک دسته تانک شامل دو دستگاه اسکورپین و دو دستگاه نفربر
- یک دسته مهندسی از لشکر
- یک دسته بهداری شامل چهار دستگاه آمبولانس و تیم پزشکیار
- یک گروهان پیاده تقویت شده از لشکر جهت استقرار پایگاهی و تأمین جاده
- یک تیم عملیاتی الف از نیروی مخصوص از تیپ ۲۳ نوهده به فرماندهی سروان حسین شهرام‌فر
- یک تیم عملیاتی و پشتیبانی از هوانیروز به سرپرستی ستوان شیرودی
- یک تیم عملیاتی حدود ۱۲ نفر از برادران رزمنده سرپل ذهاب به فرماندهی ستوان آذربون<sup>۱</sup>
- یک تیم پشتیبان هوایی از نزدیک از پادگان همدان در صورت نیاز

### نحوه سازماندهی

عملیات در دو ستون مجزا از هم سازماندهی شد.

ستون اول به فرماندهی جناب سرگرد صیاد شیرازی و برادر رحیم صفوی

شامل:

---

۱. ستوان غلامرضا آذربون از افسران انقلابی ارتش در پادگان ابودر سرپل ذهاب که به فرمان امام قبل از انقلاب از ارتش فراری شد و بعد از انقلاب مسئول کمیته انقلاب در پادگان سرپل ذهاب و شهر سرپل ذهاب شد و سپاه غرب در کرمانشاه را پایه گذاری کرد و مدتی فرماندهی سپاه غرب را به عهده داشت. وی در سرکوبی ضدانقلاب در غرب کشور نقش مهمی را در ارتش و سپاه ایفا کرد.

- یک گروهان ادغامی ضربت به فرماندهی سروان حسین شهرام فر + یک تیم پیشرو از سروان آذربون
- یک گردان ادغامی هجومی از ارتش و سپاه به فرماندهی یکی از برادران سپاهی
- دو قبضه توپ ۲۳م + دسته مهندس جهت خنثی سازی تله های انفجاری و مین در جاده
- دو دستگاه آمبولانس و تیم پزشکیاری
- دو دستگاه اسکورپین و دو دستگاه نفربر فرماندهی ستون دوم به فرماندهی سروان سید حسام هاشمی و برادر پاسدار رسول یاحی شامل:
- یک گردان ادغامی از ارتش و سپاه به فرماندهی سرگرد خسروی
- یک آتشبار ۱۵۵م توپخانه + دو قبضه توپ ۲۳م
- یک گروهان تقویت شده استقراری پایگاه از لشکر ۲۸
- دو دستگاه آمبولانس و تیم پزشکیاری

### نحوه اجرای عملیات

عملیات، صبح روز ۱۳۵۹/۳/۳۱ با رعایت اصول تأمینی از پادگان سنندج آغاز گردید. اولین درگیری در سهراهی نوره حدود یک الی دو کیلومتر جلوتر از پادگان رخ داد، به طوری که هنوز ستون دوم کاملاً از پادگان خارج نشده بود. درگیری جزئی بود و ضدانقلاب متواری شد، ولی همین درگیری موجب هوشیاری ضدانقلاب از عملیات گردید. وقتی ستون

دوم به سه راهی نوره رسید، ستون اول در گردنه آریض درگیر شد. ستون اول متوقف شد و ما هم متوقف شدیم و توپخانه را روانه کردیم. یگان ضربت آرایش تاکتیکی گرفت. مقاومت ضدانقلاب بعد از نیم ساعت به پایان رسید و بچه‌های ضربت مخصوصاً خود شهرام‌فر به تعقیب ضدانقلاب پرداختند، که به سمت ارتفاعات جنوبی جاده گریختند تا جایی که سه نفر از آنها خود را به رودخانه انداختند و شهرام‌فر هر سه نفر آنها را به اسارت درآورد و آنها را به عقب آورد و تحویل من در ستون دوم که حالا به گردنه آریض رسیده بودیم، داد. من هم هر سه آنها را به برادر پاسداری به نام ابراهیم، که مسئول گردان ادغامی ما در ستون بود، دادم. دو تا از آنها بچه‌های ۱۵ الی ۱۶ ساله و یکی بالای ۲۳ الی ۲۴ ساله بود. برادر ابراهیم متأسفانه دست و پای آنها را نبست و در عقب تویوتا بین بچه‌های خودش نشانده بود و گفت مواظب آنها باشید. فرد بزرگتر سر یک پیچ ناگهان از عقب خودرو به پایین پرید که فرار کند، ولی بچه‌های سپاه فوراً به رویش آتش گشودند که منجر به مرگش شد و در همانجا چالش کردند. شهید شهرام‌فر از این حرکت خیلی ناراحت شد و با عصبانیت و قهر رو به من کرد و گفت من دیگر با شما کار نمی‌کنم، چرا این اسیر را کشتند؟ من با چه زحمتی آنها را به اسارت گرفتم! این بدبخت کجا می‌توانست فرار کند، آن زمانی که سلاح داشت نتوانست کاری بکند، حالا بدون سلاح آن هم در این دشت کجا می‌توانست برود؟ مرده او چه به درد ما می‌خورد؟ اطلاعاتش برای ما مفید بود. به هر زحمتی بود شهرام‌فر را راضی کردم که فرمانده عملیات، جناب صیاد هستند. شما مطالب را به عرض ایشان برسانید و اگر قانع نشدید، آن وقت اگر خواستید بروید و به عملیات ادامه ندهید، این کار را بکنید.

حرکت ستون به طرف سهراهی تیژ تیژ به کندی پیش می‌رفت، چون دستور بر این بود که جلودار و پهلودار به آرامی پیش بروند. حوالی اذان ظهر به سهراهی تیژ تیژ رسیدیم. در این مسیر چندجا تله انفجاری و مین ضدتانک کار گذاشته بودند، که خوشبختانه گروه مهندسی لشکر همه را شناسایی کرد و خنثی‌سازی کرد و اگر مهارت بچه‌های تیم مهندسی نبود، قطعاً متحمل تلفات سنگینی می‌شدیم. از یک آتشبار ۱۵۵ میلیمتری همراهمان دو قبضه را با یک دسته پیاده در سهراهی نوره و یک دسته پیاده دیگر را در ارتفاعات آریض برای ایجاد پایگاه مستقر کردیم و یک دیدبان توپخانه هم به این دسته دادیم. نماز و ناهار را در سهراهی تیژ تیژ صرف کردیم. در اینجا نیز یک گروهان تقویت شده پیاده و فرماندهی آتشبار توپخانه و دو قبضه توپ برای پشتیبانی آتش در ادامه کار مستقر شدند.

پس از دو ساعت استراحت در این مکان، که فرصت خوبی برای تهیه مواضع یگان پدافندکننده بود، ستون با همان حالت تاکتیکی به حرکت خودش ادامه داد. تا حوالی ساعت ۴ بعدازظهر به حوالی روستای جانوره (اسلام آباد) رسیدیم. ضدانقلاب در این روستا مقر داشت و ارتفاعات مهم آن را در تصرف داشت. ستون اول به محض درگیری متوقف گردید و جناب سرگرد صیاد شیرازی توسط افسر رابط هوانیروز درخواست پشتیبانی آتش هلیکوپترهای کبرا را کرد و همین‌طور با ارتباط با توپخانه شروع به ثبت تیر توپخانه شد. یگان ضربت به طرف ارتفاعات اطراف روستا رفت و با ضدانقلاب درگیر شد و تیم ویژه جناب آذربون وارد روستا گردید. متأسفانه در این درگیری برادر ابراهیم که یکی از قوی‌ترین و زبده‌ترین نیروهای برادر آذربون بود، در ورود به منزلی که مشکوک به نظر می‌رسید، مورد اصابت

گلوله ضدانقلاب قرار گرفت و به شهادت رسید. در ابتدا از ضدانقلاب ۲ الی ۳ نفر به هلاکت رسیدند و پس از مدتی زد و خورد، نیروهای ضدانقلاب متواری شدند و روستا به تصرف نیروهای خودی درآمد. متأسفانه به علت نداشتن نیروی استقراری روستا را ترک کرده و به عملیات ادامه دادیم.

شب را قبل از رسیدن به گردنه گارانت در محل مناسبی با برقراری تأمین دور تا دور سپری کردیم. اتفاق خاصی در آن شب نداشتیم. قابل ذکر اینکه گردان پیاده تیپ ۱ لشکر ۲۸ در این عملیات‌ها یک آشپزخانه صحرایی متحرک همراه با آشپز و خواربار همراه داشت، که این آشپزخانه قادر است در حین حرکت غذا تهیه نماید. در آن عملیات ما ناهار را کنسرو، ولی شام را غذای گرم (عدس پلو) داشتیم.

فردا صبح (۵۹/۴/۱) با درخواست یک تیم آتش پشتیبان هوانیروز، از گردنه گارانت گذشتیم. درگیری‌ها جزئی بود. منطقه جنگلی بود، شهید صیاد در وسط یگان ضربت دو قبضه توپ ۲۳ میلیمتری را قرار داده بود. این دو قبضه توپ و تیربارهای کالیبر ۵۰ که بر روی توپوتا سوار بودند، در جلوی ستون و پهلوی آن آتش پر حجمی را گشودند و هوانیروز هم مرتباً تیراندازی‌های خود را در اطراف جاده داشت. عظمت ستون و حجم آتش و شکست‌هایی که در گردنه آریض و روستای جانوره به دشمن وارد آمده بود، کار ما را در ادامه عملیات در منطقه جنگلی آسان کرده بود. خلاصه اینکه حوالی ساعت ۱۰ صبح به سهراهی سوته (سهراهی مریوان - سقز) رسیدیم و از طرف دیگر، نیروهای پادگان مریوان، ادغامی ارتش و سپاه به این سهراهی رسیدند. برای تصرف شهر مریوان، قرار شد، ابتدا نیروهای ضربت سروان شهرام‌فر ارتفاعات قلعه امام در شرق شهر مریوان را تصرف و جاده

مریوان به سروآباد را تأمین و نیروهای عملیاتی ستون به علاوه نیروهای برادر احمد متوسلیان به فرماندهی ایشان وارد شهر شوند. خدا را شکر حوالی ظهر شهر مریوان به تصرف کامل درآمد و بقیه ستون وارد پادگان شدند.

سپاه پاسداران فرمانداری شهر و اماکن حساس و مقرهای ضدانقلاب را تصرف نمود و برادر احمد متوسلیان شخصاً فرماندهی سپاه مریوان را به عهده گرفت. بعد از ظهر آن روز، من به اتفاق برادر آذربون (ستوان یکم) و تعدادی از نیروهایش در شهر مریوان بودیم و تا دریاچه زریوار پیش رفتیم. شهر بسیار زیبایی، که یک طرف آن یعنی در قسمت شمالی در دامنه ارتفاعات موسک و طرف جنوب غربی و غرب آن به دریاچه بسیار زیبای زریوار قرار دارد. این دریاچه دارای آب شیرین است و سواحل آن پوشیده از درختان است و ماهیگیری در آن (صید ماهی) برای تعدادی از مردم جنبه درآمدی داشت. در داخل شهر مریوان، ارتش دارای تعدادی خانه سازمانی بود که پس از تصرف شهر، این خانه‌های سازمانی برای برادران سپاه که تا آن روز در پادگان زندگی می‌کردند، محل مناسبی برای استقرار نیروهایشان و همچنین بعدها برای سکونت خانواده‌هایشان شد. توقف ما در شهر مریوان پس از تصرف آن ۴۸ ساعت ادامه داشت. در این ۴۸ ساعت، من و شهرام هر کدام جداگانه با یک گروهان ادغامی برای پاکسازی به روستاهای اطراف شهر و کنار دریاچه رفتیم. در این مأموریت‌ها، که بیشتر جنبه نمایش قدرت و جنبه تبلیغاتی داشت، مقداری خواربار، نفت و آرد با خودمان می‌بردیم. روش کار به این ترتیب بود که اول روستا را با نیروهایمان محاصره می‌کردیم و سپس توسط پیشمرگان گرد مسلمان و یا عواملی که سپاه از شهر مریوان داشت برای بزرگ روستا و ماموستا (امام جماعت روستا) پیغام می‌فرستادیم و با آنها ملاقات

می‌کردیم و یکی دو مورد هم تعدادی از اهالی روستا جمع شدند و برای آنها صحبت کردیم. خواربار تحویل ماموستا می‌شد، تا بین مردم توزیع نماید و بچه‌های سپاه هم به کارهای اطلاعاتی و منبع‌گیری و یا احیاناً به عضویت درآوردن جوانان مستعد و علاقمند می‌پرداختند.

### ادامه عملیات (پاکسازی محور مریوان به سروآباد)

پس از توقف ۴۸ ساعته در مریوان و تثبیت شهر مریوان، فرماندهان عملیات (سرگرد صیاد شیرازی و برادر رحیم صفوی) تصمیم گرفتند هر دو ستون با همان وضع به سنندج برگردند. بنابراین، عصر روز چهارم هر دو ستون در داخل پادگان به همان وضع سابق سازماندهی و در دو ستون مجزا آماده حرکت شدند. تمام قرائن و شواهد بر این بود که از همان راهی که آمدیم، برمی‌گردیم و این‌طور هم شایعه شده بود که ما از محور مریوان به گارانت برمی‌گردیم. منتهی دوباره همان شب جناب صیاد فرماندهان را خواست و آخرین تذکرات و توجیهات را بیان کرد و سپس گفت برگشت ما از مسیر مریوان به سروآباد و نِگَل خواهد بود.

صبح روز پنجم (۵/۴/۵۹) پس از صرف صبحانه ساعت ۶ صبح حرکت ستون آغاز شد. مقداری از مسیر به طرف جاده گارانت پیش رفتیم و سپس از یک جاده فرعی به طرف مسیر مریوان به سروآباد حرکت کردیم. تا حوالی ساعت ۱۰ صبح بجز یک درگیری جزئی در یک سه‌راهی، مشکل عمده‌ای نداشتیم و اولین درگیری مان حوالی ساعت ۱۰ در نزدیکی‌های روستای سروآباد اتفاق افتاد. ستون اول درگیر شد، درگیری شدیدی پیش آمد. چند نفر از بچه‌ها شهید شدند و ۶ نفر هم مجروح داشتیم. منطقه جنوبی جاده

جنگلی بود. ضدانقلاب که تلفاتی هم داده بود، در شمال به ارتفاعات و در جنوب جاده به طرف روستای سروآباد گریخت و بچه‌ها به تعقیب آنها پرداختند. در درگیری در روستای سروآباد، یک دختر بچه ۵ ساله مجروح شد، که به ذکر آن نیز خواهیم پرداخت. پس از ختم غائله، ستون اول به حرکت خودش ادامه داد و ستون دوم که به مدخل ورودی رسیده بود، در اینجا به ناچار کمی توقف داشت. برادر داریوش x این بار در ستون دوم همراه ما بود و همینطور که کنار جاده با هم ایستاده بودیم، صحبت می‌کردیم.

از مسیر سندانج به مریوان یک مینی‌بوس در حرکت بود. داریوش جلوی مینی‌بوس را گرفت و گفت سرنشینان آن پیاده شوند و به پیشمرگان همراه خود گفت مینی‌بوس را بررسی کنید و از سرنشینان آن بازدید بدنی به عمل آید. سه نفر از سرنشینان نسبتاً جوان به محض پیاده شدن، به طرف جنگل‌های شمالی فرار کردند. بچه‌ها به تعقیب آنها پرداختند و آنها هم بی‌هدف تیراندازی می‌کردند. سرانجام یک نفر از آنها به هلاکت رسید و دو نفر دستگیر شدند.

ستون به کندی به حرکت خودش ادامه می‌داد و به علت جنگلی بودن قسمت شمالی جاده، درگیری‌های پراکنده‌ای هم داشتیم و بیشتر این درگیری‌ها مربوط به ستون اول می‌شد. توقفی هم برای صرف ناهار با رعایت اصل تأمین داشتیم. حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر بود که جناب سرگرد صیاد به من دستور داد آتشبار توپخانه را در موضع مناسب روانه کنید و برای مختصاتی که می‌دهم، چند گلوله توپخانه شلیک کنید. وقتی آتشبار روانه شد و به مختصات داده شده از روی نقشه نگاه کردم، دیدم این مختصات حوالی روستای آویهنگ است. عرض کردم این منطقه در مسیر عملیات ما نیست،

برای چه اینجا تیراندازی کنیم؟ فرمودند بچه‌های سپاه و پیشمرگان کُرد مسلمان گزارش دادند که اینجا مرکز فعالیت‌های ضدانقلاب است و لازم است ما برای قدرت‌نمایی، چند گلوله در اطراف این روستا بزنیم. دستور اجرا شد و چند گلوله شلیک شد، سپس به راهپیمایی ستون ادامه دادیم.

حوالی ساعت ۴ الی ۵ بعدازظهر به نزدیکی‌های روستای نِگل رسیدیم. صیاد شیرازی با ارتباط بی‌سیم اطلاع داد ما امشب در همین مکان ۲ الی ۳ کیلومتری روستای نِگل توقف داریم؛ به ستون اول دستور توقف دادم، شما هم که رسیدید متوقف شوید. خود ایشان و برادر رحیم و حسین شهرام‌فر با یک گروه تأمینی برای شناسایی مواضع و اطراف رفتند. محل مناسبی بود. یک طرف آن رودخانه و قسمتی غربی آن دامنه ارتفاعات. بچه‌های ستون به محض اینکه توقف کردند، با توجه به اینکه روز سختی را هم در پیش داشتند و هوا هم گرم بود، بعضی‌ها تفنگ‌ها را چاتمه و بعضی‌ها همین‌طور کنار لباسشان گذاشتند و وارد رودخانه و مشغول شنا کردن شدند، بعضی‌ها هم با نارنجک دستی مشغول ماهیگیری شدند. بچه‌های ستون دوم هم که می‌رسیدند، بلافاصله از خودرو پیاده و وارد آب می‌شدند. من و برادر رسول که معمولاً در آخرهای ستون حرکت می‌کردیم، وقتی وارد منطقه شدیم، درست زمانی بود که جناب صیاد شیرازی از گشت شناسایی برگشته و هرچه فریاد داشت بر سر من کشید. گفت این چه وضعی است؟ مگر شما تا نیم ساعت قبل با ضدانقلاب درگیر نبودید؟ به کلی یادتان رفته است که در منطقه جنگی هستید! در این حالت چند نفر ضدانقلاب کافی است که همه شما را بکشند و یا اسیر کنند، هرچه زودتر اینها را از آب بیرون کنید؛ به اتفاق شهرام‌فر دفاع دورتادور را برقرار و عوامل نگهبانی و تأمینی را

مشخص کنید و نتیجه را برای بازدید من گزارش کنید. در اینجا فقط سکوت کردم و به دفاع از خودم که در عقب ستون بودم برنیامدم. گفتم اطاعت می‌شود. با کمک رسول یاحی و حسین شهرام‌فر بچه‌ها را از رودخانه بیرون کشیدیم و فرماندهان را صدا زدیم. منطقه استقرار در هر یگان و مسئولیت آنها را مشخص کردیم و خوشبختانه قبل از غروب آفتاب همه کارها سامان گرفت و به اتفاق هم نزد صیاد و برادر رحیم رفتیم و گزارش کار را دادم و تا خواستم از خودم دفاع کنم، صیاد فرمودند ببخشید که سر شما فریاد زدم، در آن لحظه لازم بود. من هم گفتم حق با شماست، شما فرمانده ما هستید. آن شب را تا صبح مثل همه شب‌های عملیات، با هوشیاری و مراقبت تمام سپری کردیم.

صبح فردا (۵۹/۴/۹) عوامل اطلاعاتی سپاه و پیشمرگان مسلمان وارد روستا شدند. با ماموستای روستا و بزرگان روستا صحبت شد. آنها هم به استقبال فرماندهان ما آمدند. خوشبختانه بدون هیچ درگیری روستای نگل به تصرف رزمندگان اسلام درآمد. در ابتدای روستا، زیر درخت بزرگی از گردو و با توجه به عوامل تأمینی، فرماندهان نشستند و ناهار در آنجا صرف شد و از طرف ماموستای روستا از فرماندهان درخواست شد که ظهر در نماز جماعت آنها شرکت نمایند و برای اهالی صحبت شود. در اینجا تصمیم بر این شد که من (سروان سید حسام هاشمی) در نماز جماعت آنها شرکت نمایم و برای آنها صحبت بکنم. با تعدادی از بچه‌ها در نماز جماعت آنها شرکت کردم. قبل از نماز به گوشه‌ای از مسجد که در گنجه آن قرآن تاریخی از زمان عثمان خلیفه سوم نوشته بود، رفتیم و من برای اولین بار بود که چنین قرآنی را از نزدیک می‌دیدم. قرآنی با خط کوفی روی ورق‌های چرمی.

این قرآن از افتخارات مردم کردستان و روستای نگل به حساب می‌آید و برای آن داستان‌های زیادی دارند. خلاصه من در نماز جماعت ظهر آنها شرکت کردم و چند دقیقه‌ای هم از انقلاب و امام و اهداف جمهوری اسلامی و عملکرد ضدانقلاب صحبت کردم و بعد برای صرف ناهار به دوستان پیوستم. روستای نگل در وسط راه سنندج به مریوان در مسیر سنندج به سروآباد قرار دارد. روستای بسیار زیبا همانند روستای ماسوله در دامنه ارتفاعات قرار دارد و یک رودخانه پرآب از کنار آن می‌گذرد و بسیار سرسبز و خوش آب و هواست. آن روز هنگام صرف ناهار صیاد به من گفت، حسام یادت باشد ان‌شاءالله سال دیگر که منطقه آرام شد، یک روز با خانواده بیاییم در اینجا و از طبیعت زیبای اینجا لذت ببریم. خلاصه بعدازظهر آن روز پس از صرف ناهار به طرف سنندج حرکت کردیم. در مسیر، چند تا از خودروهای ضدانقلاب به جا مانده بود، که بچه‌ها به غنیمت گرفتند و یک پیکان که تمام درب‌های بدنه و کاپوت آن احتمالاً با گلوله‌های خودمان سوراخ سوراخ شده بود، نصیب من و حسین شهرام‌فر شد و با همین خودرو، یکی دو روز بعد، هردو ما، مرخصی تهران رفتیم. از نگل تا سه‌راهی تیزتیژ هیچ‌گونه برخوردی نداشتیم و شاید قبل از ساعت ۴ یا ۵ بعدازظهر آخرین خودرو وارد پادگان سنندج شد و بدین ترتیب آزادسازی شهر مریوان و بازگشائی نصف این محور به پایان رسید.

### ماجرای تیر خوردن دختر بچه ۵ ساله روستای سروآباد

این دختر بچه در حین درگیری نیروهای ما با ضدانقلاب مجروح شد، ولی نمی‌دانیم از طرف ما تیر خورد و یا از طرف ضدانقلاب. مهم این است

در این درگیری، ما حدود ۶ نفر مجروح داشتیم، که همه آنها به دستور صیاد شیرازی با آمبولانسی که همراه ستون بود به میوان انتقال یافتند، ولی وقتی به صیاد اطلاع دادند که یک دختر بچه روستا مجروح شد، بلافاصله توسط افسر رابط هوانیروز درخواست اعزام یک فروند هلیکوپتر ۲۱۴ شد. هلیکوپتر همراه اسکورت دو فروند کبری در حوالی روستا فرود آمد و این دختر بچه به همراه پدر و مادرش سوار بر هلیکوپتر شدند و در بیمارستان سنندج توسط دکتر مجد تحت عمل جراحی قرار گرفت که الحمدلله معالجه مؤثر بود و پس از ۱۰ الی ۱۲ روز مجدداً به دستور صیاد با هلیکوپتر به روستای مربوط برگشتند (البته مقداری هم کمک‌های مردمی به خانواده داده شد). از خانواده این دختر در مدت اقامت به بهترین وجه پذیرایی شد، این عمل صیاد شیرازی، اثر خود را در آن محل گذاشت و خیلی از اهالی محل در اثر این حرکت مردمی طرفدار نظام و انقلاب و رزمندگان اسلام شدند.

اما سرهنگ دکتر مجد رئیس بیمارستان ارتش در سنندج: این سرهنگ از ابتدای جنگ کردستان و شاید تا پایان جنگ در این بیمارستان خدمت کرد. ایشان جراح ماهر و انسانی بزرگوار و خوش قلب بود که همه روز و شبش را در بیمارستان در کنار بیماران گذراند. کمتر کسی از رزمندگان کردستان، بخصوص رزمندگان ارتش و سپاه در سنندج است که او را نشناسد. ایشان حق بزرگی گردن کارکنان لشکر ۲۸، رزمندگان سپاه، بسیج و حتی اهالی مردم سنندج دارد.

## تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه

ستاد قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه، یک ستاد غیرسازمانی و غیررسمی بود، که عملاً با همکاری و هماهنگی شهید فلاحی فرمانده نیروی زمینی و فرماندهی لشکر ۲۸ سنندج کارش را پیش می‌برد. این ستاد بعد از آزادسازی شهر سنندج تشکیل گردید و با هدایت این ستاد، در انجام چندین عملیات، شهرهای دیواندره، سقز، بانه، و مریوان آزاد شد. در عملیات آزادسازی گردنه خان و بانه که حوادثی برای لشکر ۱۶ قزوین به وجود آمده بود و یگان‌های لشکر صدمه زیادی را دیده بود گزارشی به عرض ریاست جمهوری رسید، که در این گزارش ظاهراً قید گردیده بود که یک ناهماهنگی بین سرگرد صیاد شیرازی نماینده رئیس جمهور و فرمانده لشکر، موجب شکست عملیات و تلفات گردید. روی همین اصل، رئیس جمهور (بنی‌صدر) سرگرد صیاد شیرازی را به تهران احضار کرد، تا ماجرا را از زبان صیاد بشنود. لازم به ذکر است عملکرد سرگرد صیاد شیرازی در کردستان و آزادسازی شهرها و همکاری ارتش و سپاه ورد زبان همه محافل شده بود و بنی‌صدر هم که ایشان را نماینده خود می‌دانست و آن زمان به قولی ایشان را از کشفیات خود می‌دید، از این بابت خیلی خوشحال و در پی تقویت ایشان بود. در این قسمت ابتدا به صحبت‌های صیاد شیرازی با بنی‌صدر که در سال ۱۳۷۴ در هیئت معارف جنگ، در حضور پیشکسوتان منتخب برای ثبت در سوابق، بیان داشته است، می‌پردازم:

"سیر عملیات در کردستان از زمان شروع پاکسازی سنندج و گرفتن سنندج از دست ضدانقلاب در محدوده فرماندهی من ۲ مرحله داشت: یک مرحله کاملاً بی‌نام و نشان و معرفی رسمی و

بسیجی‌وار بود که در همین مرحله سنندج آزاد شده بود. ستون‌کشی به سمت مریوان انجام گرفته بود و در هیچ‌کدام از اینها فرماندهی رسمی نداشتیم و همین‌طور سازمان می‌دادیم و همه کمک می‌کردند و می‌رفتند جلو. بعد محور دیواندره پاکسازی شده بود، از طرف لشکر ۱۶ به طرف سقز، تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی گذشته بودند و شهر سقز آزاد شده بود، ستون‌کشی سقز به طرف بانه هم انجام گرفته بود و بانه از محاصره درآمده بود و شهر بانه آزاد شده بود. این گزارش به رئیس جمهور وقت (بنی‌صدر) داده شده بود، بنی‌صدر تازه باور کرده بود که می‌شود عملیات کرد، چون قبلاً اقداماتی که می‌کردند مربوط به هیئت حسن نیت بود، که سرپرستش دکتر فروهر بود و شهید چمران هم قبل از آن (در سال ۵۸) یک نبردی کرده بود و وضعیت موقتی را در پاوه و نوسود و طرف دزلی و مریوان و سردشت به وجود آورده بود.

گزارش که دادیم، پیشنهاد دادیم و گفتیم برای تکمیل کار حالا باید یک قرارگاه تشکیل داد و همه نیروها در انجام مأموریت بیشتر و رسماً همکاری بکنند، گفت حُب، تشکیل بدهید. بعد من گفتم همچنین قرارگاهی باید در کردستان تشکیل شود و کل منطقه از جوانرود و پاوه و نوسود گرفته تا خود بانه و سردشت و... را به عهده بگیرد، گفت طرح تصویب است. گفتم نه، فرمانده نیرو باید بپذیرد که کلیه یگان‌های مستقر در منطقه شمال غرب از جمله لشکرهای ۲۸ و ۶۴، تیپ ۲۳ نوه‌د، لشکر ۱۶ زرهی، لشکر ۸۱ زرهی و ژاندارمری و سپاه، همه به کنترل قرارگاه درآیند. باز بنی‌صدر گفت

## تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه / ۱۲۳

حُب باشد. فرمانده نیروی زمینی وقت آمد داخل دفتر و بحث شد. بنی صدر گفت که این قرارگاه را تشکیل بدهید. گفت فرمانده قرارگاه چه کسی باشد؟ بنی صدر گفت صیاد شیرازی. فرمانده نیرو گفت این که سرگرد است نمی شود که لشکر را در کنترل او قرار دهیم. گفت چه درجه ای باید به او بدهیم فرمانده شود؟ گفت باید دو درجه به او بدهیم. بنی صدر گفت دو تا درجه به او بدهید. فرمانده نیرو دیگر چیزی نگفت، بلافاصله حکم صادر شد و دو تا درجه به ما دادند و ما هم رفتیم قرارگاه را در کرمانشاه تشکیل دادیم، در پشتیبانی منطقه یکم. طرح ما این بود که با قرارگاه فرعی منطقه‌ها را خودکفا کنیم برای عملیاتی که اطراف خودشان انجام می دهند. یک قرارگاه در سنندج برای کردستان، بعد در هر شهر مثل مریوان، دیواندره، سقز، بانه و سردشت یک قرارگاه کوچکی دایر کنیم و کنار هر قرارگاه هم یک تیم عملیاتی از تیپ ۲۳ نهد (تیپ ۲۳ را من گسترش دادم که در هر کجا، اینها راهنمای آموزش عملیات منظم ما باشند) قرار دادیم.

از خاطرات جالبی که دارم و ذکر خیری باشد از شهید سرلشکر ناصر کاظمی از سپاه که فرمانده پایه بودند: من وقتی که رفتم در دفتر فرمانده نیروی زمینی وقت برای گرفتن حکم مأموریت، آدم دیدم ایشان نشسته و با فرمانده نیرو صحبت می کند و بحث می کنند و می گوید یک گردان به من بدهید و... ولی فرمانده نیرو می گفت تو نمی توانی که گردان را اداره کنی، من چطور یک گردان به تو بدهم و... بعد من آدم گفتم تیمسار اگر ایشان می خواهند این کار را

بکنند در محدوده من است، نگران نباشید من ترتیب کار را می‌دهم، یک‌دفعه ناصر کاظمی گفت تو کی هستی؟ گفتم صیاد شیرازی هستم (اسم من را شنیده بود ولی ندیده بود) یک‌دفعه من را در آغوش گرفت و گفت تیمسار من دیگه با شما کاری ندارم، ما با صیاد کار را درست می‌کنیم. بعد رفتیم و یک قرارگاه هم درست کردیم و سرهنگ رامتین را مأمور کردم بروم و قرارگاه را تشکیل دهم و عملیات را آماده کند برای پاکسازی محور نوسود و آزادسازی نودشه و بکارگیری نیروهای مخصوص، خدا رحمت کند شهید سرگرد نقدی فرمانده گردان ۱۳۹ را که اولین بار آنجا دیدم متوجه شدم که یک فرمانده گردان جسور و شجاع آنجا مستقر است و اصلاً تشنه عملیات است، خیلی هم با کاظمی جوش خورده بود. در همین شرایط من آمده بودم تهران برای همین کارهای پشتیبانی قرارگاه.

البته این روایت پیشنهاد تشکیل قرارگاه غرب را من از زبان شهید صیاد به گونه‌ای دیگر شنیده بودم و آن این بود که وقتی صیاد ماجرا را برای بنی‌صدر تشریح می‌کند، بنی‌صدر به فلاحی می‌گوید: چرا فرمانده لشکر ۱۶ با نماینده من سرگرد صیاد شیرازی هماهنگی نکرده؟ فلاحی می‌گوید نماینده شما سرگرد است و فرمانده لشکر سرهنگ. در ارتش یک سرگرد نمی‌تواند به یک سرهنگ دستور بدهد. بنی‌صدر می‌گوید به هر حال او نماینده من است. چاره کار در چیست؟ آن زمان پیشنهاد دادن درجه و تشکیل قرارگاه، از جانب شهید فلاحی مطرح می‌شود که مورد تصویب قرار می‌گیرد. این روایت را من در همان سال ۱۳۵۹ شنیدم که بنی‌صدر در رأس قدرت قرار داشت و شهید فلاحی هم که فرمانده نیرو بود، در واگذاری همه

امکانات قرارگاه غرب و درخواست‌های سرهنگ صیاد شیرازی انصافاً سنگ تمام گذاشت. مسلماً اگر فلاحی به ظاهر دستور رئیس جمهور و قلباً مایل به این کار نبود، مسلماً صیاد در تشکیل قرارگاه غرب با مشکل مواجه بود، در صورتی که این چنین نبود.

### قرارگاه عملیاتی غرب

این قرارگاه در رژیم گذشته در کرمانشاه تشکیل شده بود و یگان‌های عملیاتی غرب و شمال غرب (لشکر ۸۱ زرهی ۲۸ و ۶۴ پیاده) و یگان‌های پشتیبانی منطقه در امور عملیاتی تابع آن بودند. بعد از انقلاب، تا مدتی این قرارگاه دایره فرماندهی آن با سرتیپ آذری بود. بعد از مجروحیت سرتیپ آذری در بانه، مأموریت قرارگاه تغییر کرد و مسئولیت عملیاتی یگان‌ها به فرماندهان لشکر سپرده شد و افسران ستاد قرارگاه غرب، هم به یگان‌های دلخواه خودشان انتقال پیدا کردند و عملاً قرارگاه تعطیل شد. مسئولیت نگهداری ساختمان‌ها به فرمانده پشتیبانی منطقه که در جوار قرارگاه بود، سپرده شد. با صدور حکم سرهنگ صیاد شیرازی به عنوان فرماندهی قرارگاه غرب، مجدداً ستاد قرارگاه فعال گردید. اعضای ستاد قرارگاه عبارت بودند از: سرهنگ حسین خرسندی که قبلاً رئیس ستاد لشکر ۲۸ بود و به عنوان رئیس ستاد قرارگاه غرب منصوب گردید. سرگرد توپخانه ابوالقاسم جاودانی از لشکر ۷۷ به عنوان رئیس رکن سوم و سروان ضیابری رئیس رکن دوم و رؤسای ارکان یکم و چهارم هم منصوب شدند. در قسمت عملیات، افسرانی نظیر سروان، سروان پیاده محمد کمانگری و سروان توپخانه سید ابراهیم مدنی از لشکر ۷۷ داوطلبانه در سازمان رکن ۳ مشغول انجام وظیفه

شدند. نظر شهید صیاد بر این بود که قرارگاه مشترک سنندج با بودن سرهنگ اصغر همچنان به کارش ادامه بدهد و من (سروان سید حسام هاشمی) به عنوان افسر عملیات هماهنگ کننده در سنندج باشم و در مریوان، سقز و بانه یک افسر از نیروی مخصوص به عنوان افسر رابط عملیاتی مستقر شوند. در سقز ستوان فلفل کوب (فهیمی صالح)، در بانه ستوان یکم اصغر نوری و در مریوان ستوان دوم دادبین برای این کار در نظر گرفته شده بودند و سروان حسین شهرامفر هم همین مسئولیت را در قرارگاه غرب با تعدادی از افسران نوه‌د در کرمانشاه داشته باشد. تصورم بر این است که فرماندهی قرارگاه غرب در اوایل مردادماه ۵۹ ابلاغ شد. در جایی دیدم حکم شهید صیاد شیرازی که به قرارگاه تازه تشکیل غرب ابلاغ شده بود، سوم مرداد ماه تاریخ زده شده بود. به هر حال شهید صیاد شیرازی مدتی را در کرمانشاه مشغول سازماندهی قرارگاه عملیاتی بود. این قرارگاه دیگر همانند قرارگاه سنندج ادغامی نبود، ولی عملاً تعدادی از برادران سپاهی در ستاد و در کنار برادران ارتش به عنوان مشاور و رابط کار می‌کردند، منتهی از طرف نیروی زمینی کاربرد عملیاتی یگان‌های منطقه، منجمله یگان‌های ژاندارمری و سپاه پاسداران با فرماندهی قرارگاه غرب بود. دستورات و ابلاغیه‌ها، رسماً با امضاء فرمانده قرارگاه به یگان‌ها ابلاغ می‌شد.

یکی از اقدامات مهم و اساسی فرمانده قرارگاه (سرهنگ صیاد شیرازی) تعویض فرماندهان لشکرهای تابعه بود. ایشان سرهنگ مدرکیان فرمانده تیپ سقز را به فرماندهی لشکر ۲۸ به جای سرهنگ صدری و سرهنگ کیکاوس امیری را به جای سرهنگ زکیانی به فرماندهی لشکر ۶۴ منصوب و سرهنگ سیروس لطفی را به جای سرهنگ پورموسی به فرماندهی

تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه / ۱۲۷

لشکر ۱۶ منصوب و با گماردن سرهنگ رامتین به فرماندهی تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و انتقال این تیپ به منطقه کرمانشاه کار خودشان را آغاز کردند. در همین هنگام، فرماندهی نیروی زمینی تغییر کرد. سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده ژاندارمری به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب و سرتیپ فلاحی به عنوان جانشین رئیس ستاد عملاً مسئولیت ستاد مشترک را عهده‌دار شدند.

سرتیپ ظهیرنژاد از نظر خلق و خو و روش فرماندهی ۱۸۰ درجه با فلاحی که افسری ستادی و با خلق و خوی ملایم و مصلحت‌اندیش و هماهنگ بود، تفاوت داشت. ظهیرنژاد افسری خیلی منضبط، خشن، خشک و غیر قابل انعطاف بود. این تغییر فرماندهی در نیرو طبیعتاً یکسری جابه‌جایی در نیرو داشت. مشاورین جدید بخصوص تعدادی از افسران که از فرماندهی لشکرها تعویض شدند، شروع کردند به بدگویی از سرهنگ صیاد شیرازی و به این مسئله تعویض فرماندهان لشکر بدون اجازه فرمانده نیرو دامن زدند. از طرف دیگر، حضور برادران سپاهی در قرارگاه عملیاتی غرب خوشایند سرتیپ ظهیرنژاد و عوامل ستادی نیرو و همچنین مشاورین نظامی بنی‌صدر نبود.

## عملیات منطقه هزارکانیان

با شکل‌گیری قرارگاه غرب، عملیات‌های مقابله با ضدانقلاب، هم در کرمانشاه و هم در سنندج به موازات هم پیش می‌رفت. در کرمانشاه، عملیات‌هایی در پاوه و نوسود انجام شد، که شرح آن در خاطرات شهید صیاد و دیگر دوستان آمده است. در کردستان هم، چندین عملیات توسط قرارگاه مشترک هدایت شد و من در اینجا به ذکر دو عملیات که شخصاً فرماندهی آن را به عهده داشتم، می‌پردازم:

منطقه هزارکانیان در جنوب‌غربی دیواندره، در بین مثلث دیواندره - مریوان - سنندج و در شرق ارتفاعات شیلر قرار دارد. دسترسی به این منطقه از جاده سنندج به دیواندره در حوالی حسین آباد با یک جاده فرعی از شرق به غرب بوده است. منطقه‌ای کوهستانی که روستای هزارکانیان در دامنه ارتفاعات در دشت نسبتاً وسیعی قرار دارد. مردم منطقه مسلمان شافعی مذهب و به شغل کشاورزی و دامداری مشغول بودند. این منطقه، در گذشته توسط ایل احمدی که معروف بودند، به صورت عشیره‌ای اداره می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب، خصوصاً در سال ۱۳۵۸، حزب کومله در بین جوانان نفوذ کرده و زمین‌های منطقه را بین مردم تقسیم کرده و عشیره احمدی مجبور به ترک منطقه شدند، که در کرمانشاه و کامیاران به طور موقت زندگی می‌کردند. بزرگ خانواده با شهید محمد بروجردی ارتباط پیدا کرده و دوستی بین آنها برقرار گردید. محمد بروجردی معتقد بود که امنیت منطقه کردستان باید توسط عشایر و بزرگان قبیله و عشایر حل شود، لذا ایشان از همان ابتدا، طرح مسلح کردن عشایر مورد نظرش بود، گرچه آن روزها این

عقیده و افکار برای پاسداران جوان خیلی مفهوم و معنا نداشت و طرفدار جدی با نظریه ایشان وجود نداشت.

شهید محمد بروجردی تعداد ۳۵ نفر از جوانان و سران قبیله احمدی را مسلح نموده و یک آموزش مقدماتی (فکر می‌کنم در کامیاران) برای آنها گذاشت، لذا در قرارگاه مشترک عملیاتی سنندج، پاکسازی منطقه کامیاران و استقرار پاسگاه ثابت برای پیشمرگان کرد احمدی و سپاه پاسداران را در منطقه خواهان شد. طرح مورد تصویب قرار گرفت و سازمان رزمی به شرح ذیل جهت پاکسازی منطقه تعیین و اینجانب را به عنوان فرمانده ستون عملیات تعیین نمودند:

- یک گروهان تقویت شده ادغامی ارتش و سپاه نیروی عمل کننده با تجهیزات سازمانی

- یک دسته تیم ضربت حدود ۴۰ الی ۵۰ نفری از سپاه پاسداران به فرماندهی برادر نعمتی + ۳۵ نفر از پیشمرگان خان احمدی

- یک تیم ۴ الی ۵ نفری نیروی مخصوص به فرماندهی ستوان یکم پیاده احمد اسدی

- دو قبضه توپ ۱۰۵ مم + دو قبضه توپ ۲۳ مم

- تیم مهندسی شامل متخصصین مین‌یابی و خنثی‌سازی مین

- تیم بهداری شامل دو دستگاه آمبولانس و دو تیم پزشکیاری

عملیات در اوایل مردادماه ۱۳۵۹ با حرکت ستون از سنندج آغاز شد. به علت تأمین جاده توسط گردان ۱۷۸ پیاده مشهد، تاسه راهی هزارکانیان در جاده دیواندره به سنندج حرکت ما اداری بود. خیلی سریع به سه راهی

رسیدیم. از سه راهی تا نزدیکی‌های روستای هزارکانیان با حرکت تاکتیکی آرایش ستون به صورت جلودار، پهلودار و رعایت اصول تأمینی حرکت ادامه داشت. فقط در یکی دو نقطه، یک درگیری کوچک و لحظه‌ای با ضدانقلاب داشتیم و قبل از رسیدن به روستای هزارکانیان، ستون یک توقف کوتاه داشت و با استقرار توپخانه و خمپاره‌ها، چند گلوله با فاصله دور به اطراف روستا به عنوان نمایش قدرت تیراندازی شد. با همین نمایش قدرت و ضربت‌هایی که ضدانقلاب از قبل هم در این ستون‌کشی‌ها دیده بود، خیلی سریع روستا را تخلیه کرده و فرار را برقرار ترجیح دادند. یکی دو نفر از عوامل آقای احمدی، جلو جلو وارد روستا شدند و خبر رسیدن نیروهای رزمنده را به آنها دادند. مردم روستا اعم از زن و مرد با سینی و مجمع پر از نان و پنیر و کره و سرشیر و عسل به استقبال رزمندگان آمدند. برای اولین بار بود که من در تمام عملیات‌ها، این استقبال مردم را مشاهده کردم. حتی بعدها هم این چنین صحنه‌هایی را ندیدم. قطعاً این استقبال برای احترام به خان روستا جناب آقای احمدی بود. ناهار را در روستا صرف کردیم. ماه مبارک رمضان بود. شب بعد از افطار و نماز جماعت در مسجد برای مردم روستا صحبت کردم. در این سخنرانی به ماهیت ضدانقلاب و اهداف آنها، بخصوص مرام کومله پرداخته و گفتم اینها ملحد و کافر و منکر خدا هستند. این برای مردم روستا خیلی عجیب بود. آنها اظهار می‌کردند شما کومله را بی‌دین می‌خوانید، در صورتی که در نماز جماعت ما شرکت می‌کردند و حتی گاهی امام جماعت هم می‌شدند. گفتم اگر بگویید دموکرات‌ها نماز می‌خوانند قبول دارم، ولی اینها کمونیست و بی‌دین هستند. مردم روستاهای قدیم بخصوص روستاهای دوردست و در عمق کوهستان، مردمی

ساده، مذهبی و مقید بودند، بخصوص مردم آن منطقه، لذا حزب کومله در این مکان‌ها تبلیغات بی‌دینی نمی‌کرد.

روز بعد بچه‌های سپاه به همراه پیشمرگان، گشتی به اطراف کوه‌ها زدند. ما دو شب در آنجا اقامت داشتیم و قرار شده بود که تیم برادر نعمتی و نفرات احمدی با ایجاد پایگاه در همان ساختمان‌های احمدی، در روستا بمانند. در شب دوم نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد و عوامل نفوذی کومله چطور با این بچه‌های ساده سپاهی ما صحبت کردند و یا اینکه اطلاعاتی بین آقای نعمتی با برادران سپاهی مستقر در سنندج رد و بدل شده، صبح به هنگام برگشت ستون، برادر نعمتی<sup>۱</sup> پیش من آمد و گفت ما نیز با شما برمی‌گردیم، ما اینجا نمی‌مانیم، اینجا خان هستند و این خوانین به مردم روستاها ظلم می‌کنند. هرچه ادله آوردم و گفتم مگر برادر بروجردی فرمانده شما نیست، به خرجشان نرفت و همراه ستون به راه افتادند. آقای احمدی هم گفت اگر شما بروید، از ما ۳۵ نفر بدون سلاح و مهمات پشتیبانی، کاری بر نمی‌آید و آنها ما را سر می‌برند. بنابراین، عملیات بدون هیچ دستاوردی خاتمه پیدا کرد و ستون ظهر روز سوم به پادگان سنندج بازگشت. در همان مدخل ورودی پادگان، آقای احمدی و نیروهایش توسط سپاه خلع سلاح شدند. برای اولین بار بود که شاهد اشک چشمان برادر بروجردی بودم. خیلی افسوس خورد و گفت برادران ما موضوع امنیت کردستان را درک نمی‌کنند. یک روزی خواهند دید که چاره‌ای نداریم و باید این عشایر و بزرگان منطقه، امنیت خود را خودشان تأمین کنند. در سال ۶۳ که من مجدداً به کردستان

---

۱. برادر نعمتی چند روز بعد از این عملیات در منطقه باینچوب به شهادت رسید.

برگشتم و فرمانده قرارگاه شمال غرب در ارومیه شدم، دیدم که طرح مسلح کردن عشایر بعد از ۳ سال در دستور کار برادران سپاه قرار گرفته است. افسوس که دیگر برادر محمد بروجردی به شهادت رسیده بود.

## اردوگاه تابستانی دانشجویان دانشگاه افسری در موحش کردستان

پس از بازگشایی محور سنندج به مریوان، به اتفاق سروان حسین شهرامفر چند روزی به عنوان مرخصی به تهران آمدیم و شهید صیاد شیرازی هم چند روز به مرخصی رفت و در همان ایام که در تهران بودیم، با من تماس گرفت و فرمودند فردا صبح در دانشگاه افسری امام علی (ع) به دیدار جناب سرهنگ سید موسی نامجو برویم. سید موسی نامجو<sup>۱</sup> فرمانده دانشکده افسری بود و در زمان دانشجویی در همین دانشکده استاد ما بود و بعد از انقلاب هم ایشان علاوه بر فرماندهی دانشکده افسری، یکی از اعضای فعال کمیته انقلاب اسلامی در ارتش بود. رأس ساعت مقرر به دیدار ایشان رفتیم. شهید صیاد یک شرح مفصلی از اقدامات دو ماهه حضورمان در کردستان و آزادسازی شهرهای سنندج، دیواندره، سقز، بانه و مریوان را بیان داشت و فرمودند، یکی از مشکلات عمده ما، تأمین و نگهداری مناطق آزاد شده است. درست است که تأمین شهرهای آزاد شده به عهده سپاه پاسداران است، که آنها هم به علت تازه تأسیس بودن، با کمبود نیرو مواجه هستند، ولی در تأمین جاده‌های تدارکاتی بین شهر و بعضی از مناطق آزاد

---

۱. سرهنگ توپخانه سید موسی نامجو متولد ۱۳۱۷ در بندرانزلی، در سال ۱۳۳۷ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۴۰ با رسته توپخانه فارغ التحصیل شد. ایشان افسری مؤمن، متعهد، مقلد امام و انقلابی بود. قبل از انقلاب سال‌های زیادی به عنوان استاد کلاس‌های نقشه‌خوانی و نقشه‌برداری در دانشکده افسری تدریس می‌کرد و فعالیت‌های مذهبی نیز داشت. در سال‌های ۵۶ و ۵۷، با روحانیت مبارز و دکتر حسن آیت ارتباط پیدا کرده بود و در سازماندهی افسران انقلابی نظیر شهید کلاهدوز، آقاربپرست، توتیائی، شریف‌النسب و... نقش مؤثری داشت. نامبرده پس از پیروزی انقلاب، یکی از اعضای اصلی کمیته انقلاب اسلامی در ارتش بود که بعداً به سمت فرماندهی دانشکده افسری انتخاب شد و آخرین بسمتش، با حفظ سمت فرمانده دانشکده افسری، وزیر دفاع در کابینه شهید رجایی بود. وی در حادثه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ در تاریخ ۶۰/۷/۶ در کهریزک به اتفاق فلاحی، فکوری، کلاهدوز و جهان آرا به شهادت رسید.

شده نیروی کافی نداریم. مثلاً همین مرکز آموزش ژاندارمری در مارنج و موچش که چند روز قبل آنجا را از چنگ ضدانقلاب درآوردیم، برای نگهداری آن یک گردان رزمی از لشکر ۲۸ در آنجا زمین‌گیر شده است. گردان رزمی که عصای دست ما در انجام عملیات‌ها است و در چندین عملیات پاکسازی شرکت نموده، از جمله همین عملیات آزادسازی شهر مریوان. آنگاه پیشنهاد کرد شما یک گردان از دانشجویان دانشکده افسری را که به مدت ۴۵ روز آموزش اردوگاه تابستانه دارند به کردستان (مرکز آموزش موچش) بفرستید. اینها می‌توانند آموزش رزم در کوهستان و جنگل را در همین جا طی نمایند. تمام امکانات محل زیستی در این پادگان آموزشی موجود است. منطقه، هم کوهستانی است و هم جنگلی. با حضور این دانشجویان، یک گردان رزمی ما هم آزاد می‌شود. شهید نامجو چون خودش افسری انقلابی و در جریان کار شهید صیاد در کردستان بود، با پیشنهاد موافقت نمود و موضوع را با سرگرد شریف‌النسب یکی دیگر از افسران انقلابی و همکار نامجو در دانشگاه افسری و کمیته انقلاب اسلامی مطرح کرد. سرگرد شریف‌النسب، ضمن اینکه پیشنهاد را پذیرفت، داوطلب شد که سرپرستی گردان دانشجویان را در این مأموریت پذیرا باشد. آنگاه شهید نامجو با شهید صیاد تماس گرفت که شما چه زمانی به کردستان بازمی‌گردید، هر زمان که می‌خواهید بروید جناب سرگرد شریف‌النسب و یکی دو نفر افسر را برای شناسایی اردوگاه با خودتان به کردستان ببرید.

چگونگی رفتن دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری به اردوگاه آموزشی موچش در کردستان و حضور یک ماهه این دانشجویان در منطقه

عملیاتی، مطالبی است که باید از زبان امیر سرتیپ ۲ بازنشسته حسن فردپور شنید:

"در نیمه دوم تیرماه سال ۱۳۵۹ گردان‌های ۵ و ۶ دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری امام علی (ع) در حال آماده شدن برای رفتن به اردوگاه کویر و کوهستان و جنگل بودند، که ابلاغ گردید به جای اردوگاه‌های فوق، دانشجویان سال سوم بایستی به سندرچ بروند، تا هم منطقه ناامن شمال غرب را بشناسند و هم با شرایط سخت منطقه آشنا شوند.

جناب سرگرد غلامرضا میرکیانی فرمانده گردان ۵ دانشجویان و جناب سرگرد یدالله فرازبان فرمانده گردان ۶ دانشجویان در رابطه با این اردوگاه و سپس جناب سرهنگ سید موسی نامجو فرمانده دانشگاه افسری امام علی (ع) توضیحات لازم در مورد فلسفه حضور دانشجویان در منطقه شمال غرب را بیان نمودند و جناب سرگرد شریف‌النسب هم به عنوان مربی زندگی در شرایط سخت، به دانشجویان معرفی شدند و پس از هماهنگی‌های لازم، دانشجویان آماده اعزام شدند.

ابتدا با اتوبوس به کرمانشاه رفتیم و پس از استقرار دانشجویان در پادگان پشتیبانی منطقه، که قرارگاه عملیاتی غرب در این محل قرار داشت، با جناب سرهنگ علی صیاد شیرازی آشنا شدیم. ایشان فرماندهی قرارگاه عملیاتی غرب را به عهده داشتند، که مأموریتشان پاکسازی منطقه شمال غرب از لوث وجود ضدانقلاب بود.

تعدادی از افسران و درجه‌داران نیروهای ویژه هوابرد (نوهده) در خضرزنده مسئولیت آموزش پرسنل برای مقابله با ضدانقلاب را به عهده داشتند، که گردان‌های دانشجویی زیر نظر این اساتید آموزش‌های لازم را

در هنگام برخورد با کمین ضدانقلاب فراگرفته و تمرین نمودند و سپس دانشجویان را در کامیون‌های روباز سازماندهی کرده و عازم منطقه شدیم. جناب سرگرد صیاد شیرازی به طور مستمر بر اجرای این آموزش‌ها نظارت داشتند و در کنار دانشجویان بودند.

پس از اجرای آموزش مقدماتی و آشنا شدن دانشجویان با نحوه عمل در مواجهه با کمین ضدانقلاب، دانشجویان سوار بر خودروهای روباز با رعایت فاصله، عازم منطقه اردوگاهی شدند و در حالی که جناب سرگرد صیاد شیرازی ستون را همراهی می‌کردند، در مسیر حرکت چندین بار با اعلام وضعیت کمین، از آمادگی دانشجویان برای مقابله با کمین احتمالی اطمینان حاصل کردند.

محل اردوگاه روستای موش در منطقه دهگلان سنج بود و مکان استقرار دانشجویان ساختمان شرکت تعاونی روستایی بود، که در دامنه ارتفاعات گزگان قرار داشت و دانشجویان پس از حضور در این محل، جهت استقرار در آسایشگاه‌ها در اختیار فرماندهان قرار گرفتند.

با شروع برنامه آموزش اردوگاهی، ابتدا تیم‌های نیروی مخصوص (کلاه سبزه‌ها) آموزش‌های زندگی در شرایط سخت و جنگ‌های نامنظم را برای دانشجویان اجرا کردند و سپس در ادامه برنامه اردوگاهی، همه روزه یک گردان برای پاکسازی منطقه و یک گردان برای اجرای برنامه آموزش‌های مختلف تکاوری اعزام می‌گردید.

مسئول اجرای عملیات پاکسازی، عناصری از تیپ نیرومخصوص و مسئول اجرای آموزش‌های تکاوری و جنگ‌های نامنظم، جناب سرگرد شریف‌النسب بودند، که همه روزه بنا به اطلاعات به دست آمده، با مراجعه

به روستاهای مشکوک نسبت به پاکسازی عناصر ضدانقلاب اقدام می‌کردند، به طوری که در پاکسازی از روستاهای دهگلان، تعدادی اسلحه جنگی و شکاری کشف شد، که اسلحه‌های شکاری به صاحبان آنها مسترد گردید، ولی اسلحه‌های جنگی ضبط گردید.

شب‌ها نیز از هر گردان یک گروهان به عنوان یگان آماده برای مقابله با حمله احتمالی ضدانقلاب با لباس و تجهیزات در حالت آماده‌باش بودند. من (سروان زرهی حسن فردپور) فرمانده گروهان ۲ گردان ۶ بودم و سروان توپخانه حسن فیروزی‌نژاد فرمانده گروهان ۲ گردان ۵ و در سایر گروهان‌ها شهید جوانشیر و شهید تهمتن که در دفاع از خرمشهر به فیض شهادت نایل آمدند، حضور داشتند.

شب‌هایی که نوبت یگان آماده با گروهان‌های دوم از هر گردان بود، با حمله ضدانقلاب به اردوگاه مواجه شدیم، که بلافاصله با اعلام خطر، دانشجویان هر دو گروهان در محل‌های از پیش تعیین شده در اطراف اردوگاه موضع گرفتند. اتفاق جالبی که رخ داد این بود که برای روشن کردن منطقه تصمیم گرفته بودیم از گلوله منور خمپاره‌انداز ۸۱ میلی‌متری استفاده شود، که به علت آشنا نبودن خدمه قبضه با مهمات خمپاره، بدون اینکه ضامن آن را بکشند خمپاره را داخل لوله انداختند، که گلوله شلیک شد ولی عمل نکرد و با انجام دفاع دورتادور و مقابله با هجوم ضدانقلاب، مهاجمین متواری شدند و خوشبختانه آسیبی هم به دانشجویان وارد نشد.

بعد از ظهر یکی از روزها که از آموزش برگشته و در استراحت بعد از ظهر به سر می‌بردیم، یک گروه از پاسداران که به سمت قروه و بیجار می‌رفتند، به اردوگاه آمده و بعد از کمی استراحت، عازم محل مأموریت شدند و با وجود

هشدار فرماندهان و جناب سرگرد شریف‌النسب که شرایط منطقه را به خوبی می‌دانستند، مبنی بر خطرناک بودن مسیر، بویژه در غروب آفتاب و احتمال وجود ضدانقلاب، به سمت محل مأموریت حرکت کردند. هنوز ساعتی از عزیمت آنان نگذشته بود که تعدادی از آنان خود را به اردوگاه رسانده و از حادثه ناگوار برخوردار به کمین دشمن خبر دادند.

با اعلام این خبر، من به اتفاق تعدادی از دانشجویان به سرعت آماده شده و خود را به محل حادثه و کمینگاه رساندیم و چون خودرو پاسداران در کمین گرفتار شده و آتش گرفته بود، با احتیاط و انجام خیز و خزیده به طرف کمینگاه حرکت کردیم و متأسفانه موقعی رسیدیم که دو نفر از نیروهای سپاه شهید شده بودند، که جنازه آنها را به محل اردوگاه آوردیم.

حادثه دیگری که اتفاق افتاد و موجب تأسف و تأثر دانشجویان شد، شهادت ۲ نفر و زخمی شدن چند نفر از دانشجویان بر اثر تصادف بود.

جریان از این قرار بود که تعدادی از دانشجویان برای انجام امور شخصی و تماس با خانواده به کرمانشاه رفته بودند، که هنگام مراجعت سوار بر کامیونی شدند که حامل موتور برق برای اردوگاه بود. در یکی از پیچ‌های جاده دهگلان بر اثر سرعت زیاد و ترس راننده از برخورد به کمین دشمن، موتور برق در پشت کامیون حرکت کرده و با ایجاد لنگر موجب چپ شدن خودرو و در نتیجه شهید و زخمی شدن دانشجویان گردید.

اردوگاه موچش پس از یک ماه به پایان رسید و نتیجه حضور دانشجویان در منطقه ناامن دهگلان سنج و استفاده از جنگ‌افزارها در شرایط حقیقی و همچنین، اجرای آموزش‌های تکاوری و عملیات نامنظم تجربه ارزشمندی را به همراه داشت، که هیچ‌گاه در آموزش‌های تئوری و اردوگاهی

نمی‌توان به آن دست یافت و همین آموزش یک ماه بعد، یعنی در ابتدای جنگ تحمیلی و تهاجم ارتش بعثی عراق تجربه مفیدی شد برای دانشجویان، که اکنون فارغ‌التحصیل شده بودند و بنا به دستور، برای دفاع از مرزهای کشور اسلامی به خوزستان و خرمشهر اعزام شدند و با دفاع کوچه به کوچه از خرمشهر، با تقدیم تعدادی شهید و مجروح (شهید سروان جوانشیر و شهید سروان تهمتن و تعداد ده نفر از دانشجویان) دین خود را به میهن و اسلام ادا نمودند."

حضور یک ماهه دانشجویان دانشکده افسری در این منطقه عملیاتی، علاوه بر اینکه یک گردان رزمی لشکر ۲۸ را در بحث پدافند و نگهداری آزاد کرد و این گردان در عملیات‌های بعدی مؤثر بود، یک تجربه جنگی و آموزش عملی گشت و کمین روزانه و شبانه، آن هم در منطقه ناامن و با درگیری‌های جزئی برای دانشجویان سال سوم بود و بعد از مراجعت دانشجویان در ابتدای جنگ، همین دانشجویان با پیشنهاد شهید نامجو به منطقه عملیاتی اهواز، خرمشهر و آبادان اعزام شدند و در آنجا حماسه‌ها آفریدند.

## عملیات بازگشایی محور سنندج به مریوان (مرحله دوم)

عملیات مرحله اول بازگشایی محور سنندج به مریوان در اوایل تیرماه ۱۳۵۹ در دو ستون به فرماندهی جناب سرگرد صیاد شیرازی انجام گرفت، که در آن مرحله شهر مریوان آزاد گردید و سپاه پاسداران شهر مریوان به فرماندهی برادر احمد کار خودش را آغاز کرد و بعد از چند روز، ادارات دولتی بازگشایی و جریان زندگی مردم به حالت عادی برگشت و به علت نداشتن نیروی استقراری کافی در مسیر، تأمین جاده فقط از شهر سنندج تا سهراهی تیژتیژ برقرار گردید.

از سهراهی تیژتیژ تا مریوان از هر دو مسیر تخت گاران تا سهراهی سوته از یک طرف و از طرف دیگر از سهراهی تیژتیژ تا سهراهی حزب الله در مسیر سرو آباد کلاً در دست ضدانقلاب بود. تردد از سنندج به مریوان خصوصاً برای نظامیان میسر نبود و خودروهای شخصی و کامیون‌ها در هر دو مسیر کاملاً بازرسی و کنترل می‌شدند و احیاناً اگر خواربار و مواد نفتی داشتند، ثبت و ضبط می‌شدند، لذا اداره شهر و نیروهای نظامی مشکل‌تر شده بود. در گذشته، اگر فقط نیروهای ارتش با مشکل تردد، مرخصی، آذوقه و مهمات در منطقه مواجه بودند و همه امکانات از هوا و توسط بالگردهای هوانیروز انجام می‌شد، حالا این مشکل چند برابر شد.

برادران سپاهی، مسئولین شهری و... نیاز به ترابری هوایی داشتند. پروازهای هوانیروز چند برابر شد، تیم‌های پروازی هوانیروز مرتباً از کرمانشاه و سنندج و سقز به این پادگان در حال تردد بودند. قرارگاه عملیاتی مشترک هم با مشکل تأمین نیروی نظامی جهت تأمین مسیر مواجه بود. از یک طرف این ستاد یک ارگان رسمی و سازمانی نبود، لذا

درخواست‌هایش را از طریق لشکر ۲۸ انجام می‌داد و درخواست‌های لشکر به نیروی زمینی و یا درخواست‌های سپاه پاسداران هم از تهران واقعاً با مشکل مواجه بود. ضمن اینکه با آزادسازی شهرهای سنندج به مریوان - دیواندره - سقز - بانه - کامیاران و ادامه عملیات‌های هر روزه در اطراف شهر و درگیری با ضدانقلاب در این شهرها و از طرف دیگر حوادثی که جهت ایجاد قرارگاه عملیاتی در غرب به وجود آمده بود، وقت زیادی را از شهید صیاد شیرازی گرفته بود.

در نتیجه، مرحله دوم پاکسازی محور سنندج به مریوان به تأخیر افتاد. از یک طرف مسئولین شهر مریوان - فرمانده سپاه مریوان - فرمانده پادگان ارتش هر روز درخواست بازگشایی این مسیر را داشتند و از سوی دیگر، تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب و گسترش میدان عملیاتی موجب شد که این فاصله زمانی زیاد شود. سرانجام با بحث‌های زیادی که در ستاد عملیاتی روی این عملیات انجام گرفت، هنگ ژاندارمری سنندج هم فعال شد، عمده مشکل این عملیات، نیروی استقراری در پایگاه‌ها بود. قرار بر این شد برای اولین بار پایگاه‌های استقراری مشترک ارتش و سپاه و ژاندارمری به طور مشترک این مأموریت را پذیرا بشوند. لذا در ستاد عملیات طرح‌ریزی‌ها شد و یگان‌های عمل‌کننده و یگان‌های استقراری مشخص شدند. در این طرح‌ریزی، استاندار هم شرکت داشت و تقاضا نمود که همراه ستون تعدادی کامیون‌های مواد سوختی، خواربار و مایحتاج زندگی مردم مریوان را که بیش از یک ماه در مضیقه بودند، ارسال نمایند.

مأموریت ستون: بازگشایی محور سنندج به مریوان از مسیر سهراهی  
تیژتیز به مریوان در مسیر تخت گاران و ایجاد پایگاه‌های استقرار و نهایتاً  
کمک‌رسانی سوخت و آذوقه به شهر مریوان.

### سازمان برای رزم ستون دوم

- ۱- یک گردان تقویت شده ادغامی از ارتش و سپاه به عنوان یگان عمل‌کننده.
- ۲- یک گردان سبک ادغامی از ارتش، سپاه و ژاندارمری به عنوان یگان استقراری در پایگاه‌ها.
- ۳- یک آتشبار چهار توپه ۱۰۵ مم از لشکر ۷۷
- ۴- چهار قبضه توپ ۲۳ میلیمتری از گردان پدافند لشکر ۲۸
- ۵- یک تیم از افسران و درجه‌داران نیروی مخصوص
- ۶- یک تیم رسته مهندسی (تیم خنثی‌سازی و تیم تخریب)
- ۷- یک تیم تانک (دو دستگاه اسکورپین و یک دستگاه نفربر)
- ۸- یک دسته حدود ۲۰ نفری از پیشمرگان کرد مسلمان
- ۹- یک تیم بهداری (چهار دستگاه آمبولانس و تیم پزشکیاری)
- ۱۰- یک تیم پروازی هوانیروز، ۲ فروند ۲۱۴ و دو فروند کبری و یک فروند ۲۰۵
- ۱۱- حدود ۷۰ الی ۸۰ دستگاه کامیون از استانداری شامل نفت، گازوئیل، بنزین، مواد خوراکی، آرد، حبوبات، غلات.

## اجرای عملیات

دستور عملیاتی توسط ستاد قرارگاه مشترک تهیه شده بود. فرماندهی عملیات به عهده من (سروان سید حسام هاشمی) و جانشین عملیات برادر رسول یاحی از سپاه پاسداران بود. نکات عمده در این دستور عملیات، پیش‌بینی اقدامات تأمینی ستون، شامل جلو‌دار، پهلو‌دار، عقب‌دار ستون و استفاده از تیم عملیاتی هوانیروز در مواقع ضروری، ارتباط و استفاده از نیروهای پادگان مریوان بود.

## سازماندهی نیروهای پایگاهی به صورت ادغامی

از گردان تقویت شده ادغامی، یک گروهان ضربت جلو‌دار به فرماندهی استواریکم مرتضی صفوی از مرکز توپخانه اصفهان، که مأمور در سپاه پاسداران بود و اغلب سپاهی بودند و یک گروهان از همین برادران به عنوان عقب‌دار در انتهای ستون سازماندهی شدند. یگان پهلو‌دار که عمدتاً از برادران ارتش و تعدادی هم سپاهی بودند، به فرماندهی ستوان دوم احمد دادبین و دو سه نفر از برادران درجه‌دار نیروی مخصوص، دو دستگاه اسکورپین و تیم مهندسی هم در رأس ستون و با یگان جلو‌دار همراه بودند. چهار قبضه توپ ۲۳ میلیمتری را بدین ترتیب دو قبضه در وسط ستون و دو قبضه در انتهای ستون سازماندهی کردیم. آتشبار توپخانه هم در انتهای ستون قبل از خودروهای کمک‌رسانی مستقر بودند. افسر رابط هوانیروز هم در کنار فرماندهی ستون بود، پیشمرگان کرد مسلمان هم در سازمان برادران سپاهی جای داشتند.

عملیات صبح روز ۱۵ مرداد ۵۹ از پادگان سنندج آغاز شد. تا سهراهی تیژتیز چون تأمین جاده برقرار بود، هیچ مشکلی نداشتیم و از سهراهی تیژتیز هم تا روستای اسلام آباد که با رعایت اصول تاکتیکی حرکت کرده بودیم، بجز یکی دو مورد درگیری جزئی، مشکلی نداشتیم و اولین پایگاه استقراری را بعد از قلعه جوق مرکب از تعدادی برادران ارتش و سپاهی و ژاندارمری برقرار کردیم. فرماندهی این پایگاه به عهده یکی از برادران ارتش بود و دومین پایگاه بعد از روستای جانوره (اسلام آباد) به فرماندهی برادران سپاهی، آن هم به صورت ادغامی برقرار شد و ناهار را در همین جا صرف کردیم و یک استراحت یکی دو ساعته داشتیم، که پایگاه هم بتواند مواضع خودش را تهیه نماید.

حرکت از جانوره تا گردنه تخت گاران به علت جنگلی بودن ارتفاعات و پیچ و خم‌های زیاد، با احتیاط کامل انجام شد و حوالی ساعت ۵ الی ۵/۳۰ بعد از ظهر به تخت گاران رسیدیم. دستور توقف ستون را دادیم و گفتیم دفاع دور تا دور بگیرند. سپس محل پایگاه استقراری را مشخص کردیم. بیشترین نیرو برای این پایگاه در نظر گرفته شد. در اینجا یک گروهان ارتش و یک دسته از برادران سپاه و یک دسته از ژاندارمری با امکانات کافی و ۳ قبضه توپ ۱۰۵م به علاوه ادوات سنگین خمپاره ۱۲۰ و ۸۱م هم پیش‌بینی شده بود.

بیشتر از دو ساعت به غروب آفتاب مانده بود. ارتباطمان از اینجا با فرمانده پادگان مریوان سرهنگ سیروس ستاری برقرار شد. سرهنگ ستاری گفت ما تا سهراهی سوته را در تأمین داریم، تعدادی از دوستانمان، از جمله برادر داریوش اصرارشان بر این بود که به عملیات ادامه بدهیم و شب را به

مریوان برویم. بنده قبول نکردم و گفتم اولاً از اینجا تا سهراهی سوته جاده سرازیری و پر پیچ و خم و جنگلی است و کمین خور کافی است، چون به زودی شب فرا می‌رسد، اگر یک درگیری جزئی داشته باشیم، هم از پشتیبانی هوانیروز محروم خواهیم ماند و هم از پشتیبانی آتش. از طرف دیگر، این منطقه جنگلی است و بچه‌ها هنوز استقرار پیدا نکرده‌اند، نیاز به حفر سنگر دارند، سلاح‌هایشان را باید مستقر بکنند، ثبت تیرها را انجام بدهند. ما امشب را اینجا می‌مانیم. تأمین پایگاه و دفاع دور تا دور به عهده یگان‌های عمل‌کننده است، یگان استقراری فقط به فکر تهیه سنگر و مواضع خودش باشد. برای کامیون‌های استانداری هم در وسط مواضع محل مناسبی را انتخاب کنید. ان‌شاءالله فردا ساعت ۸ صبح با رعایت اصول تأمینی حرکت خواهیم کرد. یک ساعت به غروب آفتاب مانده بود، فرمانده پیشمرگان کرد مسلمان برادر داریوش جاپاری به نزد من و برادر رسول یاحی آمد و گفت یکی دو کیلومتر جلوتر یک سری ساختمان‌های مربوط به مخابرات و مواضع پدافندی است و برای استراحت شب مناسب می‌باشد. گفتیم خب برویم ببینیم وضعیت ساختمان‌ها چگونه است. دو دستگاه تویوتا وانت آماده شد، یکی را برادر داریوش پشت فرمان نشست و رانندگی کرد و من و برادر رسول در کنارش نشستیم و دیگری هم شامل ۷ الی ۸ نفر از پیشمرگان به عنوان اسکورت و یا تأمین، پشت سر ما می‌آمدند. رسیدیم و ساختمان‌ها را بازدید کردیم. تعداد ساختمان‌ها محدود بود، گرچه فضا بازتر بود، اما من قبول نکردم. گفتم اولاً این ساختمان‌ها برای تعداد کمی قابل استفاده است و ثانیاً ما هدفمان بر این است که امشب کنار بچه‌های پایگاه باشیم. خلاصه برگشتیم. در برگشت سر آخرین پیچ که نزدیک مواضع

خودمان می‌شدیم، یک گلوله آربی جی به طرف خودروی ما شلیک و روانه شد و از کنار خودروی ما گذشت. بلافاصله دومین شلیک به عقب خودروی اسکورت ما اصابت کرد و دو نفر از پیشمرگان کرد مسلمان همانجا شهید شدند. خوشبختانه یگان استقراری مواضع توپخانه و خمپاره‌اش آماده بود و نقطه و یا محل تیراندازی هم در دید و تیر آنها بود. تیراندازی توپخانه و خمپاره ما بلافاصله پاسخ آنها را داد و ما هم به سرعت خود افزودیم، تا به مواضع خودمان رسیدیم. هوا کم‌کم تاریک شد و تیم بهداری مجروحان سطحی را پانسمان کردند. ولی دیدیم برای اعزام شهدا کاری نمی‌توانیم بکنیم، هر دو شهید را در یک آمبولانس جا دادند. پس از صرف شام، تا صبح همانجا استراحت کردیم. البته مراقبت شبانه هم با توجه به این تیراندازی بیشتر صورت گرفت. یک نکته که لازم است ذکر شود نیروهای عمل‌کننده، بچه‌هایی بودند که در چندین عملیات قبلی شرکت داشتند و آمادگی کامل از هر جهت داشتند.

### روز ۱۶ مرداد ۵۹، روز پرماجرا

صبح پس از صرف صبحانه، یگان‌های عمل‌کننده در جاده ستون شدند. قرار بر این بود که رأس ساعت ۸ صبح ستون با اسکورت هوایی بالگردهای هوانیروز حرکت را آغاز کند. ضمناً تأکید شد که یگان جلودار یا همان گروهان ضربت با اعزام گروه تأمین و تیم خنثی‌ساز تله‌های انفجاری، جاده را پاکسازی و عمده قوا هم با احتیاط به دنبال آنها حرکت نمایند. متأسفانه سر ستون نیم ساعت قبل از موعد مقرر به حرکت درآمد و بدون توجه به آن همه تأکیدهای شب قبل، لحظه به لحظه به سرعت ستون افزوده

می‌شد. برادر رسول یا حی هم که قرار بود سر ستون را کنترل نماید، اما یکی از برادران سوار خودروی ایشان شده بود و رسول هم جا ماند. حرکت ستون به سمت پایین گردنه و جاده با شیب تند و پیچ و خم‌های زیادی بود. در همین لحظه، ارتباط ما با جناب سرهنگ صیاد شیرازی در هوا برقرار شد و ایشان با بی‌سیم گفت حسام، من به سوی شما می‌آیم. گفتیم ما مشکل عمده زیادی نداریم و می‌توانیم تا دو ساعت دیگر ان‌شاءالله به مریوان برسیم.

در همین لحظه، برادر رسول گفت، ارتباط ما با سر ستون قطع شد. مثل اینکه بچه‌ها با سرعت زیاد در حال پیشروی هستند. گفتیم رسول خطرناک است، برو و جلوی آنها را بگیر. رسول گفت خودروی من هم با ستون رفته و من جا مانده‌ام. چاره‌ای نداشتیم جز اینکه هر دو با خودوری من برویم و سر ستون را متوقف کنیم، لذا با صیاد شیرازی تماس گرفته و گفتیم یک دسته تأمین به علاوه یک نفربر را در گاران برای شما می‌گذاریم، ما باید برویم ستون را کنترل نماییم.

خودروی من یک جیپ روسی اوآز بود، که علاوه بر اینکه یک دستگاه بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷ روی آن بود، یک دستگاه بی‌سیم AM با برد بلند نیز روی آن نصب و کاملاً هم از سایر خودروها متمایز بود. برادر رسول هم با یک بلندگوی دستی قرمز رنگ، بغل راننده نشست و مرتباً با بلندگو فریاد می‌زد که سرعت را کم کنید، متوقف شوید و راه را باز می‌کرد. صدای بلندگوی ایشان در کوهستان پیچیده شده بود و سرانجام حوالی روستای باغان به نزدیکی‌های سر ستون رسیدیم. در همین لحظه، آتش پر حجم عناصر ضدانقلاب به روی ستون گشوده شد، دشمن در یک پیچ خیلی تند کمین کرده بود و با انواع سلاح‌ها از جمله تیربار، تفنگ و آرپی‌جی ۷، ما را زیر آتش

گرفت. ستون ما متوقف گردید. یک خودروی حامل مهمات ما آتش گرفت. اصلاً برای ما مشخص نبود که مواضع دشمن کجاست و از کدام سمت به طرف ما تیراندازی می‌شود. ضدانقلاب در ابتدا لاستیک خودروها را هدف قرار می‌دادند، تا حرکت خودروها امکان‌پذیر نباشد. ما هم بلافاصله از خودرو پیاده شدیم و در سمت چپ خودرو که به طرف دیواره بلند جاده بود، سنگر گرفتیم. یک لحظه با لطف خداوند به فکر رسید که بینم مواضع دشمن کجاست، لذا به رسول گفتم با بلندگو بگو بچه‌های ما تیراندازی را قطع کنند، تا متوجه سمت تیراندازی دشمن بشویم. در همین اثنا، یک گلوله به سر راننده ما سرباز فیض آبادی اصابت کرده و در همان دم و بدون کوچکترین صدا و حرکتی به شهادت رسید. من تا آمدم چفیه گردنم را باز کنم و بر سر وی ببندم، یک گلوله کنار انگشت دست چپ من را سائید و زخمی کرد، گلوله دوم هم به ران پای راست، گلوله سوم هم به ساق پای راست، گلوله چهارم هم به ران پای چپ و گلوله پنجم به ران پای راست و یک گلوله آرپی جی ۷ هم نزدیکی‌های خودروی ما خورد که دو تا ترکش هم به ساق پای راست، همان جایی که یک گلوله به آن اصابت کرده بود، خورد. گفتنی است نیروهای ضدانقلاب فکر می‌کنم فقط یک قبضه آرپی جی ۷ داشتند، چون وقتی بچه‌های ما لحظاتی تیراندازی را قطع کرده بودند، سمت تیراندازی دشمن مشخص شد و سنگر آرپی جی زن آنها هم مشخص شد، لذا یکی از بچه‌های سپاه که مسئول آرپی جی زن‌های طرف ما بود، با دقت تمام سنگر آرپی جی زن آنها را نشانه گرفت و با شلیک دو یا سه گلوله به سنگر آنها، آتش آنها را خاموش کرد. بعدها از برادر مرتضی صفوی پرسیدم آن برادر آرپی جی زن شما چه کسی بود که دقیق تیراندازی کرد؟ ایشان گفتند

برادر حسین خرازی بود و در آن مأموریت که برادر مرتضی صفوی فرمانده یگان سپاه بود، برادر خرازی آرپی جی زن گروه بوده است و در آن عملیات خوب درخشیده بود.

با مشخص شدن سمت تیراندازی دشمن و مقابله بچه‌های ما، مخصوصاً برادرانی که میانه و انتهای ستون بودند و از نظر موقعیت مسیر، در ارتفاع بالاتر از محل کمین قرار داشتند، چند لحظه‌ای سکوت حاکم گردید. ترکش‌ها و گلوله‌هایی که به من اصابت کرده بود همه به پاهایم خورده بود و سه گلوله هم به کتف و سینه برادر رسول اصابت کرده بود. راننده خودروی ما سرباز فیض‌آبادی شهید شده بود و سرباز بی‌سیم‌چی که پسرخاله فیض‌آبادی نیز بود و این دو داوطلب بودند که در عملیات، رانندگی خودروی مرا بر عهده داشته باشند، سالم بود. ولی از این صحنه، بخصوص از شهادت پسرخاله اش شوکه شده بود. به رسول گفتم ماندن در اینجا بی‌فایده است، سوار خودرو بشویم، شاید در پیچ بعدی با توجه به مواضع کمین ضدانقلاب در امان باشیم. من که از هر دو پا مجروح شده بودم، قادر به رانندگی نبوده و سرباز بی‌سیم‌چی هم به کلی خودش را باخته بود، لذا برادر رسول یاحی پشت فرمان نشست و استارت زد. خودرو گرچه هر چهار چرخش پنچر شده بود، ولی چون جاده سرازیری بود، روی رینگش حرکت کرده و پس از طی ۶۰ الی ۷۰ متر، به پیچ بعدی رسیدیم. در اینجا دیگر در تیررس دشمن نبودیم و پس از مدت کوتاهی، یک تیم کمکی از پادگان میروان به سرپرستی سروان نوروز سعدی خودشان را به ما رساندند و آمبولانسی که همراهشان بود، من و برادر یاحی را به پادگان میروان تخلیه کردند و از آنجا به وسیله هلیکوپتر به سنندج و سپس به بیمارستان کرمانشاه منتقل شدیم.

اما با حضور جناب سرهنگ صیاد شیرازی در تخت گاران، ایشان سوار نفربر شد و همراه تیم اسکورتی که برایش گذاشته بودیم، به طرف ستون حرکت کرد. وقتی به انتهای ستون رسید که درگیری شروع شده بود و ستون متوقف گردیده بود. از همین لحظه، فرماندهی ستون را به عهده گرفت و به ستوان دوم احمد دادبین و نیروهایی که در اختیار ایشان بود، دستور داد از ارتفاعات بالا بروند و از بالای ارتفاعات به پایین آن، یعنی محل اجرای کمین حرکت کنند و عملیات ضدکمین را اجرا نمایند. در ضمن به دو قبضه توپ ۲۳ م و آتشبار توپخانه موقعیت محل کمین را داده و گفتند با تمام امکانات روی این نقطه تیراندازی بکنند. در همین هنگام، تیم آتش هوانیروز هم رسیده بود و با هدایت صیاد شیرازی روی همان نقطه آتش را گشودند. بدین ترتیب، با هدایت خوب صیاد، مواضع ضدانقلاب از چند جهت از هوا و زمین مورد تهدید قرار گرفت و با دادن تعدادی تلفات، پا به فرار گذاشتند و فرماندهی ستون پس از جمع و جور کردن ستون و سازماندهی آن، به حرکت خودش به طرف مریوان ادامه داده و حوالی ساعت ۱ الی ۲ بعدازظهر به پادگان مریوان رسیدند. در این عملیات، ستون ما دارای ۱۱ نفر شهید و ۳۶ نفر مجروح بود، که دو نفر آن فرمانده و جانشین ستون بودند.

### چند نکته آموزشی برای این عملیات

الف) با وجود اینکه همه موارد تأمینی پیش بینی شده بود، ولی یگان ضربت جلویی اولاً خودسرانه و ۳۰ دقیقه جلوتر از ساعت مقرر حرکت کردند و بدون توجه به نکات تأمینی، اعزام تیم پیشرو و پاکسازی مسیر، با سرعت حرکت خودشان را آغاز کردند.

ب) بی‌توجهی به ارتباط بی‌سیم: فرمانده یگان ضربت جلویی می‌بایستی لحظه به لحظه با فرمانده ستون اصلی ارتباط داشته باشد و وقتی دید ارتباطش قطع شده، می‌بایستی ستون را متوقف می‌کرد تا ارتباطش برقرار شود، نه اینکه با همان سرعت به حرکت خود ادامه دهد.

### اشتباه ضدانقلاب

الف) با وجود اینکه محل کمین ضدانقلاب در جای مناسبی تعبیه شده بود، ولی همه نیروهایش را در یک طرح دیواره جاده مستقر کرده بود و اگر در هر دو طرف پیچ، روی ارتفاعات نیرو داشت، مسلماً همه ستون را فلج می‌کرد.

ب) اجرای کمین در رأس ستون: چون حرکت ستون از بالا به پایین بود، لذا عمده نیروی ستون در ارتفاع بالاتر از کمین قرار داشتند و چون دشمن در ارتفاع بالاتر نیرو نداشت، این غفلت موجب شد تا نیروهای ما در موقعیت بهتری از دشمن قرار بگیرند و بتوانند با آتش مناسب و اجرای عملیات ضدکمین عملیات آنها را خنثی نمایند و اگر این کمین در وسط ستون اجرا می‌شد و یگان‌های پشتیبانی ما در کمین قرار می‌گرفتند، قطعاً تلفات بیشتری از ما گرفته می‌شد و حتی قادر نبودیم عملیات ضدکمین را اجرا نماییم.

## برکناری شهید صیاد شیرازی از فرماندهی قرارگاه غرب

سرگرد علی صیاد شیرازی به خاطر عملکردش در مدت سه ماه حضورش در کردستان، که موجب آزادسازی شهرهای سنندج - سقز - بانه - دیواندره و مریوان شد، در اواخر تیرماه بنا به پیشنهاد فرمانده نیروی زمینی شهید فلاحی و تصویب ریاست جمهوری (بنی صدر) با دو درجه ارشدیت، به درجه سرهنگی مفتخر و سپس به فرماندهی قرارگاه غرب در کرمانشاه منصوب شد. فرماندهی ایشان در قرارگاه غرب خیلی دوام نیافت و پس از یک ماه و نیم در این سمت، از فرماندهی قرارگاه غرب نزاجاً معزول و سرهنگ عطاریان به جای وی منصوب گردید و ایشان به همان مسئولیت قبلی خود، یعنی قرارگاه عملیاتی مشترک کردستان در سنندج مأمویت پیدا کرد. طولی نکشید که از این سمت هم برکنار و از طرف رئیس جمهور خلع درجه گردید و با درجه قبلی، یعنی سرگردی از نیروی زمینی اخراج و به ستاد مشترک ارتش منتسب شد. در مورد این سه ماه آخر، یعنی یک ماه و نیم در سمت فرماندهی قرارگاه غرب و یک ماه و نیم بعد حضورش در کردستان، گرچه شهید صیاد در سخنرانی‌ها و در کلاس‌های آموزشی دانشگاه افسری مطالبی را بیان داشتند، ولی شهید صیاد شیرازی به خاطر شرایط خاص و حفظ وحدت و رعایت بعضی از موارد، مخصوصاً مسائل ارتش، به همه زوایا و نکات ماجراها نپرداخته است. مطالب ذیل مواردی است که اینجانب به علت رابطه نزدیکی که با شهید داشتم، شاهد ماجراها و در جریان جزئیات آنها بوده‌ام، بیان می‌دارم:

۱- عملکرد شهید صیاد در فرماندهی قرارگاه غرب:

الف- تعویض فرماندهان لشکرهای تابعه قرارگاه غرب توسط شهید صیاد شیرازی. شهید صیاد شیرازی به محض انتصاب به فرماندهی قرارگاه غرب، بجز فرمانده لشکر ۸۱، همه فرماندهان لشکرها را شخصاً تعویض نمود.

- تعویض فرمانده لشکر ۲۸ سنندج. سرهنگ مدرکیان فرمانده تیپ سقز به جای سرهنگ صدری منصوب شد.

- تعویض فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه. سرهنگ کیکاوس امیری فرمانده تیپ مریوان به جای سرهنگ زکیانی منصوب شد.

- تعویض فرمانده لشکر ۱۶ قزوین. سرهنگ سیروس لطفی جانشین لشکر به جای سرهنگ پورموسی منصوب شد.

- سرهنگ ۲ رامتین از افسران جوان و خوش نام نیروی مخصوص به جای سرهنگ کیان به فرماندهی تیپ ۲۳ نوهده منصوب شد.

ب- انجام عملیات بازگشائی بانه به سردشت در شهریورماه سال ۵۹. عملیات بانه به سردشت یکی از سخت‌ترین و طولانی‌ترین عملیات، نه تنها در کردستان، بلکه به نظر من در طول جنگ تحمیلی بود. من نمی‌خواهم در اینجا به جزئیات این عملیات بپردازم، که در مورد این عملیات، گزارشات غیرمنصفانه و گاه مغرضانه‌ای توسط مخالفین شهید صیاد در نیروی زمینی به فرمانده وقت نیروی زمینی و در نهایت، به ریاست جمهوری می‌شد، که قابل بررسی و تعمق است. شرح این عملیات در کتاب "در کمینگاه دشمن" تألیف: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا، توسط انتشارات ایران سبز در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۱ منتشر شده است.

۲- تعویض فرمانده نیروی زمینی در مردادماه ۵۹: سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد فرمانده ژاندارمری به فرماندهی نیروی زمینی و سرتیپ ولی‌اله فلاحی به سمت جانشینی و سرپرست ستاد مشترک منصوب شدند. شهید فلاحی از نظر دانش نظامی و خلیات فرماندهی درست ۱۸۰ درجه با مرحوم ظهیرنژاد تفاوت داشت. شهید فلاحی افسری با سواد، استاد دافوس، متعادل، ملایم، منعطف، هماهنگ و حتی می‌توانم بگویم سازش‌کار بود و می‌خواست به هر نحوی شده، اوضاع نابسامان آن روزگار را به سامان برساند و در خیلی موارد، گذشت داشت و یا کوتاه می‌آمد (شخصاً در چند مورد از ایشان در این حوزه خاطراتی دارم)، ولی برعکس مرحوم ظهیرنژاد افسری خشک، منضبط، مقرراتی، تا اندازه‌ای خشن و در قالب قانون و مقررات عمل می‌کرد.

در بند الف عرض کردم که شهید صیاد شیرازی بدون کسب اجازه، سه فرمانده لشکر و یک فرمانده تیپ را از فرمانده نیروی زمینی تعویض کرد. شهید فلاحی هم با آن خصوصیتی که داشت، برای پیشبرد کار اعتراضی در این مورد نداشت. ولی تیمسار ظهیرنژاد اصولاً تحمل اینگونه کارها را نداشت. منتهی چاره‌ای نداشت و در عمل انجام‌شده قرار گرفته بود. فرماندهان تعویضی که منتسب به نیروی زمینی شدند، در گروه مشاورین تیمسار ظهیرنژاد قرار گرفته بودند.

۳- مشاورین نظامی بنی‌صدر: با روی کار آمدن تیمسار ظهیرنژاد، در نیروی زمینی تغییراتی در مشاورین نظامی بنی‌صدر هم قرار گرفت. علاوه بر فرمانده نیروی زمینی، سرهنگ هوشنگ عطاریان هم در گروه مشاورین بنی‌صدر قرار گرفت. سرهنگ عطاریان میانه خوبی با صیاد شیرازی

نداشت. بنابراین، مرتباً از طرف نیروی زمینی، تبلیغات منفی برای عملکرد صیاد شیرازی انجام می‌گرفت.

۴- تقویت سپاه پاسداران از جانب شهید صیاد: صیاد شیرازی که در همکاری با سپاه پاسداران اصفهان نقش داشت و به برادران سپاهی علاقمند بود، در آزادسازی شهر سنندج، عملکرد سپاه پاسداران را از نزدیک مشاهده کرد، از همان ابتدا با تشکیل قرارگاه مشترک غیرسازمانی در سنندج با سپاه، در امر آموزشی این برادران در صحنه عملیات و همچنین، در تجهیز و تأمین سلاح و مهمات برادران سپاهی در کردستان و مخصوصاً مشارکت برادران سپاهی در قرارگاه سازمانی غرب، در کنار برادران ارتشی بود. این اقدام شهید صیاد (تقویت سپاه پاسداران) به شدت مورد خشم و غضب بنی‌صدر بود که تحت تأثیر و نفوذ منافقین قرار داشت. به نظر من، بنی‌صدر، سرگرد صیاد شیرازی را از کشفیات خود به حساب می‌آورد و تصور و باورش بر این بود که سرگرد صیاد شیرازی نماینده ایشان بوده و می‌توانست نردبان ترقی اهدافش باشد، اما حالا در صف مقابل او قرار گرفته و موجب افزایش قدرت سپاه شده است.

۵- ارتباط شهید صیاد شیرازی با تعدادی از اعضای شورای انقلاب و جامعه روحانیت: شهید صیاد شیرازی از اول انقلاب با روحانیت مبارز در اصفهان، با آیت‌الله خادمی و آیت‌الله طاهری، سپس آیت‌الله منتظری و بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب با حضرت آقا که نماینده امام (ره) در ارتش بود و سپس با آیات عظام نظیر شهید بهشتی ارتباط برقرار کرد. در خیلی از این ملاقات‌ها، این حقیر همراه ایشان بودم. بعد از آزادسازی شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان، آوازه شهید صیاد در جوامع، بخصوص شورای

انقلاب و ائمه جمعه‌ها پیچید. این ارتباط شهید صیاد شیرازی با جامعه روحانیت و اعضای شورای عالی دفاع، نه تنها برای بنی‌صدر ناگوار و نامطلوب بود، بلکه با شواهد و قرائنی که از مشاورین نظامی‌اش دریافت می‌کرد، بر عصبانیتش می‌افزود.

۶- در مدت یک ماه و نیمی که شهید صیاد فرماندهی قرارگاه غرب را بر عهده داشت، بنی‌صدر دوبار به کرمانشاه رفت. یک بار برای بررسی اوضاع کردستان و بررسی مرزها که شهید صیاد در خاطراتش به آن ذکر کرده است که چگونه با هلیکوپتر به سرپل ذهاب رفتند و در برگشت، شب هنگام، هلی‌کوپتر آنها مجبور به فرود اضطراری می‌شود. در اینجا نمی‌خواهم به شرح آن ماجرا بپردازم. یک بار دیگر با شهید رجایی به قرارگاه غرب برای بررسی عملیات بانه - سردشت می‌روند. اتفاقات و ماجراهای این سفر واقعاً قابل بررسی و تأمل است. در این مورد آنقدر در مورد عملیات محور بانه - سردشت بدگویی کرده بودند که بنی‌صدر، صیاد را که در صحنه عملیات مشغول جنگیدن بود، احضار می‌نماید و در حضور جمع از ایشان توضیح می‌خواهد. شهید صیاد ضمن توضیح و بیان حقایق، می‌گویند متأسفم؛ در جلسه‌ای که با نام خدا و تلاوت آیات الهی شروع نشده، انتظار بیشتری نمی‌رود... شاهدان قضیه تعریف می‌کنند، اولاً با ورود صیاد به ساختمان قرارگاه، برادران سپاهی در قرارگاه و تعدادی از افسران و درجه‌داران پایین قرارگاه با صدای صلوات بلند، ورود ایشان را اعلام می‌دارند، به طوری که صدای صلوات در اتاق جلسه هم پیچیده شد. در ثانی، در همان جلسه، شهید رجایی هم از صیاد شیرازی جانبداری و حمایت کرد. این صدای صلوات و جانبداری شهید رجایی بر عصبانیت بنی‌صدر افزود. به طوری که

به تهران برگشت و بلافاصله دستور برکناری شهید صیاد را از فرماندهی قرارگاه غرب صادر کرد و سرهنگ هوشنگ عطاریان را به جای ایشان به فرماندهی قرارگاه منصوب نمود.

### نتیجه

با مقدمه‌ای که عرض شد، ۶ عامل اصلی فوق موجب این شد که در شهریور ماه ۵۹، سرهنگ صیاد شیرازی از فرماندهی قرارگاه عملیات غرب معزول و سرهنگ هوشنگ عطاریان به جای وی به فرماندهی قرارگاه غرب منصوب گردد. حوزه فعالیت صیاد شیرازی به همان حالت قبلی، یعنی مسئولیت عملیات کردستان محدود شد. تا اینکه عملیات بانه - سردشت به اتمام رسید و شهید صیاد شیرازی در همین موقعیت جدید بین جاده کامیاران به سنندج مجروح گردید و مدت کمی را در بیمارستان تهران کلینیک بستری بود، که پس از بهبودی نسبی، با همان حالت مجروحیت با یک دستگاه آمبولانسی که برادر محسن رفیق دوست در اختیار ایشان قرار داد، مجدداً به کردستان برگشت. پس از برگشت مجدد، به ایشان ابلاغ شد که قرارگاه عملیاتی مشترک در کردستان دیگر معنی ندارد و ایشان می‌تواند به عنوان مشاور فرمانده لشکر ۲۸، یعنی مشاور سرهنگ مدرکیان در آنجا خدمت نماید. ایشان وقتی پرس و جو می‌کند، می‌گویند این دستور رئیس جمهور است. در اینجا شهید صیاد مکاتبه می‌کند که من به توصیه شورای عالی دفاع در اینجا کار می‌کنم و فقط دستور شورای عالی دفاع را اجرا می‌نمایم. این مکاتبه شهید صیاد بر شدت خشم بنی صدر می‌افزاید و نزد امام (ره) می‌رود و شکایت شورای عالی دفاع و صیاد را می‌کند. پاسخ

امام(ره) را نمی‌دانم، ولی نتیجه این می‌شود که با حکم رئیس جمهور، سرهنگ صیاد شیرازی خلع درجه و با درجه سرگردی به ستاد مشترک ارتش منتسب می‌شود. برخورد ستاد مشترک در ابتدا با ایشان خیلی بد بود و با تذکری که حضرت آقا به رئیس ستاد دادند، دیگر ارتش با ایشان کاری نداشت. من آن زمان با درخواست سرهنگ کتیبه در اداره دوم مشغول به کار بودم و ایشان مرتب به دیدارم می‌آمدند، تا اینکه فصل جدیدی در ادامه خدمت شهید صیاد به وجود آمد.

## تشکیل قرارگاه عملیاتی شمال غرب

پس از خلع درجه و برکناری شهید صیاد شیرازی از همه مشاغل در کردستان و اخراج ایشان از نیروی زمینی و انتساب به ستاد مشترک، با روحیه جهادی که صیاد داشت، به دنبال فرصتی جهت خدمت به جبهه و جنگ می‌گشت. یک روز به اتفاق هم به دیدار حضرت آیت‌الله امامی کاشانی در دفتر ایشان در مسجد شهید مطهری رفتیم و پس از گفتگو و شرح وقایع، صیاد اظهار داشت فعلاً در تهران ما هیچ جا و مکانی برای شروع فعالیت نداریم. آقای امامی کاشانی فرمودند ما در همین مسجد می‌توانیم یکی دو تا اتاق (حجره طلبگی) به شما بدهیم. صیاد هم از خدا خواسته، از این پیشنهاد استقبال کرد. بدین ترتیب، دو حجره در طبقه دوم ضلع جنوبی مسجد شهید مطهری با یک خط تلفن در اختیار ایشان قرار گرفت. دو نفر به عنوان دفتردار ایشان در آنجا مشغول به کار شدند. یکی آقای محمدجعفر نصراصفهبانی سرباز منقضی خدمت در مرکز توپخانه به صورت ۲۴ ساعته در آن دفتر مشغول به کار شد و دیگری استوار حسن کلاتر که به صورت داوطلب بعدازظهرها بعد از خدمت روزانه در ارتش تا عصر در دفتر کمک می‌کرد. این محل کار و این لطف آقای امامی کاشانی در آن شرایط خاص در روحیه شهید صیاد خیلی مؤثر بود. تشکیل جلسات با دوستان و ملاقات‌ها در این مکان انجام می‌شد.

در این زمان، شهید صیاد در ملاقاتی که با شهید کلاهدوز داشت، پیشنهاد کرد که ما می‌توانیم با فرصتی که داریم، در آموزش برادران سپاه به شما کمک کنیم. با موافقت شهید کلاهدوز، در پادگان معروف به خلیج در چهارراه پاسداران و کنار مرکز آموزش ۰۶، این کلاس‌های آموزش (کلاس

نقشه‌خوانی، دیدبانی) برای هر دوره به مدت ۱۵ روز تشکیل شد و من هم در این امر، بخصوص در کلاس بعدازظهرها به عنوان استاد هر دو موضوع شرکت می‌کردم. این دوره آموزشی به مدت ۴۵ روز، یعنی سه دوره ادامه پیدا کرد و در همین مدت، رفت و آمد شهید صیاد با ستاد سپاه پاسداران و بخصوص معاونت طرح و برنامه بیشتر شد. خود من هم مدتی برای آموزش برادران معاونت عملیات سپاه، که آن زمان در یکی از ساختمان‌های وزارت اطلاعات مستقر بودند، می‌رفتم و اتاق توجیه آنها را ساماندهی کردم. کار با نقشه و کالک و پیاده کردن نیروهای خودی و دشمن روی نقشه، هنوز در اتاق عملیات سپاه پاسداران متداول نبود و ما این کار را ساماندهی کردیم. ارتباط شهید صیاد با برادران سپاه و حتی حضورش در جبهه‌ها، مخفیانه با لباس بسیجی همراه برادران سپاه روز به روز بیشتر می‌شد، مخصوصاً در اوایل سال ۱۳۶۰. تا اینکه در تاریخ ۶۰/۰۳/۲۰، بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا معزول و در ۷ مرداد ماه ۶۰ با مسعود رجوی به فرانسه فرار کردند و پس از مدتی، انتخابات رئیس جمهوری صورت گرفت و شهید رجائی رئیس جمهور شد.

## دعوت شهید رجائی از شهید صیاد جهت همکاری

شهید رجائی در تاریخ ۶۰/۵/۱۱ رئیس جمهور شد و در مدت ۲۸۸ روزی که رئیس جمهور بود، در همان هفته اول یا دوم، به فاصله دو روز دو ملاقات با شهید صیاد داشت، که در هر دو ملاقات اینجانب حضور داشتم. در ملاقات اول، پس از بحث روی جبهه‌ها و ناهماهنگی‌های بین نیروها، شهید رجائی دو پیشنهاد داشت. یکی اینکه از صیاد به عنوان وزیر دفاع در کابینه‌اش استفاده نماید و دیگر اینکه ایشان به منطقه شمال غرب بروند و کار ناتمام پاکسازی‌های شمال غرب را به اتمام برسانند. در آن جلسه، روی موانع هر دو کار بحث شد. مهمترین مسئله این بود که آیا پیشنهاد ریاست جمهوری مورد قبول و حمایت فرماندهان ارتش است یا خیر. اگر مساعدت و همکاری فرماندهان ارتش، بخصوص فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد نباشد، کار به جایی نمی‌رسد. قرار شد هر دو طرف روی این پیشنهاد بررسی کنند. در جلسه دوم، شهید رجائی با فرماندهان و مخصوصاً با حضرت امام (ره) مشورت داشتند، که در این جلسه شهید رجائی فرمودند ما مشکلات و موانع درجه و فرماندهان را حل کردیم و من نظر شخصی ام استفاده از شما به عنوان وزیر دفاع بود، ولی حضرت امام (ره) نظرشان استفاده از شما در عملیات و کردستان است. شهید صیاد تا این را شنید، خوشحال شدند و فرمودند ما دیگر بحثی نداریم. تکلیف ما روشن شده است. به شمال غرب می‌روم، شما مقدمات کار و ابلاغ فرماندهی شمال غرب را از طریق فرماندهی نیروی زمینی پیگیری بفرمایید و من می‌روم تا ان شاء الله مقدمات تشکیل قرارگاه شمال غرب را پیگیری نمایم.

### اولین جلسه مشورتی تشکیل قرارگاه شمال غرب

پس از خروج از دفتر رئیس جمهور، با تعدادی از دوستان تلفنی ارتباط برقرار گردید و اولین جلسه مشورتی همان روز عصر در منزل شهید صیاد در لویزان برقرار گردید. اعضای اولیه عناصر ستادی مشخص شدند و قرار بر این شد که سرهنگ علی کوچک‌زاده جانشین قبلی فرمانده که فعلاً به علت جابجایی بیکار بودند، به عنوان رئیس ستاد و سرهنگ ۲ توپخانه قاسم جاودانی از لشکر ۷۷ که قبلاً در قرارگاه غرب به عنوان افسر عملیات قرارگاه با شهید صیاد همکاری می‌کرد، این بار نیز به عنوان رکن سوم و افسر عملیات در این قرارگاه عمل نمایند. شهید صیاد همان روز عصر با تهیه بلیط هواپیما برای زیارت و اجازه گرفتن از آقا امام رضا(ع) برای مأموریت جدید به مشهد سفر کرده و ضمن زیارت، با این دو نفر مشورت نمود و آنها با روحیه انقلابی و شناختی که از شهید صیاد داشتند، با جان و دل مأموریت را پذیرفتند و سرهنگ جاودانی دو روز بعد به تهران آمد و در این مدت سه روز، حکم مأموریت جدید و ابلاغ ترفیع مجدد شهید صیاد شیرازی با درجه سرهنگی از نیروی زمینی با امضاء فرمانده نیرو ابلاغ گردید.

### رسمیت یافتن قرارگاه عملیاتی شمال غرب در ارومیه

با ورود تیم پیشرو ستاد عملیاتی قرارگاه شمال غرب به سرپرستی سرهنگ ابوالقاسم جاودانی و دستوری که از طرف فرماندهی نیرو صادر گردیده بود، همه‌گونه همکاری از طرف لشکر به عمل آمد. ساختمان دادستانی سابق لشکر که در آن زمان غیرفعال بود، به عنوان ستاد قرارگاه انتخاب شد و لشکر ۶۴ هم در تکمیل ساختمان و همچنین واگذاری

تعدادی افسر و درجه‌دار و سرباز همه‌گونه همکاری را به عمل آوردند. ورود صیاد و رئیس ستادش و دیگر اعضای ستاد با استقبال گرم مسئولین لشکری، اعم از فرماندهان ارتش، سپاه، ژاندارمری، مسئولین کشوری، امام جمعه، استاندار، فرماندار و دیگر مقامات شهر ارومیه، بخصوص امام جمعه، حجت الاسلام حسنی و فرمانده سپاه روبرو شد و بار دیگر شهید صیاد قرارگاه مشترک ارتش و سپاه را به نام قرارگاه مشترک حمزه سیدالشهدا در شمال غرب بنا نهاد. هماهنگی و همکاری همه نهادها، ارگان‌های دولتی، نظامی و انتظامی موجب گردید ظرف مدت ۴۴ روز، دو شهر اشنویه و بوکان که تا آن زمان در دست ضدانقلاب بود و بخصوص شهر بوکان که ضدانقلاب در آن، مرکز تبلیغات و حتی ایستگاه رادیویی داشت، طی دو عملیات آزاد گردد، که شرح این عملیات‌ها را باید از زبان افسرانی که در این عملیات‌ها بودند، شنید.



## پیوست ۱:

### وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات

از فروردین ۵۸ تا شهریور ۵۹

فروردین ۱۳۵۸

- ۱ اطلاعیه هیأت اعزامی به سنندج، دوشنبه ۵۸/۱/۶ کیهان ص ۱
- الف: شورای منتخب مردم سنندج را اداره می‌کند.
- ب: حقوق مردم کردستان تأمین خواهد شد.
- ج: کردها در تدوین قانون اساسی سهیم و شریک خواهند بود.
- کردها به آیت‌الله طالقانی اعتماد دارند. سه‌شنبه ۵۸/۱/۷ کیهان ص ۳
- جمعیت و سازمان سیاسی کردستان در رفراندوم شرکت نمی‌کنند. ۵۸/۱/۷ کیهان ص ۳
- دیدار هیأت نمایندگی حزب دموکرات کردستان با امام خمینی. پنج‌شنبه ۵۸/۱/۹ کیهان ص ۳
- اهالی سنندج سه‌شنبه به پای صندوق رأی می‌روند. یکشنبه ۵۸/۱/۱۹ کیهان ص ۷
- مذاکرات هیأت اعزامی امام خمینی با نظامیان متحصن پادگان سقز. ۵۸/۱/۲۰ کیهان
- مردم به منظور اعتراض به انتخابات شورای شهر سنندج در مسجد جامع متحصن شدند. سه‌شنبه ۵۸/۱/۲۸ کیهان ص ۷
- ۳۰۰ روحانی کردستان خواستار خود مختاری شدند. چهارشنبه ۵۸/۱/۲۹ کیهان ص ۷
- مفتی زاده: شورای شهر سنندج قانونی نیست. ۵۸/۱/۳۰ اطلاعات
- سنندج دیشب در وحشت و ترس بود. ۵۸/۱/۳۰ اطلاعات
- دیشب سنندج آبستن حادثه بود. ۵۸/۱/۳۰ اطلاعات

## اردیبهشت ۱۳۵۸

- هواپیماهای ارتش به منظور شناسایی و آرام ساختن منطقه به نقده فرستاده می‌شوند «سرلشکر فرید». یکشنبه ۵۸/۲/۲ کیهان
- گزارشاتی از زد و خوردهای خونین نقده. ۵۸/۲/۲ کیهان
- طرفین مخاصمه نقده را ترک کردند «رئیس ستاد ارتش». سه‌شنبه ۵۸/۲/۳ کیهان
- علی‌رغم ورود نیروهای ارتشی اوضاع نقده همچنان ناآرام است. ۵۸/۲/۳ کیهان ص ۷
- درگیری‌های خونین در نقده رو به ناآرامی می‌رود. ۵۸/۲/۳ اطلاعات
- زد و خوردهای خونین نقده پس از ۵ روز آشوب و خون ریزی پایان یافت سه‌شنبه ۵۸/۲/۴ کیهان ص ۷
- شورای شهر سنندج از امروز آغاز بکار کرد. ۵۸/۲/۶ کیهان
- حزب دموکرات آمار تلفات نقده را اعلام کرد (تعداد کشته شدگان ۵۰۰ نفر) پنجشنبه ۵۸/۲/۶ کیهان
- نشست مشترک رهبران مذهبی ترک و کرد برای بررسی علل وقایع نقده. پنجشنبه ۵۸/۲/۶ کیهان
- بر اساس توافق هیأت حسن نیت گروگان‌های نقده بدون قید و شرط آزاد می‌شوند. یکشنبه ۵۸/۲/۹ کیهان
- قدردانی مردم سنندج از نماینده آیت الله طالقانی. ۵۸/۲/۱۷ اطلاعات
- عزالدین حسینی، مردم کردستان برای ایجاد دانشگاه بسیج می‌شوند. دوشنبه ۵۸/۲/۱۷ کیهان
- جاده‌های کردستان به شدت کنترل می‌شوند (سرهنگ جلیلود، فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان). دوشنبه ۵۸/۲/۱۷ کیهان
- برای تأمین امنیت منطقه دو هزار نفر در نقده دست به تحصن زدند. سه‌شنبه ۵۸/۲/۱۸ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۶۷

- هشداری لشکر ۲۸ کردستان. ۵۸/۲/۲۷ کیهان

- کردها به قطع برنامه‌های رادیو تلویزیون اعتراض کردند. ۵۸/۲/۳۰ کیهان  
- عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردستان پس از کنفرانس قم و ملاقات با آیات  
عظام گفت: خود مختاری کردستان هیچ لطمه‌ای به وحدت ایران نمی‌زند و  
کردها همیشه مرزداران ایران بوده‌اند. یکشنبه ۵۸/۲/۳۰ کیهان

۱۳۵۸ خرداد

- دیدار آیت‌الله ربانی شیرازی از مناطق کردنشین. چهارشنبه ۵۸/۳/۷ کیهان ص ۳  
- اسرار سازمان پنهانی شاه سابق علیه کردها. چهارشنبه ۵۸/۳/۹ کیهان ص ۲  
- تلگراف مردم کردستان به امام و بازرگان (برای رسیدگی به اختلافات و دو  
دستگی‌ها در کردستان). ۵۸/۳/۱۷ کیهان  
- در پنجمین جلسه کنفرانس سنندج گفته شد: کردها باید در کابینه نماینده  
داشته باشند. ۵۸/۳/۲۳ اطلاعات  
- شیخ عزالدین حسینی کنفرانس سنندج را رد و پشتیبانی خود را از آیت‌الله  
خمینی اعلام کرد. یکشنبه ۵۸/۳/۲۷ کیهان

۱۳۵۸ تیر

- خلع سلاح شهربانی مهاباد. ۵۸/۴/۴ اطلاعات  
- مردم کردستان خواستار برکناری استاندار شدند. ۵۸/۴/۴ انقلاب اسلامی  
- استاندار کردستان: گروه‌های مخالف من بیش از ۲۰۰ نفر نیستند. ۵۸/۴/۴  
انقلاب اسلامی  
- با پایان یافتن مهلت ۵ روزه بازار سنندج تعطیل شد. ۵۸/۴/۴ انقلاب اسلامی  
- اعتراض دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران به وزارت امور  
خارج. ۵۸/۴/۱۲ کیهان

- اوضاع در کردستان متشنج شد و اغتشاش و ایجاد ترس و وحشت در شهرها بدست خرابکاران. ۵۸/۴/۱۷ کیهان

- امنیت کردستان از جانب گروههای مسلح تهدید شد. ۵۸/۴/۱۷ جمهوری اسلامی  
- مردم روستای جلدیان از وحشت اعضای مسلح حزب دموکرات از خانه‌های خود فرار کردند. ۵۸/۴/۱۷ جمهوری اسلامی

- ۱۰ هزار نفر از افراد مسلح کرد یکی از ایلات آذربایجان را محاصره کردند. ۵۸/۴/۲۰ کیهان

- نیروهای دفاعی به کردستان باز می‌گردند. ۵۸/۴/۲۱ جمهوری اسلامی  
- مردم مهاباد با شکوه فراوان از نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی استقبال کردند. ۵۸/۴/۲۱ جمهوری اسلامی

- حزب دموکرات تعهد کرد سلاح‌های سنگینی را که از پادگان مهاباد به یغما گرفته تحویل دهد. ۵۸/۴/۲۱ جمهوری اسلامی

- اسرار تازه‌ای از توطئه ضدانقلاب در کردستان فاش شد. ۵۸/۴/۲۱ جمهوری اسلامی  
- جنگ خونین در مریوان. ۵۸/۴/۲۴ جمهوری اسلامی

- ۳۰۰ مرد مسلح وابسته به پاسداران انقلاب اسلامی شهید شدند. ۵۸/۴/۲۴ جمهوری اسلامی

- ۱۱۳ پاسدار انقلاب اسلامی شهید شدند. ۵۸/۴/۲۴ جمهوری اسلامی  
- انفجار بمب در بانه کردستان ۹ نفر را کشت. چهارشنبه ۵۸/۴/۲۷ اطلاعات ص ۱۸  
- انفجار در بانه عمدی نبود. ۵۸/۴/۲۸ جمهوری اسلامی  
- مجلس ترحیم شهدای پاسدار در مریوان برگزار شد. ۵۸/۴/۲۸ جمهوری اسلامی

مرداد ۱۳۵۸

- مردم مریوان خواستار اعزام یک هیأت عالی‌رتبه سیاسی از تهران هستند. ۵۸/۵/۱ جمهوری اسلامی

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۶۹

- تجلیل از شهدای مریوان. ۵۸/۵/۱ جمهوری اسلامی
- اوضاع مریوان رو به وخامت می‌رود. ۵۸/۵/۱ انقلاب اسلامی
- مردم مریوان خواستار اعزام یک هیأت عالی‌رتبه از تهران هستند. ۵۸/۵/۱ انقلاب اسلامی
- افراد حزب دموکرات ۱۰ نفر را بازداشت کردند. ۵۸/۵/۱ انقلاب اسلامی
- اخطار شدید ارتش به افراد مسلح آذربایجان غربی. ۵۸/۵/۱ کیهان
- اعزام شورای انقلاب مریوان به سرپرستی کمیته انقلاب کرمانشاه. ۵۸/۵/۱ کیهان
- کوچ مردم مریوان همچنان ادامه دارد ۵۸/۵/۲ کیهان
- سه سرنشین اتومبیل (در بوکان) بر اثر سوختگی شدید جان سپردند. ۵۸/۵/۲ کیهان
- نمایندگان امام و وزارت کشور وارد مریوان شدند. ۵۸/۵/۲ کیهان
- توضیح ستاد برگزاری راهپیمایی تهران سنندج. ۵۸/۵/۲ کیهان
- هیأت اعزامی مهاباد: ارتش نباید در مسائل داخلی مداخله کند. ۵۸/۵/۲ کیهان
- تلگرام شیخ عزالدین حسینی به نخست وزیر: درگیری‌های ناخواسته در کردستان اوضاع منطقه را تهدید می‌کند. ۵۸/۵/۲ کیهان
- توضیح ستاد برگزاری راهپیمایی تهران - سنندج. سه‌شنبه ۵۸/۵/۲
- حجت الاسلام لاهوتی: نتوانستیم به توافق برسیم (نمایندگان امام و دولت بدون نتیجه از مریوان بازگشتند). چهارشنبه ۵۸/۵/۳ کیهان
- تظاهرات ۳ هزار نفری مردم سنندج. ۵۸/۵/۳ انقلاب اسلامی
- از مذاکرات مریوان، نماینده امام بدون رسیدن به توافق به تهران بازگشت. ۵۸/۵/۳ انقلاب اسلامی
- مراسم بزرگداشت پاسداران شهید مریوان. ۵۸/۵/۳ انقلاب اسلامی
- یک ستون تانک از همدان به سنندج حرکت کرد. ۵۸/۵/۴ انقلاب اسلامی
- استاندار کردستان: هیچ‌گونه دخالتی در حل و فصل مسائل سیاسی ندارم. ۵۸/۵/۴ جمهوری اسلامی

-راهپیمایی تهران - سنندج امروز آغاز شد. ۵۸/۵/۴ کیهان  
-درگیری مجدد بین نیروهای انتظامی و کردها در مریوان. ۵۸/۵/۶ انقلاب اسلامی  
-بازدید استاندار کردستان از مریوان. ۵۸/۵/۶ انقلاب اسلامی  
-نماز جمعه در سنندج. ۵۸/۵/۶ انقلاب اسلامی  
-۴ پاسدار در مهاباد آزاد شدند. ۵۸/۵/۶ انقلاب اسلامی  
-درگیری مجدد در مریوان. ۵۸/۵/۶ جمهوری اسلامی  
-مریوان را اینگونه به آتش و خون کشیدند. ۵۸/۵/۶ جمهوری اسلامی  
-راهپیمایی در کردستان. ۵۸/۵/۶ جمهوری اسلامی  
-ضد انقلاب فعالیت خود را در کردستان تشدید می‌کند. ۵۸/۵/۶ جمهوری اسلامی  
-نقشه اسرائیل در کردستان پیاده می‌شود. ۵۸/۵/۶ جمهوری اسلامی  
-ارتش به مهاباد نیرو می‌فرستد. شنبه ۵۸/۵/۶ کیهان  
-اعتراض مردم کردستان به اعزام پاسداران غیربومی به مریوان. شنبه ۵۸/۵/۶  
کیهان

-مدیر کل رادیو و تلویزیون کردستان استعفا کرد خود او یاد آور شد: چون  
نمی‌توانم آلت دست گروه‌های مختلف باشم و بی طرفی را حفظ کنم استعفا  
می‌کنم. دوشنبه ۵۸/۵/۸ کیهان

-اخطار شدید به گروه‌های غیر اسلامی در سنندج. ۵۸/۵/۸ جمهوری اسلامی  
-شایعه تعطیلی ادارات سنندج تکذیب شد. ۵۸/۵/۸ جمهوری اسلامی  
-حزب دموکرات کردستان بزرگترین عامل تحریک در منطقه. ۵۸/۵/۹ انقلاب  
اسلامی

-با مخالفت معاون نخست وزیر موافقت نامه مذاکرات مریوان به نتیجه نرسید  
معاون استاندار کردستان: طولانی شدن مذاکرات مریوان حاکی از موضع  
سخت طرفین است. سه شنبه ۵۸/۵/۹ کیهان

-ورود ارتش به نقده با استقبال گرم مردم روبرو شد. ۵۸/۵/۱۰ جمهوری اسلامی  
-ارتش انتظامات مریوان را به عهده گرفت. ۵۸/۵/۱۰ جمهوری اسلامی

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۷۱

- حوادث غرب کشور ناشی از فقر و نارضایتی مردم است. ۵۸/۵/۱۱ انقلاب اسلامی
- گزارش از اردوگاه مردم مریوان. ۵۸/۵/۱۱ جمهوری اسلامی
- مردم در مریوان چه می گویند. ۵۸/۵/۱۱ انقلاب اسلامی
- توافق نامه مذاکرات مریوان رد شد. ۵۸/۵/۱۱ کیهان
- شورای شهر مریوان اتهامات چمران را تکذیب کرد. ۵۸/۵/۱۱ کیهان
- ۱۶ زندانی در مهاباد آزاد شدند، ۶ نفر از شرکت کنندگان جهاد سازندگی شهرستان سنندج بودند و ۱ نفر هم که به اتهامات مختلف دستگیر شده بودند آزاد شدند. ۵۸/۵/۱۲ کیهان
- ۲ عضو فرقان در سنندج دستگیر شدند. ۵۸/۵/۱۳ کیهان
- ارتش در مریوان برای حفظ نظام مستقر شدند. ۵۸/۵/۱۵ انقلاب اسلامی
- افراد مسلح در نزدیکی مریوان سد راه خودروی نظامی شدند. ۵۸/۵/۱۵ انقلاب اسلامی
- افراد مسلح در کامیاران اعضاء جهاد سازندگی را چهار روز زندانی کردند. ۵۸/۵/۱۵ انقلاب اسلامی
- نامه سرگشاده حزب دموکرات کردستان به امام خمینی. سه شنبه ۵۸/۵/۱۶ کیهان
- افشاگری تازه در مورد حوادث مریوان. ۵۸/۵/۱۷ جمهوری اسلامی
- استقرار ارتش در نقاط حساس مریوان. پنج شنبه ۵۸/۵/۱۸ کیهان
- ۱۵۰ واحد مسکونی در نقده ساخته می شود. ۵۸/۵/۲۱ کیهان
- اعلامیه مسلمانان متعهد مریوان. ۵۸/۵/۲۱ انقلاب اسلامی
- اعضای کمیته دانشگاه کردستان انتخاب شدند. ۵۸/۵/۲۲ کیهان
- در کامیاران به راهپیمایان وحدت حمله کردند. ۵۸/۵/۲۵ کیهان
- مهاجمان مسلح در پاوه مردم و پاسداران را قتل عام کردند. ۵۸/۵/۲۷ کیهان
- فرمان امام به عنوان رئیس کل قوا درباره حوادث پاوه. ۵۸/۵/۲۷ کیهان
- فرمان حضرت امام برای حرکت به پاوه. شنبه. ۵۸/۵/۲۷ کیهان

- یک فروند هواپیمای جت و یک فروند هلی‌کوپتر در پاوه سقوط کردند، خلبان‌ها و سرنشینان آنها به شهادت رسیدند. ۵۸/۵/۲۷ کیهان
- مردم خواستار شرکت در سرکوبی اشرار پاوه شدند. ۵۸/۵/۲۷ جمهوری اسلامی
- پاسداران انقلاب را در پاوه سربریدند. ۵۸/۵/۲۷ جمهوری اسلامی
- ضد انقلاب در پاوه محاصره شدند. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- بیانیهٔ مجاهدین انقلاب: مسأله آرامش پاوه نیست، آزادی سراسر کردستان است. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- اظهارات سخنگوی دولت در مورد حوادث پاوه. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- مردم ایران برای سرکوبی ضد انقلاب در پاوه به پا خاستند. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- اجتماع مردم خشمگین در مقابل نخست وزیری برای اعزام به پاوه. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- مقادیر زیادی غذا و مواد دارویی به پاوه و اورامانات فرستاده شد. ۵۸/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- عملیات پاکسازی کردستان آغاز شد. ۵۸/۵/۲۹ جمهوری اسلامی
- اعزام گروهی از پاسداران خرم آباد به پاوه. ۵۸/۵/۲۹ جمهوری اسلامی
- ارتش بر کردستان مسلط شد. ۵۸/۵/۲۹ بامداد
- چمران جزئیات نبرد پاوه را اعلام کرد. ۵۸/۵/۲۹ بامداد
- حزب دموکرات کردستان غیرقانونی اعلام شد. ۵۸/۵/۲۹ بامداد
- فرمانده گروهان ژاندارمری پاوه ارتقاء درجه یافت (ستوانسوم یوسفی به ستوانیکمی). ۵۸/۵/۲۹ بامداد
- بیش از دو هزار نفر در تشییع جنازه شهدای پاوه شرکت کردند. ۵۸/۵/۳۰ جمهوری اسلامی
- نخست وزیر: قوای ارتش جمهوری اسلامی ایران کاملاً در منطقه کردستان مستقر شد. ۵۸/۵/۳۰ جمهوری اسلامی
- پیام مهم علامه مفتی زاده: توطئه کشتار مردم سنندج در منطقه خفه شد. ۵۸/۵/۳۰ جمهوری اسلامی

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۷۳

- پیام تاریخی امام به مردم کردستان: حزب دموکرات وابستگی مستقیم به آمریکا و صهیونیسم دارد. ۵۸/۵/۳۰ جمهوری اسلامی
- حمله ضد انقلابیون به فرودگاه سنندج دفع شد. ۵۸/۵/۳۰ جمهوری اسلامی
- اولین گروه پاسداران اعزامی به پاوه شب گذشته وارد تهران شدند. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- طی یک مانور هوایی ارتش در مهاباد تانک‌های مهاجمین نابود شد. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- بیش از صد نفر ضد انقلاب در سنندج دستگیر شدند. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- مسلمانان کردستان اقدام مدبرانه و انقلابی امام را ستایش می‌کنند. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- هجده ضد انقلاب در پاوه تیرباران شدند. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- به خاطر اشتیاق مردم برای کمک به نیروهای مسلح در سرکوبی ضد انقلاب، ارتش از مردم تشکر کرد. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- عزالدین حسینی فاسد، چگونه امام جمعه مهاباد شد. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- گزارش لحظه به لحظه. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی
- نگاهی به کارنامه منصور ضد انقلاب در کردستان. ۵۸/۵/۳۱ جمهوری اسلامی

شهریور ۱۳۵۸

- عکس شهدای پاوه - شهادت سرهنگ محمد نوژه در پاوه و تیتراژ بیانیه حضرت امام. ۵۸/۶/۱ کیهان
- در درگیری با نیروهای نظامی ۱۵ مهاجم در سقز کشته و زخمی شدند. ۵۸/۶/۱ کیهان

- اطلاعیه لشکر کردستان در مورد اعزام یک اکیپ نظامی به کردستان.  
۵۸/۶/۱ کیهان
- مهاجمین پاوه به ایلام گریختند. ۵۸/۶/۱ کیهان
- شایعه چپ کشی در کردستان دروغ است. ۵۸/۶/۱ کیهان
- پیام مردم پاوه به رهبر انقلاب. ۵۸/۶/۱ کیهان
- تشییع جنازه با شکوه خلبان شهید سرهنگ دوم محمد نوژه (شهادت در حادثه پاوه به علت تیراندازی به هواپیما از طرف ضد انقلاب). ۵۸/۶/۱ کیهان
- تجلیل از بهیار شهید پاوه. ۵۸/۶/۱ کیهان
- امام: اجازه نمی‌دهم قلم یا قدمی علیه ارتش به کار رود. ۵۸/۶/۱ کیهان
- یاد بود شهدای کردستان در کاشان. ۵۸/۶/۱ کیهان
- در برگزاری مجالس ختم از شهدای حوادث پاوه تجلیل شد. ۵۸/۶/۱ کیهان
- در ملاقات سخنگوی دولت با امام خمینی مسائل کردستان، بیکاری و بحران اقتصادی به اطلاع امام رسید. ۵۸/۶/۱ کیهان
- ابوشریف چگونگی سرکوب مهاجمان پاوه را تشریح کرد. ۵۸/۶/۱ کیهان
- سقز به کنترل ارتش و پاسدارن درآمد. ۵۸/۶/۳ کیهان
- چند نفر به اتهام توطئه علیه جمهوری اسلامی در کردستان تیرباران شدند.  
۵۸/۶/۳ کیهان
- آیت الله خلخالی برای محاکمه ضد انقلابیون به همه شهرهای کردستان سفر کرد. ۵۸/۶/۳ کیهان
- استاندار کردستان: ارتش کانون‌های تشنج در تمام مناطق کردستان را از بین برد. ۵۸/۶/۳ کیهان
- ۶۵ میلیون دلار خرج عمران کردستان می‌شود. ۵۸/۶/۳ کیهان
- جزئیات شهادت سرپرست تیپ سقز (سرهنگ محمد فراشاهی). ۵۸/۶/۳ کیهان
- لشکر سنندج از مردم سقز تقاضای همکاری کرد. شنبه ۵۸/۶/۳ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۷۵

- طی یک قطع نامه ۱۴ ماده ای مردم مریوان و اورامانات توطئه امپریالیسم و صهیونیسم را محکوم کردند. ۵۸/۶/۳ کیهان

- از سوی افراد حزب دموکرات پادگان ژاندارمری سردشت تصرف شد. شنبه ۵۸/۶/۳ کیهان

- امام خمینی دستور بازگشت پاسداران اعزامی به کردستان را صادر کرد. ۵۸/۶/۳ کیهان

- ۱۰ شهید پادگان شیراز در نبرد خونین کردستان. ۵۸/۶/۴ کیهان

- رادیو تلویزیون مهاباد به اشغال دموکرات‌ها درآمد. ۵۸/۶/۴ کیهان

- یک هلیکوپتر حامل مهمات نظامی در پادگان سنندج سقوط کرد و منفجر شد. ۵۸/۶/۴ کیهان

- قاسملو به شوروی گریخت و عزالدین حسینی از مهاباد به بانه رفت. ۵۸/۶/۴ کیهان

- عده زیادی از مردم سقز این شهر را ترک کردند. ۵۸/۶/۴ کیهان

- مواضع مهاجمان سقز چگونه در هم کوبیده شد. ۵۸/۶/۴ کیهان

- سپاسگزاری نیروی زمینی از مردم سقز. ۵۸/۶/۴ کیهان

- گزارش مصور و اختصاصی کیهان از شهر جنگ زده سقز. ۵۸/۶/۴ کیهان

- ۳۶ داوطلب خدمت وظیفه در مهاباد به گروگان گرفته شدند. ۵۸/۶/۴ کیهان

- اعزام دومین گروه متخصص و پزشک به سنندج. ۵۸/۶/۴ کیهان

- استاندار کردستان: مذاکره آخرین راه حل بحران کردستان است. ۵۸/۶/۵ کیهان

- دو گروه مجهز پزشکی از سوی شیر و خورشید رهسپار سنندج شدند.

۵۸/۶/۵ کیهان

- تشییع جنازه با شکوه فرمانده تیپ سقز (لشکر ۲۸ سنندج) شهید سرهنگ

محمد فراشاهی. ۵۸/۶/۵ کیهان

- نیروهای ارتش به ۳۵ کیلومتری مهاباد رسیدند. ۵۸/۶/۵ کیهان

- ۶ تن از پاسداران به وسیله شورشیان کرد اعدام شدند. ۵۸/۶/۵ کیهان

- جستجوی خانه به خانه برای دستگیری مهاجمان در سقز آغاز شد. ۵۸/۶/۵ کیهان

- فرمانده پادگان سقز: ۴ درجه دار و سرباز پادگان سقز شهید شدند. ۵۸/۶/۶ کیهان
- یک ستون زرهی از پادگان همدان به سنندج رفت (مصاحبه سرهنگ محمود بدری فرمانده پادگان قهرمان همدان). ۵۸/۶/۶ کیهان
- دموکرات‌ها ۲۰۰ پاسدار را در مهاباد گروگان گرفتند. ۵۸/۶/۶ کیهان
- دو افسر عراقی در پناه دستگیر شدند. ۵۸/۶/۶ کیهان
- دموکرات‌ها پادگان سردشت را خلع سلاح و شهر را تصرف کردند. ۵۸/۶/۶ کیهان
- دموکرات‌ها پشت خانه‌های مردم در مهاباد سنگر گرفتند. ۵۸/۶/۶ کیهان
- اجساد ۴ نظامی شهید از لشکر ۹۲ زرهی در بیابانهای سقز کشف شد (سروان هادی فرخ نیا و سه نظامی شهید دیگر). ۵۸/۶/۶ کیهان
- ۴ جاسوس اسرائیلی در کردستان دستگیر شدند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- وزیر کشور: دولت با نمایندگان مهاباد به توافق رسید. ۵۸/۶/۷ کیهان
- اطلاعیه روحانیون متعهدین سقز. ۵۸/۶/۷ کیهان
- استاندار کردستان و دموکرات‌ها، ژاندار مری بانه را خلع سلاح کردند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- آیت الله خلخالی: اشراق کردستان به پشت مرز فرار رسیدند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- اطلاعیه سپاه پاسداران در مورد وقایع کردستان. ۵۸/۶/۷ کیهان
- پیشنهاد جبهه ملی برای اعزام هیأت حسن نیت به کردستان. ۵۸/۶/۷ کیهان
- اطلاعیه جمعیت کردهای مقیم مرکز. ۵۸/۶/۷ کیهان
- روزنامه حدیث: ۵ هزار نفر از اکراد ترکیه برای کمک به شورشیان کرد ایران استخدام شدند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- واحدهای ارتش به ۴ کیلومتری مهاباد رسیدند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- اعزام نماینده امام به کردستان. ۵۸/۶/۷ کیهان
- امام: متجاوزین به جان و مال برادران کرد شدیداً مجازات می‌شوند. ۵۸/۶/۷ کیهان
- نخست وزیر: تجزیه طلبی کردستان نه به نفع صلح جهانی و نه به نفع کشورهای همجوار است. ۵۸/۶/۸ کیهان

- دیدار اعضای شورای مهاباد با آیت الله شریعتمداری. ۵۸/۶/۸ کیهان
- شهربانی مریوان گشایش یافت. ۵۸/۶/۸ کیهان
- دموکرات‌ها ۳۶ سرباز گروگان را آزاد کردند. ۵۸/۶/۸ کیهان
- خلع سلاح در مناطق مرزی کردستان ضروری است. ۵۸/۶/۸ کیهان
- راهپیمایی در اهواز در مراسم تجلیل از ۴ نظامی شهید. ۵۸/۶/۸ کیهان
- سفیر ایران در سوئد: سران حزب منحل کردستان با شاه مخلوع در ارتباط بودند. ۵۸/۶/۸ کیهان
- مجله اشپیگل: توطئه زاهدی، پالیزبان و اویسی در کردستان. ۵۸/۶/۸ کیهان
- روزنامه ایزوستیا: کردستان آخرین شانس ارتجاع و امپریالیست‌هاست. ۵۸/۶/۸ کیهان
- اطلاعیه سازمان مسلمانان متعهد. ۵۸/۶/۸ کیهان
- هلیکوپتر چمران در غرب کشور به گلوله بسته شد. ۵۸/۶/۱۰ کیهان
- امام: در کردستان فقط مساله کمونیسم مطرح است. ۵۸/۶/۱۰ کیهان
- آیت الله صدوقی: اگر دشمن سرکوب نشود امام به کردستان می‌رود. ۵۸/۶/۱۰ کیهان
- مذاکرات حساس دکتر یزدی با صدام حسین درباره کردستان. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- بوکان بدست ارتش افتاد. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- نبرد شدید مسلحانه پاسداران و مهاجمان در مریوان. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- نامه نماینده کردستان در مجلس خبرگان به نخست وزیر. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- نیازهای ضروری کردستان با ارسال مواد غذایی و پول برطرف شد. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- تجزیه طلبان، خائن به جامعه کرد هستند. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- آخرین هشدار دولت به مردم مهاباد. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- رادیو مسکو: مهاباد دچار کمبود خوار و بار و مواد نفتی است. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- رادیو لندن: ارتش آماده داخل شدن به شهر مهاباد است. ۵۸/۶/۱۱ کیهان
- ارتش مواضع دموکرات‌ها را در هم کوبید. ۵۸/۶/۱۲ کیهان

- ارتش با موفقیت وارد پیرانشهر شد. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- تشییع جنازه ۶ درجه دار و سرباز تیپ ۸۴ خرم آباد که در سقز به شهادت رسیده بودند. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- کردهای غیر ایرانی در نبرهای کردستان شرکت دارند. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- برای تخریب در کردستان، اردشیر زاهدی ۲۰۰ میلیون دلار در اختیار اویسی قرار داد. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- جلال طالبانی برای مهاجمان سلاح‌های سنگین و آذوقه فرستاد. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- تجلیل از شهدای حوادث کردستان در تهران. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- نبرد شدید هوایی و زمینی در کردستان. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- نبرد در منطقه مهاباد گسترش یافت. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- نبرد کردستان به اوج خود رسید. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- کردهای مسلح ۱۵ جوانمرد ژاندارمری را کشتند. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- دخالت خارجی‌ها در ماجراهای کردستان برای دولت مسلم است. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- جوابی به مقاله تحلیلی از جنایات مریوان و نقش دولت در کردستان. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- مواضع پیوسته و مستحکم ضد انقلاب در ۲۰ کیلومتری مهاباد در هم شکسته شد. ۵۸/۶/۱۲ جمهوری اسلامی
- پاسداران سنندج: ضد انقلاب در میان برادران کرد شایعه پراکنی می‌کند. ۵۸/۶/۱۲ جمهوری اسلامی
- خبرنگار اعزامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از مهاباد اخراج شد. ۵۸/۶/۱۲ جمهوری اسلامی
- اعزام دومین اکیپ پزشکی به سنندج. ۵۸/۶/۱۲ جمهوری اسلامی
- آیت الله شریعتمداری: می‌گویند عراق هم در حوادث کردستان دستی دارد. ۵۸/۶/۱۲ کیهان
- جزئیات ورود پیروزمندانه ارتش و پاسداران به مهاباد و بانه. ۵۸/۶/۱۳ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۷۹

-امام: احتیاجات و آسایش برادران کرد با تمام امکان تامین می شود. ۵۸/۶/۱۳ کیهان  
-ارتش با هلیکوپتر در مناطق کرد نشین اعلامیه پخش کرد. ۵۸/۶/۱۳ کیهان  
-تلگرام علمای مهاباد به امام خمینی. ۵۸/۶/۱۳ کیهان  
-مأموران خارجی در لباس خبرنگاری و چریک در کردستان دستگیر شدند.  
۵۸/۶/۱۳ کیهان

-آغاز فعالیت عمرانی در کردستان. ۵۸/۶/۱۴ جمهوری اسلامی  
-لحظه به لحظه با ارتش انقلاب در مهاباد. ۵۸/۶/۱۴ جمهوری اسلامی  
-۴ مرد مسلح در نزدیکی دیواندره دستگیر شدند. ۵۸/۶/۱۴ جمهوری اسلامی  
-انتقال جنازه پاسدارن شهید به سنندج. ۵۸/۶/۱۴ جمهوری اسلامی  
-مردم مهاباد خواستار عفو عمومی شدند. ۵۸/۶/۱۵ کیهان  
-محاصره چهارصد دموکرات در ارتفاعات سردشت. ۵۸/۶/۱۷ کیهان  
-امام به دموکراتها عفو عمومی داد. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-ارتش بدون تلفات سردشت را پس گرفت. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: ارتش هنگام ورود به سقر دهها شهید داد.  
۵۸/۶/۱۸ کیهان

-تا خون بیگناهی ریخته نشود. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-هنگ ژاندارمری مهاباد شروع به کار کرد. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-در سردشت دموکراتها با شلیک توپ ۱۳ نفر را کشتند. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-علمای اهل سنت کردستان خواستار اصلاح اصل سیزده قانون اساسی  
شدند. ۵۸/۶/۱۸ کیهان

-یک هلیکوپتر در بانه سقوط کرد. ۵۸/۶/۱۸ کیهان  
-ابوشریف، فرمانده سپاه پاسداران: دموکراتها اجازه سفر به عراق صادر  
می کردند. ۵۸/۶/۲۰ کیهان  
-توسط پاسدارن انقلاب اعضای یک سازمان کمونیستی در سنندج دستگیر  
شدند. ۵۸/۶/۲۰ کیهان

- ابوشریف، فرمانده سپاه پاسدارن: تا زمانی که خلع سلاح کامل در کردستان اجرا نشود امکان ناآرامی‌ها پراکنده است. ۵۸/۶/۲۰ کیهان
- کردها خواستار تبدیل پادگان مهاباد به مجتمع آموزشی شدند. ۵۸/۶/۲۰ کیهان
- ۴ تن از سران عشایر کرد به دست عناصر ضد انقلاب به قتل رسیدند. ۵۸/۶/۲۱ کیهان
- در سردشت ۲ نظامی و یک پاسدار در حمله دموکرات‌ها شهید شدند. ۵۸/۶/۲۱ کیهان
- دکتر چمران: عملیات پاکسازی در کردستان همچنان ادامه دارد. ۵۸/۶/۲۴ جمهوری اسلامی
- تشکیل شورای هماهنگی در کردستان. ۵۸/۶/۲۴ جمهوری اسلامی
- ۶ عراقی در کردستان دستگیر شدند. ۵۸/۶/۲۵ جمهوری اسلامی
- اخطار شدید دادستان به فئودال‌های کردستان. ۵۸/۶/۲۸ جمهوری اسلامی
- تلگرام امام جمعه سردشت به امام. ۵۸/۶/۲۸ کیهان
- فئودال بزرگ کردستان دستگیر شد. ۵۸/۶/۲۸ کیهان
- کشف ۱۲۰۰ قبضه اسلحه در کردستان. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- تلگرام اعتراض علمای مذهبی بانه به نخست‌وزیر. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- فئودال‌های بزرگ کردستان بازداشت شدند. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- ساختمان ساواک منحل‌ه مریوان، بیمارستان می شود. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- اعلام هماهنگی اهالی سردشت با قوای انتظامی. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- انفجار نارنجک در مهاباد زن و کودکی را کشت. ۵۸/۶/۲۹ کیهان
- قروه در مضیقه مواد غذایی است. ۵۸/۶/۳۱ کیهان

مهر ماه ۱۳۵۸

- مقدمات تشکیل شورای شهر مهاباد فراهم شد. ۵۸/۷/۱ کیهان
- ۴ مریوانی به خاک عراق برده شدند. ۵۸/۷/۱ کیهان

- عملیات ترور با نارنجک در مهاباد ۵ تن را زخمی کرد. ۵۸/۷/۱ کیهان
- خلخال به مخالفان اعدام‌های کردستان پاسخ داد. ۵۸/۷/۱ کیهان
- مردم بانه نیاز به مواد غذایی دارند. ۵۸/۷/۱ کیهان
- جزئیات اسارت و محاکمه ۵ گروگان دموکرات‌ها در بوکان. ۵۸/۷/۱ کیهان
- تشنج آفرینی در کردستان مانع از سرمایه‌گذاری عمرانی است. ۵۸/۷/۱ کیهان
- در انفجار یک نارنجک، درجه دار ژاندارمری در مهاباد شهید شد. ۵۸/۷/۱ کیهان
- حساب مردم مسلمان کردستان از حساب عده بسیار کم که با مراکز جاسوسی غربی و صهیونیسم ارتباط دارند جداست. ۵۸/۷/۲ کیهان
- در حمله دموکرات‌ها به پاسداران سردشت ۲ عضو چریکی طالبان دستگیر شدند. ۵۸/۷/۳ کیهان
- مردم مهاباد دعوت به معرفی کاندیداهای نمایندگی شورای شهر شدند. ۵۸/۷/۳ کیهان
- دادستان قروه و رئیس دادگاه دیواندره به تهران احضار شدند. ۵۸/۷/۳ کیهان
- انفجار نارنجک در مهاباد (از داخل اتومبیلی در حال حرکت پرتاب شد). ۵۸/۷/۴ کیهان
- کمبود مواد غذایی در مهاباد و سردشت. ۵۸/۷/۴ کیهان
- دستگیر شدگان مهابادی به زودی آزاد می‌شوند. ۵۸/۷/۵ کیهان
- تظاهرات و تحسن به نفع دموکرات‌ها در ۵ شهر کردستان ممنوع شد. ۵۸/۷/۵ کیهان
- وزیر کشور: مهاباد ناآرام شد. ۵۸/۷/۵ کیهان
- با پرتاب نارنجک در مهاباد یک نفر کشته و ۲۹ نفر زخمی شدند. ۵۸/۷/۵ کیهان
- ۲ تن از عاملین قتل ۴ راننده در کردستان دستگیر شدند. ۵۸/۷/۵ کیهان
- در درگیری‌های غرب کشور عده ای از مهاجمین کشته شدند. ۵۸/۷/۵ کیهان
- جمهوری اسلامی

۳۰- نفر در مهاباد بر اثر انفجار نارنجک کشته و زخمی شدند. ۵۸/۷/۵  
جمهوری اسلامی

۳- دموکرات در مهاباد تیرباران شدند. ۵۸/۷/۷ کیهان  
- در درگیری و راهبندان دموکرات‌ها در گردنه پلنگانه دو ارتشی و یک ژاندارم  
مجروح شدند (فرمانده ژاندارمری کرمانشاه). یکشنبه ۵۸/۷/۸ کیهان  
- به دستور حاکم شرع، تظاهرات و تحصن در کرمانشاه ممنوع شد. یکشنبه  
۵۸/۷/۸ کیهان

۲۰- تن مهمات سنگین در کردستان جمع‌آوری شد. ۵۸/۷/۹ کیهان  
- شهربانی مریوان دوباره مورد حمله قرار گرفت. ۵۸/۷/۹ کیهان  
- ۴۵۰ میلیون تومان اعتبار برای عمران کردستان اختصاص داده شد.  
۵۸/۷/۱۰ کیهان

- تظاهرات و تحصن در کردستان ممنوع شد. ۵۸/۷/۱۰ کیهان  
- پاسدارن خمین به کردستان رفتند. ۵۸/۷/۱۰ کیهان  
- ۱۰ پاسدار و نظامی در درگیری غرب کشور شهید شدند. ۵۸/۷/۱۳ کیهان  
- حمله مسلحانه به خانه دادستان انقلاب اسلامی مهاباد. ۵۸/۷/۱۴ کیهان  
- حجت‌الاسلام حسینی: طرح ایجاد جمهوری کردستان با کمک مالی اشرف  
پهلوی ریخته شد. ۵۸/۷/۱۴ کیهان

- فرمانده سپاه پاسداران مستقر در مهاباد در رادیو و تلویزیون: مهاباد هنوز در  
اختیار طرفداران حزب منحل دموکرات است. ۵۸/۷/۱۵ کیهان  
- استاندار کرمانشاه از آوارگان کرد خواست به خانه‌هایشان برگردند. ۵۸/۷/۱۳ کیهان  
- قطعنامه فرماندهان پاسداران ۲۶ شهر مرزی غرب کشور. ۵۸/۷/۱۳ کیهان  
- هرگونه تصمیم‌گیری در مورد کردستان باید با نظر مستقیم پاسداران باشد.  
۵۸/۷/۱۳ کیهان

- دموکرات‌ها یک گروگان را به قتل رساندند. ۵۸/۷/۱۵ جمهوری اسلامی  
- شایعه حمله مردان مسلح عراق به مریوان تکذیب شد. ۵۸/۷/۱۵ جمهوری اسلامی

- عوامل تندرو مانع مذاکرات مه‌آباد می شوند. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- تظاهرکنندگان مه‌آباد خانه و مغازه ای را آتش زدند. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- به حملات علیه پاسداران مه‌آباد به شدت پاسخ داده شد. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- پاسداران در سردشت چگونه به محاصره دموکرات‌ها افتادند. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- استاندار کردستان: دیپلمه‌های بیکار سنندج در جهاد سازندگی به کار گرفته می شوند. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- اسامی شهدای جاده مه‌آباد. ۵۸/۷/۱۵ کیهان
- نماینده امام در غرب کشور: مردم کردستان همان چیزی را می خواهند که ملت ایران خواهان آن است. ۵۸/۷/۱۶ کیهان
- مفتی‌زاده مردم سنندج را از اعتصاب و راهپیمایی بر حذر داشت. ۵۸/۷/۱۶ کیهان
- پیام علامه مفتی‌زاده به مردم سنندج. ۵۸/۷/۱۶ کیهان
- حمله دموکرات‌ها به پاسداران در بوکان و بانه. ۵۸/۷/۱۶ کیهان
- فاجعه خونین در کردستان. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- ابر مردان کردستان کجا هستند. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- ۱۶ نظامی و پاسدار در بانه مجروح شدند. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- تحصن دانش‌آموزان در سنندج. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- انتخابات شوراهای در ۸ شهر کردستان متوقف شد. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- فاجعه خونین کردستان. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- دموکرات‌ها ۱۵۰ نفر را به گروگان گرفتند. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- اخطار به دموکرات‌ها. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- مفتی‌زاده: یکی از مشکلات ما ناهماهنگی بین مسولان امور است. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- جمع‌آوری اسلحه. ۵۸/۷/۱۷ اطلاعات
- سپاه پاسداران انقلاب اعلام کرد مراسم تشییع جنازه شهدای سردشت امروز انجام می‌شود شهدایی که در تاریخ ۱۵ مهر شهید شدند. ۵۸/۷/۱۸ بامداد

- صادق طباطبایی: سفیر سابق آمریکا در ایران اکنون در کردستان است.  
۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- پیام حجت الاسلام رحمانی نماینده مردم کردستان. ۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- دستورالعمل دادسرای کردستان به پاسگاه‌های ژاندارمری. ۵۸/۷/۱۹  
جمهوری اسلامی
- در سوگ شهدای سردشت، موج تظاهرات سراسر ایران را فرا گرفت.  
۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- اخطار مجدد دادستان کردستان. ۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- ابوشریف فرمانده عملیات سپاه پاسداران: آمریکا، اسرائیل و عراق در حوادث  
کردستان دست دارند. ۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- اطلاعیه کارگران شهرداری سنندج. ۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- اعلام حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی به مناسبت حادثه خونبار  
سردشت. ۵۸/۷/۱۹ جمهوری اسلامی
- آیت الله منتظری: کردها نباید گول بازی‌های سیاسی را بخورند. ۵۸/۷/۲۰ کیهان
- رئیس شهربانی مهاباد به شهادت رسید. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- آمادگی کلاه سبزه‌ها برای کمک به اهالی مهاباد. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- کمیسیون بررسی تسهیلات زمستان در کردستان. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- در حمله مهاجمین مسلح به ساختمان شهربانی، رئیس کلانتری و سه پلیس  
مهاباد شهید شدند. ۵۸/۷/۲۱ کیهان
- پیام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهاباد. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- درگیری در بوکان و سردشت. ۵۸/۷/۲۱ کیهان
- مراسم یاد بود شهادت پاسداران سردشت. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- وزیر دفاع و فرمانده نیروی زمینی، وضع ارتش را در غرب کشور بررسی کردند.  
۵۸/۷/۲۱ کیهان
- اعلامیه دادسرای کردستان. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی

- چند شهر در غرب کشور دچار ناآرامی شدند. ۵۸/۷/۲۱ کیهان
- حمله مزدوران آمریکا خنثی شد. ۵۸/۷/۲۱ جمهوری اسلامی
- نماینده نخست وزیری در مهاباد ربوده شد. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- درگیری پاسداران و دموکرات‌ها در مهاباد و بانه. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- مهندس‌هاشم صباغیان وزیر کشور: دولت راه حل‌های سیاسی را در کردستان فراموش نکرده است. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- تجزیه و تحلیل اوضاع کردستان، ضد انقلاب حتی از اسم «چمران» وحشت می‌کردند. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- رئیس آموزش و پرورش بانه برکنار و به سیرجان تبعید شد. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- جنازه رئیس شهربانی شهید مهاباد باشکوه فراوانی تشییع شد (سروان غلامحسین رحمانی). ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- اقدامات ارتش در سه استان کردنشین ایران. ۵۸/۷/۲۲ کیهان
- دموکرات‌ها اتومبیل فرمانده نیروی زمینی را به رگبار بستند. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- دموکرات‌ها هنوز نماینده نخست وزیری را آزاد نکرده‌اند. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- ابوشریف پاسداران را در سردشت جاسوسان آمریکا و اسرائیل سربردند. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- مهاباد بار دیگر ناآرام شد. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- در منطقه نوسود مهاجمان هلیکوپتری را به گلوله بستند. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- فروهر امروز به کردستان می‌رود. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- انفجار بمب در منزل علامه مفتی زاده. ۵۸/۷/۲۴ کیهان
- استاندار آذربایجان: جزئیات حمله مسلحانه مهاجمان به مقر سپاه پاسداران مهاباد. ۵۸/۷/۲۳ کیهان
- در عملیات پاکسازی و حمله به شهربانی در سردشت ۴۷ دموکرات کشته شدند. ۵۸/۷/۲۴ کیهان
- مذاکرات فروهر در بانه آغاز شد. ۵۸/۷/۲۴ کیهان

- تیمسار فلاحی برای اولین بار فاش ساخت، ۴۰۰ گروگان دموکرات‌ها در غارهای مرزی ایران و عراق زندانی هستند. ۵۸/۷/۲۴ کیهان

- خلبانان مجروح چگونه دموکرات‌ها و هلیکوپترها را به رگبار بستند. ۵۸/۷/۲۵ کیهان

- حمله مهاجمان به پاسگاه ژاندارمری «دوآب» نرده. ۵۸/۷/۲۵ اطلاعات

- صحبت امام، تنها کلید حل فاجعه خونین کردستان. ۵۸/۷/۲۵ اطلاعات

- کردستان به شعاع دهها کیلومتر پاکسازی شد. ۵۸/۷/۲۵ اطلاعات

- وزیر کشور: آرامش در کردستان برقرار شد. ۵۸/۷/۲۶ کیهان

- استقبال مردم کردستان از مذاکرات فروهر با سران کرد. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- حوادث سنندج ۳ کشته و ۸ مجروح بجا گذاشت. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- دیشب در ۸ منطقه سنندج انفجار رخ داد. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- نماینده نخست وزیر در سردشت و بانه: مذاکرات فروهر در کردستان اعلام می شود. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- بررسی مسائل کردستان در جبهه ملی. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- در صورت توجه به خواسته‌های کردها - دموکرات‌ها حاضرند اسلحه‌ها را به زمین بگذارند. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- در جریان حمله مهاجمین بر هلیکوپتر ارتش جمهوری اسلامی در منطقه سردشت دو تن از خلبانان هلیکوپتر مورد اصابت قرار گرفتند و شدیداً مجروح شدند. ۵۸/۷/۲۸ کیهان

- مسایل کردستان در ملاقات امروز دولت با امام بررسی می شود. ۵۸/۷/۲۹ کیهان

- فرمانده تیپ مهاباد اعلام کرد: مهاباد در محاصره ارتش قرار گرفت. ۵۸/۷/۲۹ کیهان

- نماینده امام در غرب کشور: ۷۴ نفر در مهاباد کشته شدند. ۵۸/۷/۲۹ کیهان

- استاندار کردستان: حفظ امنیت سنندج به شهربانی واگذار می شود. ۵۸/۷/۲۹ کیهان

- فرماندار مهاباد: من قدرت اجرایی ندارم. ۵۸/۷/۳۰ اطلاعات

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۸۷

- مه‌آباد دوباره صحنه جنگ شد. ۵۸/۷/۳۰ اطلاعات
- سه راه حل نظامی، سیاسی و عمرانی دولت برای کردستان. ۵۸/۷/۳۰ اطلاعات
- بررسی سیاست خارجی و مسأله کردستان در شورای انقلاب. ۵۸/۷/۳۰ اطلاعات
- دولت به وعده‌های خود در مورد کردستان عمل نکرده است. ۵۸/۷/۳۰ اطلاعات
- امام گزارش دولت درباره کردستان را تأیید کرد. ۵۸/۷/۳۰ کیهان
- آخرین گزارش از حوادث کردستان. ۵۸/۷/۳۰ کیهان
- فرماندار: مه‌آباد در محاصره اقتصادی و نظامی است. ۵۸/۷/۳۰ کیهان
- فرمانده عملیات پاسداران: افراد مسلح عملیات خود را از مه‌آباد به بوکان منتقل کرده اند. ۵۸/۷/۳۰ کیهان
- کسی در مه‌آباد جرأت بیرون آمدن از خانه را ندارد. ۵۸/۷/۳۰ کیهان
- استاندار آذربایجان غربی: افراد محلی باید مسائل کردستان را حل کنند. ۵۸/۷/۳۰ کیهان

#### آبان ماه ۱۳۵۸

- پشتیبانی دانشجویان ملی گرا از اقدامات فروهر در کردستان. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- آیت الله شریعتمداری: در مسائل کردستان دخالت می‌کنم. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- ستاد عملیاتی دولت در کردستان بزودی تشکیل می‌شود. ۵۸/۸/۱ کیهان
- اخطار شدید فرمانده لشکر ارومیه به دموکرات‌ها. ۵۸/۸/۱ کیهان
- اقدام برای تأمین مواد غذایی و سوختی در مه‌آباد. ۵۸/۸/۱ کیهان
- اخطار فرمانده لشکر ارومیه مهاجمان کردستان. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- آیت الله شریعتمداری: به شرط تقاضای رسمی دولت و کردها مسأله کردستان را حل می‌کنم. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- سه وزیر مسؤل امور کردستان شدند. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- بوکان همچنان تعطیل است. ۵۸/۸/۱ اطلاعات
- ای مردم کردستان چه باید کرد. ۵۸/۸/۲ انقلاب اسلامی

- اوضاع بعضی از شهرهای کردستان. ۵۸/۸/۲ انقلاب اسلامی
- ربوده شدن کلاه سبزه‌ها در مهاباد تکذیب شد. ۵۸/۸/۲ انقلاب اسلامی
- بیشتر شهرهای سنندج تشنج است. ۵۸/۸/۱ انقلاب اسلامی
- فرماندار: شهرداری مریوان قدرت حفظ نظم را ندارد. پنجشنبه ۵۸/۸/۳ کیهان
- فرماندار بانه: عوامل ما خبرهای محرمانه دموکرات‌ها را گزارش می‌دهند.

پنجشنبه ۵۸/۸/۳ کیهان

- نخست وزیر: کردستان یک منطقه جنگ ستیز و دعوا نیست. ۵۸/۸/۳ کیهان
- استاندار کردستان از عدم مشارکت مردم انتقاد کرد. پنجشنبه ۵۸/۸/۳ کیهان
- مذاکرات کردستان وارد دور تازه ای شد (با شرکت فروهر در هیأت ۳ نفری مامور دولت برای رفع بحران در کردستان). ۵۸/۸/۵ کیهان

-غرب کشور همچنان ناآرام است. ۵۸/۸/۵ کیهان

- آخرین تصمیمات دولت در مورد کردستان. ۵۸/۸/۵ کیهان
- دموکرات‌ها ۱۳۲ نفر گروگان خود را آزاد کردند. ۵۸/۸/۵ کیهان
- تیراندازی به پاسداران و ژاندارمهای مهاباد. ۵۸/۸/۵ کیهان
- اطلاعیه دولت درباره تشکیل هیأت ویژه کردستان. ۵۸/۸/۵ کیهان
- استاندار کرمانشاه: تصمیمات دولت در کردستان باید نظر مسئولان محلی

باشد. ۵۸/۸/۶ کیهان

- مهاجمین مقر پاسداران بوکان را محاصره کردند. ۵۸/۸/۶ کیهان
- تشکیل سمینار استاندار و فرماندار کردستان در تهران. ۵۸/۸/۶ کیهان
- امیدهای تازه برای برقراری آرامش در کردستان. ۵۸/۸/۶ کیهان
- استاندار و فرمانداران کردستان به تهران احضار شدند. ۵۸/۸/۶ کیهان
- تحصن و اعتصاب دانش آموزان و کارمندان سقز. ۵۸/۸/۶ کیهان
- سقز و مریوان دیروز ناآرام و متشنج بود. ۵۸/۸/۶ کیهان
- عبدالله قشقایی: آماده ام بین دولت و کردها میانجی شوم. ۵۸/۸/۶ کیهان
- دولت دستور توقف عملیات نظامی در کردستان را داد. ۵۸/۸/۷ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۸۹

-سرلشکر شاکر رئیس ستاد مشترک ارتش: هیچ راه حل نظامی به مسأله کردستان خاتمه نخواهد داد. ۵۸/۸/۷ کیهان

-در حمله افراد مسلح به ستون نظامی ۵ درجه دار و سرباز زخمی شدند. ۵۸/۸/۷ کیهان

-قبل از حوادث کردستان پاسگاه‌های ژاندارمری در داخل عراق بود. ۵۸/۸/۷ کیهان  
-گزارشات کردستان هر روز به اطلاع مردم می رسد. ۵۸/۸/۷ کیهان

-تلگرام جامعه روحانیون سقز. ۵۸/۸/۷ کیهان

-برنامه کار هیأت ویژه دولت در کردستان. ۵۸/۸/۷ کیهان

-عملیات ارتش در کردستان متوقف شد. ۵۸/۸/۷ کیهان

-اطلاعیه مهم دولت پیرامون پایان بحران کردستان. ۵۸/۸/۸ کیهان

-مقامهای کشوری و لشکری از اظهار نظر شخصی درباره کردستان منع شدند. ۵۸/۸/۸ کیهان

-در درگیریهای بوکان دو پاسدار و یک درجه دار شهید شدند. ۵۸/۸/۸ کیهان

-۷ زندانی دادسرای انقلاب اسلامی کردستان آزاد شدند. ۵۸/۸/۸ کیهان

-بیانیه سپاه پاسداران در رابطه با حمله دموکرات‌ها در بوکان. ۵۸/۸/۸ کیهان

-نظر سه استاندار غرب کشور درباره سفر هیأت وزیران به کردستان امیدوارانه بود. ۵۸/۸/۹ کیهان

-سختگوی دولت: ارتش، ابتدا به ساکن در کردستان، اقدام مسلحانه نمی کند. ۵۸/۸/۹ کیهان

-اطلاعیه سپاه پاسداران در مورد شهادت ۷ پاسدار. ۵۸/۸/۹ کیهان

-هیأت حسن نیت دولت با استقبال گرم کردها روبرو شد. ۵۸/۸/۱۲ کیهان

-حزب دموکرات شرکت در درگیریهای سردشت و بانه را تکذیب کرد. ۵۸/۸/۱۲ کیهان

-۲۸ نفر در درگیریهای بانه و سردشت کشته شدند. ۵۸/۸/۱۲ کیهان

-۸ نظامی و مهاجم در سردشت کشته شدند. ۵۸/۸/۱۲ کیهان

- دفتر امام کشتار کردستان را محکوم کرد. ۵۸/۸/۱۳ کیهان  
- جزئیات تازه حوادث و مذاکرات کردستان. ۵۸/۸/۱۳ کیهان  
- فروهر برای مذاکره با رهبران کرد به کوه‌های سردشت رفت. ۵۸/۸/۱۳ کیهان  
- جزئیات تازه ای از درگیریهای بانه و سردشت. ۵۸/۸/۱۳ کیهان  
- وقایع بانه ۱۶۳ شهید، مجروح و مفقود بر جای گذاشت. ۵۸/۸/۱۳ کیهان  
- استاندار آذربایجان غربی: حزب دموکرات حمله به پاسگاه بالانج را محکوم کرد. ۵۸/۸/۱۳ کیهان

- مذاکرات امروز کردستان تعیین کننده و حیاتی است. ۵۸/۸/۱۴ کیهان  
- جنگ کردستان را عراق به کردها تحمیل کرده است. ۵۸/۸/۱۴ کیهان  
- چگونگی کشتار افراد ارتش در کردستان اعلام شد. ۵۸/۸/۱۴ کیهان  
- حزب دموکرات امام را رهبر واقعی ملت می داند. ۵۸/۸/۱۵ کیهان  
- مساله کردستان را ساده تفسیر نکنید. ۵۸/۸/۱۵ کیهان  
- دموکرات‌ها خواستار مذاکره با سپاه پاسداران شدند. ۵۸/۸/۱۵ کیهان  
- در زدو خوردهای سردشت ۸ نفر کشته شدند. ۵۸/۸/۱۵ کیهان  
- تقاضای انتشار اسناد مربوط به بحران کردستان. ۵۸/۸/۱۵ کیهان  
- صباغیان و سحابی به مذاکرات پیوستند. ۵۸/۸/۱۶ کیهان  
- چگونگی حمله به ستون ارتش در بانه. ۵۸/۸/۱۶ کیهان  
- آخرین تحولات در کردستان. ۵۸/۸/۱۶ کیهان  
- مذاکرات حسن نیت دولت با رهبران سیاسی و مذهبی کرد ادامه دارد  
۵۸/۸/۱۶ کیهان

- فروهر به سنج رفت. ۵۸/۸/۱۶ کیهان  
- اگر اسلحه‌ها در کردستان از صدا بیفتند همه دشواری‌ها حل خواهد شد.  
۵۸/۸/۱۷ کیهان

- جنازه ۱۷ شهید ارتشی تشییع شد. ۵۸/۸/۱۷ کیهان  
- شهرهای کردستان آرامش خود را باز می یابند. ۵۸/۸/۱۷ کیهان

- افراد مسلح ۲ سرنشین اتومبیلی را در سنندج کشتند. ۵۸/۸/۱۷ کیهان
- امام: مسأله بین ما و کردها همان مسأله بین ما و فارس هاست. ۵۸/۸/۱۹ کیهان
- کردستان از دوروز پیش آرام است. ۵۸/۸/۱۹ کیهان
- از سوی ستاد مشترک، جزئیات حوادث خونین بانه اعلام شد. ۵۸/۸/۱۹ کیهان
- آتش بس کردستان نزدیک است. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- هشدار ستاد مسائل کردستان. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- فرمانده ژاندارمری کردستان توسط افسر زیر دست خود کشته شد. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- انگیزه قتل فرمانده ژاندارمری کردستان اعلام شد. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- ۱۰۰ کرد مریوانی در مجلس خبرگان متحصن شدند. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- تحصن عده ای از دانش آموزان پاوه. ۵۸/۸/۲۰ کیهان
- چگونگی شهادت فرمانده ژاندارمری کردستان «سرتیپ منوچهر شریفی». ۵۸/۸/۲۱ کیهان
- مهندس سبحانی: آرامش به زودی به کردستان باز می گردد. ۵۸/۸/۲۱ کیهان
- ۵ نقاب دار مسلح موجودی بانک ملی سقز را سرقت کردند. ۵۸/۸/۲۱ کیهان
- ادامه مذاکره کردستان موکول به نظر امام و شورای انقلاب شد. ۵۸/۸/۲۱ کیهان
- آخرین اطلاعیه هیأت حسن نیت در مورد وضع کردستان. ۵۸/۸/۲۱ کیهان
- در منطقه جوانرود کرمانشاه در حمله ۴۰۰ نفر مهاجم ۴ پاسدار شهید شدند. ۵۸/۸/۲۲ کیهان
- امام جمعه سنندج استعفا کرد. ۵۸/۸/۲۳ کیهان
- در کردستان چه گذشت. ۵۸/۸/۲۴ کیهان
- گفتگوی اختصاصی با دکتر چمران. ۵۸/۸/۲۴ کیهان
- فرمانداران مریوان و سقز به حالت اعتراض به تحصن معلمان و اشغال فرمانداری این شهر به سنندج رفتند. ۵۸/۸/۲۴ کیهان

- در ملاقات اعضای هیأت حسن نیت، امام با ادامه مذاکرات کردستان موافقت کرد. ۵۸/۸/۲۶ کیهان
- کردستان در تدارک بزرگترین جشن تاریخ. ۵۸/۸/۲۷ کیهان
- فروهر: پیام امام تضمین‌های قانونی را برای حفظ حقوق کردها پدید آورد. ۵۸/۸/۲۷ کیهان
- کردستان برای صلح واقعی روزشماری می‌کند. ۵۸/۸/۲۸ کیهان
- مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق شد. ۵۸/۸/۲۹ اطلاعات
- مذاکره با رهبران مذهبی و سیاسی کردها آغاز شد. ۵۸/۸/۳۰ اطلاعات

### آذرماه ۱۳۵۸

- هیأت حسن نیت باید با جناح عزالدین حسینی و دموکرات به توافق برسد. ۵۸/۹/۱ اطلاعات
- استاندار ایلام: دستاهای آلوده و مرموز کردستان ایجاد ناهماهنگی و اختلاف می‌کند. ۵۸/۹/۱ کیهان
- هیأت حسن نیت برای دومین دور مذاکرات وارد مهاباد شد. ۵۸/۹/۱ کیهان
- اخطار شدید ارتش به چپ‌نماها در کردستان. ۵۸/۹/۳ جمهوری اسلامی
- اتومبیل جهادسازندگی حامل دارودر سنندج ربوده شد. ۵۸/۹/۳ جمهوری اسلامی
- به موقع مدرک دخالت صهیونیسم را در کردستان روی میز دادگاه ارائه خواهیم کرد. ۵۸/۹/۳ جمهوری اسلامی
- حزب دموکرات ۲۰ روز اعلام آتش بس کرد. ۵۸/۹/۴ کیهان
- دیپلمه‌های بیکار ادارات سنندج را اشغال کردند. ۵۸/۹/۴ کیهان
- مسایل کردستان در شورای انقلاب مطرح شد. ۵۸/۹/۴ کیهان
- مصاحبه دختر نواب صفوی (خبرنگار کیهان) با جلال طالبانی از سران کردستان. ۵۸/۹/۵ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۹۳

-استاندار آذربایجان غربی: حق مشروع کردها در اسلام و چارچوب ایران به رسمیت شناخته شده است. ۵/۹/۵۸ کیهان

-به حمایت از امام، مبارزه ضد امپریالیستی و مذاکرات صلح حزب دموکرات فردا در سراسر کردستان اعلام راهپیمایی کرد. ۵/۹/۵۸ کیهان

-عملیات نظامی در کردستان متوقف شد. ۶/۹/۵۸ کیهان

-خبرنگار کیهان: فروهر امروز به کردستان می رود. ۶/۹/۵۸ کیهان

-هاشمی رفسنجانی: توافق با جناح عزالدین حسینی دموکراتها بحران کردستان را پایان می دهد. ۷/۹/۵۸ کیهان

-نمی خواهم به شکست مذاکرات کردستان فکر کنم (جمشید حقگو).  
۱۰/۹/۵۸ کیهان

-جزئیات آخرین ملاقات فروهر با عزالدین حسینی و سران حزب دموکرات.  
۱۰/۹/۵۸ کیهان

-در کارهای همه پرسی کردستان اخلاص شد. ۱۲/۹/۵۸ کیهان

-استاندار کردستان: هیأت حسن نیت باید مذاکرات را جدی و قاطع دنبال کند. ۱۳/۹/۵۸ کیهان

-بعد از ملاقات هیئت ویژه با امام برای پیشرفت کار، هاشم صباغیان یکی از اعضای سه نفره اعلام کرد: اختیارات لشکری و کشوری مناطق کردستان به هیأت ویژه دولت واگذار می شود. ۱۳/۹/۵۸ کیهان

-دکتر حبیبی سخنگوی شورای انقلاب: هیئت ویژه کردستان اختیار دارد از راه سیاسی اقدام کند. ۱۴/۹/۵۸ کیهان

-طرح شورای ملی صلح کردستان از سوی مجاهدین خلق. ۱۴/۹/۵۸ کیهان

-داریوش فروهر در مصاحبه ای با کیهان گفت: هرگونه درگیری جدید در کردستان به مذاکرات لطمه می زند. ۱۴/۹/۵۸ کیهان

-محل مذاکرات کردستان تعیین شد. ۱۵/۹/۵۸ کیهان

-هرگونه درگیری جدید در کردستان به مذاکرات لطمه می زند. ۱۵/۹/۵۸ کیهان

- حزب دموکرات توطئه حمله به منزل آیت الله شریعتمداری را محکوم کرد.  
۵۸/۹/۱۷ کیهان
- ارتش در سنندج آتش بس را نقض کرده است. ۵۸/۹/۱۸ کیهان
- گفتگوی اختصاصی کیهان با اعضای هیأت ویژه کردستان و آذربایجان:  
هیئت‌های ویژه به آذربایجان و کردستان رفتند. ۵۸/۹/۱۹ کیهان
- مذاکرات نهایی با شیخ عزالدین و قاسملو آغاز شد. ۵۸/۹/۲۰ کیهان
- پیشمرگان دموکرات ۸ سارق مسلح را دستگیر کردند. ۵۸/۹/۲۰ کیهان
- ده میلیون تومان از بانک ملی سنندج سرقت شد. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- حقوق ملت کرد فقط به خودشان داده می‌شود نه به گروه معین. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- افراد مسلح حق رفت و آمد در شهرهای کردستان را ندارند. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- دور دوم مذاکرات کردستان به تعویق افتاد. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- فعلاً ضرورت کار نظامی برای پاسدارن در کردستان نمی‌بینیم. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- پیشمرگان کرد کنترل راه کرمانشاه سنندج را به عهده گرفتند. ۵۸/۹/۲۱ کیهان
- بیانیه کردهای متحصن در مجلس خبرگان. ۵۸/۹/۲۲ کیهان
- مذاکرات کردستان فردا دنبال می‌شود. ۵۸/۹/۲۵ کیهان
- علت قطع مذاکرات کردستان حضور نمایندگان چریکهای فدایی خلق و حزب  
کومله اعلام شد. ۵۸/۹/۲۶ اطلاعات
- دو پاسدار در سنندج کشته شد. ۵۸/۹/۲۶ اطلاعات
- صباغیان (یکی از اعضای حسن نیت) طرح خودگردانی، خواسته‌های کردها  
را تأمین می‌کند. ۵۸/۹/۲۷ کیهان
- هرگونه تظاهرات مسلحانه در کردستان سرکوب می‌شود. ۵۸/۹/۲۸ اطلاعات
- در هر اطلاعیه ای با حضور اعضای هیأت خلق کرد، طرح خود گردانی بدون  
توجه به روح پیام امام تنظیم شده است. ۵۸/۹/۲۹ کیهان

دی ماه ۱۳۵۸

مردم کردستان پیش از هر کس به جنایات حرکت عراق آشنا هستند. ۵۸/۱۰/۱ کیهان  
-اعضاء هیئت نمایندگی خلق کرد باید بر اساس انتخاب تعیین شوند.

۵۸/۱۰/۱ کیهان

-حزب دموکرات با هرگونه تظاهرات علیه حکومت مخالف است. ۵۸/۱۰/۲ کیهان  
-شکیبا استاندار سابق کردستان اعلام کرد: بخاطر تشنج و بلاتکلیفی، یک

میلیارد تومان بودجه در کردستان بلا استفاده مانده است. ۵۸/۱۰/۵ کیهان

-فروهر از کردستان به تهران بازگشت. ۵۸/۱۰/۶ جمهوری اسلامی

-نمایشگاه وقایع کردستان در رامسر. ۵۸/۱۰/۶ جمهوری اسلامی

-کرمانشاه خبرنگار کیهان: ۱۰ پاسدار گروگان هنوز آزاد نشده اند. ۵۸/۱۰/۸ کیهان

-حزب دموکرات برای خروج از سنندج به پاسداران ۴۸ ساعت مهلت داد.

۵۸/۱۰/۹ کیهان

-مهلت ۴۸ ساعته در سنندج. ۵۸/۱۰/۹ اطلاعات

-استاندار کرمانشاه: طرح خود مختاری، وابستگی کردها به مرکز را تضمین

نمی‌کند. ۵۸/۱۰/۹ اطلاعات

-آتش بس ۴۸ ساعته تمدید شد. ۵۸/۱۰/۱۱ کیهان

-آخرین گزارش‌ها از حوادث سنندج. ۵۸/۱۰/۱۲ کیهان

-طرح هیأت نمایندگی خلق کرد نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. ۵۸/۱۰/۱۲ کیهان

-سپاه پاسداران به هیچ وجه از سنندج خارج نمی‌شود. ۵۸/۱۰/۱۱ جمهوری اسلامی

-حمله مهاجمین چپ نما به سپاه پاسداران در سنندج. ۵۸/۱۰/۱۳ جمهوری اسلامی

-مصاحبه با عضو حزب دموکرات در مورد درگیری‌های چند روزه اخیر سنندج.

۵۸/۱۰/۱۳ جمهوری اسلامی

-طرح پیشنهادی هیأت نمایندگی خلق کرد حتی با پیشنهادهای قبلی

شخصیت‌های کردستان. ۵۸/۱۰/۱۳ جمهوری اسلامی

- شورای انقلاب ضمن شرایطی با خروج سپاه پاسداران از سنندج موافقت کرد.

۵۸/۱۰/۱۳ کیهان

- حادثه سنندج را کانونهای مشکوک به وجود آوردند. ۵۸/۱۰/۱۳ کیهان

- توافق متحصنین سنندج با استاندار کردستان. شنبه ۵۸/۱۰/۱۵ کیهان

- اطلاعیه حزب دموکرات کردستان درباره رویدادهای اخیر منطقه. ۵۸/۱۰/۱۶ کیهان

- استمداد عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردستان از امام خمینی. ۵۸/۱۰/۱۷ کیهان

- صباغیان: تا برقراری انتظامات قابل قبول دولت پاسداران از سنندج خارج

نمی شوند. ۵۸/۱۰/۱۷ کیهان

- صباغیان اعلام کرد: هیأت ویژه به کردستان می رود. ۵۸/۱۰/۱۷ کیهان

- هشدار استاندار کردستان درباره توطئه عراق در مرز ایران. ۵۸/۱۰/۱۸ کیهان

- سفر هیأت ویژه به کردستان بار دیگر به تعویق افتاد. ۵۸/۱۰/۲۰ کیهان

- استاندار مستعفی کردستان گزارش بی بی سی را تکذیب کرد. ۵۸/۱۰/۲۰ کیهان

- سنگربندی در مسجد جامع سنندج تکذیب شد. ۵۸/۱۰/۲۲ کیهان

- اطلاعیه حزب دموکرات کردستان درباره وقایع ۱۷ دیماه مهاباد. ۵۸/۱۰/۲۲ کیهان

- ۸ اصل از طرح اداره کردستان به تصویب امام رسید. ۵۸/۱۰/۲۲ کیهان

- هشدار ارتش درباره حوادث سنندج. ۵۸/۱۰/۲۲ کیهان

- انتقاد سازمان جوانان حزب دموکرات کردستان از تحریکات بعضی از گروهها.

۵۸/۱۰/۲۳ کیهان

- هیأت ویژه امروز به کردستان می رود. ۵۸/۱۰/۲۳ کیهان

- ملاقات عزالدین حسینی با حجت الاسلام اشراقی و هیأت ویژه دولت در

مهاباد. ۵۸/۱۰/۲۴ کیهان

- حمله عزالدین حسینی به حزب دموکرات. ۵۸/۱۰/۲۵ کیهان

- زمینه برای مذاکرات اصلی هیأت ویژه با نمایندگانه کردها فراهم شد.

۵۸/۱۰/۲۵ کیهان

- پاسداران تا فردا سنندج را ترک می کنند. ۵۸/۱۰/۲۵ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۱۹۷

-مهندس صباغیان: طرح کلی برای خروج پاسداران از سنندج بررسی شد.

(چهارشنبه) ۵۸/۱۰/۲۶ کیهان

-جمع آوری پول برای جبران خسارت کسبه متحصن سنندج. یکشنبه

۵۸/۱۰/۳۰ کیهان

### بهمن ماه ۱۳۵۸

-سخنگوی حزب دموکرات: با رفتن پاسداران از سنندج پیشمرگان مسلحانه

رفت و آمد نخواهند کرد. ۵۸/۱۱/۷ کیهان

-پاسداران سنندج مقرر خود را ترک کردند. ۵۸/۱۱/۸ کیهان

-صباغیان اعلام کرد گروگانهای کردستان هفته آینده مبادله می‌شوند.

۵۸/۱۱/۹ کیهان

-بدنبال بازدید از آخرین مقرر پاسداران تحصن مردم سنندج امروز شکسته شد.

۵۸/۱۱/۹ کیهان

-درگیری خونین در کامیاران. ۵۸/۱۱/۱۰ اطلاعات

-جمعیت کردهای مقیم مرکز اصول مورد نظر بنی‌صدر در مورد کردستان را

تایید کردند. ۵۸/۱۱/۱۰ کیهان

-پایان تحصن مردم، سنندج آرامش بخش خود را باز یافت. ۵۸/۱۱/۱۰ کیهان

-کردستان همواره به عنوان بخشی از ایران باقی خواهد ماند. ۵۸/۱۱/۱۰ اطلاعات

-درگیری‌های خونین در پاوه و کامیاران ده‌ها کشته و مجروح بجا گذاشت.

۵۸/۱۱/۱۱ کیهان

-فروهر: بعضی از کار بدستان حکومتی خودسرانه در کردستان عمل می‌کنند.

۵۸/۱۱/۱۳ کیهان

-هیأت ویژه کردستان تهدید به استعفا کرد. ۵۸/۱۱/۱۳ کیهان

-برای پایان دادن به حوادث غرب کشور عزالدین حسینی مجدداً از امام

خمینی استمداد طلبید. ۵۸/۱۱/۱۳ کیهان

- بزودی توسط هیأت ویژه عوامل درگیری کردستان افشا می شوند. ۵۸/۱۱/۱۴  
کیهان

- انتظامات کامیاران به ژاندارمری واگذار شد. ۵۸/۱۱/۱۵ کیهان

- اقدامات فوری هیأت ویژه کردستان برای آزادی گروگانها. ۵۸/۱۱/۱۶ کیهان

- جمعیت کردها مقیم مرکز و دانشجویان مسلمان اروپا حمله به مراکز مجاهدین  
را محکوم کردند. ۵۸/۱۱/۱۶ کیهان

- تبریک مسعود به امام امت. ۵۸/۱۱/۱۶ کیهان

- کامیاران حالت عادی خود را باز یافت. ۵۸/۱۱/۱۷ کیهان

- دموکراتها حاضر به مبادله ۴۰ پاسدار با زندانیان کرد شدند. ۵۸/۱۱/۱۷ کیهان

- زندانی کرد از شیراز به تهران منتقل شدند. ۵۸/۱۱/۱۷ کیهان

- هرگونه درگیری در کردستان را خلاف وظیفه دینی خود می دانیم (احمد  
مفتی زاده). ۵۸/۱۱/۱۷ کیهان

- تشکیل شورای موقت در کامیاران. ۵۸/۱۱/۲۱ کیهان

- کمیته تحقیق امروز به کردستان می رود. ۵۸/۱۱/۲۳ کیهان

- راهپیمایی سالروز انقلاب در کردستان انجام شد. ۵۸/۱۱/۲۳ کیهان

- هیأت تحقیق رئیس جمهوری به کردستان رفت. ۵۸/۱۱/۲۴ کیهان

- غنی بلوریان (یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات) تاخیر در حل مساله  
کردستان باعث تقویت ضد انقلاب بوسیله سیما می شود. ۵۸/۱۱/۲۷ کیهان

- ۳۰ نفر توسط پیشمرگان حزب دموکرات دستگیر شدند. ۵۸/۱۱/۲۸ کیهان

- مبادله گروگانهای کردستان شروع شد. ۵۸/۱۱/۳۰ کیهان

- طرح اخیر حزب دموکرات در چهار چوب جمهوری اسلامی قابل تطبیق است.

۵۸/۱۱/۳۰ کیهان

- حزب دموکرات ادعا کرد به چند نقطه حمله شده. ۵۸/۱۲/۱ کیهان
- هیات ویژه درگیری نظامی در کردستان را تکذیب کرد. ۵۸/۱۲/۱ کیهان
- اختلاف دولت و سران کرد بر سر مشکل مبادله گروگانها. ۵۸/۱۲/۲ کیهان
- مبادله گروگانها کردستان به تعویق افتاد. ۵۸/۱۲/۲ کیهان
- در درگیری کامیاران سه پاسدار شهید شدند. ۵۸/۱۲/۵ کیهان
- شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کردستان به تهران می آیند. ۵۸/۱۲/۶ کیهان
- هیات حزب دموکرات برای مذاکره با رئیس جمهور تا فردا وارد تهران می شوند. ۵۸/۱۲/۷ کیهان
- گروگانهای حوادث کردستان فردا مبادله می شوند. ۵۸/۱۲/۱۱ کیهان
- در ملاقات هیات اعزامی حزب رفع ممنوعیت فعالیت حزب دموکرات با رئیس جمهور مطرح شد. ۵۸/۱۲/۱۱ کیهان
- بررسی طرح ۶ ماده ای حزب دموکرات در تهران. ۵۸/۱۲/۱۱ کیهان
- ۳۷ گروگان کردستان آزاد شدند. ۵۸/۱۲/۱۱ کیهان
- مذاکرات هیات حزب دموکرات در تهران با موفقیت پایان یافت. ۵۸/۱۲/۱۲ کیهان
- به دنبال اظهارات چریکهای فدای خلق درباره کردستان چمران آماده مناظره با مخالفان شد. ۵۸/۱۲/۱۵ کیهان
- اعتراض مردم سنندج و حزب دموکرات به نقل و انتقالات لشکر ۲۸. ۵۸/۱۲/۱۵ کیهان
- قاسملو (دبیر کل حزب دموکرات کردستان) مساله کردستان راه حل نظامی ندارد. ۵۸/۱۲/۱۶ کیهان
- سخنگوی حزب دموکرات: مردم کردستان مذاکرات مسالمت آمیز را به جنگ ترجیح می دهند. ۵۸/۱۲/۱۶ کیهان
- قاسملو: حزب دموکرات کاندیداهای خود را معرفی می کند. ۵۸/۱۲/۱۶ کیهان

- حزب دموکرات تحریکات گروه‌های مسلح را در کردستان محکوم کرد.  
۵۸/۱۲/۲۱ کیهان
- احزاب و گروه‌های سیاسی خواستار انجام انتخابات در سنندج شدند.  
۵۸/۱۲/۲۲ کیهان
- پاسداران مبادله شده از کردستان: اگر دولت جنازه ما را تحویل می‌گرفت بهتر  
از مبادله ما بود. ۵۸/۱۲/۲۳ کیهان

### فروردین ۱۳۵۹

- برخورد خونین ستون اعزامی لشکر ارومیه و گروه‌های مسلح. ۵۹/۱/۷ اطلاعات
- مذاکرات سیاسی در کردستان ادامه خواهد یافت. ۵۹/۱/۹ اطلاعات
- حضور ارتش در مناطق کردستان برای ادامه مذاکرات سیاسی و از بین بردن  
عوامل تشنج است. ۵۹/۱/۹ اطلاعات
- راهپیمایی مردم ارومیه علیه حزب دموکرات. ۵۹/۱/۹ اطلاعات
- اگر طرح حزب دموکرات تصویب شود مساله خود مختاری قابل حل است.  
۵۹/۱/۱۰ اطلاعات
- مناطق کردنشین بتدریج آرام می‌شود. ۵۹/۱/۱۱ کیهان
- راهپیمایی در شهرهای کردنشین به مناسبت سالروز شهادت قاضی محمد.  
۵۹/۱/۱۱ کیهان
- نامه سرگشاده حزب دموکرات ایران به بنی‌صدر. ۵۹/۱/۱۱ کیهان
- توضیح فرماندار سقز درباره انتخابات این شهر. ۵۹/۱/۱۱ کیهان
- حزب دموکرات کردستان از رئیس‌جمهور استمداد کرد. ۵۹/۱/۱۱ اطلاعات
- مذاکرات امیدوارکننده نماینده امام و رهبران حزب دموکرات کردستان.  
۵۹/۱/۱۴ اطلاعات

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات ۲۰۱/

- نیروهای مسلح از من (بنی صدر) فرمان دارند اسلحه را از دست افراد مسلح در کردستان بگیرند. ۵۹/۱/۱۴ کیهان

- نماینده امام: حزب دموکرات کردستان مخالف درگیری با ارتش است. ۵۹/۱/۱۶ اطلاعات

- شرایط حزب دموکرات کردستان برای خلع سلاح. ۵۹/۱/۱۶ اطلاعات

- تلگرام اتحاد روحانیون کردستان به امام خمینی. ۵۹/۱/۱۷ اطلاعات

- نبرد کردها با رژیم بعثی عراق. ۵۹/۱/۱۸ کیهان

- عوامل بعث دو هزار روستای کردستان عراق را در هم کوبیدند. ۵۹/۱/۱۹ کیهان

- در دوره قاسملو و قطور از حرکت ستونهای ارتش جلوگیری شد. ۵۹/۱/۲۸ اطلاعات

- شهر سنندج سنگربندی شد. ۵۹/۱/۱۸ اطلاعات

- درگیری گروههای مسلح با ارتش جمهوری اسلامی در دره قاسملو. ۵۹/۱/۲۸ اطلاعات

- درگیری گروههای مسلح ارتش در سقز. ۵۹/۱/۳۰ اطلاعات

- استمداد حزب دموکرات کردستان از امام خمینی. ۵۹/۱/۳۰ اطلاعات

### اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

- گزارش لحظه به لحظه درگیریهای کردستان. ۵۹/۲/۱ اطلاعات

- سخنگوی سپاه پاسداران در درگیری بین مهاجمان و پاسداران در منطقه

- گنجی و سنندج ۱۵ نفر کشته و مجروح شدند. ۵۹/۲/۳ اطلاعات

- جزئیات درگیریهای خونین غرب کشور. ۵۹/۲/۶ اطلاعات

- اسامی گروههای کشته شدگان حوادث کردستان. ۵۹/۲/۶ اطلاعات

- هویت ۱۵ شهید کردستان اعلام شد. ۵۹/۲/۷ کیهان

- اسامی عدهای از شهدا و مجروحین در درگیریهای سنندج اعلام شد.

۵۹/۲/۷ کیهان

- گروه‌های سیاسی و مردم سنندج خواستار اعزام هیأت بررسی امام و رئیس جمهور شدند. ۵۹/۲/۷ کیهان
- دو پیشنهاد حزب دموکرات کردستان ایران به رئیس جمهور. ۵۹/۲/۷ کیهان
- در کردستان آتش بس اعلام شد. ۵۹/۲/۱۰ اطلاعات
- آخرین گزارش وقایع غرب کشور: در جریان پیشروی پاسداران در سنندج ۱۲ پایدار کشته شدند. ۵۹/۲/۱۳ اطلاعات
- مسائل کردستان را رئیس جمهور شخصاً به دست گرفته است. ۵۹/۲/۱۴ اطلاعات
- ارتش و سپاه پاسداران بر اوضاع سنندج و سردشت و بانه مسلطند. ۵۹/۲/۱۵ جمهوری اسلامی
- با خمپاره به پادگان مریوان حمله شد. ۵۹/۲/۱۵ جمهوری اسلامی
- حجت الاسلام خامنه ای اکثر نقاط سنندج را آرام توصیف کرد. ۵۹/۲/۱۵ جمهوری اسلامی
- آیت الله خلخالی: فرمانده سابق ژاندارمری کردستان از سنندج فراری شد. ۵۹/۲/۱۷ اطلاعات
- ارتش و پاسداران بر اوضاع سنندج مسلط هستند. ۵۹/۲/۱۸ اطلاعات
- آخرین گزارش‌ها از تحولات و درگیریهای سنندج. ۵۹/۲/۲۰ کیهان
- اطلاعیه‌های نیروی زمینی ارتش و لشکر ۲۸ کردستان. ۵۹/۲/۲۰ کیهان
- گردنه صلوات آباد سنندج از تصرف مهاجمین آزاد شد. ۵۹/۲/۲۰ جمهوری اسلامی
- پناهندگان به پادگان سنندج خواستار مجازات گروه‌های مسلح شدند. ۵۹/۲/۲۰ جمهوری اسلامی
- خانه‌های مردم سنندج توسط فدائیان خلق غارت شد. ۵۹/۲/۲۰ جمهوری اسلامی
- مجلس یادبود شهدای کردستان در تبریز. ۵۹/۲/۲۰ جمهوری اسلامی
- پاکسازی سنندج توسط مردم. ۵۹/۲/۲۰ جمهوری اسلامی
- مردمی که قصد خروج از سنندج را دارند توسط گروه‌ها تیرباران می‌شدند. ۵۹/۲/۲۱ جمهوری اسلامی

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۲۰۳

- در یک حادثه رانندگی عمدی فرمانده سپاه پاسداران از تبریز به کردستان شهید شدند. ۵۹/۲/۲۱ اطلاعات

- جنازه شهدای کردستان امروز تشییع می شود. ۵۹/۲/۲۲ جمهوری اسلامی

- وصیتنامه پاسدار شهید کربلای کردستان. ۵۹/۲/۲۳ جمهوری اسلامی

- سنندج به کنترل ارتش و پاسداران درآمد. ۵۹/۲/۲۳ کیهان

- رفت و آمد مردم در کردستان آغاز شد. ۵۹/۲/۲۴ اطلاعات

- سنندج در اختیار سپاه پاسداران است. ۵۹/۲/۲۴ کیهان

- رئیس جمهور (بنی صدر) در اجتماع نمازگزاران تبریز: خون شهدای کردستان به من فرمان ایستادگی می دهد. ۵۹/۲/۲۷ اطلاعات

- کردستان آرام شد. ۵۹/۲/۲۷ اطلاعات

- نظرات حزب دموکرات درباره سخنان رئیس جمهور. ۵۹/۲/۲۷ اطلاعات

- جزئیات شهید شدن فرمانده تیپ یک سنندج (سرهنگ ایرج نصرت زاد).

۵۹/۲/۲۸ اطلاعات

- حجت الاسلام خامنه ای در مراسم نماز جمعه: در کردستان جنگ میان اسلام

و کفر است. ۵۹/۲/۲۷ کیهان

- یازده جنازه پیشمرگان مسلمان کرد از گورستان مخفی کومله کشف شد.

۵۹/۲/۲۸ اطلاعات

خرداد ماه ۱۳۵۹

- استاندار جدید کردستان تعیین شد. ۵۹/۳/۱ کیهان

- حجازی: تمام بودجه استعمارگران به کردستان است. ۵۹/۳/۳ جمهوری اسلامی

- دومین نماز جمعه سنندج باشکوه تمام برگزار شد. ۵۹/۳/۳ جمهوری اسلامی

- گفتگوی اختصاصی با دادستان انقلاب اسلامی سنندج. ۵۹/۳/۳ جمهوری

اسلامی

- نماز باشکوه جمعه در تکاب کردستان. ۵۹/۳/۴ جمهوری اسلامی
- گزارش از خبرنگار اعزامی جمهوری اسلامی به سنندج: خیانت‌های گروه‌های خلق به خلق کرد. ۵۹/۳/۴ جمهوری اسلامی
- خیانت‌های گروه خلق به خلق کرد. ۵۹/۳/۳ جمهوری اسلامی
- انبار بزرگ مهمات افراد مسلح سنندج کشف شد. ۵۹/۳/۴ کیهان
- نکاتی چند درباره کردستان. ۵۹/۳/۴ جمهوری اسلامی
- ۹- فرمانده و بخشدار و شهردار شهرهای کردستان در تهران بازداشت شدند. ۵۹/۳/۵ کیهان
- ۲- نفر به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی در سنندج تیرباران شدند. ۵۹/۳/۵ کیهان
- به ده هزار خانواده سنندج کمک جنسی رایگان شد. ۵۹/۳/۵ کیهان
- محاصره اقتصادی شهر سنندج صحت ندارد. ۵۹/۳/۵ کیهان
- کردستان: گورستان فدایی، کومله، دموکرات. ۵۹/۳/۵ جمهوری اسلامی
- ستون اعزامی به بانه از گردنه خان عبور کرد. ۵۹/۳/۶ کیهان
- پادگان و قسمت مهم شهربانه از محاصره یک ماهه در آمد. ۵۹/۳/۸ کیهان
- علل دستگیری ۹ فرماندار و شهردار کردستان. ۵۹/۳/۸ کیهان
- بانه آزاد شد. ۵۹/۳/۸ جمهوری اسلامی
- سه عامل کشتار مسلمانان کرد و پاسداران اعلام شد. ۵۹/۳/۸ جمهوری اسلامی
- در گروه‌های سیاسی کردستان شکاف افتاد. ۵۹/۳/۱۱ کیهان
- بزودی تعدادی تراکتور به کردستان ارسال می‌شود. ۵۹/۳/۱۱ جمهوری اسلامی
- در انفجار یک بمب در سنندج ۲ نفر کشته شدند. ۵۹/۳/۱۱ کیهان
- ارتباط تلفنی و پستی با سنندج برقرار شد. ۵۹/۳/۱۱ جمهوری اسلامی
- خاطرات مردم از گروه‌های سیاسی در سنندج. ۵۹/۳/۱۲ کیهان
- در سنندج یک بمب منفجر شد. ۵۹/۳/۱۲ جمهوری اسلامی
- هفت تن از سران کومله دستگیر شدند. ۵۹/۳/۱۲ جمهوری اسلامی

- جنازه شهدای بانه تشییع شد. ۵۹/۳/۱۲ جمهوری اسلامی
- ۱۲۰ تن از شهربانان سنندج پاکسازی شدند. ۵۹/۳/۱۳ جمهوری اسلامی
- رئیس جمهور طرح ۶ ماده ای کردستان را بزودی ابلاغ می کند. ۵۹/۳/۱۴  
کیهان
- درخواست شیر و خورشید از مردم سنندج. ۵۹/۳/۱۴ کیهان
- پاسخ حجت الاسلام خامنه ای به اتحادیه روحانیون کردستان. ۵۹/۳/۱۵  
جمهوری اسلامی
- در دیواندره فرمانده عملیات گروه های سیاسی مسلح کشته شد. ۵۹/۳/۱۵  
جمهوری اسلامی
- ۲۱ نفر از افراد مسلح در کردستان به سپاه پاسداران پیوستند. ۵۹/۳/۱۵  
جمهوری اسلامی
- کومله اعلام داشت به ازای یک نفر ۵ نفر را اعدام می کنیم. ۵۹/۳/۱۹ کیهان
- گزارش های کیهان از تحولات و درگیری های مناطق کردنشین. ۵۹/۳/۱۹  
جمهوری اسلامی
- فعالیت جهاد سازندگی در سنندج. ۵۹/۳/۲۰ جمهوری اسلامی
- مردم سنندج از فعالیتهای جهاد سازندگی به خوبی استقبال کردند.  
۵۹/۳/۲۲ جمهوری اسلامی
- اتحادیه میهنی کردستان عراق سه مزدور بعثی را محاکمه و اعدام کرد.  
۵۹/۳/۲۵ کیهان
- سخنگوی کومله دستگیر شد. ۵۹/۳/۲۵ جمهوری اسلامی
- سقز، بانه، دیواندره پاکسازی شد. ۵۹/۳/۲۵ کیهان
- تشکیل شوراهای محلی در ساختن سنندج آغاز شد. ۵۹/۳/۲۶ جمهوری اسلامی
- علل انشعاب در حزب دموکرات کردستان اعلام شد. ۵۹/۳/۲۸ کیهان
- معاون مشاور رئیس جمهور در کردستان شهید شد. ۵۹/۳/۲۹ کیهان
- کومله سه پاسدار گروگان را شهید کرد. ۵۹/۳/۲۹ کیهان

-دهها هزار نفر از اهالی سنندج در تشییع جنازه باشکوه فریدون تعریف (معاون مشاور رئیس جمهور) شرکت کردند. ۵۹/۳/۳۰ جمهوری اسلامی

تیرماه ۱۳۵۹

-پاسداران جوانرود قله ماکوان را تصرف کردند. ۵۹/۴/۱ کیهان  
-حزب دموکرات ۲۷ گروگان را آزاد کرد. ۵۹/۴/۱ کیهان  
-محاکمه ۱۵ نفر از دستگیر شدگان درگیری های کردستان آغاز شد. ۵۹/۴/۲ کیهان

-خرابی های مخابراتی سنندج ترمیم شد. ۵۹/۴/۲ کیهان  
-استقبال مردم مریوان از ستون نظامی انقلاب. ۵۹/۴/۴ جمهوری اسلامی  
-اتهامات دستگیر شدگان کردستان اعلام شد. ۵۹/۴/۳ کیهان  
-هیأت پاکسازی کردستان از مردم کمک خواست. ۵۹/۴/۳ جمهوری اسلامی  
-۱۵ متهم حوادث کردستان آزاد شدند. ۵۹/۴/۴ کیهان  
-مردم سنندج از استاندار کردستان پشتیبانی کردند. ۵۹/۴/۸ جمهوری اسلامی  
-جهاد سازندگی خواستار آزادی ۱۷ نفر از گروگانهای خود شد. ۵۹/۴/۹ کیهان  
-تحریم اقتصادی در منطقه کردستان ممنوع شد. ۵۹/۴/۹ کیهان  
-۱۸ پاسدار و ارتشی گروگان در بانه آزاد شدند. ۵۹/۴/۱۰ کیهان  
-مجاهدین خلق در شهرهای کردستان با نامهای دیگر فعالیت دارند. ۵۹/۴/۱۱ جمهوری اسلامی  
-جهاد سازندگی کردستان تا چند روز دیگر تعطیل می شود. ۵۹/۴/۱۶ کیهان  
و ۵۹/۴/۱۱ جمهوری اسلامی  
-صد میلیون اعتبار برای پرداخت خسارت مردم کردستان تامین شد. ۵۹/۴/۱۷ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۲۰۷

۴- نفر به جرم قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در سنج اعدام شدند.  
کیهان ۵۹/۴/۱۸

-آرامش در بانه و سقز و میوان برقرار است. ۵۹/۴/۱۸ کیهان  
-مزدوران عراق می خواهند در کردستان دولت آزاد اعلام کنند. ۵۹/۴/۱۹  
کیهان

-نماینده دفتر امام برای رسیدگی به وضع روحانیون عازم کردستان شد.  
کیهان ۵۹/۴/۲۴

-نماینده امام عازم کردستان می شود. ۵۹/۴/۲۴ کیهان  
-طرح وسیع خرابکاری در مراکز حساس شهر سنج با شکست مواجه شد.  
کیهان ۵۹/۴/۲۵

-گزارش لحظه به لحظه از درگیری و شهادت ۱۴ پاسدار در ارومیه. ۵۹/۴/۲۹  
کیهان

-فرمانده سپاه پاسداران اصفهان اوضاع کردستان را تشریح کرد. ۵۹/۴/۲۳۰  
جمهوری اسلامی

-مراسم بزرگداشت ۲۵ شهید در شهرهای کردستان. ۵۹/۴/۳۱ جمهوری

مردادماه ۱۳۵۹

-مصاحبه اختصاصی کیهان با سرپرست عملیات پیشمرگان کرد مسلمان و  
مسئول ستاد و امداد کردستان. ۵۹/۵/۱ کیهان

-فرمانده سپاه: هماهنگی ارتش و سپاه را آغاز کردیم. ۵۹/۵/۴ جمهوری اسلامی  
-علت تشکیل نشدن هیأت‌های ۷ نفره در کردستان عدم امنیت در منطقه  
است. ۵۹/۵/۷ کیهان

-در پاکسازی ۳ روستای دیگر سنج ۴۸ مهاجم کشته و دستگیر شدند.  
کیهان ۵۹/۵/۸

- ۲۰۰ مهاجم در درگیریهای کردستان کشته شدند. ۵۹/۵/۱۳ کیهان
- جزئیات حمله و درگیری ستون نظامی ارتش با مهاجمان در مریوان. ۵۹/۵/۱۳ کیهان
- به حکم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج ۹ نفر به جرم توطئه مسلحانه در کردستان اعدام شدند. ۵۹/۵/۱۴ کیهان
- مهاجمین نرده روستاهای این شهر را به توپ بستند. ۵۹/۵/۱۶ کیهان
- استمداد کردهای اشنویه از ریاست جمهوری برای جلوگیری از گسترش جنگ خانگی. ۵۹/۵/۱۸ کیهان
- استقبال مردم و اهالی سنندج از مانور تیپ ۲۳ «نوهده». ۵۹/۵/۱۹ جمهوری اسلامی
- زد و خورد مسلحانه افراد حزب دموکرات و کومله در مهاباد و سردشت. ۵۹/۵/۱۹ کیهان
- افراد فریب خورده کردستان که به سوی ملت بازگردند تامین می‌شوند. ۵۹/۵/۱۹ کیهان
- ۱۶۰ مهاجم در بانه مریوان کشته شدند. ۵۹/۵/۲۲ جمهوری اسلامی
- درگیری با نیروهای ارتش و پاسداران ۱۵۵ مهاجم به پادگان بانه کشته شدند. ۵۹/۵/۲۲ کیهان
- استاندار: کردستان بر خلاف شایعات آرام است. ۵۹/۵/۲۲ کیهان
- در یک حادثه منجر به درگیری هوایی ۱۱۰ مهاجم کشته و مجروح شدند. ۵۹/۵/۲۵ کیهان
- اخطار لشکر ۶۴ ارومیه: مردم مهاباد، پیرانشهر و اشنویه در صورت همکاری با مهاجمان مجازات می‌شوند. ۵۹/۵/۲۵ کیهان
- اطلاعیه روابط عمومی در مورد آیت الله طاهری. ۵۹/۵/۲۷ جمهوری اسلامی
- احداث یک پارک در سنندج. ۵۹/۵/۲۸ جمهوری اسلامی
- ۵ مهاجم در اطراف سنندج دستگیر شدند. ۵۹/۵/۲۹ کیهان

وقایع کردستان در عناوین خبری و مطبوعات / ۲۰۹

- کردستان بزودی از عوامل ضد انقلاب پاکسازی می شود. ۵۹/۵/۲۹ جمهوری اسلامی

- بررسی مشکلات در سنندج. ۵۹/۵/۲۹ جمهوری اسلامی

- حجت الاسلام موسوی برای ارشاد اهالی به کردستان رفت. ۵۹/۵/۲۹ جمهوری اسلامی

- در درگیری مسلحانه سه راهی مریوان ۴۱ مهاجم کشته شدند. ۵۹/۵/۳۰ کیهان

- مهاجمان مسلح به مقر پاسداران و ارتش در کامیاران حمله کردند. ۵۹/۵/۳۰ کیهان

- طرح عمرانی نیمه تمام سقز در حال اجرا است. ۵۹/۵/۳۰ کیهان

- امام جمعه اصفهان وارد سنندج شد. ۵۹/۵/۳۰ کیهان

شهریورماه ۱۳۵۹

- هدف امپریالیسم شرق و غرب در کردستان تشکیل اسرائیل دیگری بود. ۵۹/۶/۱ کیهان

- شایعات ضد انقلاب در مورد کمبود مواد غذایی در سنندج توسط ارتش تکذیب شد. ۵۹/۶/۳ کیهان

- عملیات پاکسازی کردستان از ضد انقلاب به شدت ادامه دارد ۵۹/۶/۴ جمهوری اسلامی

- نمایندگان مجلس به سنندج دعوت شدند. ۵۹/۶/۴ کیهان

- مهر لشکر ۲۸ سنندج از خانه تیمی چریکهای فدایی خلق کشف شد. ۵۹/۶/۴ جمهوری اسلامی

- تجلیل باشکوه از شهدای کردستان. ۵۹/۶/۵ جمهوری اسلامی

- افراد مسلح کردستان از زمین و هوا سرکوب شدند. ۵۹/۶/۶ کیهان

- بازگشت ستون تدارکاتی ارتش به سنندج. ۵۹/۶/۶ جمهوری اسلامی

- علامه مفتی زاده با سنندج باز می گردد. ۵۹/۶/۹ کیهان

-استاندار کردستان: سازمان پیشمرگان مسلمان کرد بطور کامل توسعه پیدا می‌کند. ۵۹/۶/۹ کیهان

- ۱۵ مهاجم مسلح در اطراف کامیاران کشته شدند. ۵۹/۶/۱۰ کیهان

- ۳۳ مهاجم در حمله به پادگان مهاباد کشته و مجروح شدند. ۵۹/۶/۱۱ کیهان

- کشف پرونده‌های حزب منحل رستاخیز، پوستره‌های خاندان پهلوی و نوار

- سخنرانی علیه جمهوری اسلامی در سنندج. ۵۹/۶/۱۲ کیهان

- بزرگداشت ۴ شهید کردستان در مدرسه عالی شهید مطهری. ۵۹/۶/۱۳

جمهوری اسلامی

- ۲ نفر در انفجار مین در سنندج شهید شدند. ۵۹/۶/۱۳ کیهان

- در سنندج چریکهای فدایی خلق پاسداران را با آمپول هوا شهید می‌کردند.

۵۹/۶/۱۳ جمهوری اسلامی

- دادگاه انقلاب ویژه نظامیان در کردستان فعالیت خود را شروع کرد. ۵۹/۶/۱۵

جمهوری اسلامی

- تجلیل باشکوه از ۴ شهید جهاد کردستان. ۵۹/۶/۱۵ کیهان

- کاروان هجرت سقز عازم شهرهای کشور شد. ۵۹/۶/۱۵ جمهوری اسلامی

- سد قشلاق تا پایان سال آینده آماده بهره برداری می‌شود. ۵۹/۶/۱۵ کیهان

- کشف دو خانه تیمی مهم چریکهای فدایی و رزمندگان در سنندج. ۵۹/۶/۱۶

جمهوری اسلامی

- درگیری میان افراد حزب دموکرات و رزگاری. ۵۹/۶/۱۶ کیهان

- ۱۲ پیشمرگ حزب دموکرات کشته شدند. ۵۹/۶/۱۶ کیهان

- خانه تیمی چریکهای فدایی در سنندج کشف شد. ۵۹/۶/۱۶ کیهان

- محورهایی که امکان کمک از آنها برای مهاجمین زیاد است تحت کنترل

نیروهای جمهوری اسلامی است. ۵۹/۶/۱۷ جمهوری اسلامی

- جاده‌های سقز و بوکان برای مقابله با مهاجمان بسته شد. ۵۹/۶/۱۹ کیهان

- عوامل مزدور کومله دو گروگان خود را به شهادت رساندند. ۵۹/۶/۲۲  
جمهوری اسلامی

- رئیس جمهوری به پیشمرگان مسلمان کرد قول مساعدت داد. ۵۹/۶/۲۲ کیهان

- ۲ پیشمرگ مسلمان کرد در سنندج شهید شدند. ۵۹/۶/۲۲ کیهان

- کومله دو گروگان خود را شهید کرد. ۵۹/۶/۲۲ کیهان

- یونسی (استاندار سابق کردستان) دستگیر شد. ۵۹/۶/۲۳ جمهوری اسلامی

- بر سر تقسیم ۸۰ میلیون تومان موجودی مسروقه بانک مهاباد بین گروه‌های

مسلح اختلاف افتاد. ۵۹/۶/۲۴ کیهان

- با تقاضای ۲۴ ساعات مهلت از استاندار آذربایجان غربی، مسئولان بانک ملی

مهاباد درباره سرقت ۸۰ میلیون تومانی با دموکرات‌ها وارد مذاکره شدند.

۵۹/۶/۲۵ کیهان

- کشف نارنجک و کتب کمونیستی در تازه آباد سنندج. ۵۹/۶/۲۶ کیهان

- پیشروی و تصرف مواضع جدید توسط ارتش و پاسداران در مهاباد ادامه دارد.

۵۹/۶/۲۷ کیهان

- انفجار ۴ مین در جاده‌های نقده و تکاب ۶ شهید و ۲۱ مجروح گذاشت.

۵۹/۶/۲۷ کیهان

- افراد مسلح ۱۵ عضو جهاد سازندگی را به گروگان گرفتند. ۵۹/۶/۲۷ کیهان

- درگیریهای «سلیمان دوست» پایه و دیواندره ۳ شهید داد. ۵۹/۶/۲۷ کیهان

- نیروهای مستقر در مهاباد با مهاجمین مسلح درگیر شدند. ۵۹/۶/۲۹ کیهان

- آیت الله ربانی شیرازی خواستار دستگیری مسوولان سرقت بانک ملی مهاباد

شدند. ۵۹/۶/۲۹ کیهان

- درگیری‌های مهاباد پایان مهلت خلع سلاح پایان یافت. ۵۹/۶/۳۱ کیهان

# پیوست ۲:

## گزیده‌های از روزنامه‌ها و جراید از اسفند ۵۷ الی خرداد ۵۹

گیمان ۲۸، ۱۲، ۵۷

# گیمان

گیمان ۳، ۱۲، ۵۷

### اجتماع رهبران مذهبی و ملی کردستان درسقز

دیروز شیخ عزالدین حسینی، امام جمعه میاباد و از رهبران ملی و مذهبی کردستان به همراه جمعی از رهبران مذهبی این منطقه وارد سقز شد و با امام جمعه سقز، ملا عبدالرحمن صحنی ملاقات کرد.

در گفتگوی رهبران روسانی و ملی کرد، وحدت عمل و در حل مسأله کردستان مورد بررسی قرار گرفت. نکته در این باره آنست که شیخ عزالدین حسینی اظهار داشت: همه چیز در آینده روشن خواهد شد اما میبایست گفت که ما گامی اساسی در جهت اتحاد برپا شده ایم.

او از تأثیرات نشاط این اجتماع با سفر هیأت آذربایجان آملیستار به کردستان خودداری کرد. بولی گفت: تمام مسائل کنونی کردستان در اجتماع باید نده مطرح شده است.

وی افزود، مذاکرات تاغها آمیز بوده و چندجمله دیگر هم ارائه خواهد یافت و در بیان این نیز اعلامیه‌های ذاتی شرکت کنندگان در آن صادر خواهد شد.

در اینحال ملا محمد فتنی زاده، رهبر مذهبی سقز نیز گفته در اجتماع یاد شده شرکت خواهد داشت و از سفر و پیوستن به مردم سقز فرستادگان و از آن خودتورگ و خشونت برحذر داشت. این پیوست از نوبیزویون منبج بخش شد.

### اتحاد کنندگان طوهار هشت متری آیت الله شیخ عزالدین را

### تأکید کردند

هزاران نفر از اهالی سقز و دیگر حیات خسرو از آن آیت الله شیخ عزالدین حسینی اعلام کردند: هر طوهار که پیش از ده هزار نفر از اهالی سقز آمدن آنها گردانده آمدند است: ما مردم سقز احضار کنندگان طوهار را به معرفی شدن عناصر متحرک و بدنام و همسایه رژیست سابق از رساله حسینی گروهی به عنوان نمایندگان خلق کرد: اعتراض داریم و اعلام می‌کنیم: نمایندگان خلق کرد فقط کسانی هستند که از طرف مردم کرد معرفی شوند.

## از قطعنامه ۸ نمایندگان شوراهای انقلابی کردستان: تمام یاد گانه‌های کردستان باید زیر نظر شوراهای انقلابی باشد

مهاجران نمایندگان شوراهای انقلابی اهواز از شوراهای کردستان در شهر میاباد، قطعنامه‌ای در ۸ ماده به پهن ۱۰۰ مورد در شهر میاباد، قطعنامه‌ای در ۸ ماده به نمایندگان حکومت انقلاب اسلامی ایران سر کب از مارپوشان اهواز، اسرارامیه موسی سینه‌ای، گستر اسلمن از اراک، در کشور معینه متحرک، آیت الله نوری و احمدی، باقی تسلیم داشتند.

نمایندگان با تذکر مورا ۸ گانه این قطعنامه را خواست نام مردم کرد و بلون و آشنایی به هر گروه دسته با حزب بخصوصی توسط کردها.

۱- خلق کرد مرهه و میاباد با سایر خلق‌های ایران انقلاب ایران را تکیه می‌نمایند و تصمیم دارند با تشکیل هیئت مرکزی برای سایر خلق‌های ایران در ایجاد جامعه آزاد و پایه آینده خلق اساسی آنها کنند.

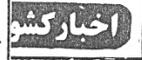
۲- خلق کرد، مانند سایر خلق‌های ایران میبایست در رفیق مردمی و باقیین خلق کمین سرشود و به صورت فراتر از هر پاره‌ای شود. کشور ایران میباید رهبر گروه تمام اهالی طوهار را در معینه و از دولت موقت آسادی معینه سازد تا میباید که موضع خود را در قبال این معینه رسماً اعلام دارد.

۳- ما میاز آیم که ز کردستان ایران، میبایست رهبر و از انقلاب ایران را در یکسان و باقیین جهت خلق مسلم و مستقیم و کارگران و پیمانکاران است که هر دولت انقلابی شرکت داشته باشد.

۴- کردستان ایران ضمن ذرا بدون مستقیم دست

۵- همه نمایندگان حاضر که نماینده شوراهای ایران کرد زمین هستند، اعلام می‌دارند که حضرت آیت الله سید ابراهیم عینی معینی صلاحیت دارد در این شهر جاری قرار بگیرد و از طرف خلق کرد با دولت مرکزی مذاکره نماید و دستگاه رهبری انقلاب و دولت موقت از مذاکره و تماس با عناصر ارتشایی کرد برحذر دارند. از آنجا که ملا حسینی بازاری و گروه سرور به وفایه و در قباله خلق سازان میبایست آسودگی و سلامتی ایران و امنیت ترکیه و بداند می‌باشد، مورد نفرت تمام خلق کرد هستند، لذا از دولت انقلابی میخوانیم هر نوع ارتباط و تماس با این واردسته قطع گردد و رهبران خائن آنها را از این اراجح شود. بدون آنکه این سیاست به وفایت خانواده‌های پناهنده می‌باید تضمین واره آورد.

۵۷، ۱۲، ۶



### درخواست تشکیل شورای انقلابی در پادگان سنندج

لشکر ۲۸ سنندج که از روز دوشنبه هفته جاری در مسجد جامع سنندج آماده می‌باشد، همچنان به نهمین ادامه می‌دهد. این عده که بین صد تا دویست نفر متصرف هستند ضمن پشتیبانی از رهبری انقلاب و دولت بزرگان خوشنای خود را در یک نشانه ۸ ماهه با فرمانده لشکر گردانان افلاک گردان ۲۸، مهندس بازرگان، با مسئولین وارد مذاکره شده، اما آنها پیشنهاد معاون لشکر را در مورد پسگویی از خوشنای مهم دولت میسر نشد. شورای انقلاب نظامی بصورت یک کانون موقتی زده گردید.

ضمن این افراد با مسئولیت گروهی از افراد مهمی گردان ۱۷ و مهندس لشکر زور زده است. اما لشکر ۲۸ جمعیت و کسانوں و شورای محله و شورای محلات سنندج پشتیبانی خود را از فرماندهان متصرفین اسلام داشته‌اند و گروهی کثیری از مردم به نظامیان متصرفین پیوسته‌اند. امروز گروه‌های کوچکی به پشتیبانی از نظامیان در خیابانها دست به راهپیمایی زدند.

مواظقتنامه نظامیان متصرفین به شرح زیر است:

- ۱- تشکیل شورای انقلابی جهت اداره پادگان، مرکز با نمایندگان کرمانها که قدرت تصمیم‌گیری و کنترل بر کار فرماندهان را داشته باشد.
- ۲- اعلام هر چه رود در عناصر ضد انقلابی و عواملی که علیه مردم اقدام کرده‌اند، با نظر شورا.
- ۳- از سن پرسود حسانات فوق‌العاده در پادگان سنندج و این تصور که هنوز آنها رود روی مردم افراد دارد.
- ۴- ابطال دادگاه‌های نظامی و محاکمه نظامیان و دادگاه‌های نظامی.
- ۵- آزادی سیاسی و مطبوعه و روشنفکران، تحت هر عنوان و روشنفکران، آزادی شرکت در اجتماعات و آزادی شرکت در اجتماعات.
- ۶- کمک لشکر به همه سازمانهای مردمی و اسلامی در شهر و روستا در زمینه‌های تأسیس و اعزام افراد داوطلب به این منظور، در موارد دیگر تقاضای نمایان از همسنگی با گروه‌ها و سازمانها خود را میسر داشته و کردهایی نمایان ایران

### کانون معلمان مهاباد:

## پادگان مهاباد در تصرف رزمندگان انقلابی است

۱۳۰۴/۵

طرف عوامل و عناصر ضد انقلاب تصرف نشده بلکه با همکاری افسران انقلابی پادگان و افراد انقلابی و رزمنده مهاباد و حومه سقوط کرده است و این مطلب مورد تأیید فرمانده کتونی پادگان مهاباد نیز می‌باشد.

۲- ما معلمان مهابادمانور نظامی هوابینهای جت‌فانوم را در منطقه مهاباد و ایچان صداهای رعب‌آور که موجب شایعه غمناک تأیید نشده بهیچ اندازی در روستاهای مهاباد گردیده محکوم کرده و خواستار توضیح علل این عمل گدیبون آگاهی قلی و هیچ دلیلی صورت گرفته هستیم.

مهاباد با صدور اعلامیه‌ای، شایعه تجزیه طلبی کردها را یک توطئه ارتجاعی و امپریالیستی و ضد ملی دانسته و آن را به شدت محکوم کرد. متن این اعلامیه بشرح زیر است:

با اینکه به کرات از طرف خلق کرد و از طرق گوناگون مسئله تجزیه طلبی خلق کرد به عنوان یک توطئه ارتجاعی و امپریالیستی و ضد ملی مردون اعلام شده است و این مطلب از طرف هیات اعزامی دولت در مهاباد مورد تأیید قرار گرفته اما باز عواملی مشکوک همچنان درصدد ایجاد توطئه‌هایی برضد خلق کرد و خواسته‌های برحق آنها هستند. خواست عادلانه و سق تعیین سرنوشت را که در تمام نظامهای مترقی و دیموکراتیک دنیا خواستنی انسانی و قانونی و برحسب شناخته شده است به مفهوم تجزیه طلبی تعبیر و تفسیر می‌کنند تا هرگونه سنای آزادی خواهی و حق طلبانه را در گلوئی خلق‌های ستمدیده ایران خفه کنند و این شگردی است که بارها از طرف رژیم فاسد و متفرد ضد خلقی پهلوی اعمال گردیده است و هنوز ادامه دارد.

ما معلمان منطقه مهاباد ضمن رد مکرر این اتهام ناروا و همبستگی خود را با انقلاب تمام خلق‌های آزادیخواه ایران اعلام کرده و خواستار برچیده شدن هرگونه ستم‌طلبی و طبقاتی هستیم و همچنان در مسیر انقلاب همگام با ملت ایران تا محسوس آخرین قطبای رژیم وابسته به امپریالیسم ره خواهیم پیوندی برای روشن شدن آذهان عمومی و پیشگیری از هر تغییر موهلی نظر تمام ملت‌ها را با یکتاک زیر حساب می‌کنیم؛

۱- پادگان مهاباد یکی از دزهای رژیم ضد خلقی پیشین از

# کیهان

۵۷، ۱۲، ۶



۲۷ ربیع‌الاول

۵۷، ۱۲، ۶

## حمله افراد مسلح به پناه

فهره‌اشهر ۲۰ کتونی در پی حمله دسته مسلح به شهر مرزی پناه پیش از ساعت نوازدی مقابل سن پناه و پادگان انقلاب، همه پناه‌های موجود در آنجا کشته شدند.

شیر اندازها از ساعت ۱۱ شب شروع به آتش زدن کردند. کتونی‌ها در پی حمله به پناه آمدند و کتونی‌ها را در پی حمله به پناه کشته کردند.

این عمل هیئت مهاجران متصرف است و کتونی در پی حمله به پناه در پی حمله به پناه کشته شدند.

کتونی‌ها در پی حمله به پناه کشته شدند.





# درگیری شدید استون نظامی قزوین با مهاجمان دره قاسملو

## ۸ افسر و درجه دار در درگیری با مهاجمان شهید شدند

فروتن - با درگیری در جریان ۱۶ تیر دره قزوین که بهرام ستون نظامی نظام برز ایران و عراق بود، در درگیری با مهاجمان دره قاسملو بجهت نجات رزمندگان، مرگی این شهید نامزد و از راه قزوین تسلیف شد و چند ماهی بعد از ۱۶ تیر بهرام ستون شهید بنام ستون سوره شد. اسامی اشرفان و فرماندهان شهید بدین شرح است:

سوان دوم لیاچسین لاسی، مسئولی تعلیمات دره قاسملو، سرداران داود آقانه، رئیس فرمانده و هوشتک صیالی، رضا رضایی، روحش برادره و آذرخیش خرمشاه.

از سوی دیگر دکتر جمشید، سگک امیندار، آذربایجان غربی در تماس با خبرگزاری پارس اطلاع کرده که نظر به شایسته گشته ۲۰ تن از افراد مسلح مهاجم در برهه شمالی با اجسادشان توسط نیروهای نظامی مستقر شدند.

وی اطلاع کرده که ستون اصلی در دره قاسملو مستقر شده و ستاد سیمانی نیز از آملگه خبر داده که برای کشتن به برادران ارتش جهت پاکسازی منطقه از افراد مسلح کرده است.

## حمله به پاسگاههای ژاندارمری

خبرگزاری پارس نیز گزارش داده که حمله مهاجمان از راه مسلح از کشته شدن ۱۰ مهاجم از پاسگاه قوچلی را مورد حمله و تیراندازی با سلاحهای سنگین درانده و افراد پاسگاه نیز به تیراندازی متقابل پرداختند.

افراد مسلح درگیری با ۱۰ تن از افراد و افسران رزمی شدند. ژاندارمری اعلام کرده که تعداد زخمی‌های مهاجمان بیشتر است که با خود برده‌اند.

خبرگزاری پارس نیز گزارش داده که حمله مهاجمان مسلح و گروههای اشرفان در منطقه قزوین پای هوایی و پاسگاه ژاندارمری مستقر در این منطقه طی چندین شب گذشته مهاجمان اقدام به تیراندازی متقابل و کشته شدن افراد مسلح مهاجم کردند. در این تیراندازیها کشته شد ۱۰ تن از افراد مسلح مهاجمان نظامی تیرانداز.

در همین حال فرمانده گروهان ژاندارمری شهرستان نده گفت:

پنجشنبه گذشته در اطراف روستاهای لغمان، جلی‌تومی، نخت‌نابری از توابع آقشویه، افراد مسلح حزب دموکرات کردستان به روستاهای نظامی و انتظامی مهاجمان حمله متقابل گروههای مسلح را فراری دادند و تسخیر و جای هدیه بود دست آورده.

مجموعاً بنا به اظهار فرمانده گروهان ژاندارمری شهرستان نده، مهاجمین مسلح آمولوس را کشته و کشته شدند و در همین حال یک از چهار مهاجم مسلح رزمی شده بودند و با آمولوس‌های ژاندارمری به نده حمله کردند و در همین راه به دست خدات جراحت برداشتند و سه نفر دیگر در شهرستان سوری کشته شدند.

در این درگیری یک درجه دار ژاندارمری نیز زخمی

شد که مهاجمین در بهرامستان، خیرخوشیه سوره ارومیه بزرگ شدند گروهان ژاندارمری شهرستان نده به خبرگزاری پارس گفت: حمله افراد مسلح حزب دموکرات رزمی صورت گرفته که با بران رساندن مواد سوختی به مردم آشوبه در تکیه، امکانات خودشان را تیراندازی و حزب دموکرات تیراندازی ستون حای ارتش و نظامی ناموزمانه حمله کرده و وی در پایان گفت در حال حاضر شهرستان نده آرام است.

**تیرانداز مردم ارومیه**

ارومیه - خبرگزاری پارس - طی دو روز گذشته هزاران نفر از اقشار مختلف مردم ارومیه طی اجتماعاتی در مسجد اعظم و مسجد جامع این شهر اعتراضات و تظاهرات عظیمی در مقابل رده منطقه قزوین، طوابعی با ماهی‌های حمله‌ای اعلام حسی و مسئولین از مردم فرات شد.

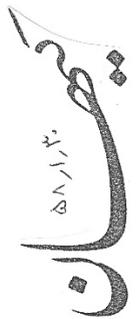
در همین آستان مهاجمان است.

تک که در جریان حمله حزب دموکرات و اشرفان گروهان کردستان نام حزب، مبارکات، گروه و تیراندازیهای متقابل و مهاجمان ایران و ملکت بریزان را مورد تهدید و تحریر فراماده روز روز هیبت و بیانات تیراندازیها خود را تیرانداز می‌دهند. از میان کشته‌ها، مرگی و سوان ستون ناموزمانه دره قاسملو و کشته شدن دو گروهان کوهپایه چکانسای است و از این افراد ۱۰ اشرفان ژاندارمری نیز به تیراندازی متقابل و کشته شدند. در همین حال فرمانده گروهان ژاندارمری شهرستان نده گفت:

پنجشنبه گذشته در اطراف روستاهای لغمان، جلی‌تومی، نخت‌نابری از توابع آقشویه، افراد مسلح حزب دموکرات کردستان به روستاهای نظامی و انتظامی مهاجمان حمله متقابل گروههای مسلح را فراری دادند و تسخیر و جای هدیه بود دست آورده.

مجموعاً بنا به اظهار فرمانده گروهان ژاندارمری شهرستان نده، مهاجمین مسلح آمولوس را کشته و کشته شدند و در همین حال یک از چهار مهاجم مسلح رزمی شده بودند و با آمولوس‌های ژاندارمری به نده حمله کردند و در همین راه به دست خدات جراحت برداشتند و سه نفر دیگر در شهرستان سوری کشته شدند.

در این درگیری یک درجه دار ژاندارمری نیز زخمی



## اظهارات فرمانده لشکر کردستان در باره درگیری های سقز

سقز - سرهنگ محمد ستون فرمانده لشکر ۲۸ ارتش با تیراندازیهای اشرفان در کوهپایه کوهی خبرگزاری پارس ضمن تیراندازی در این شهر گفت: کشته شدن برادران شهید و مرگ برادران کشته شده است. وی افزود: درگیری‌ها همچنان ادامه دارد.

فرمانده ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در تماس با خبرگزاری پارس ضمن تأکید بر افسران فرمانده لشکر ۲۸ ارتش که در درگیری با گروهان کوهپایه کوهی در این منطقه دره قاسملو حمله متقابل مهاجم مسلح در اطراف سقز به مکان ارتش حمله کرده‌اند و دسته مردم مسلح سقز و حتی کوهپایه کوهی نیز در ویدو تیراندازیها در این منطقه حمله کرده‌اند.

فرمانده لشکر ۲۸ ارتش نیز در تماس با خبرگزاری پارس ضمن تأکید بر افسران فرمانده لشکر ۲۸ ارتش که در درگیری با گروهان کوهپایه کوهی در این منطقه دره قاسملو حمله متقابل مهاجم مسلح در اطراف سقز به مکان ارتش حمله کرده‌اند و دسته مردم مسلح سقز و حتی کوهپایه کوهی نیز در ویدو تیراندازیها در این منطقه حمله کرده‌اند.

از یادمان امروز:

# سندج متشجع نشد

شماره ۳ - ستون هشتم

## رئیس ستاد ارتش:

مواضع طرفین مخاصم در خارج شهر شناسائی میشو

# طرفین متخاصم نقده را ترک نکردند

رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه :

از ساعت ۱۲ ظهر امروز

تیر اندازی در

نقده بکلی

قطع شد

ارومیه - حدود ظهر امروز رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه اعلام کرد که تیراندازی خورده رسیده از نقده، میزان فرود کمانچه و واحد خاص نظامی پلانی شهر و پادگانها در طرفین درگیر، آرایش فرود شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است.

تیراندازی در این منطقه از ساعت ۱۲ ظهر امروز شروع شد. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است.

سرلشکر فرید : برای شناسائی منطقه

## هواپیماهای ارتش به نقده فرستاده شدند

برادران کرد و ترک پیشین مشکلات موجود در این منطقه حل کنند. اما چنانچه این مشکلات به نتیجه نرسد، هواپیماها که در ارتش موجود است به این منطقه فرستاده خواهد شد. برادران کرد و ترک حائل خود را از انجا که در این منطقه کشتی و خونریزیها و جانباختگیها در این منطقه ادامه دارد. برادران کرد و ترک حائل خود را از انجا که در این منطقه کشتی و خونریزیها و جانباختگیها در این منطقه ادامه دارد.

سرلشکر تاسر فرید رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران امروز اعلام کرد چنانچه با توجه به اوضاع وسیع مناطق روحانسی و سیاسی محلی، در شهرستان نقده درگیری مایه که پیش آمده است تسهیل نموده است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است.

رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران امروز اعلام کرد چنانچه با توجه به اوضاع وسیع مناطق روحانسی و سیاسی محلی، در شهرستان نقده درگیری مایه که پیش آمده است تسهیل نموده است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است.

## پاسداران ارومیه به نقده رفتند

ارومیه - پاسداران گرازی که در این منطقه حضور دارند، در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است. در این تیراندازی پلانی قطع شده و زیر آتش قرار گرفته است.

# کیمیاکان

تک شماره - ۱۵ ریال

دوشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ - ۲۰ جمادی الاول ۱۳۶۸ - شماره ۱۰۶۸۰



۵۸،۲،۳

سر لشکر فرید: برای شناسائی منطقه

## هواپیماهای ارتش به نقده فرستاده شدند

# اخطار دولت و ارتش در باره حوادث خونین نقده

امروز، پیش از دخالت ارتش:

## کمیسیون حسن نیت در نقده تشکیل می شود

\* در کمیسیون یاد شده، استاندار، آیت الله عزالدین حسینی، آیت الله محمد فوزی، دکتر قاسملو و نمایان از روحانیون نقده شرکت خواهند داشت

ممر روحانی شیمه نقده و حجت الاسلام حاج ملا صالح رحیمی روحانی اهل تسنن نقده و دکتر قاسملو دبیر کل حزب دموکرات کردستان تشکیل می شود.

این کمیسیون با مذاکراتی که انجام خواهد داد پیرامون آتش بس در نقده اقدام می کند. هماکنون، استاندار، آذربایجان غربی و همدان با

ارومیه - قبل از اینکه ارتش در نقده دست به اقدامی بزند امروز فرستاده شد. کمیسیون محمدیاره نقده، کمیسیون حسن نیت با حضور محمد مهدی عباسی، استاندار آذربایجان غربی و آیت الله محمد فوزی و چند تن از روحانیون و محترمین ارومیه، و شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد و حجت الاسلام میرزا ابراهیم

فرمانده لشکر ارومیه، جنابای در این مورد در ارومیه حاضر تا عازم روستای محمدیار نقده شوند. ملحق اطلاع، برق و تلفن شهر نقده بر اثر بمبارانها قطع شده است.

دکتر امیرفرزانه مدیر عامل بهداری و بهزیستی آذربایجان غربی گفت: هماکنون در نقده چهار پزشک جراح موجود دارند که دوشنبه آنها از ارومیه اعزام شده اند و ظرف دو روز بسا وجود رانندگان، آمبولانس از بهداری و فیروز خورشید به نقده اعزام شده است.

وی افزود: قرار است یک طبیب پزشکی که به دستور امام خمینی عازم نقده است بسا هواپیما وارد ارومیه شود.

از ابتدای امروز مسدود زیادی از مردم نقده مقیم ارومیه، جتو ستاد لشکر ۶۴ و استانداری آذربایجان غربی

عضو کمیته انقلاب نقده:

## دهها نفر کشته شده اند

اجتماع کرده و خواستار کمک فوری برای پایان یافتن درگیریها در نقده و جلوگیری از خونریزی بیشتر شده اند. صفحات ۲، ۳ و ۴ را بخوانید

# جمهوری اسلامی

پنجشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۵۸ - ۱۷ شعبان ۱۳۹۹ - شماره ۳۶ - سال اول

برای رفع نگرانی‌های مردم کردستان از تهدیدات گروه‌های مسلح:

## نیروهای دفاعی به کردستان باز می‌گردند

مردم مهاباد با شکوه فراوان از نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی استقبال کردند

### اسرار تازه‌ای از توطئه ضد انقلاب در کردستان فاش شد

در صفحه ۲

● حزب دموکرات  
تعمد کرد سلاح‌های سنگینی را که از پادگان مهاباد به یغما گرفته است تحویل دهد

شش اسیر پلنده پایا ارتش جمهوری اسلامی در محبت مستقیم سینه استعمار آذربایجان غریب ساعت ۹ صبح ۵ دیروز از ارومیه نسبت مهاباد حرکت کردند. مردم و سرزمین مهاباد که در ماه‌های اخیر مبداء از طرف گروه‌های مسلح و متطرفه تهدید می‌شدند تا خارج از شهر باستانال نمایندگان رسمی دولت آمده و با شور خاصی ستیخ جمهوری اسلامی و ورسری انقلاب و سرخه کوشکته‌های رنگارنگ و اسرار از اصنامات مردم ستیخ ارتش جمهوری اسلامی و ورسری انقلاب

## اوضاع در کردستان متشنج شده است

کیهان  
۱۷، ۲، ۵۸

صفحه ۲



۵۸، ۴، ۲۴

### جنگ خونین در مریوان:

## ۳۰۰ مرد مسلح به پاسداران انقلاب حمله کردند

در یک جنگ نابرابر

# ۱۳ پاسدار انقلاب شهید شدند

## آخرین خبر: گشته شدگان ۴ نفر و زخمی‌ها

در صورت ادامه نبرد:

**ارتش جمهوری اسلامی رأیاً وارد عمل میشوند**

۵۰۰ نفر در گزارشهای رسیده صبح دیروز ۲۳ شهاده بیکار ریخته و انقلاب شهر مریوان شاهد درگیریهای شدید خونینی شد.  
۱۰۱۵ ساعده در ساعت ۱۰:۱۵ مامداد روز گذشته با حمله ۳۰۰ نفر از افراد مسلح به مرکز مهابه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان و سخا مریه مهابه پاسداران آغاز شد.  
طرح سلاح و تسلیح بلا شرط افراد سپاه پاسدار میباشوند زای مجاهدین مسلح هستند در مرکز مهابه که تعداد آنی بیش از ۲۵ نفر نبود در برابر خواسته غیر منطقی گروهو مهابه مقاومت کرده و اعلام

داشتند. جو در برابر خدای تعالی در مقابل هیچ نیرویی تسلیم نمونند. در حد بیستمین سبب در حد مقاله بر آمده و به امتیاز شهادت شتافتند.  
با شروع آتش درگیری نام این مجاهدین از ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مرکز کرمانشاه تقاضای کمک میکنند که بلافاصله از مرکز کرمانشاه نزدیک به یکصد نفر نیروی کمکی برای حمایت از مجاهدین مبارز محاصره شده به منطقه مریوان اعزام میباشوند و بیژانیه یا سخا مریه در انتظاری میروان در گزارش خودنگار ما این درگیری هنوز ادامه دارد و از آنجائیکه مسئولان خطوط تلفنی با

مریوان قطع شده است طبق اخبار رسیده تا ساعت ۶ بعد از ظهر استوار است. کشتهشدگان این حادثه جمعا ۸ نفر ذکر شده بود که همگی از گروه مهاجمین بودند.  
از شمار کشتهشدگان افراد سپاه پاسداران مریوان هنوز اطلاع درستی در دست نیست.  
از سوی دیگر مسئولین دولتی شنیدند این واقعه را بی گری میکنند و بنگه مقام آگاه دولتی به خبرنگار ما گفت:

۲۴ نفر و مجروحین ۲۴ نفر سوده است. از میان کشتهشدگان فقط ۱۳ نفر آمان از پاسداران انقلاب اسلامی مریوان بودند و ۱۲ نفر سله پاسداران مریوان شدت زخمی شدند.  
گفته میشود افراد مهاجم از میان گروههای مختلف جیب متعلق هستند.  
آخرین خبر: بر اساس اخبار واصله تا ساعت ۱۰ مامداد استوار کشتهشدگان درگیری مریوان ۲۴ نفر و تعداد زخمی‌ها ۴۰ نفر بوده است.



افراد مسلح مرکز سپاه پاسداران را محاصره کردند و نبرد خونین آغاز شد

# جزئیات ۱۰ ساعت نبرد مسلحانه در مرزیواد

**۲۴ تن کشته و ده  
نفر زخمی شدند**

\* خطبایان يك  
هلیکوپتر وضع  
مربیان را مانند  
يك شهر در حال  
جنگ توصیف کرد

**پاسداران تا  
آخرین فشنگ  
به مقاومت  
پرداختند**

\* جمعیت دفاع از آزادی سنندج:  
فئودالهای مرتجع، جنگ مربیان را  
به راه انداختند

**ارتش هیچ مداخله‌ای  
در مربیان نکرده است**

\* کلیه جاده‌های مربیان تهر  
و مراقبت شدید پاسداران  
\* حزب دموکرات کردستان  
برای پایان درگیری ادامه  
\* علامه مفتی زاده: درگیر  
بر اثر حمله تروهای  
پاسداران بوجود آمد.

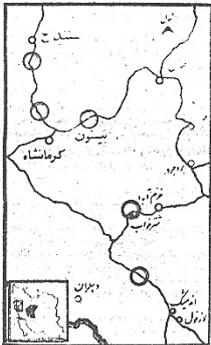
**مخبروات مربیان:  
شهر تعطیل است و مردم  
در وحشت بسر می‌نهند**

\* مربیان، از  
صبح امروز آرامش  
خود را بازیافت  
\* خون و مسود  
دارویی با هلیکوپتر  
بمربیان فرستاده  
شد





کیمان ۵۸، ۵۷، ۶۸



واقعیت سنجش در نقشه بالا مشخص خدمات

✽ ماسوران  
ژاندارمری غسل  
شهادت کردند  
و تا آخرین نفس  
جنگیدند

بیشتر خیابانها و پشت  
بامهای سنندج سنگر  
بندی شده است



خاواده خیابانی که در حوادث خونین پایتخت شهادت رسانده اند در روز به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسیدند. امام فرمود یکی از شهدا را نوازش میدهند.

✽ نیروهای کبکی  
به پیشروی خود  
به سنندج ادامه  
می دهند

✽ يك شاهد  
عینی در سنندج  
پاسداران و  
ارتشی ها  
در خطرند .  
ارتش باید  
فوری نیرو  
بفرستد

با تصویب شورای انقلاب اسلامی :

# حزب دموکرات کردستان غیر قانونی اعلام شد

ایجاد جنگ  
مسلحانه  
و حمله  
به پادگانهای  
نظامی  
از دلایل  
غیر قانونی

اعلام شدن  
این حزب  
است

✽ پاسداران  
مجروح در  
بیمارستان زیر  
رنگار مسلسل  
سرود (ای امام)

می توانند

شورای انقلاب اسلامی ایران، در نشست امروز خود حزب دموکرات کردستان را غیر قانونی اعلام کرد. در این جلسه سایر احزاب اعلام کردند که این حزب با اقدامات غیرقانونی خود در استان کردستان، امنیت و یکپارچگی این استان را تهدید میکند. در این جلسه، امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در مورد این حزب اظهار نظر کرد و فرمود که این حزب با اقدامات غیرقانونی خود، امنیت و یکپارچگی این استان را تهدید میکند. امام فرمود که این حزب با اقدامات غیرقانونی خود، امنیت و یکپارچگی این استان را تهدید میکند.

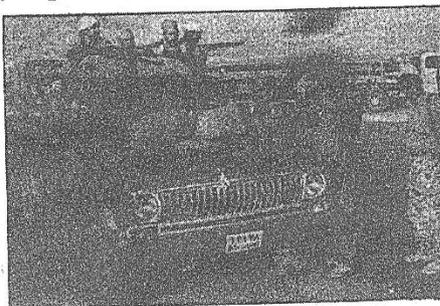


# ۱۱ تن از مهاجمان تیرباران شدند

دربیی فرمان امام و احترام ارتش و پاسداران

# غائله پلوه با سرکوب مهاجمان پایان یافت

۵۰ تا ۶۰ پاسدار شهید و بیش از ۳۰۰ مهاجم کشته شد



روهی نمکی و پاسداران برای سرکوب مهاجمان پلوه به آن محله عزیمت کردند. نمکی، یک واحد از نیروها را در پلوه نشان می‌دهد.

## مرزها به روی مهاجمان فراری بسته شد

### کشته شد

کزارش‌های

لحظه به لحظه و عکس

اختصاصی چهار

از حوادث خویش

مردم سراسر کشور، بر

از وطن آماده شدند.

جزئیات حوادث

پلوه از زبان مجرا

مأموران  
زندان‌های غسل  
شهادت کردند  
و تا آخرین نفس  
جنگیدند

نخست وزیر  
ارتش و پاسداران  
تشکر کرد

پاسداران  
مجبور در  
بیمارستان، زیر  
رگبار مسلسل  
سرود «ای امام»  
میخواندند

فرمان امام به  
نیروی حساس  
سازگانه ارتش :  
**امام: ارتش، فوری به سنجج برود**

نهران  
امروز  
گریست  
فوق العاده  
شماره ۱۰ ریل  
تکلیف ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ - پست پیغام رمضان ۱۳۴۹ - شماره ۱۲۷۵

**حمله جزب دموکرات  
کردستان به سنجج**

\* کتبه هبا و  
میز و جن، قالی  
شماره پست  
\* نامه مرآت  
نظامی در  
مناظره جزب  
\* پاسداران و  
۲ دستگاه نظری  
در محاصره قرار  
گرفته اند

مهاجمان ، گروهی از زنان سنجج را ترسان کردند  
**سنجج، زیر  
رگبار مسلسل**

**مردم سنجج از شهر  
دسته دسته میگریزند**

مهاجمان ۳۰  
نیرو نشین اتوبوس  
را در جاده بوکان  
گروگان گرفتند  
زندان موری بحال  
آماده باش  
در آمد

خلجالی  
برای  
محاكمه  
اشاره به  
کردستان  
رفت

فیرو  
های  
کمکی  
در  
سنجج  
خلج  
سلاح  
شدند



# کیهان: عید سعید فطر را بعموم مسلمانان جهان نهیت میگوید



**اعتصاب قوای نظامی بکلی ممنوع است**  
\* در آساید یک روز نقاب به عنوان کمر دستار اختتامی یافت.

**در درگیری با نیروهای نظامی ۱۵ مهاجم در سفر کشته و مجروح شد**  
۲۰۰۰۰۰ - ۲۰۰۰۰۰ - ۲۰۰۰۰۰



**ارتش هرنوع مقاومت مسلحانه را نهمو کوب نامی کند**  
رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی

# امام: اجازه نمی دهم قلم یا قدمی علیه ارتش بکار رود

**کجهان**  
۱۲ صفحه  
تکمیل: ۱۵ دیال

پنجمه ۱ شهریور ماه ۱۳۸۱ - دستنویس برهان ۱۳۸۱ - شماره ۱۰۷۶۸

تلف: ۰۲۱ - ۸۰۰۰۰۰۰۰  
پست: ۱۹۷۱۵



# ع جاسوس اسراییلی در کر دستان دستگیر شدند

## دمو کر اتها به پادگان جلدیان حمله کردند

کمان ۵۸,۹,۷

یچ واحد های اعزامی لشکر ارومیه در ۶ کیلومتری مهباد مستقر شد  
\* ۲۰ نظامی و غیر نظامی در سقز تیرباران شدند  
\* در مذاکره اعضای شورای شهر مهباد موافق شد که ارتش، امنیت منطقه را برقرار کند

مهاباد به توافق رسید

کمان ۵۸,۹,۷



۵۸,۹,۷

در مسیر راه نرده به انشویه روی داد

### درگیری بین گروه های مسلح و ستون های لشکر

۶۴ ارومیه

استادار آذربایجان سربردار نامی با خبرگزاری پارس پارس ارومیه اعلام کرد: طبق اعلام آگاهی گروه های از مردم منطقه در مسیر راه نرده به انشویه به هنگام عبور ستون های لشکر ۶۴ ارومیه ماموران پیروجه های این گروه های مسلح سربردار و ستون های ارتش پیروجه های است. مشکوک است تا یک ستونها سروراً مأمور متعلق به پیننده از قبل بوده است از وقوع چنین مصادفای ابراز تلافی انشویه فرستاد.

### دمو کر اتها ۲۰ با سدار را در مهباد

گروگان گرفتند

کر باغیاب خبر کمانگران ارتش معانی تباران و ملی آرایش و امنیت مستقر و ملی دول از هر چیز ارتش باید از ورود به مهباد تا انشویه تا که تم نیست برود.  
چون از مهباد به پادگان جلدیان ۹ کیلومتر فاصله است و در کرمانشاه و ارومیه و سایر نقاط ارتش و نیروهای نظامی مستقر است. در کرمانشاه و ارومیه و سایر نقاط ارتش و نیروهای نظامی مستقر است. در کرمانشاه و ارومیه و سایر نقاط ارتش و نیروهای نظامی مستقر است.

کر باغیاب خبر کمانگران ارتش معانی تباران و ملی آرایش و امنیت مستقر و ملی دول از هر چیز ارتش باید از ورود به مهباد تا انشویه تا که تم نیست برود.  
چون از مهباد به پادگان جلدیان ۹ کیلومتر فاصله است و در کرمانشاه و ارومیه و سایر نقاط ارتش و نیروهای نظامی مستقر است. در کرمانشاه و ارومیه و سایر نقاط ارتش و نیروهای نظامی مستقر است.

عراق مهاجمان فراری ایران را پناهمی‌دهد

# پیشروی سپهر به شهر ارشد در کردستان

وژنو کنوید:

## قاسملو و حسینی رسماً به دولت اعلام جنگ داده‌اند

**دولت هیچ حزب و گروهی را  
در کردستان برای مذاکره  
به رسمیت نمی‌شناسد**

**دمو کر آنها با سلاح اسر اقبال**



آنها به حال عادی در فرنگ و نیز در مناطق مسکونی در این مناطق می‌روند. در این مناطق، نیروهای مسلح و حزب فدایی، آن‌ها را در این مناطق می‌بینند.

**به کانه، فلسفه، آه، قش، افتاد**

شماره ۱۲ صفحه  
تک شماره - ۱۵ ریال  
شماره ۱۱ - ۱۲۸۴ - شماره ۱۲۸۴ - شماره ۱۲۸۴

## ایران دموکود کردستان به عراق هشدار داد مذاکرات حساس دکتر یزدی با صدام حسین در باره





در حمله  
عاف‌گیرانه  
دو کرانه‌ها

# ۵۲ پاسدار در سر دست شهادت شدند

شماره ۱۲ صفحه  
تکمیل - ۱۵ ریال  
مخبره ۱۷ شهریور ۱۳۵۸ - هجری ختمه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰۸۲۱

## چند کشور خارجی با پول و اسلحه مددکراتها را تقویت می کنند

✽ براندین حسین با صدور اعلامیه‌ای، کرد ها را به ادامه‌خوش  
علیه دولت کمونیست کرد.  
✽ شرکت تمام گروهها از جمله اعضای سابق حزب دموکرات در  
انتخابات شورایهای شهر آزاد است

شماره ۳ - سال اول



سایر گروه‌های مسلح در مقابل سرکوت و رتبه ۲ فرستاد و  
سایر گروه‌های مسلح، همگی در خارج از مرزهای شمالی به جمع‌آوری  
تجهیزات جنگ می‌پردازند.

✽ اعلامیه دو نصد باره منتشر شد  
از گروه ۲۰ نفری  
پاسداران، فقط ۷ تن  
جان سالم ببردند  
و بقیه شهید و اسیر شدند  
✽ در حمله مهاجمان به پاک بستون نظام  
حائل خوارکار، دو سرباز و پرتجه‌دار کشته  
و ۱۸ تن دیگر مجروح شدند.  
مجموعه ۳ و ۴





۱۲ صفحه  
تک شماره - ۱۵ ریال  
**کیهان**  
تک شماره ۳۹ مهر ماه ۱۳۵۸ - بیست و نهم دیقمده ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۸۳۱

فرمانده نیب مهاباد اعلام کرد:

# مهاباد در محاصره ارتش قرار گرفت

\* راههای ورودی و خروجی شهر شدیداً کنترل میشود  
\* در محوطه رادیو تلوزیون سندانج ، پمپ منتشر شد  
شماره ۲ - سون بهار

نماینده امام در غرب کشور : در درگیریهای خانه بخانه  
**۷۴ نفر در مهاباد کشته شدند**

معاون استانداری آذربایجان غربی : ارتش بر اوضاع مسلط است

## کسی در مهاباد جرات بیرون آمدن از خانه را ندارد

از راه هوا تعیین شد و در روزهای نخست نیروگرها با پاسداران ترکمن مشغول به نبرد روزی پس به آزاد ارتش نیز حمله میکنند .  
\* دیوگرها از منزل و مدارس ، تیراندازی میکنند  
\* پاسداران امکان مقابله کمتری را دارند .  
\* مهاباد در محاصره اقتصادی و نظامی قرار گرفته است .  
\* نماینده امام در مهاباد اعلام کرد که در مهاباد

نماینده امام برای مذاکره با مقامات عراقی از مرز خسروی گذشت  
**آخرین گزارشها از حوادث کردستان**  
\* کسی در مهاباد جرات بیرون آمدن از خانه را ندارد  
\* ارتش پراوضاع مسلط است  
\* مهاجمان ، فرمانداری اسلام آباد را بقوله بستند

۱۲ صفحه  
تک شماره - ۱۵ ریال  
**کیهان**  
دو شنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۸ - سیام دیقمده ۱۳۵۹ - شماره ۱۰۸۳۲



کیهان  
۵۹، ۲، ۳

درگیریهای خونین سنندج  
دیروز به اوج خود رسید

# ارتش شرایط آتش بس در سنندج را اعلام کرد

چرخ سلاح گروههای سیاسی یکی  
از شرایط قبول آتش بس است.

## گزارشهای کیهان از برخورد شدید در غرب کشور

صفحه ۲ - سون سوم

کیهان ۵۹، ۲، ۳

گزارشهای کیهان از حوادث چند روز گذشته سنندج

# سنندج به کنترل ارتش و پاسداران درآمد

مقاله رئیس جمهور  
در کیهان امروز  
صفحه ۲ - سون اول





## نمایه

ارتفاعات آبیدر, ۳۰, ۵۱, ۶۳, ۷۵,	آ
۷۶	
ارتفاعات شیلر, ۱۲۸	آذربون: علامرضا, ۱۰۸
اروپا, ۴, ۴۴, ۱۹۸,	آذرفر: غضنفر, ۹۸
ارومیه, ۳, ۴۴, ۴۷, ۶۸, ۶۹, ۸۴,	آذری: سرتیپ, ۱۲۵
۱۳۲, ۱۵۳, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۸۷,	آراسته: ناصر, ۲
۲۰۰, ۲۰۷, ۲۰۸,	آریاپور: استوار, ۸۷
استالین, ۴	آسیا, ۴
اسدی: احمد, ۸۷	آلمان, ۳
اسرائیل, ۱۷۰, ۱۸۴, ۱۸۵, ۲۰۹	ا
اسلیمی: احمد, ۶۰, ۶۱, ۶۳, ۷۷,	
اشراقی: حجت الاسلام, ۱۹۶	ابراهیم: پاسدار, ۸۷, ۱۱۱, ۱۱۲,
اشرف دهقان, ۲۳, ۲۴	۱۲۵
اشرف ربیعی, ۱۷	ابراهیمی: رحیم, ۲۹, ۵۰, ۹۹
اشنویه, ۴۷, ۱۶۳, ۲۰۸,	ابوشریف, ۷۵, ۱۷۴, ۱۷۹, ۱۸۰,
اصفهان, ۵۲, ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹,	۱۸۵, ۱۸۴
۶۱, ۶۳, ۶۸, ۶۹, ۷۷, ۸۰, ۸۴,	احمدی: خان ایل, ۱۲۸, ۱۲۹,
۸۵, ۱۴۳, ۱۵۵, ۲۰۷, ۲۰۹,	۱۳۰, ۱۳۱
افشارزاده: حسین, ۸۵, ۸۶, ۹۲	ادبیان: ستوان, ۳۶
افشین: خلبان, ۵۷	ارتش رهایی بخش, ۲۴
آقارب پرست, ۱۳۳	ارتفاع قلیچیان, ۹۵

باشگاہ افسران، ۳۰، ۵۱، ۶۵، ۶۸	امام خمینی، ۱۱، ۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳،
باغان: روستا، ۱۴۷	، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳،
بانہ، ۳، ۴، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۶،	، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۷۲، ۸۱، ۸۲،
، ۵۰، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۴، ۱۲۱،	، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۵۵،
، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۵۲،	، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹،
، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۵،	، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱،	، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۶،
، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹،	، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳،
، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵،	، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰،
۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸	۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹
بختیاری: غلام، ۶۰، ۷۱	امریکا، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۲، ۲۲، ۱۷۳،
بدری: سرہنگ، ۷۰، ۱۷۶	۱۸۴، ۱۸۵
بلوریان: غنی، ۵، ۱۹۸	امیری: کیکاوس، ۱۲۶، ۱۵۳
بندر شرفخانہ، ۴۴	امینی: خالد، ۷؛ محمود، ۸۶
بنی لوحی: سیدعلی، ۸۶	انصاری: علی، ۸۷
بنی صدر: ابولحسن، ۱۸، ۱۹، ۳۴،	انگلیس، ۳، ۴
، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۲،	اورامانات، ۱۷۲، ۱۷۵
، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۵۲، ۱۵۴،	اویسی: سپاہی، ۷۸، ۱۷۷، ۱۷۸،
، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۹۷،	ایتالیا، ۳
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳	ایلام، ۱۷۴، ۱۹۲
بہشتی: آیت اللہ، ۳۴، ۱۵۵	
بہمنش: علیرضا، ۸۶	ب
بوکان، ۵، ۶، ۳۴، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۷،	بارزانی: مسعود، ۱۹۲، ۱۹۸،
، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸،	بارزانی ہا، ۴
۱۸۹، ۲۱۰	بازرگان، ۱۵، ۴۴، ۱۶۷،

- بیجار, ۱۳۷
- تعریف: فریدون, ۲۰۶
- تکاب: شهر, ۲۱۱
- تمیزی: سپاهی, ۸۶
- تهدمتن: سروان, ۱۳۷, ۱۳۹
- توانگر: مسیح الله, ۸۶
- توتیائی, ۱۳۳
- تیپ سفز, ۱۲۶, ۱۵۳, ۱۷۴, ۱۷۵
- تیپ ۲۳, ۸۵, ۸۷, ۱۰۹, ۱۲۲,
- ۱۲۷, ۱۵۳
- تیپ ۸۴ خرم آباد, ۳۶
- ج
- جانوره: روستا, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۴۴
- جاودانی: ابوالقاسم, ۱۲۵, ۱۶۲
- جلیلوند: سرهنگ, ۱۶۶
- جمالی: اصغر, ۸۴, ۸۶, ۹۵, ۹۶,
- ۱۲۶
- جهان آرا, ۱۳۳
- جوادی: محمد, ۳۱
- جوانشیر: سروان, ۱۳۷, ۱۳۹
- پ
- پادگان ژاندارمری, ۳۲
- پادگان سنندج, ۳۰, ۳۲, ۳۴, ۳۵,
- ۴۵, ۵۰, ۵۱, ۹۶, ۹۸, ۱۰۶,
- ۱۱۰, ۱۱۹, ۱۳۱, ۱۴۴, ۱۷۵,
- ۲۰۲
- پاسگاه سپاهکل, ۲۲
- پاک سرشت: مرتضی, ۳۶
- پالیزیان, ۳۷, ۱۷۷
- پاوه, ۳۵, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۹۹, ۱۲۲,
- ۱۲۳, ۱۲۸, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۷۳,
- ۱۷۴, ۱۷۶, ۱۹۱, ۱۹۷, ۲۱۱,
- پورموسی, ۷۵, ۱۲۶, ۱۵۳
- پیرانشهر, ۵۰, ۹۵, ۱۷۸, ۲۰۸,
- پیشمرگان کرد مسلمان, ۶۵, ۷۸,
- ۷۹, ۸۲, ۹۰, ۹۰, ۱۰۱, ۱۰۵, ۱۱۴,
- ۱۱۷, ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۴۵, ۲۰۷,
- پیشه‌وری, ۴
- ت
- تانک اسکورپین, ۱۰۱
- تبریز, ۸, ۴۴, ۶۸, ۶۹, ۲۰۲, ۲۰۳,
- ترکان: احمد, ۶۶, ۸۶

- چمران: مصطفیٰ، ۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸،  
 ۴۳، ۴۴، ۵۲، ۷۲، ۱۲۲، ۱۷۱،  
 ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۱،  
 ۱۹۹  
 چہار دانگہ: ستواندوم، ۳۶
- ح
- حاتمی: سرہنگ، ۵۵  
 حاج سید جوادی: صدر، ۳۴  
 حرمتیپور: محمد، ۲۳، ۲۴  
 حزب دموکرات، ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷،  
 ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱،  
 ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۸۲، ۱۶۵، ۱۶۶،  
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،  
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۲،  
 ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳،  
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸،  
 ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،  
 ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰،  
 حزب کوملہ، ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۲۵، ۲۶،  
 ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۴۵،  
 ۵۰، ۸۲، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱،  
 ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۸،  
 ۲۱۱
- حسنی: حجت السلام، ۴۷، ۱۶۳،  
 ۱۸۲  
 حسینی: عزالدین، ۲۹، ۳۴، ۷۰،  
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵،  
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷  
 حشمتی: علی، ۸۷  
 حنیف نژاد: محمد، ۸، ۱۱  
 حیدری: احمد، ۸۷  
 حیدری: علی، ۹۸، ۹۹
- خ
- خادمی: آیت اللہ، ۱۵۵  
 خرازی: حسین، ۱۴۹  
 خرسندی: حسین، ۵۰، ۶۶، ۱۲۵  
 خرمشہر، ۱۳۷، ۱۳۹  
 خزاعی: علی مردان، ۵۵  
 خسروی: سرگرد، ۳۰، ۳۱، ۱۰۸،  
 ۱۱۰  
 خضرزندہ: منطقہ، ۱۳۵  
 خلخالی: آیت اللہ، ۱۷۴، ۱۷۶،  
 ۱۸۱، ۲۰۲  
 خلیج: پادگان، ۱۵۹  
 خوزستان، ۱۳۹  
 خوی، ۴۴، ۴۵، ۱۲۷  
 خیابانی: موسیٰ، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۰

رجوی: مسعود, ۹, ۱۱, ۱۴, ۱۵,  
 ۱۶, ۱۷, ۱۸, ۱۹, ۲۰, ۲۱, ۱۶۰  
 رحمانی: غلامحسین, ۱۸۴, ۱۸۵  
 رحیم صفوی, ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۸,  
 ۶۰, ۶۳, ۶۸, ۷۳, ۷۵, ۸۳, ۸۴,  
 ۸۶, ۹۰, ۱۰۹, ۱۱۵  
 رحیمی: رضا, ۷۷  
 رستگار پناه: سپاهی, ۸۶  
 رشیدخان: محمد, ۳  
 رضایی: داود, ۸, ۸۷  
 روز ارتش, ۲۷  
 روزولت, ۴

ز

زاهدی: اردشیر, ۱۷۷, ۱۷۸  
 زرشکی: حسن, ۸۷  
 زکیانی: سرهنگ, ۱۲۶, ۱۵۳

ژ

ژاپن, ۳  
 ژاندارمری, ۱, ۲, ۶, ۷, ۲۶, ۲۷, ۳۰,  
 ۳۲, ۳۳, ۳۶, ۳۸, ۳۹, ۴۱, ۴۵,  
 ۴۶, ۴۷, ۶۸, ۸۹, ۱۲۲, ۱۲۶,  
 ۱۲۷, ۱۳۴, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۴۴,  
 ۱۵۴, ۱۶۳, ۱۶۶, ۱۷۲, ۱۷۵

خیری دوست: حسن, ۸۴, ۸۶

د

دادبین: احمد, ۴۹, ۸۷, ۹۶, ۱۲۶,  
 ۱۴۳, ۱۵۰  
 دانشگاه تهران, ۶, ۱۴  
 دزفولیان: یوسف, ۹۲  
 دستمزد: ابراهیم, ۶۸  
 دکتر مجد, ۱۲۰  
 دکتر یزدی, ۱۷۷  
 دکل مخابراتی, ۹۵, ۹۷  
 دهگلان, ۷۰, ۷۰, ۸۹, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸,  
 دیواندره, ۳۰, ۳۶, ۶۷, ۷۵, ۷۶,  
 ۸۸, ۸۹, ۱۰۱, ۱۰۳, ۱۰۵,  
 ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۳,  
 ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۳, ۱۴۱, ۱۵۲,  
 ۱۷۹, ۱۸۱, ۲۰۵, ۲۱۱

ر

رادفر: سرهنگ, ۹۲  
 رامتین: شهرام, ۱۲۴, ۱۲۷, ۱۵۳  
 رامسر, ۱۹۵  
 ربانی شیرازی: ایت الله, ۲۱۱  
 رجائی, ۱۶۰, ۱۶۱

سحابی: مهندس. ۱۹۱، ۱۹۰	، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۶
سد قشلاق، ۷۵، ۱۰۳، ۲۱۰	، ۱۹۸، ۱۹۱، ۱۸۹، ۱۸۶، ۱۸۴
سَدّاد: رسول، ۴۱، ۴۲	۲۰۲
سردشت، ۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳،	
، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۷۲، ۸۹،	س
، ۱۲۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۵،	سازمان پیکار، ۹، ۱۱، ۲۵
، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳،	سازمان چریک‌های فدایی خلق، ۲۲،
، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰،	۲۳، ۲۵، ۲۸
۲۰۲، ۲۰۸	سازمان مجاهدین خلق، ۸، ۹، ۲۵
سروآباد: روستای، ۱۱۴، ۱۱۵،	سالار جاف، ۳۷
۱۱۶، ۱۱۹	سالک: احمد، ۵۴، ۵۶
سقز، ۴، ۶، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۴۷، ۵۰،	سامی مقام: سرگرد، ۳۰
، ۷۶، ۸۸، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱،	ساواک، ۹، ۱۱، ۳۵، ۱۸۰
، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،	سپاه پاسداران، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۵۴،
، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۶۵،	، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۵،
، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸،	، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۴،
، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۰،	، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۱،
۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰	، ۱۴۳، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۷۹،
سلطان اسحاق: سرهنگ، ۳۱، ۳۲	، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹،
سلطانی: مصطفی، ۶، ۳۰، ۳۵	، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲،
سلماس، ۴۴	۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷
سهرابی: اسماعیل، ۳۷	سپاه رزگاری، ۲۶
سه‌راهی تیزتیز، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۴۰،	سپاه قم، ۷۸
۱۴۲، ۱۴۴	ستاری: سیروس، ۱۴۴
	ستوان اسلامی، ۴۹

ص	ش
صادقی گویا: نجاتعلی، ۹۴	شادزی: استوار، ۸۷
صالحیان: ابراهیم، ۸۷	شاکر: سرلشکر، ۱۸۹
صباغیان: هاشم، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۳،	شاه حسینی: همافر، ۷۱
۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷	شاهمرادی، ۸۶
صدام حسین، ۱۵، ۲۱، ۱۷۷	شریعتمداری: ایت الله، ۱۷۷، ۱۷۸،
صدری: سرهنگ، ۶۲، ۶۳، ۸۳،	۱۸۷، ۱۹۴
۱۰۵، ۱۲۶، ۱۵۳	شریف اشراف، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
صدوقی: ایت الله، ۱۷۷	۴۶
صدری: آیت الله، ۲۸، ۲۹	شریف واقفی: مجید، ۹
صفری: ماشالله، ۳۰	شریف النسب، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،
صفوی: مرتضی، ۱۴۸	۱۳۶، ۱۳۸
صلوات آباد: گردنه، ۷۰، ۷۱، ۲۰۲	شریفزاده: اسماعیل، ۵
صوفیان، ۴۴	شریفی: منوچهر، ۴۶، ۹۱
صیاد شیرازی، ۲، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷،	شمشیری: سپاهی، ۸۶
۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۹،	شهرامفر: حسن، ۴۹، ۸۵، ۸۶، ۸۷،
۷۰، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲،	۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴،
۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۴،	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴،
۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۲،	۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۳،
۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳،	شهربانی، ۷، ۱۱، ۴۵، ۹۰، ۱۶۷،
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳،	۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶،
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷،	۲۰۵
۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،	شوروی، ۳، ۴، ۵، ۲۵، ۱۷۵
۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۲	شیبانی: حسین، ۳۵، ۷۹
	شیرودی: ستوان، ۱۰۹

- ط
- فراشاهی: محمد, ۱۷۴, ۱۷۵, ۳۵
- فرانسه, ۳, ۱۸, ۱۹, ۲۱, ۱۶۰
- فراهانی: مریوان, ۳۵
- فربد: سرلشکر ۱۶۶
- فرخ نگهدار, ۲۳, ۲۵
- فرخ نیا: هادی, ۱۷۶
- فردپور: حسن, ۱۳۵, ۱۳۷
- فردیس: محسن, ۸۷
- فروگاه سندنجد, ۵۱, ۵۶, ۵۷, ۵۹,
- ۱۷۳, ۱۰۶, ۹۹
- فروغی: سپاهی, ۸۶
- فروهر: داریوش, ۱۲۲, ۱۸۵, ۱۸۶,
- ۱۸۷, ۱۸۸, ۱۹۰, ۱۹۲, ۱۹۳,
- ۱۹۷, ۱۹۵
- فکوری: خلبان, ۵۷, ۱۳۳
- فلاحی: ولی الله, ۲, ۲۶, ۳۷, ۴۶,
- ۵۴, ۵۵, ۵۷, ۷۶, ۸۱, ۸۴, ۸۸,
- ۹۵, ۱۲۱, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۷,
- ۱۳۳, ۱۵۲, ۱۵۴, ۱۸۶,
- فهیمی: صالح, ۱۲۶
- فیروزی نژاد: حسن, ۱۳۷
- فیض آبادی: سرباز, ۱۴۸
- طالبانی: جلال, ۱۷۸, ۱۹۲
- طالقانی: آیت الله, ۸, ۱۳, ۳۴,
- ۱۶۵, ۱۶۶
- طاہری: آیت الله, ۱۵۵, ۲۰۸
- طایفه نوروز, ۷۱
- طباطبایی: صادق, ۱۸۴
- طرطوسی: عبدالله, ۳۵
- ظ
- ظہیرنژاد: قاسمعلی, ۱۲۷, ۱۵۴
- ع
- عرب سرہنگی, ۵۷, ۵۹
- عطاریان: هوشنگ, ۱۵۲, ۱۵۴,
- ۱۵۷
- علیجانی: عباسعلی, ۳۲, ۷۹, ۸۰
- عملیات ظفار, ۱۰۲
- عملیات مرصاد, ۲۱
- غ
- غفراللہی: اکبر, ۸۵, ۸۶, ۱۲۵
- ف
- فرازیان: یدالله, ۱۳۵

۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۸۲، ۱۸۸،

۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵

کریمی: محمد حسین، ۶، ۷

کلانتر: حسن، ۱۵۹

کلاهدوز، ۱۳۳، ۱۵۹

کمانگر: صدیق، ۶، ۳۰، ۳۱

کمانگری: محمد، ۱۲۵

کنفرانس تهران، ۴

کهریزک، ۱۳۳

کوچک‌زاده: علی، ۱۶۲

کوششی: محمد، ۷، ۵۴، ۵۶

کیان: سرهنگ، ۱۵۳

### گ

گردان ۱۳۹: پیاده، ۳۶، ۱۲۴

گردان ۱۵۵ پیاده، ۵۱

گردان ۱۷۸، ۱۰۶، ۱۲۹

گردنه تخت گاران، ۱۴۴

گروهک خباط، ۲۶

گروهک علی مریوانی، ۲۶

گلستانه: هادی، ۹۹

گنبد: شهر، ۲۷، ۶۱، ۹۵

### ل

لاهورتی: حجت السلام، ۱۶۹

### ق

قاسملو: عبدالرحمن، ۵، ۴۰، ۱۷۵،

۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۱

قاضی محمد، ۳، ۴، ۶، ۲۰۰

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، ۱۵

قرارگاه مشترک، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۶،

۱۰۷، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۳،

۱۵۵، ۱۶۳

قرنی: سپهبد، ۲، ۲۶، ۳۲

قروه، ۷۰، ۷۷، ۱۳۷، ۱۸۰، ۱۸۱

قشقای: عبدالله، ۱۸۸

قطور، ۴۴، ۴۵، ۲۰۱

### ک

کارگرخواه: استوار، ۸۷

کاشان، ۱۷۴

کاظمی: ناصر، ۳۷، ۱۲۳، ۱۲۴

کاک رحیم، ۷۲

کامیاران، ۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۱،

۱۵۷، ۱۷۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹،

۲۰۹، ۲۱۰

کتیبه: سرهنگ، ۱۵۸

کرمانشاه، ۳۷، ۵۱، ۵۲، ۵۹، ۹۸،

۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷،

۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۹،

مريوان، ۶، ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۳۷، ۵۰،	لباف نژاد: مرتضى، ۹
۷۲، ۷۶، ۸۸، ۸۹، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،	لشکر یک مرکز، ۴۱، ۴۳
۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷،	لشکر ۱۶، ۷۰، ۹۲، ۱۲۲، ۱۲۴،
۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹،	۱۲۷، ۱۵۳
۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶،	لشکر ۲۸، ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۶۸، ۷۹،
۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،	۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۰۷، ۱۰۸،
۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰،	۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۴،
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰،	۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۹۹،
۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰،	لشکر ۶۴، ۲۶، ۴۷، ۱۵۳، ۱۶۲،
۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۶،	لشکر ۷۷، ۲۷، ۱۲۵، ۱۶۲،
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	لشکر ۸۱، ۵۲، ۱۲۵، ۱۵۳،
مسجد جامع سنندج، ۱۹۶	
مسعودی: سرگرد، ۳۰	م
مصطفوی: سيد علی اکبر، ۷۱، ۷۲،	مامدی: ستار، ۴۴
۷۳، ۸۷، ۹۳	ماموستا، ۹۰، ۱۱۴
مفتی زاده: احمد، ۲۹، ۳۰، ۱۶۵،	متوسليان: احمد، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۷،
۱۷۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۰۹،	۱۱۴، ۱۱۴
مقاومت ۴۰ روزه باشگاه افسران، ۵۱	متولی: علی، ۵۱، ۶۰، ۶۱، ۶۲،
مُقري، ۶	محمد بروجردی، ۶۴، ۶۸، ۸۳، ۸۴،
ملکی: استوار، ۸۷	۸۶، ۸۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲،
منتظری: ایت الله، ۷۱، ۱۵۵، ۱۸۴،	محمدیان: گروهان، ۸۷
مهاباد، ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۶، ۳۴، ۴۰،	محمدی فر: ناصر، ۹۳
۴۳، ۴۶، ۴۷، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،	مدرکیان: سرهنگ، ۱۲۶، ۱۵۳،
۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶،	۱۵۷
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱،	مدنی: سيد ابراهيم، ۱۲۵

- نواب صفوی، ۱۹۲  
 نوروژ سعدي: سروان، ۱۴۹، ۹۹  
 نوروژی: سرهنگ، ۶۵  
 نوری: اصغر، ۱۲۶، ۸۷  
 نوژه: محمد، ۱۷۳، ۱۷۴  
 نوسود، ۳۷، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۸۵  
 نیاکان: علی، ۸۶، ۵۰  
 نیروی هوایی، ۲۷، ۵۷، ۷۰، ۹۴  
 نیکنام: کاظم، ۴۸  
 نیک‌نژاد: سرهنگ، ۹۰  
 ه  
 هاشمی: سپاهی، ۹۵  
 هاشمی: سید حسام، ۲، ۳۴، ۵۴  
 ۵۵، ۷۷، ۸۶، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹  
 ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۴۳  
 ۱۷۹، ۱۹۳  
 هاشمی: سید علی اکبر، ۹۵، ۹۶  
 هاشمی رفسنجانی، ۳۴، ۱۷۹، ۱۹۳  
 هزارکانبان: روستا، ۸۹، ۱۲۸، ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 هلیکوپتر ۲۱۴ ۶۳، ۹۹، ۱۲۰  
 هلیکوپتر شنوک، ۹۹  
 همدان، ۷۰، ۷۵، ۷۶، ۸۱، ۱۰۹  
 ۱۶۹، ۱۷۶  
 ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶  
 ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۰۸  
 ۲۱۰، ۲۱۱  
 مهتدی: عبدالله، ۳۰، ۳۳  
 مهرپویا، ۸۷  
 موجش، ۸۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶  
 ۱۳۸  
 موحد دانش: علی، ۶۰، ۷۷  
 موسوی: حجت السلام، ۲۰۹  
 میدان اقبال، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۷۸  
 میرشکرائی، ۱۰۶  
 میرفخرائی، ۱۰۱  
 میرکیانی: غلامرضا، ۱۳۵  
 ن  
 نامجو: سید موسی، ۱۳۳، ۱۳۴  
 ۱۳۵، ۱۳۹  
 نجفی مرعشی: است الله، ۱۸۴  
 نصر اصفهانی: محمد جعفر، ۱۵۹  
 نصرت‌زاد، ۵۵، ۲۰۳  
 نعمتی: پاسدار، ۱۲۹، ۱۳۱  
 نقده، ۴۶، ۴۸، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۱  
 ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۱۱  
 نقدی: سرگرد، ۱۲۴  
 نگل: روستا، ۱۱۷، ۱۱۸

۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶،

۱۵۰

ی

یاحی: رسول، ۸۶، ۱۱۰، ۱۱۸،

۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹،

یونسی: استاندار، ۲۱۱

همدانی: حسین، ۷۱

هوایمائی سی ۱۳۰، ۵۷، ۵۸، ۶۸،

۷۲

هوانیروز، ۳۷، ۴۰، ۵۶، ۶۹، ۷۰،

۸۱، ۸۶، ۹۰، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱،

۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰،

بسمه تعالی

«معارف» هیئت از جنس دین است

کواه جنگ بر این سرزمین است

حریث لچ سه و هم هفت آذر

کتاب قصه فتح المبین است

معرفی هیئت معارف جنگ در کوتاه‌ترین کلام شعری:

- ❖ واژه‌های "معارف"، "هیئت" و "جنگ" در بیت اول، نام هیئت معارف جنگ را تداعی می‌کند.
- ❖ واژه "گواه"، مأموریت ما را تبیین می‌کند که یعنی: شاهد لحظات جنگ بوده‌ایم و از طرفی چون گواه هستیم، موظف به گواهی دادن می‌باشیم.
- ❖ حرف "بر"، نشان‌دهنده تحمیلی بودن جنگ است، وگرنه جا داشت که کلمه «در» آورده می‌شد.
- ❖ در بیت دوم به عملیات‌های مهم "لچ سه" نیروی هوایی و "هفت آذر" روز عملیات مروراید در دریا و همین‌طور نبرد زمینی "فتح المبین" به عنوان نمونه‌هایی از دفاع مقدس اشاره شده است.



### تشریح نشان هیئت معارف جنگ



کتاب آسمانی قرآن، نماد علم و حکمت



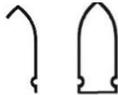
نشان جمهوری اسلامی ایران



دستخط و امضای شهید سپهبد علی صیادشیرازی بنیانگذار هیئت معارف جنگ



هشت پر یا ستاره ایرانی (شمسه)، در اینیه و مساجد اسلامی و ایرانی، به یاد هشتمین امام شیعیان حضرت امام رضا (ع) استفاده شده است. انتخاب عدد هشت، بیانگر هشت سال دفاع مقدس است و دلیل وجود شمشه در نشان این است که معارف جنگ برگرفته از مبانی دینی و فرهنگ تشیع است.



مرمی فشنگ جنگ: یادآور جنگ تحمیلی



محراب (محل حرب و مبارزه با نفس)، محل نماز که این واجب در اول وقت برای شهید صیاد اهمیت بالایی داشت



پلاک رزمندگان: یادآور جنگ و بدن های رها شده شهدا و جانبازان در صحنه های نبرد



قلم: نماد فرهنگی

در نشان معارف جنگ از دورنگ آبی و قرمز استفاده شده است که رنگ آبی، نشان دهنده پاکی و صفا، صداقت، صلح و دوستی و رنگ قرمز، نشان دهنده روحیه شهادت طلبی و ایثار است.